



# پژوهشنامه تبلیغ اسلامی



دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال چهارم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ویژه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم

۹

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

سرمدبیر: مصطفی آزادیان

دبیر تحریریه: احمد فلاح زاده

کارشناس امور اجرایی: اکبر اسماعیل پور

مترجم چکیده: محمدرضا عموحسینی

نشریه «پژوهشنامه تبلیغ اسلامی» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۵۵۷۰ تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱۴ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان دو فصلنامه تخصصی در زمینه الهیات و معارف اسلامی منتشر می شود.

دو فصلنامه پژوهشنامه تبلیغ اسلامی در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran.com)؛ پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)؛ پایگاه استنادی سیویلیکا (Civilica.com) پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) نمایه می شود.

هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله ها آزاد است. دیدگاه های مطرح شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم است.

آدرس نشریه: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷ سامانه نشریه: <http://jip.dte.ir>

ایمانامه: [tabligh@dte.ir](mailto:tabligh@dte.ir)

قیمت: ۱۶۰/۰۰۰ تومان

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب

## اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

---

### مصطفی آزادیان

(دانش آموخته حوزه علمیه قم و دکتری ادیان و عرفان)

### محمدتقی انصاری پور

(عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب)

### حجت الله بیات

(عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و حدیث)

### عباس پسندیده

(عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث)

### حسین جوان آراسته

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

### کریم خان محمدی

(عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم)

### ناصر رفیعی محمدی

(عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

### سعید روستا آزاد

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

### ابوالفضل ساجدی

(عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی علیه السلام)

---

### شیوه‌نامه تدوین مقالات

۱. مقاله باید پیش از این، جایی منتشر نشده و یا همزمان به مجله دیگری ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش اولیه مقاله منوط به رعایت راهنمای تدوین مقالات و برخورداری از حداقل استاندارد پژوهشی و پذیرش نهایی آن منوط به تأیید داوران و هیئت تحریریه است.
۳. در صورتی که مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری است، ذکر نام استاد راهنما الزامی است.
۴. مقالات ترجمه‌ای تنها در صورت داشتن نقد مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.
۵. مقاله در محیط World (با قلم B Lotus ۱۴ برای متن فارسی و با قلم Times New Roman ۱۱ برای متن انگلیسی) حروف چینی گردد.
۶. مقاله باید شامل: عنوان، چکیده فارسی، کلید واژگان، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه، کتابنامه و چکیده انگلیسی باشد.
۷. چکیده مقاله باید شامل هدف، روش و نتایج به دست آمده باشد.
۸. چکیده باید بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه و تعداد کلید واژه‌ها باید بین ۴ تا ۷ کلمه باشد.
۹. مقدمه مقاله باید شامل تعریف مسئله، پیشینه اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی باشد.
۱۰. بدنه اصلی مقاله باید محصول مطالعه، تجربه و پژوهش‌های دست اول نویسنده و متضمن دست آورد علمی جدید با تکیه بر نتایج عملی باشد.
۱۱. نتیجه‌گیری مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد.
۱۲. حجم مقاله نباید از ۴۰۰۰ کلمه کمتر و از ۶۰۰۰ کلمه بیشتر باشد.
۱۳. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
۱۴. استنادها در مقاله به شیوه (APA) تنظیم شود.
۱۵. استناد درون‌متن، داخل پرانتز، شامل (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه) باشد.

۱۶. در صورتی که از یک نویسنده در یک سال، دو اثر چاپ شده باشد و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد پس از ذکر سال انتشار با حروف ( الف و ب ) یا ( a , b ) از هم متمایز گردند.

۱۷. اگر تعداد نویسندگان بیش از سه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن، از عبارت " و دیگران " استفاده شود.

۱۸. اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد با نقطه ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

۱۹. کتابنامه در پایان متن بر اساس حروف الفبا و به صورت زیر تنظیم شود:

- مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله (به صورت ایتالیک)، دور (شماره)، شماره صفحات آغازین و پایانی مقاله.
- کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان کتاب (به صورت ایتالیک)، مترجم/ ویراستار/ گردآورنده، چاپ ... ام، محل نشر: ناشر.
- کتاب ترجمه یا تصحیح شده: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان کتاب (به صورت ایتالیک). (نام و نام خانوادگی مترجم/ مصحح). محل انتشار: ناشر. (در صورت ترجمه، سال انتشار کتاب به زبان اصلی).
- کتاب چند جلدی: نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان کتاب (به صورت ایتالیک). (شماره جلد). چاپ ... ام، محل انتشار: ناشر.
- مقاله در مجموعه مقالات یا فصلی از یک کتاب دارای ویراستار یا گردآورنده: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). عنوان مقاله/ فصل. نام گردآورنده یا ویراستار. عنوان مجموعه مقالات (به صورت ایتالیک). شماره صفحات آغازین و پایانی مقاله. چاپ ... ام، محل نشر: ناشر.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی، نام. عنوان مقاله/ کتاب، تاریخ دریافت، آدرس سایت.

## ۲۰. مسئولیت مقاله

- مسئولیت صحت و سقم مطالب بر عهده نویسنده/ نویسندگان است. از این رو مقالات بیانگر دیدگاه اعضاء هیئت تحریریه نیست.
- فصلنامه در رد یا قبول و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد محتوای مقاله باید مورد تأیید همه نویسندگان باشد.
- نقل و اقتباس از مقاله‌های مجله با ذکر مأخذ آزاد است.
- در صورتی که نویسنده از دستاوردهای پژوهشی دیگران یا بخشی از پژوهش‌های خود، بدون ذکر منبع، استفاده کند، سرقت علمی به حساب آمده و مقاله پذیرفته نمی‌شود.

## فهرست مطالب

- ۸ راهبردهای تبلیغی شیخ عبدالکریم حائری  
سید عباس رضوی / احمد فلاح‌زاده
- 
- ۴۰ ساختار و روش‌های تبلیغی حوزویان در عصر مراجع ثلاث (۱۳۱۵-۱۳۲۳ش)  
محمدحسین کاظمی
- 
- ۶۸ بازشناسی رویکردهای تبلیغات حوزوی (داخلی و بین‌المللی) در عصر آیت‌الله بروجردی  
مرتضی غرسبان
- 
- ۱۰۲ حوزویان و تبلیغ دینی پس از آیت‌الله بروجردی در عصر مراجع خمسه  
مجید شاکر سلماسی
- 
- ۱۲۴ سیر تکاملی تبلیغ دینی پس از انقلاب اسلامی کنشگری‌ها، گونه‌ها، قالب‌ها و پشتیبانی‌ها  
اباذر جعفری
- 
- ۱۵۶ یکصد و بیست سال مقابله علما و مبلغان با باستانگرایی  
مصطفی محسنی





# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

## Propagational Strategies of Sheikh Abdul Karim Haeri

Seyed Abbas Razavi\*

Ahmad Fallahzadeh\*\*

### Abstract

Sheikh Abdul Karim Haeri Yazdi (1859-1936), the head of Islamic Seminary of Qom and one of the prominent jurists in the field of religious developments in contemporary Iran. In his era, Islamic Seminary of Qom became integrated and was able to give a new coherence to the intellectual line of authority in Iran during the age of Reza Khan. The current question is, what approach did he take in the field of religious propagation and what network did he create during his 15 years of being the head of the seminary? This study seeks to obtain the history of religious propagation organizations in the era of Ayatollah Haeri with the aim of knowing the propagation power of this institution in the first Pahlavi era. This research, based on the method of description and analysis of library data, has examined the historical events. The findings suggest that Ayatollah Haeri, by making it customary to propagate during Muharram and Ramadan days and forming a network of propagators, eulogists, and Ta'aziah singers throughout Iran, which was managed by his students, gave religious propagation a network form and he could stand against the anti-religious policy of the Pahlavi government.

### Keywords

Sheikh Abdul Karim Haeri, sending propagators, propagation of Islamic Seminary clerics, propagation test.

---

\* Graduated from Islamic Seminary of Qom and author.

\*\* PhD in History of Islam. Ahram12772@gmail.com.

## راهبردهای تبلیغی شیخ عبدالکریم حائری

سید عباس رضوی\*

احمد فلاحزاده\*\*

### چکیده

شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۳۸-۱۳۱۵ ش)، زعیم حوزه علمیه قم و از فقیهان نقش آفرین در عرصه تحولات دینی در ایران معاصر به شمار می‌رود. حوزه علمیه قم در عصر ایشان، به صورت یکپارچه درآمد و توانست به امتداد خط فکری مرجعیت در ایران عصر رضاخان انسجام تازه‌ای ببخشد. پرسش پیش رو، این است که در مدت ۱۵ سال سرپرستی حوزه علمیه از سوی ایشان، وی در عرصه تبلیغات دینی چه رویکردی اتخاذ کرد و چه شبکه‌ای را ایجاد نمود؟

هدف این تحقیق، دستیابی به تاریخ تشکیلات تبلیغ دینی در عصر آیت‌الله حائری با هدف شناخت توان تبلیغی این نهاد در عصر پهلوی اول است. این پژوهش، بر اساس روش توصیف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای، به بررسی تاریخی رخدادها پرداخته است. یافته‌ها بر آن است که آیت‌الله حائری، با مرسوم‌سازی تبلیغ در ایام محرم و رمضان و تشکیل شبکه‌ای از واعظان و مداحان و تعزیه‌خوانان در سراسر کشور که به وسیله شاگردانش مدیریت می‌شد، به تبلیغات دینی، صورت شبکه‌ای بخشید و در برابر سیاست دین‌ستیزی دولت پهلوی ایستاد.

**کلیدواژگان:** شیخ عبدالکریم حائری، اعزام مبلغ، تبلیغات حوزویان، آزمون تبلیغ.<sup>۱</sup>

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

\*\* دکتری تاریخ اسلام: ahram12772@gmail.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت

آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.



## مقدمه

آیت‌الله حائری در سال ۱۳۰۱ شمسی به دعوت عالمان قم، به این شهر رفت و با پذیرش سرپرستی حوزه علمیه قم و بخشیدن انسجام نوینی به آن، بیش از هر چیز به برنامه‌ریزی برای تثبیت و پیشرفت حوزه دست زد. یکی از موضوعاتی که در دوره ایشان رقم خورد، بحث پیدایش تبلیغ از سوی حوزویان و ایجاد شبکه مبلّغان بود. این پژوهش، در پی پاسخ به چگونگی این امر است. هدف از این تحقیق، دستیابی به روش کاری آیت‌الله مؤسس در اجرای برنامه‌های تبلیغی و شیوه شبکه‌سازی تبلیغی از سوی ایشان است. فرضیه تحقیق این است که وی با توجه به درک شرایط نوین شکل گرفته در قرن چهاردهم هجری شمسی و بایستگی تحول حوزه علمیه قم، شرایط را برای تبلیغ حوزویان آماده کرد و سپس، به شبکه‌سازی در این مسیر پرداخت. روش پژوهش، مطالعه اسناد و بررسی کتابخانه‌ای با روش توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی است.

## پیشینه بحث

بر اساس تحقیقات انجام‌شده، تا کنون مقاله، کتاب یا پایان‌نامه‌ای در باره موضوع این پژوهش نوشته نشده است. با این حال، یکسری از پژوهش‌های مرتبط، مورد اشاره قرار می‌گیرند. پایان‌نامه ارشد «نقش تبلیغ سنتی دین در جامعه کنونی» نوشته روح‌الله عباس‌زاده در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، بدون اشاره به تبلیغ دینی در عصر آیت‌الله حائری، به این نتیجه رسیده است که تبلیغ سنتی، روشی برتر در تقویت باورهای دینی است. افزون‌براین، پایان‌نامه ارشد «زندگی؛ زمانه و کارنامه علمی، سیاسی و اجتماعی شیخ عبدالکریم حائری یزدی» به خامه نجف عبادی، فقط به زندگی ایشان پرداخته است و موضوع این پژوهش را هرگز برنکاویده است. همچنین، پایان‌نامه ارشد «زندگی و زمانه آیت‌الله حائری یزدی» به قلم محمد طبرزدی، به خدمات عام‌المنفعه فراوان آیت‌الله حائری، از جمله: تأسیس دو بیمارستان، غسالخانه و خدمت ویژه به مردم سیل‌زده قم اشاره دارد؛ اما او نیز به صورت مستقیم به روش‌های تبلیغ دینی در حوزه نپرداخته است. همچنین، رساله دکترای «تولد حوزه علمیه قم» نگاشته سهیلا وارسته‌پور و امیر صفری، «تولد» حوزه علمیه جدید قم در عصر آیت‌الله حائری را متأثر از شکل‌گیری دولت - ملت مدرن در ایران و عراق مد نظر قرار داده است و اندیشه اصلاح حوزه (یا به عبارتی تولد حوزه

در شکل و شمایل و متمایز امروزی آن در عصر حاضر) را در متن اندیشه اصلاح و ورود اندیشه مدرن به جامعه ایرانی در نظر گرفته است؛ اما اشاره‌ای به روش‌های تبلیغی آن ندارد. در میان مقالات، نویسنده همین پژوهش، در مقاله دیگری با عنوان «حاج شیخ عبدالکریم حائری و سامان دادن به تبلیغات دینی» در مجله حوزه، سال ۱۳۸۳، شماره ۱۲۶، به روش‌های تبلیغی حاج شیخ اشاره نموده است که البته در مقاله حاضر، به شبکه مبلغان نیز می‌پردازد.

### نخستین انگیزه راهبردی

در هر کاری، شناخت انگیزه (نیت) انجام کار، بسیار مهم است. نخستین انگیزه دینی آیت‌الله حائری از بازگشت به ایران را می‌توان در خلال گفت‌وگوهای او با آقا جمال گلپایگانی نگریست: ... با شیخ عبدالکریم در قطار سامرا بودم که می‌خواست به ایران برود. به ایشان گفتم: شما از کسانی هستید که بعد از میرزای شیرازی مُشار بالبنان (نامزد مقام مرجعیت) می‌باشید؛ چرا می‌خواهید به ایران بروید؟ [و از مقام مرجعیت دور شوید!] ایشان گفتند: من نمی‌خواهم مرجع بشوم! می‌خواهم بروم ایران. اگر از دستم برآید، خدمتی به اسلام و مسلمانان بکنم (استادی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸).

دومین گام در عملکرد آیت‌الله حائری، ایجاد انگیزه در میان طلاب حوزه بود. از نگاه مؤسس حوزه، درس خواندن به عنوان مقدمه فهم دین و راه شناساندن آن به مردم و نیز نشر ارزش‌های الهی و پیش‌برد آن، اصلی‌ترین وظیفه حوزویان به شمار می‌رفت. با این زمینه ذهنی، لزوم اجرای برنامه‌های جدید در عرصه تبلیغ، از اهداف آیت‌الله حائری شد.

وی با اشاره به دو مشکل حوزه در آن عصر، یعنی پرهیز از مسئولیت‌پذیری برخی از حوزویان و سُست شدن پیوند مردم با علمای مکتب، بسترهای دین‌گریزی و گسترش انحراف‌های اجتماعی را نتیجه همین دو امر می‌دانست. از این رو، بر علما و فضلا واجب شمرد تا در برابر بدعت‌ها و کژروی‌ها بایستند و تأکید داشت:

«بر دانشمندان اسلامی این عصر لازم است، با کمال جدیت و تمام وسائل ممکنه، در مقام ارشاد برآمده و از تزلزل [عقاید] ساده‌طبعان و تشویش آنان جلوگیری نمایند» (فقیه شیرازی، ۱۳۴۷، ص ۱-۲).

وضع مالی نامناسب حوزه که مشکل بزرگی بود، سبب شد حاج شیخ در اولین گام برای

سروسامان دادن به این امر، به گردآوری کمک‌های مردمی پردازد. بر این اساس، روزنامه اتحاد در شماره ۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۱ شمسی، خبر داد بنا بر دعوتی که از بازرگانان برای حضور در خانه میرزا ابوطالب اسلامی به عمل آمد، جمع‌آوری کمک «برای طلاب قم که در خدمت حجت‌الاسلام حاج شیخ عبدالکریم یزدی هستند»، مطرح شد و آقایان: اسلامی، اسلامبولچی، حاجی عباسقلی تاجر تبریزی و معاون التولیه، هریک در این مورد اظهاراتی کرده و نزدیک به هزار تومان از طرف حاضران جمع شد (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۰).

با آغاز روند توسعه مالی، بازسازی مدرسه فیضیه و ساختن طبقه بالا و کتابخانه آن نیز شروع شد (ناصر الشریعه، ۱۳۸۳، ۳۴۲). مسئله رونق حوزه، آن‌قدر برای حاج شیخ اهمیت داشت که حتی ایشان در سفر احمدشاه به قم، به همراه مسئولان شهر، به استقبال وی رفت تا از این فرصت برای آبادانی حوزه استفاده کند (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۵۴).

برنامه بعدی، نظم‌دهی به امور درسی طلاب بود. در عصر ایشان، به طلاب جدیدالورود شهریه نمی‌دادند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۴۰۲)؛ زیرا برنامه حاج شیخ این بود که تا طلبه‌ای شش ماه در قم نمی‌ماند و دقیقاً شناسایی نمی‌شد، نه به او حجره می‌دادند و نه شهریه (ذاکری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۲).

البته سیر جریان‌ها در ایران به گونه‌ای بود که حاج شیخ، نگران وضع فرهنگی و اجتماعی ایران می‌شد؛ زیرا پایگاه روحانیت را که بالندگی باورها به آن بستگی داشت، کم‌رونق می‌دید و انگلیس نیز از جریان‌های مذهبی، از جمله فرقه آقاخانیه، برای ایجاد فتنه در ایران بهره می‌گرفت (استادی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۰-۴۰۰).

برای بیان دسته‌بندی حوزویان عصر آیت‌الله حائری، در یک طبقه‌بندی می‌توان آنها را در چهار طبقه قرار داد: یکم. «طلاب مبتدی = طلابی که کمتر از ده سال در حوزه تحصیل کرده بودند»؛ دوم. «روحانیون باسابقه = روحانیونی که بیش از ده سال سابقه در حوزه داشتند؛ ولی عالم مشهوری نبودند»؛ سوم. «علمای مشهور = روحانیون سرشناسی که صاحب کرسی تدریس یا منبر بودند»؛ چهارم. «مجتهدان سرشناس و مراجع تقلید».

معمولاً رسم بود که علمای بزرگ و مراجع تقلید به تدریس و آموزش طلاب می‌پرداختند و منبر رفتن در مراسم‌های دینی در میان ایشان رسم نبود.

همچنین، تبلیغ حوزه متمرکز بر مجالس روضه سید الشهداء علیه السلام بود که به مرور، رضاخان به محدود کردن مراسم روضه‌خوانی پرداخت. وی در محرم سال ۱۳۱۱ شمسی، روزهای تعطیل محرم را از چهار روز (آخر دهه اول محرم) به سه روز کاهش داد (هاکس، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱-۱۹۲) و در سال ۱۳۱۴ شمسی، دست را فراتر نهاده، سینه‌زنی را ممنوع کرد (امینی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹) و در سال ۱۳۱۶ ش (یک سال پس از رحلت آیت‌الله حائری)، طی اطلاعیه محرمانه وزارت داخله (کشور)، به‌طورکلی، روضه‌خوانی را غیرقانونی اعلام نمود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱، ص ۱۴۴).

به موجب یک آمار در سال ۱۳۰۴، شمار مدارس دینی ایران ۲۸۲ باب، و شمار طلبه‌ها ۵۹۸۴ نفر بود؛ اما شانزده سال بعد، یعنی در سال ۱۳۲۰ (آخرین سال سلطنت رضاخان)، شمار مدارس با کاهش ۷۶ مدرسه، به ۲۰۶ باب، و شمار طلبه‌های آن با کاهش ۵۱۹۶ طلبه، به ۷۸۴ نفر تقلیل یافت. این وضعیت، به همین شکل ادامه یافت؛ تا جایی که حوزه علمیه قم در غیاب آیت‌الله حائری و در پایان حکومت رضاخان، کمتر از ۳۰۰ نفر طلبه داشت (فراتی، ۱۴۰۱، ص ۸۷؛ مجله حوزه، ۱۳۷۰، ص ۴۷)؛ با آنکه در آغاز تصدی شیخ عبدالکریم، این رقم به هزار نفر رسیده بود (حکیم، ۱۴۳۱، ج ۷، ص ۶۹۴). رضاخان در راستای محدود کردن و تحت کنترل گرفتن روحانیت، از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ شمسی سه نهاد آموزشی: «دانشکده معقول و منقول»، «مؤسسه وعظ و خطابه» و «سازمان پرورش افکار» را تأسیس کرد تا ضمن به‌کارگیری روحانیون در برنامه‌های خود، آنها را از بدنه حوزه جدا نموده و به صورت کامل، زیر نظر او باشند (خلیلی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۸).

### شیوه‌های بازیابی تبلیغ دینی

آیت‌الله حائری، دست به یکسری از اقدامات در عرصه تبلیغات دینی زد که بخشی از آنها، همگامی با عرف در اجرای برنامه‌های مذهبی و بخشی دیگر، اصلاح برنامه‌های سابق بود که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱. بهره‌گیری از ظرفیت تبلیغی عاشورا

از آنجا که آیت‌الله حائری شاگرد میرزای شیرازی (۱۱۹۴-۱۲۷۳ ش) بود، در امتداد اندیشه‌های

توسعه دینی او حرکت می‌کرد. ناگفته نماند، تفکرات میرزا برگرفته از نظریات وحید بهبانی (د. ۱۱۷۰ ش) بود که این خط سیر فکری، به وسیله شیخ عبدالکریم حائری به قم منقل شد (دارابی، ۱۳۹۲، ص ۴۴). میرزا به احیای شعائر عاشورا بسیار اهمیت می‌داد و در سامرا آن را چنان باشکوه برگزار می‌کرد که اهل سنت نیز در آن شرکت می‌کردند. در آن زمان، شیخ عبدالکریم در نقش مرثیه‌خوانی و نوحه‌خوانی و مرحوم سید محمدرضا یثربی کاشانی در نقش یک روضه‌خوان، مجلس داری می‌کردند (نور علم، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱). وی که در آن روزها جوانی تنومند و صاحب صدایی رسا بود، اشعار گوش‌نوازی برای عزاداران می‌خواند و آنها به صورت گروهی بدان پاسخ می‌دادند. در این باره، از شیخ عبدالکریم نقل شده است:

«میرزا یک سال دستور داده بود که همه روحانیون به طور دسته‌جمعی به عزاداری بپردازند و نوحه‌خوانی آنان، به من محول گردید. قصیده مرحوم سید اسماعیل شیرازی، پدر سید عبدالهادی شیرازی (۱۲۶۶-۱۳۴۱ ش) را برای طلاب می‌خواندم و آنها عزاداری می‌کردند. مطلع قصیده این بیت بود: یا علی المرتضی غوث الوری كهف الحجی / قم مغیثا، آلك الامجاد عن حد الظبی» (استادی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۶).

حاج شیخ، شیوه مرسوم عزاداری از سینه‌زنی و غیره را مادامی که زیانی به حال عزادار نداشته باشد، جایز می‌دانست (آل‌مجد شیرازی، ۱۴۳۶، ج ۴، ص ۲۲۶-۲۲۷)؛ ولی اجازه قمه زدن را نمی‌داد. با انتقال ایشان به قم، وی در منزل و در مدرسه فیضیه، مراسم روضه‌خوانی برپا کرد و حتی هر روز پیش از شروع درس فقه خویش، روضه‌ای کوتاه خوانده می‌شد (ریحان یزدی، ۱۳۷۲، ص ۶۲) و ایشان با شنیدن نام امام حسین علیه السلام بی‌اختیار، اشک می‌ریخت (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱۷، ص ۳۷۷). سبکی که ایشان به راه انداخت، بعدها ماندگار شد؛ چنان‌که نقل شد:

روز عاشورایی، آیت‌الله بروجردی بعد از آنکه با هیئت عزاداری همراه وارد صحن حضرت معصومه علیه السلام گردیدند و پس از اتمام عزاداری، روبه‌علما و طلاب فرمودند: برای مرحوم آیت‌الله حائری طلب مغفرت نمایید که این سنت حسنه را در حوزه علمیه قم به جای نهادند (انصاریان، ۱۳۹۷، ص ۷۰۲). ماجرا از این قرار بود که در ایام محرم، طلاب به جلوداری حاج شیخ، از مدرسه رضویه دسته‌عزاداری برپا کرده و به حرم می‌آمدند (طباطبایی، ۱۴۰۴، ص ۴۴). به گزارش علی اصغر فقیهی (۱۲۹۲-۱۳۸۲ ش) از طلاب آن روزهای قم، شیخ مهدی حکمی (۱۳۲۰-۱۲۴۳ ش) صبح‌ها در مدرسه رضویه مجلس روضه به پا می‌داشت. در روز عاشورا،

آیت‌الله حائری و دیگر علما و طلاب، در آن مدرسه حاضر می‌شدند و در حدود ساعت ده که روضه تمام می‌شد، همگی یک دسته می‌شدند؛ سادات در جلو و غیرسادات پشت سر، از مدرسه به سوی حرم حرکت می‌کردند. خود آیت‌الله که در جلوی دسته غیرسادات بود و دیگر علما و طلاب همه بدون عبا، با پای برهنه، گِل به پیشانی مالیده، درحالی که دسته جلو نیم‌بیت اول یک بیت عربی را با آهنگ عزادسته جمعی می‌خواندند و نیم‌بیت دوم را دسته دوم جواب می‌دادند: «یا علی المرتضیٰ آین الحسین»

و دسته دوم جواب می‌داد: «آین من للمصطفیٰ قُرّة عین» و به همین شکل، تا حرم حضرت معصومه علیها السلام پیاده می‌رفتند (فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۹-۳۱۰).

## ۲. احیای دهه فاطمیه

بازآفرینی دهه فاطمیه برای احیای مسئله امامت و ایثارگری‌های حضرت زهرا علیها السلام، از گام‌هایی بود که حاج شیخ برداشت. البته مراسم فاطمیه از دهه‌های پیش در ایران سابقه داشت و معمولاً سیزدهم جمادی‌الأول، یک دهه روضه‌خوانی در برخی از شهرهای کشور برقرار بود (کسروی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۴)؛ اما پیش از هجرت حاج شیخ به قم، مراسم عزای فاطمیه، به دلیل چیرگی مشروطه‌خواهان کم‌رنگ شده بود. با این حال، حاج شیخ مراسم فاطمیه را زنده کرد (کاظمینی و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶۰) و خطبا با پاسداشت وحدت اسلامی و بدون دامن زدن به اختلاف‌ها، در باره امامت سخن گفته و سیره فاطمه زهرا علیها السلام را شرح می‌دادند. بعدها در اثر همین فرهنگ‌سازی حاج شیخ، مسجد فاطمیه در محله گذر خان قم ساخته شد (ناصر الشریعه، ۱۳۸۳، ص ۴۱۶).

## ۳. احیای آداب تلاوت قرآن

در دوره حاج شیخ، در مجالس ختم قرآن یا مجالس ترحیم، از سکوت و تدبیر حاضران در مجلس، خبری نبود. مراسم به این شکل بود که قاری، قرآنش را می‌خواند و افراد بی‌توجه به تلاوت قاری یا قرآن، می‌خواندند یا به گفت و گو می‌پرداختند و حاج شیخ در اندیشه اصلاح این رویه بود. آیت‌الله سید احمد زنجانی، در این باره نوشته است:

شیخ عبدالکریم حائری اصرار داشت که احترام ظاهری قرآن، کاملاً محفوظ شود. همان طور که اهل سنت هنگام قرائت قرآن برای رعایت احترام آن، چایی و قلیان در مجالس نمی‌دهند. می‌فرمود: در مجالس شیعه نیز چون عادت بر خلاف جاری بود [و] ترک آن در خیلی سخت بود... فرمایش ایشان عملی نشد (زنجانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۳۰).

حاج سید حسین فاطمی نیز نقل نموده، من در منزل حاج شیخ منبر می‌رفتم که یک دو جلسه در باره رعایت آداب قرآن سخن گفتم و حاج شیخ بر آن شد که در مجالس فاتحه، مجلس به احترام قرائت قرآن ساکت باشد و حتی چائی نیز داده نشود و خود ایشان با آرامش به قرآن گوش می‌داد و سخن نمی‌گفت و اگر کسی از ایشان چیزی می‌پرسید، می‌گفت: پس از بیرون آمدن از مجلس پاسخ می‌دهم (فاطمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۱).

#### ۴. احیای مسجد جمکران

بنا بر برخی از نقل‌ها، بنای مسجد جمکران به قرن چهارم باز می‌گردد (نوری، ۱۴۲۷، ص ۵۴-۵۸؛ همو، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۵۸) و قدیمی‌ترین کتیبه موجود، به تعمیر آن در سال ۱۱۶۷ق اشاره دارد. علمای دوره صفویه، به مسجد جمکران توجه ویژه داشته‌اند و از آن پس، به عللی این رویکرد به سستی گرایید؛ تا اینکه حاج شیخ به احیای آن همت گماشت و با همراهی شیخ محمدتقی بافقی، آن را بازسازی کرد و از طلاب و فضلا خواست که این مسجد مقدس را از یاد نبرند (رازی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۳۳۱).

#### ۵. ایجاد زمینه احیای نماز جمعه

پیش از حاج شیخ، نماز جمعه در قم اقامه نمی‌شد. بدین سبب، گروهی از علما، از جمله میرزا محمد ارباب (۱۳۴۱-۱۲۷۳ق)، از حاج شیخ خواستند نماز جمعه را احیا کند و خود امامت آن را به عهده بگیرد، تا سبب شوکت مسلمانان شود.

حاج شیخ در پاسخ این تقاضاها گفت: ابتدا خوب است که در فقه، نماز جمعه را بحث کنیم و پس از بحث و پژوهش در باره آن، به اقامه آن پردازیم؛ [زیرا یکی از نظریه‌ها، واجب نبودن نماز جمعه در عصر غیبت است].

بدین ترتیب، پس از آنکه وی نماز جمعه را به بررسی نهاد، به این دیدگاه دست یافت که نماز جمعه، واجب تخییری است و می‌توان آن را اقامه کرد؛ اما خود ایشان، با همه اصراری که علما

می کردند، به انگیزه‌هایی که شاید یکی از آنها، همان تنگناهایی بوده که رضاخان برای گردهمایی‌های مذهبی به وجود آورد، اعلام کرد:

«اگر حاج شیخ ابوالقاسم قمی (۱۲۴۲-۱۳۱۳ ش) اقامه کنند، من هم شرکت می‌کنم»  
(روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۰).

آیت‌الله حائری یزدی، با بحث علمی در باره نماز جمعه و ابراز علاقه به اقامه شدن آن در جامعه شیعی، زمینه احیای آن را پدید آورد و بازدارنده‌های نظری را از سر راه برداشت. پس از حاج شیخ، با باز شدن فضای سیاسی کشور، سید محمدتقی خوانساری (۱۲۳۰-۱۳۳۱ ش) نماز جمعه را اقامه کرد.

علما و مردم، از اقامه این شعار بزرگ الهی استقبال کردند و ائمه جماعات شهر، در آن شرکت می‌کردند؛ چنان که فیضیه، گنجایش نمازگزاران را نیافت و پس از ایشان، آیت‌الله اراکی (۱۳۷۳-۱۲۷۳ ش) امامت نماز جمعه را بر عهده گرفت<sup>۱</sup> (مجله حوزه، ۱۳۷۰، ص ۹۱).

بعدها آیت‌الله خوانساری وقتی در بحث فقهی به موضوع «صلوات جمعه» رسید، مفصل به بحث در این باره پرداخت. ایشان معتقد بود: نماز جمعه، و جوب عینی دارد؛ نه تخییری. از کسانی که در این بحث شرکت می‌کردند و زیاد هم اشکال می‌کردند، مرحوم حضرت امام علیه السلام و آقای اراکی بودند. بعد از این بحث، ایشان اعلان کرد: از این پس، نماز جمعه اقامه می‌کنم؛ هرکس خواست، شرکت کند. در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام نماز جمعه را اقامه کردند و نمازهای دیگر هم تعطیل شد. حضرت امام علیه السلام از کسانی بود که مقید بودند در این نماز شرکت کند (همان، ص ۱۰۰).

### اتخاذ رویکرد پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات

آیت‌الله حائری، روحانیت را مرزبان دین می‌دید. در آن زمان، گروه‌های الحادی مانند هوا داران تقی ارانی (۱۳۱۸)، از رهبران مارکسیت و از اعضای حزب توده در حال یارگیری بودند و ترجمه‌های کتاب‌های مادی و مارکسیستی، روبه گسترش بود و نیز افکار التقاطی مانند:

۱. آیت‌الله اراکی تا پس از انقلاب اسلامی نیز نماز جمعه را اقامه می‌کرد؛ تا اینکه آیت‌الله علی مشکینی به امامت نماز جمعه قم از سوی امام خمینی منصوب گردید.



دراویش، صوفیه و وهابیت برای جامعه خطرناک شده بودند و با ایجاد شبهه، مردم را به انحراف می‌کشاندند. گروه دیگری که به‌تازگی ظهور کرده بودند، دگراندیشان حوزوی بودند که مانند شریعت سنگلجی (د. ۱۳۲۲ش) با ادعای اصلاحات مذهبی و روشنفکری دینی، به پاره‌ای از باورهای دینی، خدشه وارد ساخته و کارگزاران رضاخان با حمایت از ترویج نوشته‌های ایشان که آن را به مصلحت خود شمرده، اجازه نشر نوشته‌های مخالفان را نمی‌دادند (امام خمینی، ۱۳۲۳، ص ۲۳۲).

در چنین فضایی، حاج شیخ به فضلا توصیه می‌کرد:

بر دانشمندان اسلامی این عصر لازم است، با کمال جدیت و تمام وسائل ممکنه، در مقام ارشاد برآمده و از تزلزل [عقاید] ساده‌طبعان (ساده‌دلان) و تشویش آنان جلوگیری نمایند (فقیه شیرازی، ۱۳۴۷ق، ص ۱-۲).

به نقل از آیت‌الله اراکی، حاج شیخ که در آن دوره در اراک نیز منبر می‌رفت، یک روز فرمود: مردم خیلی از حقیقت دین و اصول عقاید تهی شده‌اند؛ زیرا علما و مجتهدان که صلاحیت دارند، عارشان می‌آید منبر بروند و آنها که منبر می‌روند، سواد درستی ندارند و به چند بیت شعر و آوازه‌خوانی بسنده می‌کنند. به این جهت، احساس وظیفه کرد و گویا خودش را مخاطب قرار داد که شما هم مشمول این حکم هستید. به این جهت، یک ماه رمضان منبر رفت (استادی، ۱۳۷۵، ص ۵۶۸).

### تشویق روحانیون به حضور پُررنگ اجتماعی

شیخ عبدالکریم، علاقه زیادی به حضور گرم روحانیون در صحنه‌های دینی و اجتماعی داشت و آن را یکی از شیوه‌های تبلیغ می‌دانست و به ترغیب روحانیون می‌پرداخت. از این رو، در پی تلاش روحانیان تهران برای الغای قانون جزای عرفی و نیز ترغیب دولت به تصویب قانون هیئت منصفه برای نظارت بر مطبوعات، خطاب به علمای تهران، تلگرافی توسط حجت‌الاسلام بهبهانی با این مضمون برای روحانیون تهران فرستاد:

«از زحمات فوق‌العاده در ترویج شرع انور و انجام مقاصد و همراهی اولیای دولت... کمال

تشکر و مسرت حاصل» است (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۰۴).

## استفاده از ابزارهای جدید برای تبلیغ

با آنکه در آن زمان، یک دیدگاه این بود که هرگونه ابزار غربی جدید، مسیری برای غربزدگی به شمار می‌رود، پس با آن مخالفت می‌کردند. آیت‌الله حائری استفاده از ابزار جدید تبلیغی، چون بلندگو و رادیو را مجاز می‌شمرد و نظرش این بود:

حرمت و حلیت و گوش دادن به این دستگاه‌ها، بستگی به برنامه آنها دارد. اگر برنامه آنها مثلاً غنا و موسیقی مطرب باشد، گوش دادن به آنها، حرام [است] و اگر برنامه آنها مثلاً خواندن قرآن و وعظ و نصیحت باشد، گوش دادن به آنها، حلال است (مجله حوزه، ۱۳۶۸، ص ۴۱-۵۸).

## آموزش تبلیغ و پرورش مبلغ

آیت‌الله حائری، تربیت فکری طلاب برای دعوت دینی را سنگ زیرین فعالیت‌های تبلیغی شمرد و این مهم را از راه‌های گوناگونی پیش بُرد. در آن زمان، استادان حوزوی در قم همراه با درس‌های روزانه نکته‌های اعتقادی، اخلاقی و مسائل دینی را به طلبه‌ها گوشزد می‌کردند. شاگردان ایشان برای آمادگی بیشتر جهت تبلیغ تمرین می‌کردند. آیت‌الله طوسی در این باره گفته است:

ما منبر و تبلیغ را در دوره حاج شیخ بنا کردیم و با رفقای خود، از جمله شیخ علی اصغر صالحی (۱۳۶۰-۱۲۷۵ ش)، شیخ غلام‌علی مازندرانی، سید محمد قزوینی و شیخ محمد بروجردی، در شب‌های پنج شنبه در مدرسه فیضیه جلسه داشتیم. هر هفته یکی از ما، احادیثی را از جلد دهم بحارالأنوار می‌خواند. این روش، به دیگر طلاب نیز سرایت کرد. شیخ حائری این رویه را تشویق می‌کرد و اشتیاقش را ابراز می‌داشت (طوسی، ۱۴۳۱، ص ۱۳۹-۱۴۰).

### ۱. تربیت مبلغ

اگر شیخ عبدالکریم احساس می‌کرد که وجود طلبه‌ای برای اسلام مفید است، توانش را برای پرورش او به کار می‌بست (ریحان یزدی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۵)؛ چنان‌که روزی دید مرتضی انصاری قمی (۱۲۸۴-۱۳۵۰ ش) که هنوز ملبس نشده، در تیمچه بزرگ بازار قم بر فراز منبر است وقتی وارد مجلس شد و منبر شیرین وی را مشاهده کرد، او را نزد خود طلبید و پرسید: نام شما چیست؟ و چرا تاکنون معمم نشده‌ای؟ انصاری گفت: نام من، شیخ مرتضی است و تاکنون در خودم صلاحیت معمم شدن را ندیده‌ام. آیت‌الله حائری فرمود:

ان شاء الله که شیخ مرتضی انصاری بوده باشی [از همان زمان، در میان علما و مردم به «انصاری» معروف شد]. تو بهترین کسی هستی که شایستگی عمامه نهادن را دارد. فردا من به حجره‌ات، در مدرسه فیضیه می‌آیم و عمامه بر سرت می‌گذارم (رازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳۹).

در امتداد همین روش، ایشان وجود شخصیتی مثل میرزا محمدتقی اشراقی (۱۲۷۴-۱۳۲۸ ش) را که از شاگردان حاج شیخ و فاضلی نخبه (جواهریان، ۱۴۴۳، ج ۲، ص ۱۴۴۳) و سخنوری کم‌مانند بود، به شایستگی می‌ستود و وجود میرزای اشراقی را برای اسلام و تربیت مردم مفید می‌دانست. از این رو، به مناسبت‌های گوناگون از او تجلیل می‌کرد و با نشستن در پای منبر و مجلس و عطفش، مردم را تشویق می‌کرد که از منبرهای او استفاده کنند و حتی حاج شیخ در پاسخ کسانی که می‌گفتند: نشستن و به منبر او گوش دادن برای شما درست نیست، می‌فرمود: باید از منبر ایشان استفاده شود (رازی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۵).

منبرهای اشراقی، آکنده از استفاده‌های قرآنی بود. همیشه برای برداشتن سد ناهنجاری‌ها از سر راه مردم و اصلاح امور جامعه، از آیات قرآن مدد می‌جست. در باره عزت اسلامی و خودکفایی کشورهای مسلمان، سخن بسیار می‌گفت و چنان در این باره پافشاری داشت و در هر منبری روی این مسئله مهم انگشت می‌گذاشت که مردم مرگ او در میان‌سالگی را بی‌ارتباط با این گونه سخنرانی‌ها نمی‌دانستند (همانجا).

## ۲. آزمون تبلیغ

آیت‌الله حائری که شاگرد میرزای شیرازی بود، همچنان که وی مبلغان را می‌آزمود و به آنان اجازه تبلیغ و امامت نماز و اجازه تدریس می‌داد، شیخ نیز چنین کرد و به اموری پرداخت که بدان‌ها اشاره می‌شود:

شیخ برای حفظ و نگه‌داشتن قداست منبر، بر شاگردان خود نظارت ویژه داشت و به هر کس، با هر توان علمی، اجازه منبر نمی‌داد؛ بلکه میزان دانش، بلاغت و توانایی ارتباطی او با مردم را می‌سنجید و اگر طلبه‌ای می‌توانست احکام دین را به روشنی بیان کند و یا به شبهه‌ای پاسخ دهد و یا به گونه صحیح سیره پیامبر و امامان را برای مردم شرح کند، به او اجازه می‌داد تا در ایام تعطیلی حوزه (در مناسبت‌های دینی)، به میان مردم برود و به تبلیغ دین پردازد.

آقای محمدرضا مروجی طبسی (۱۲۸۵-۱۳۶۳ ش)، از شاگردان برجسته حائری می‌گوید:

شیخ عبدالکریم در همین مسئله تبلیغ و منبر رفتن... راضی نبود هرکسی با هر شرایطی منبر برود. ایشان، تا به افراد، از هر لحاظ، اطمینان پیدا نمی‌کرد، اجازه منبر نمی‌داد. یادم هست یک آقا شیخ یزدی بود که بسیار اصرار داشت جهت تبلیغ، اعزام شود. از حاج شیخ اجازه می‌خواست. شیخ به ایشان فرمود: باید منبر شما را ببینم. وقتی منبر او را دیدند، فرمودند: خیر، تو به درد منبر نمی‌خوری و نباید تبلیغ بروی (مجله حوزه، ۱۳۶۸، ص ۶۲).

گفتنی است که در این دوره، شیخ مرتضی انصاری همراه دوستانش آیت‌الله محقق داماد (۱۳۴۷-۱۲۸۶ ش) و شیخ محمدرضا طبری، از بنیان‌گذاران هجرت برای تبلیغ در ماه رمضان و ماه محرم بودند. او به توصیه حاج شیخ، در غالب مسافرت‌های تبلیغی خود و مبارزاتش علیه شیخیه، صوفیه، باییه، بهائیه و کمونیست‌ها، بسیاری از مردم را از انحراف نجات داد (رازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳۹؛ همو، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۴۴).

### ۳. احیای سنت اجازه در تبلیغ

در گذشته، علمای دین برای دور نگهداشتن دین از هر گزند و آسیب، افزون بر «اجازه اجتهاد» و «اجازه نقل حدیث»، برای تبلیغ دین هم چنین اجازه‌ای را لازم می‌دانستند؛ یعنی طلبه باید از علمای طراز اول اجازه داشته باشد که در فنّ خطابه و بازنمود پیام قرآن و سنت، خبره است. این امر، برای آن بود که هم برای منبر احترام ویژه قائل بودند و آن را منبر رسول خدا می‌دانستند و هم به رشد دانش مردم احترامی خاص می‌نهادند. از نظر ایشان، یکی از گونه‌های احترام منبر، این بود که سخنان بی‌ریشه و نابخردانه گفته نشود و احترام مردم هم به این است که یک مبلغ خردمند با آنان سخن بگوید.

بنابراین، شیخ عبدالکریم به کسانی که در زمینه منبر توانایی داشتند، اجازه کتبی می‌داد. آیت‌الله شیخ علی مشکات اصفهانی (۱۳۶۹-۱۲۸۰ ش)، از شاگردان حاج شیخ، در آستانه تبلیغ از ایشان اجازه تبلیغ دریافت کرد (مجله حوزه، ۱۳۶۸، ص ۴۱-۵۸). آیت‌الله حائری در اجازه تبلیغی، داشتن قوه تشخیص شناخت احادیث و رعایت احتیاط تأکید می‌شد (بصیرت‌منش، ۱۳۸۶، ص ۳۸۵).

استاد شیخ حسین راشد تربتی (۱۲۸۴-۱۳۵۹ ش)، از مبلغان موفق حوزه در زمان حاج شیخ، از میرزای نائینی و سید صدرالدین صدر اجازه تبلیغ داشت و شیخ بر این اجازه مَهر

صحت نهاد. در متن اجازه تبلیغ حاج شیخ به راشد تربیتی، بر ضرورت و اهمیت تبلیغ حقایق اسلامی تأکید شده و آمده است:

ایشان وظیفه خود را در تبلیغ و وعظ دیده و چند سال است که به این خدمت بزرگ اسلامی [مشغول] است و قیام به این وظیفه مهم روحانی نمودند و نعم ما فعل. والحق دارای قوه تشخیص اخبار معتبره از غیر معتبره و تمیز احادیث، با ملاحظه اتقان و احتیاط... می باشد (همان).

#### ۴. دعوت از سخنرانان زُبده

ایشان، برای رشد علمی و معرفتی طلاب و مردم قم، از سخنوران شایسته در حرم یا مدرسه فیضیه برای منبر دعوت می کرد و خود پای منبر می نشست. شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق)، از محدثان و تاریخ دانان نامدار، از سوی حاج شیخ دعوت شد تا از حوزه مشهد به قم آمده و برای طلبه ها و مردم سخنرانی کند. محدث قمی، در منبر رویدادهای تاریخی صدر اسلام و رویداد حماسی عاشورا را با ذکر سند و رجال حدیث و متن دقیق روایت، نقل می کرد (فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹؛ آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۰۰۰).

سید حسین فاطمی قمی (د. ۱۳۴۸ش)، نویسنده گنجینه اخلاق جامع الدرر از استادان اخلاق و سخنران، چنان سخنانش دلپذیر بود که شنونده را مجذوب خود می ساخت. وی در منزل حاج شیخ منبر می رفت و طلاب و مردم در آن شرکت می کردند (فاطمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۱).

شیخ محمدرضا ابوالمجد اصفهانی (۱۲۴۷-۱۳۲۲ش)، افزون بر زبدهای حوزه، از رویدادهای جهانی باخبر و خوش فکر و خوش سلیقه بود. حاج شیخ، وی را به قم دعوت می کرد، تا برای مردم و طلاب منبر برود.

از میان دیگر افراد دعوت شده به قم، میرزا علی هسته ای اصفهانی (۱۲۵۰-۱۳۴۷ش)، با داشتن مقام والای اجتهاد، منبر را کسر شأن نمی دانست و بارها می فرمود: «منبر، وظیفه است؛ نه شغل و تا زمانی که حمد و سوره می خوانم، منبر می روم!» او در تمام مدت تبلیغ، هرگز پولی از کسی قبول نکرد (کشوری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲). به نقل امام خمینی علیه السلام: «اوایل ورود ما به قم، ایشان به دعوت حاج شیخ به مدرسه حاج ملا صادق می آمد و برای طلبه ها درس اخلاق می گفت. ما هم

شرکت می‌کردیم. بیان شیرینی داشت» (دانشنامه اسلامی، مدخل «میرزا علی هسته‌ای»). او واعظی شیرین‌بیان و حاضر جواب بود و مهارت فوق‌العاده‌ای در خنداندن و گریاندن مردم در آن واحد داشت؛ چنان‌که مسئله‌ای را می‌گفت که باعث خندیدن حضار می‌گردید، هنوز لبخند آنان خاتمه نیافته، مطلبی را می‌فرمود که حضار شروع به گریه می‌کردند (همان). همچنین، میرزا عبدالحسین صدر اصفهانی (۱۲۷۱-۱۳۱۶ ش)، از واعظان مورد علاقه حاج شیخ بود. او بیانی دلنشین و آهنگی گوش‌نواز داشت. وی در دوره‌ای که بسیاری از مردم و شماری از عالمان، گوش سپردن به چندین روزه در یک روز و حتی ختم چهل روزه در یک روز را تشویق می‌کردند، معتقد بود که مجلس روزه باید مشتمل بر درس احکام و عقاید باشد و در آغاز یا پایان، یادی نیز از واقعه کربلا بشود. چون عده‌ای از مخاطبان، فقط برای شنیدن روزه می‌آیند، بهتر است سخنران، اول روزه‌ای را بخواند و سپس، به وعظ پردازد تا هرکس برای روزه آمده است، برود (فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰).

##### ۵. اعزام مبلغ به شهرها

آیت‌الله حائری، افزون بر هدایت مردم به نیازهای فکری و عقیدتی مردم نیز توجه داشت و در اعزام مبلغ، دوراندیشی‌های ویژه داشت و پس از استعدادسنجی مبلغان و برآورد توان علمی و احراز شایستگی، هریک را به جای مناسب گسیل می‌داشت. از شماری از آنان که توانایی تبلیغی بالایی داشتند، می‌خواست که برای همیشه در آنجا بمانند و امور اجتماعی و دینی مردم را سامان دهند و کسانی را که می‌دید در حوزه علمیه قم کارآمدی بیشتری دارند، تشویق به ماندن در حوزه می‌کرد (مجله حوزه، ۱۳۶۵، ص ۳۷).

شهرهای بسیاری با برنامه‌ریزی حاج شیخ عبدالکریم، دارای عالم دینی، مسجد و مدرسه شدند؛ از آن جمله:

##### \* تهران

مردم تهران، از ایشان درخواست کردند تا عالمی برای رسیدگی به امور دینی و دنیوی به این شهر اعزام کند. حاج شیخ، با توجه به ویژگی‌های شهر تهران و اینکه این کار از هر کسی ساخته نیست، پس از بررسی، به این نتیجه می‌رسد فردی که از هر جهت می‌تواند این مهم را به عهده بگیرد، حاج شیخ عباس حائری تهرانی (۱۲۹۸-۱۳۶۰ ق) است. از این رو، از ایشان می‌خواهد

که تهران برود و در آنجا عهده‌دار وظیفه دینی خود بشود. آقای تهرانی هم پذیرفته و در تهران افزون بر تدریس در حوزه تهران، منبر هم می‌رفت. در گزارشی در این باره آمده است:

برای متدینین و بازاریان، مجالس درس اخلاق و وعظ و مبانی فقهی اقتصاد و نیز مسائل مورد ابتلای مردم... تشکیل دادند و با آنکه در آن زمان [از مجتهدی مانند ایشان] معمول نبود، این مجالس را شخصاً اداره می‌کردند و منبر می‌رفتند. ایشان هم همچنین برای اساتید و معلمین دبیرستان دارالفنون که مهم‌ترین و شاید تنها دبیرستان تهران بود، جلسه درس اصول عقاید تشکیل می‌دادند (حائری تهرانی، ۱۳۷۳، ص ۱۲-۴۰).

همچنین، سلطان الواعظین شیرازی (۱۲۷۵-۱۳۵۰ ش) در حوزه کلام و تاریخ مذاهب، آگاهی‌های درخوری داشت و توانمندی‌های وی نقش برجسته خود را در هدایتگری نمایانده بود. حاج شیخ از او خواست که در تهران به وعظ و خطابه بپردازد. او نیز به سال ۱۳۱۴ شمسی به تهران رفت (سلطان الواعظین، ۱۳۷۹، ص ۹۴).

علاوه بر او، سید محی‌الدین طالقانی، از جمله شاگردان فاضل حاج شیخ بود که پس از درگذشت سید ابوالحسن طالقانی در سال ۱۳۱۱ شمسی و به درخواست مردم قنات‌آباد از آیت‌الله حائری، ایشان وی را روانه تهران کرد و تا آخر عمر در آنجا ماند (رازی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۲۶۹).

همچنین، شیخ ابوالحسن شعرانی (۱۲۸۰-۱۳۵۲ ش) از مدرسان فلسفه و کلام مدرسه مروی، از شاگردان حاج شیخ بود (سبحانی صدر، ۱۴۰۰، ص ۳۴۰-۳۴۱) که پیرو همین سبک تبلیغی حوزه قم، پس از تکمیل تحصیلات و سیر و سلوک عرفانی، در دوره سلطنت رضاشاه به تهران بازگشت و به تبلیغ پرداخت (شعرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

#### \* آشتیان

آیت‌الله حائری، برای شهرهای نزدیک به قم هم همواره در اندیشه بود. از این‌رو، شیخ مرتضی انصاری قمی (۱۲۹۰-۱۳۶۳ ش)، از فضیلتی درس مؤسس حوزه، به درخواست استاد، برای رسیدگی به امور دینی مردم به قصبه گرکان آشتیان رفت. انصاری، خوش‌بین بود و منبر خوبی داشت. از این‌رو، مردم شهرهای گوناگون او را دعوت می‌کردند و او هم اجابت می‌نمود و در جای‌جای کشور منبر می‌رفت و از این‌راه، مردم را با معارف دین و احکام آشنا می‌ساخت (رازی،

۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۴۶ و ۱۵۱). در همین آشتیان، آیت‌الله سید محمد داماد (۱۲۸۶-۱۳۳۷ش)، داماد آیت‌الله حائری بود که مدتی به فعالیت دینی مشغول بود (طبسی، ۱۴۳۱، ص ۱۳۹-۱۴۰).

#### \* گلپایگان

آیت‌الله حائری برای گلپایگان نیز میرزا هدایت‌الله وحید گلپایگانی (۱۲۶۹-۱۳۵۲ش) را در سال ۱۳۱۰ شمسی پس از سال‌ها تحصیل به به زادگاهش فرستاد. آخوند ملا محمدابراهیم قرنی که به همراه گروهی برای آوردن میرزا هدایت‌الله به قم نزد آیت‌الله حائری رفته بودند، در این باره گفته است:

آخرین بار که خدمت آقای حائری رفتیم، ایشان ضمن سفارشات که در این باره کردند، خطاب به من که خیلی اصرار به این کار داشتم، فرمودند: «شما با بردن میرزا هدایت‌الله به گلپایگان، دست راست مرا از من گرفتید.» من هم در پاسخ گفتم: «قصد ما از گرفتن و بردن دست حضرت‌عالی این است که آن را برای بوسیدن و استشفای (شفا گرفتن) همواره در اختیار داشته باشیم و چشم ما با آن روشن باشد. آیت‌الله حائری که از این بدیهه خوششان آمد، تبسمی بر لب آوردند و ما را دعا کردند.

حاج شیخ در نامه‌ای به یکی از بزرگان گلپایگان، ضمن تأیید مراتب اجتهاد و تقوای میرزا هدایت‌الله، از مردم خواست از وجود ایشان استفاده کنند و نیز در این نامه از میزبان وی نیز قدردانی کرد (رازی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۲۷۶).

#### \* قم و حومه

حاج شیخ برای محلات و روستاهای قم نیز برنامه داشت. داماد حاج شیخ، یعنی سید محمد محقق داماد، در ایام ماه رمضان در مسجد بازار قم منبر می‌رفت و سخنان وی تأثیر عمیقی در دل شنوندگان باقی می‌گذاشت (دانشنامه اسلامی، مدخل «سید محمد محقق داماد»).

شیخ احمد شیرازی نیز که شیخ عبدالکریم به وی علاقه و اعتماد داشت، پس از احراز جایگاه علمی، حاج شیخ به او اجازه اجتهاد داد و این مجتهد بلندپایه، در روستاهای اطراف قم منبر می‌رفت و البته از مردم هزینه‌ای دریافت نمی‌کرد و اگر چیزی می‌دادند، می‌گفت مثلاً آن را صرف هزینه‌های حمام همان‌جا کنند (استادی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹).

همچنین، آیت‌الله مؤسس، وقتی اهالی محله چهل اختران قم از ایشان تقاضا کردند که یکی



از علمای مورد اطمینان خویش را جهت اقامه نماز جماعت به آن محل بفرستد، ایشان آیت‌الله خوانساری (۱۲۸۱-۱۳۷۱ ش) را معرفی کرد. ایشان حدود شصت سال در مسجد چهل اختران اقامه جماعت می‌کرد (دانشنامه اسلامی، مدخل «سید مصطفی صفایی خوانساری»).

#### \* همدان

ملاعلی معصومی (۱۳۱۲-۱۳۸۹ ق)، از شاگردان توانمند حاج شیخ (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲، ص ۳۵۵)، به سفارش استاد راهی همدان شد. حاج شیخ به فرستادگان مردم همدان برای بردن وی گفت: «من مجتهد عادل را برای سرپرستی شما مردم همدان فرستادم» (مجله نور علم، ۱۳۷۱، ص ۵۹).

وی به همدان رفت و به تربیت طلاب و مردم مشغول شد. مدرسه ملاحسین را احیا کرد و به تدریس علوم دینی در آن مشغول شد. این کارها، از نظر علمی وی را به طور طبیعی در جایگاه رهبری مردم قرار داد. ویژگی‌های اخلاقی و کمالات معنوی، به‌ویژه فروتنی ایشان، فوق‌العاده وی را در کانون توجه مردم قرار داد و در اندک مدتی، محبوب خاص و عام گردید؛ به حدی که اقلیت‌های مذهبی شهر نیز او را از صمیم قلب دوست می‌داشتند و با او در مسائل انسانی همراهی می‌نمودند (مجله نور علم، ۱۳۷۱، ص ۵۹-۶۹).

همچنین، شیخ زین‌العابدین انواری (متولد ۱۲۷۶ ش)، از شاگردان حاج شیخ نیز از سوی ایشان در سال ۱۳۱۱ شمسی برای تبلیغ به همدان رفت (سبحانی صدر، ۱۴۰۰، ص ۴۶۸-۴۶۹).

#### \* دامغان

به سفارش حاج شیخ عبدالکریم، میرزا آقا ترابی (۱۳۱۰-۱۳۸۲ ق) که از مدرسان رسائل و مکاسب و منظومه بود، به دامغان رفت و تربیت طلاب، تبلیغ مردمان و نشر معارف دینی را سرلوحه کار خود قرار داد. در کار خویش، چنان استوار و اثرگذار بود که حوزه دامغان آوازه پیدا کرد و در نظم و تربیت طلاب، پس از حوزه قم، از حوزه آن شهر نام برده می‌شد (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۹).

#### \* کرمان

شیخ علی‌اصغر صالحی کرمانی (۱۲۷۵-۱۳۶۰ ش)، فرزند شیخ غلام‌حسین از فضایی

کرمان، از سوی شیخ عبدالکریم در سال ۱۳۱۲ شمسی برای تبلیغ به کرمان رفت و ضمن بازپس‌گیری مدرسه علمیه معصومیه کرمان که به گونه‌ای نامطلوب در اختیار دولت قرار گرفته و به صورت دارالمساکین در آمده بود، با تعمیراتی که در آن صورت گرفت، آن را احیا کرد. ایشان به احیای امور مسجد جامع و موقوفات آن پرداخت و چون مدرسه معصومیه گنجایش طلاب جدید را نداشت، آیت‌الله صالحی با کمک افراد متدین و خیر، اقدام به تأسیس مدرسه‌ای مجهز به کتابخانه در جوار مدرسه معصومیه نمود (جواهریان، ۱۴۴۳، ج ۲، ۱۰۳۴-۱۰۳۵).

شیخ محمدحسن رفسنجانی (۱۳۰۴-۱۳۹۲ ش) نیز از شاگردان حاج شیخ و صاحب اجازه از وی در امور شرعی، از سوی ایشان در سال ۱۳۰۷ ش برای جانشینی پدرش به رفسنجان رفت (حائری، ۲۰۱۳ م، ص ۷۷-۷۸).

#### \* محلات

به توصیه آیت‌الله حائری، سید جلال شهیدی محلاتی و میرزا حسن محلاتی (۱۲۸۹-۱۳۷۵ ش)، از شاگردان حاج شیخ، در شهر محلات به فعالیت مشغول شدند (رازی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۳۴۷). سید جلال در سال ۱۳۵۷، به محلات برگشت و به تبلیغ و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مشغول شد. امام خمینی، وجود علمای برجسته در شهر محلات را از عوامل اصلی تربیت دینی و رونق فرهنگ دینی در این شهر می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۷؛ همان، ج ۱۱، ص ۳۹۴).

#### \* ملایر

آیت‌الله حائری، برای شهر ملایر سید محمد علم‌الهدی نقوی کابلی (۱۲۸۸-۱۳۲۸ ش)، از شاگردان میرزای شیرازی و از نخبگان فقه و حدیث و اخلاق را فرستاد. در آن روزگار که آیت‌الله سید محمد علم‌الهدی در اراک زندگی می‌کرد، شیخ عبدالکریم حائری یزدی نیز در آنجا به سر می‌برد. آیت‌الله حائری، او را به عنوان وکیل زعیم حوزه علمیه به این شهر فرستاد و او نیز خدمات ارزنده‌ای در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی به ثمر رساند (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۲۷۶).

#### \* دیگر شهرها

در دیگر شهرهای ایران نیز شاگردان آیت‌الله حائری به صورت ثابت یا در ایام تبلیغ، به فعالیت مشغول بودند. شیخ عبدالرسول قائمی اصفهانی (۱۲۷۷-۱۳۷۲ ش)، از شاگردان آیت‌الله

حائری، در آبادان مشغول فعالیت شد (جواهریان، ۱۴۴۳، ج ۲، ص ۹۳۷).

سید محمدباقر آیت‌اللهی (د ۱۳۵۸ ش) در سال ۱۳۰۹ شمسی، به خدمت آیت‌الله حائری رسید و پس از کسب علم، دو سال بعد در سال ۱۳۱۱ شمسی به شیراز رفت و به ترویج معارف الهی و اقامه نماز جمعه در مسجد آقا احمد شیراز پرداخت. او این مسجد را تجدید بنا نمود و مدرسه علمیه ابراهیم را در صحن امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام تأسیس کرد (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۷).

از دیگر شاگردان، سید ابوالقاسم فقیه ارسنجان (۱۲۷۹-۱۳۷۰ ش)، در سال ۱۳۰۳ شمسی به قم آمد و از درس آیت‌الله حائری بهره برد و سپس، در ارسنجان مشغول به تبلیغ شد. همچنین، سید محمدجعفر طاهری (۱۲۷۷-۱۳۵۷ ش) در شیراز (ثامن، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹-۲۵۰) و سید عباس مدرسی در قزوین (امین، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۱۵) و شیخ مجتبی قزوینی (۱۳۱۶-۱۳۸۶) (همان، ۱۸۶) در مشهد مشغول به تبلیغ شدند.

شیخ عبدالله امامی (۱۲۹۳-۱۳۶۱ ش)، از فضلاء خراسان و متولی مدرسه هراتی تربت حیدریه، به شهر تربت حیدریه فرستاده شد (جلالی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۱) و شیخ عبدالله مجتهدی (۱۳۵۵-۱۲۸۲ ش) که در سال ۱۳۱۰ از استادش شیخ عبدالکریم اجازه اجتهاد دریافت کرد، برای تبلیغ به تبریز رفت (همان، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۱). همچنین، سید عبدالحسین طیب (۱۳۷۰-۱۲۷۲ ش) در اصفهان (مهدوی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۱-۳۳۲) مشغول به تبلیغ شد و شیخ محمدرضا طبسی (۱۲۸۳-۱۳۵۸ ش) که هفت سال شاگرد شیخ بود، به آبادان اعزام گردید و شیخ محمدعلی انصاری نیز به یزد رفت و نیز شیخ ابوالفضل زاهدی قمی (۱۲۷۰-۱۳۵۷ ش)، از شاگردان مورد وثوق حضرت آیت‌الله حائری بود؛ چنان‌که هرگاه آیت‌الله حائری برای نماز جماعت در صحن عتیق مرقد مطهر حضرت معصومه علیه السلام حاضر نمی‌شد، آیت‌الله زاهدی را به جای خود تعیین می‌کرد (طبسی، ۱۴۳۱، ص ۱۳۹-۱۴۰).

شیخ محمد صدوقی (۱۲۸۷-۱۳۶۱ ش)، پس از درگذشت آیت‌الله شیخ عبدالکریم، اداره قسمتی از حوزه علمیه شامل تولیت مدارس و تقسیم شهریه‌های طلاب بر عهده وی بود. ایشان بر اساس منش حوزویان، سال ۱۳۳۰ ش با فوت عالم سرشناس یزد «شیخ غلامرضا فقیه خراسانی»، با درخواست مردم و توصیه امام خمینی و بزرگان، به یزد بازگشت و به انجام وظایف

دینی پرداخت (حائری، ۲۰۱۳، ص ۴۳۵-۴۳۶؛ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۳۰).

### تبلیغ خارج از کشور

نیازهای فکری، عقیدتی و فرهنگی مسلمانان و شیعیان خارج از کشور، از نگاه حاج شیخ عبدالکریم به دور نبود. از آنجا مسلمانان و شیعیان خارج از کشور، سخت نیازمند فهم دین بودند، بدین جهت، ناگزیر بود که گروهی را پس از گزینش از بین فضلا، در نزد اهل فن و خبره به علم کلام و مسائل مورد نیاز، و آشنای به زبان‌های خارجی آموزش بدهد و به آنان راه و رسم‌ها را بیاموزاند و آنگاه برترین‌ها را به کشورهای خارج گسیل بدارد. این طرح، به دلایلی گوناگون، ناکام ماند و برنامه‌ای که حاج شیخ در پی اجرای آن بود، به انجام نرسید. ریحان یزدی، در این باره می‌گوید:

فراموش نمی‌کنم که در سال ۱۳۱۴ ش اینجانب به وسیله آقای میرزا مهدی بروجردی دعوت شدم تا با فضلایی که به امر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم، برای تبلیغ در کشورهای بیگانه آماده می‌شدند، همکاری کنم. ما دوازده نفر بودیم که با فراگرفتن علوم مربوطه، زیر نظر مدرسین متخصص، برای این امر خطیر مهیا می‌شدیم؛ ولی متأسفانه بعد از مدت کوتاهی، بر اثر اصرار و تقاضای بیشتر محصلین حوزه علمیه برای شرکت در این مؤسسه، حاج شیخ عبدالکریم ناچار شدند که به کلی موضوع را متروک اعلام کنند... البته ممکن است که علل دیگری هم در کار بوده که باریک‌بینان بر آن آگاه‌اند (ریحان یزدی، ۱۳۷۲، ص ۴۷۹). واقعیت این بود که قتی این خبر منتشر شد، گروهی از عوام و شبه‌عوام از تهران به قم آمدند و اتمام حجت کردند که این پولی را که مردم به منزله سهم امام می‌دهند، برای این نیست که زبان کفار را یاد بگیرند. اگر چنین وضعی پیدا کند، ما چنین و چنان خواهیم کرد. آیت‌الله حائری که ادامه کار را که باعث انحلال حوزه علمیه و خراب شدن اساس کار می‌دید، موقتاً از نظر خود صرف‌نظر نمود (فیاضی، ۱۳۷۸، ص ۷۰).

امام خمینی علیه السلام نیز در این باره آورده است:

شما یادتان نیست در قدیم وضع خاصی [در حوزه‌ها حاکم] بود... اینکه فضلا زبان خارجی بدانند که بتوانند در خارج تبلیغ کنند، در حد کفر بود و واقعاً فکرها عقب افتاده بود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۷۳؛ همان، ج ۲۱، ص ۲۷۹).

البته حاج شیخ، نه تنها با یادگیری زبان‌های دیگر مخالف نبود، بلکه فرزندان ایشان، حضرات آیات: آقا مرتضی و آقا مهدی، در آن زمان، در نزد معلم زبان فرانسه، به نام آقا سید یحیی اسامبول‌چی، زبان فرا می‌گرفتند (مجله حوزه، ۱۴۰۱، ص ۲۷۰).

باین حال، حاج شیخ از وعظی که توانایی داشتند به مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان خارج از کشور، خدمات تبلیغی ارائه کنند، حمایت می‌کرد. شیخ غلامرضا طبسی (۱۲۷۴-۱۳۱۵ ش)، افزون بر سفرهای تبلیغی به یزد، اصفهان، تهران و شیراز، در کشورهای سوریه و اردن و عربستان نیز به تبلیغ و سخنرانی پرداخت (رازی، ۱۳۳۲، ج ۱، ص ۴۱؛ همان، ج ۲، ص ۱۳۶).

منبر رفتن فضلا، در نجف مرسوم نبود؛ ولی برخی از شاگردان حاج شیخ که در نجف ادامه تحصیل می‌دادند، در نجف و دیگر شهرهای عراق منبر می‌رفتند. مرحوم شیخ محمدرضا طبسی، در صحن امیرالمؤمنین در مقبره سید کاظم یزدی، مجلس وعظ برپا می‌کرد (طبسی، ۱۴۳۱، ص ۱۳۹-۱۴۰). برخی از فضلاهای حوزه، به عنوان نمایندگی از آیت‌الله حائری، با شخصیت‌های جهانی دیدارکننده از قم ملاقات می‌کردند؛ چنان‌که در سال ۱۳۱۴ ش، تاگور فیلسوف معروف هندی که از رهبران هند و مورد تجلیل و توجه مردم هندوستان بود، به قم آمد. آیت‌الله حائری میرزا خلیل کمره‌ای، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محمدتقی اشراقی واعظ را به دیدن او فرستاد (رازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵۵).

### بیان شاخصه‌های منبر موفق

آیت‌الله حائری، در تبلیغ برخی امور را بایسته توجه و اهتمام می‌دانست و بر آن بود تا این موضوع مورد نظر همگان قرار بگیرد:

#### ۱. توجه به محتوای منبر

آیت‌الله حائری برای عمر مردم ارزش قائل بود و در پی آن نبود که مردم را سرگرم سازد؛ بلکه روضه را مانند مدرسه می‌دانست که باید بر علم و فضیلت مردم افزون گردد. حاج شیخ، با برخی شیوه‌های برپایی مجالس، به مخالفت برخاست و به مناسبت‌های گوناگون، یادآور می‌شد که:

منبر باید درس آموز باشد و ابزاری برای تربیت مردم. پیامبر و امامان در این گونه مجالس، قرآن به مردم می آموزانند و زوایای شریعت را باز می گفتند. در پای چنین منبرهایی و در چنین محفل هایی، مردان بزرگ تربیت می شدند (استادی، ۱۳۷۵، ص ۶۱).

## ۲. تحریف زدایی

حاج شیخ تأکید داشت که مبلغان پیام دین را بی پیرایه و برابر با معیارهای اسلامی و پذیرفته در نزد اهل علم و تاریخ، به مردم برسانند و واعظان و مرثیه سرایان برای گرمی بازار خود، واقعه عاشورا را با سخنان بی ریشه در نیامیزند و به معصومان، سخن دروغ نسبت ندهند. ایشان می فرمود: «به یک حرف دروغ در منبر، آن مجلس مبدل به مجلس معصیت می شود» (بروجردی، ۱۳۲۷، ج ۲، ص ۳۰). او معتقد بود، روایت کربلا از کتاب های معتبر، واعظان را از قصه پردازی و ارائه سخنان غیر مستند بی نیاز می سازد و تحریف های تاریخی سخنرانان را دوستانه یادآور می شد. به نوشته میرزا مهدی بروجردی:

در ماه رمضان در مسجد بالاسر، بعد از نماز آقای حائری، یکی از بزرگان منبر رفته بود که حاج شیخ به بنده فرمود: «این حرف های بی سند چیست؟ به او بگویند.» بعد از تمام شدن منبر، به او گفتند؛ ولی [واعظ در مقام] عذر تراشی گفته بود: منبر این حرف ها را دارد (همان).

حاج شیخ افزون بر شناخت راوی و منبع، از خرد و ابزار شناخت تاریخ و جغرافیا نیز کمک می گرفت؛ برای نمونه، گزارش سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ ق) را که بیان می دارد اسرا در نخستین اربعین به کربلا بازگشتند، با شرایط جغرافیایی و تاریخی موافق نمی شمرد و می فرمود: «وارد شدن اهل بیت در روز اربعین به کربلا، هر چند سید در کتاب لهوف آورده است، اما باورکردنی نیست» (استادی، ۱۳۷۵، ص ۵۶۸).

اصحاب و یاران حاج شیخ در اداره حوزه نیز، مانند ایشان به منبرهای طلاب حساس بودند. در این باره، شیخ مهدی پائین شهری (۱۲۸۰-۱۳۶۰ ق)، از شاگردان میرزای بزرگ و متولی مدرسه رضویه قم نیز در ترویج و تربیت مبلغان کوشش داشت و خود نیز برای تبیین مسائل دینی سفر می کرد و نکته های لازم را به آنان یاد آور می شد. در امتداد همین رویکردها، از شیخ حسین انصاریان نقل شده است:

قریب ده سال همسایه حاج میرزا علی محدث (۱۲۹۹-۱۳۵۵ ش) بودم. از او شنیدم:

... من بنا به توصیه پدرم، اهل منبر شدم. بنا شد در مجلسی در قم، ده شب منبر بروم. اهل قم، از منبرم هم به خاطر زیبایی و شیوایی کلام و هم محض اینکه فرزند حاج شیخ عباس قمی (۱۳۱۹-۱۲۵۶ش) هستم، استقبال شایانی کردند. شبی حدیثی را مورد بحث قرار دادم. آقای از علما به نام حاج شیخ مهدی حکمی قمی، معروف به پایین شهری (۱۲۴۳-۱۳۲۰ش)، از وسط مجلس فریاد زد: آقای میرزا علی محدث! این حدیث کجاست؟ گفتم: جای آن را نمی دانم در چه کتابی است. من این حدیث را از زبان بزرگان شنیده‌ام. فریاد زد: «دیگر از شنیده‌ها روی منبر نگو. سعی کن احادیث را در متون اسلامی ببینی. بعد [آن را] نقل کن.»

عمل او، به من سنگین آمد. دنباله منبر را با دل سردی طی کرده و با تصمیم بر اینکه از برنامه‌ام دست بردارم، به خانه آمدم. نیمه‌شب در عالم رؤیا به محضر مبارک پدرم رسیدم. با تبسم و انبساط به من گفتم: فرزندم از تصمیمی که گرفته‌ای، صرف نظر کن؛ زیرا تبلیغ، عملی بسیار مهم و امری فوق‌العاده پُرازش است. این کاری است که بر عهده انبیای الهی بوده است. در ضمن، حدیثی که مورد اشکال آقای شیخ مهدی پایین شهری بود، در فلان کتاب حدیث در صفحه فلان است. فردا شب دوباره حدیث را بخوان و به مدرک آن اشاره کن تا ایراد شیخ برطرف شود (محمدری شهری، ۱۳۹۱، ص ۳۱۹).

در همین راستا، آیت‌الله ملکی تبریزی (د. ۱۳۰۴ش) در پیراستن ناهنجاری‌ها از ساحت حوزه و سالم‌سازی اخلاقی آن، بسیار تلاش ورزید. او به طلاب در باب منبر می‌گفت:

بر واعظ [لازم] است... افزون بر صدق و اخلاص، در وعظ مراقب زبان خویش باشد. مطلبی را بدون دلیل به خدا نبندد، بدون آگاهی سخنی نگوید، به هنگام موعظه دیگران، خود را مبرا نسازد، دیگران را نادان و خود را برتر نپندارد، فتنه ایجاد نکند و مردم را در جهت کشتار و چیزهایی که بر مسلمین ضرر می‌زند، برنینگیزد. زینهار، که سخنی گوید که باعث انحراف عقیده مردم شود؛ ولو بدین صورت که شبهات ابلیس و پاسخ آنها را بازگوید؛ ولی شنونده پاسخ شبهات را درست در نیابد. در ترساندن و یا امیدوار ساختن، میانه‌روی را مراعات کند و مردم را به یأس یا غرور در انجام گناه مبتلا نسازد. چیزهایی را که شنونده در غلو افتد، یا اعتقاد او به انبیا و اولیا سست می‌شود، نگوید. از بین بردن آبروی اشخاص، به ویژه خواص، غیبت گذشتگان، افترا به پیامبران، اوصیا و دانشمندان، بپرهیزد. زینهار، که با سختگیری بر مردم و وادار کردن آنان

به پذیرش چیزهایی که ظرفیت آن را ندارند، مردم را به شریعت، بدین سازد. از شرّ بدی‌ها، با نقل داستان‌های فاسقان و بدکاران پرهیزد (مجله حوزه، ۱۳۶۵، ص ۱۲۷).

### پاسداشت وحدت اسلامی

مؤسس حوزه، آشکارا می‌دید که اختلاف‌های مذهبی، مهم‌ترین بستر نفوذ بدخواهان، انگلیس و مستبدان داخلی برای چیرگی بر مردم است. به همین دلیل، هشدار می‌داد مبلغان در وحدت نیروهای مذهبی بکوشند؛ حتی در دوره‌ای از زمان، گفت‌وگو بر سر مسائل غیرضروری داغ شد و می‌رفت که میان شیعه شکاف ایجاد شود؛ از جمله در ماجرای انکار رجعت از سوی شریعت سنگلجی (۱۲۷۱-۱۳۲۲ ش)، افکار را به این سو متوجه کرده بود. کار به جایی رسید که بازار گفت‌وگو در باره اندیشه‌های او بالا گرفت و گروهی به طرفداری و گروهی به مخالفت با وی برخاستند و با یکدیگر درگیر شدند. مخالفان مذهب و حوزه نیز فرصت را غنیمت شمرده و آتش را شعله‌ورتر کردند؛ اما آیت‌الله حائری در پاسخ به پرسشی در این باره فرمود: «... گفت‌وگوی در باره این مطالب، به جز تفرقه میان مسلمانان و ایجاد دشمنی بین آنها فایده‌ای ندارد» (همایون، ۱۳۱۳، ص ۱).

مرحوم آیت‌الله سید مصطفی خوانساری (۱۲۸۱-۱۳۷۱ ش) نیز از فضلالی هوادار وحدت اسلامی بود. وی در مقاله‌ای در مجله همایون در باره وحدت اسلامی و ضرورت هماهنگی امت اسلامی علیه دشمنان مشترک آنها نوشت و آن را به نظر حاج شیخ رساند (همان).

### نتیجه

این پژوهش، در تلاش برای واکاوی رفتار فرهنگی شیخ عبدالکریم حائری در عرصه تبلیغات دینی، نشان داد که آیت‌الله حائری علاوه بر بازسازی حوزه‌ها و سروسامان بخشیدن به آنها، برخی از مراسم‌های شیعی مانند فاطمیه را که بستر امور تبلیغی بودند نیز احیا کرد. همچنین، تربیت طلاب برای تبلیغ، از دیگر رفتارهای فرهنگی ایشان بود که توانست با تشکیل شبکه‌ای از مبلغان، آنان را به شهرهای مختلفی گسیل کرده و برخی را برای همیشه به عنوان نماینده شرعی خود روانه سایر بلاد نماید. این طیف، هم پیوندهای فکری و علمی خود را با مؤسس حوزه حفظ کردند و هم گزارش‌های شفاهی خود از مراکز تبلیغی را به ایشان می‌رساندند که بعدها این



شبکه تبلیغی، در عصر آیت‌الله بروجردی گسترش یافت و در اختیار نهضت امام خمینی علیه السلام قرار گرفت. افزون‌براین، با آنکه تلاش درخوری برای تبلیغ به زبان‌های خارجی در آن زمان را پیش گرفت، اما این امر به دلیل همسان‌دانی یادگیری زبان خارجی با کفر، با مخالفت بدنه جامعه دینی کشور مواجه شد و عملاً در عصر خود چندان موفق نشد؛ ولی پس از آن، این تفکر در دوره شاگردان ایشان، مورد توجه قرار گرفت و تبلیغات خارجی نیز رونق یافت.

## منابع

### الف. کتاب و مقاله

۱. قرآن کریم.
۲. آل مجد شیرازی، محمدمهدی، ۱۴۳۶ق، موسوعة العلامة اردوبادی، مرکز احیاء التراث العتبه العباسیه.
۳. استادی، رضا، ۱۳۷۵ش، شرح احوال حضرت آیت الله العظمی اراکی (یادنامه آیت الله اراکی)، اراک، مؤسسه فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، شرح حال دانشمندان گلپایگان، کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان.
۵. امین، سید محسن، ۱۴۰۸ق، مستدرکات اعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۶. امینی، داود، ۱۳۸۲ش، چالش های روحانیت بارضاشاه، تهران، نشر سپاس.
۷. انصاریان، محمدتقی، ۱۳۹۷ش، حقیقتی پنهان؛ خاطرات و اسنادی منتشر نشده درباره زعیم و مرجع عظیم الشان آیت الله بروجردی، قم، انتشارات انصاریان.
۸. بروجردی، میرزا مهدی، ۱۳۲۷ش، درد بی درمان، قم، برقی.
۹. بصیرت منش، حمید، ۱۳۸۶ش، علما و رژیم رضاشاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. پاشازاده، غلامعلی، ۱۳۸۹ش، خاطرات سید مصطفی حائری زاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. تهرانی، آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، نقباء البشر، مشهد، دار المرتضی.
۱۲. ثامنی، عبدالمجید، ۱۳۹۱ش، بررسی گوشه‌هایی از زندگی آیت الله محمدرضا ثامنی شیرازی، شیراز، انتشارات نوید.
۱۳. ثقفی، میرزا محمد، ۱۳۹۸ق، روان جاوید در تفسیر قرآن، تهران، برهان.
۱۴. جعفریان، رسول، ۱۳۹۰ش، رساله حجاییه، قم، دلیل ما.
۱۵. جلالی و دیگران، ۱۳۸۶ش، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۶. جلالی، سید محمدحسین، ۱۳۸۲ش، زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، ترجمه: سید محمدعلی احمدی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱۷. جواهریان، عبدالحسین، ۱۴۴۳ق، تربت پاکان قم، قم، انصاریان.
۱۸. حائری تهرانی، مهدی، ۱۳۷۳ش، شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام.
۱۹. حائری، شیخ عباس، ۲۰۱۳م، حوادث الأيام، تحقیق: شیخ احمد حائری، کوفه، دار التوحید النشر والتوزیع.
۲۰. حسینی، مهدی، ۱۳۷۹ش، خاطرات محمد مهدی عبدخدائی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. حکیم، منذر، ۱۴۳۱ق، موسوعة الامام السيد عبدالحسين شرف الدين، بیروت، دار المورخ العربی.
۲۲. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۶۲ش، سید شرف الدین عاملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. خادمیان، محمدرضا، ۱۳۹۳ش، صفائی نامه؛ احوال و آثار آیت الله سید مصطفی خوانساری، مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
۲۴. خمینی (امام)، روح الله، ۱۳۷۸ش، تعلیقه بر فوائد الرضویة (قاضی سعید قمی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۲۳ش، کشف اسرار، قم، بی جا.
۲۷. خیابانی، مُلا علی، ۱۳۶۵ق، کتاب علماء معاصرین، تهران، اسلامیة.
۲۸. خلیلی، محمدجواد، پاییز ۱۳۹۷ش، «واکاوی رابطه دولت پهلوی اول و حوزه علمیه؛ از تعامل تا تضاد»، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال اول، شماره سوم: ۳۲۹-۳۴۰.
۲۹. دارابی، بهنام، خرداد ۱۳۹۲ش، «حوزه علمیه تقریب گرای سامرا و نقش میرزای شیرازی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۱: ۳۹-۴۹.
۳۰. ذاکری، علی اکبر و دیگران، ۱۳۹۰ش، حوزه علمیه؛ تاریخ، ساختار، کارکرد، تهران، کتاب مرجع.
۳۱. رازی، محمد شریف، ۱۳۳۲ش، آثار الحجة، تهران، دار الکتب الاسلامی.
۳۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵ش، گنجینه دانشمندان، تهران، اسلامیة.

۳۳. ریحان یزدی، علی رضا، ۱۳۷۲ش، آینه دانشوران یا قصص العلماء، تحقیق: باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۴. زنجانی، سید احمد، ۱۳۹۶ش، الکلام یجر الکلام، قم، حق بین.
۳۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱ش، رساله خیر الأمور، در برخورد سنت و تجدد، مندرج در مقالات تاریخی، رسول جعفریان، ج ۱۱، قم، دلیل ما.
۳۶. سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱ش، خشونت و فرهنگ: اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۲۲-۱۳۱۳ش)، به کوشش: مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۳۷. سبحانی صدر، حمید، ۱۴۰۰ش، فیضیه، تهران، معاونت پژوهش حوزه علمیه مروی.
۳۸. سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۷۹ش، شب های پیشاور، دار الکتب الاسلامیه.
۳۹. شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۸۶ش، پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر: مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین، محقق: محمدرضا غیائی کرمانی، قم، بوستان کتاب.
۴۰. طباطبایی، میرزا جعفر، ۱۴۰۴ق، ارشاد العباد الی لبس اللسواد علی سید الشهداء، قم، چاپخانه علمیه.
۴۱. طبسی، محمدجعفر، ۱۴۳۱ق، معجم فقهاء الخطباء، دمشق، حوزة الائمة الاطهار.
۴۲. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۷۲ش، فقهای نامدار شیعه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۳. فاطمی، سید حسین، ۱۳۸۴ش، گنجینه اخلاق؛ جامع الدرر فاطمی، به کوشش: صادق حسین زاده، تهران، امیرکبیر.
۴۴. فراتی، عبدالوهاب، بهار و تابستان ۱۴۰۱ش، «حوزه علمیه قم در عصر شیخ عبدالکریم حائری»، فصلنامه تحلیلی - انتقادی حوزه، شماره ۱۶ و ۱۷.
۴۵. فراهانی، حسن، ۱۳۸۵ش، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۴۶. فقیه شیرازی، محسن، ربیع الأول ۱۳۴۷ق، مجلة الاسلام، سال ۶، شماره ۳.
۴۷. فقیهی، علی اصغر، ۱۳۷۸ش، تاریخ مذهبی قم، قم، زائر.
۴۸. فیاضی، عمادالدین، ۱۳۷۸ش، حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۴۹. کاظمینی، محمد و دیگران، ۱۳۸۸ش، دانشنامه مشاهیر یزد، بی جا، بنیاد ریحانة الرسول.
۵۰. کریمی جهرمی، علی، ۱۳۷۲ش، آیت الله مؤسس، قم، دار الحکمة.
۵۱. کسروی، احمد، ۱۳۸۳ش، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.
۵۲. کشوری، احمدرضا، ۱۳۷۸ش، فرزندگان خوانسار، قم، کنگره بزرگداشت آقا حسین خوانساری.
۵۳. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲ش، مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب، آیت الله صدوقی از قبل از انقلاب تا شهادت، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۵۴. محدث‌نامه؛ ویژه کنگره محدث قمی، شماره اول، قم، آبان ۱۳۸۹ش.
۵۵. محقق، مهدی، ۱۳۸۰ش، زندگی نامه و خدمات علمی میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۵۶. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۱ش، خاطره‌های آموزنده، چاپ اول، قم، دار الحدیث.
۵۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳ش، مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا.
۵۸. معصومی، مهدی، ۱۴۰۰ش، مرزبان عقیده وایمان؛ یادنامه آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۵۹. مهدوی، سید مصلح‌الدین، ۱۳۸۴ش، مزارات اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۶۰. ناصرالشریعه، محمدحسین، ۱۳۸۳ش، تاریخ قم، تهران، رهنمون.
۶۱. نجفی، محمدحسن و دیگران، ۱۳۸۸ش، چشم و چراغ مرجعیت؛ مصاحبه‌های مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی، قم، بوستان کتاب.
۶۲. نوری، میرزا حسین، ۱۴۲۷ق، جنة المأوی فی ذکر من فاز بلقاء الحجة، تحقیق: مرکز الدراسات التخصصية فی الامام المهدي، قم، مؤسسة السيدة المعصومة.
۶۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴ق، نجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب، قم، مسجد جمکران.
۶۴. هاکس، مریت، ۱۳۶۸ش، ایران: افسانه و واقعیت، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

## ب. مجلات و روزنامه‌ها

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۰.
۲. مجله حوزه، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، «آیت الله العظمی حائری در گفت و گوی صریح با استاد فرزانه سید مصطفی محقق داماد»، دوره جدید، ۱۴۰۱، شماره ۱۶ و ۱۷، ۱۴۰۱ش:

۲۷۹-۲۵۸.

۳. \_\_\_\_\_، «مصاحبه با آیت‌الله بهاء الدینی»، دوره ۳، شماره ۱۶، شهریور ۱۳۶۵ش: ۲۹-۴۷.

۴. \_\_\_\_\_، «مصاحبه با آیت‌الله سید حسین بدلا»، شماره ۴۳-۴۴، فروردین ۱۳۷۰ش: ۱۰۶-۸۵.

۵. \_\_\_\_\_، «مصاحبه با آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی»، شماره ۴۳-۴۴، فروردین ۱۳۷۰ش: ۲۷-۵۸.

۶. \_\_\_\_\_، «مصاحبه با آیت‌الله شیخ محمدرضا طیبسی»، شماره ۳۴، مهر و آبان ۱۳۶۸ش: ۵۱-۷۸.

۷. \_\_\_\_\_، «مصاحبه با استاد آیت‌الله مشکوة»، دوره ۶، شماره ۳۱، فروردین ۱۳۶۸ش: ۴۱-۵۸.

۸. مجله نور علم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۷، تابستان ۱۳۶۳ش: ۷۳-۸۰.

۹. \_\_\_\_\_، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۱ش: ۵۶-۷۶.

۱۰. مجله همایون، شماره ۵، بهمن ۱۳۱۳/شوال ۱۳۵۳ق، محمد همایون.

### ج. وبگاه‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، سید میرزا آقا ترابی، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲، نشانی: [hawzah.net/fa/Mostabser/View/63704](http://hawzah.net/fa/Mostabser/View/63704)

۲. \_\_\_\_\_، سید محمدباقر آیت‌اللهی، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۰۴/۳۱، نشانی: [hawzah.net/fa/Article/View/103440](http://hawzah.net/fa/Article/View/103440)

۳. وبگاه دانشنامه اسلامی، مدخل «میرزا علی هسته‌ای»، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱، نشانی: [wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com)

۴. \_\_\_\_\_، مدخل «سید محمد محقق داماد»، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱، نشانی: [wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com)

۵. \_\_\_\_\_، مدخل «سید مصطفی صفایی خوانساری»، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱، نشانی: [wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com)

۶. وبگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «زندگی‌نامه شهید محراب، آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی»، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹، نشانی: [psri.ir/?id=c8hyje20vm](http://psri.ir/?id=c8hyje20vm)



# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

## The Structure and Propagation Methods of the Islamic Seminary Clerics in the Age of the Three Marja's (1936-1943)

Mohammad Hossein Kazemi\*

### Abstract

In addition to understanding the importance of Islamic seminary clerics to their mission in propagating religion and paying attention to it, and with the aim of obtaining the structure and methods of their propagation in the age of the three Marja' (a jurist and religious scholar who issues fatwas), the present study tries to answer the question that " What was the structure and methods of propagation Islamic seminary clerics in the age of the three marja's (Seyed Mohammad Taqi Khansari, Seyed Sadruddin Sadr and Seyyed Mohammad Hojjat Koh Kamari: 1936-1943)? To find the answer to this question, the required information was first collected using library sources and then we got the answer by describing and analyzing the data. The findings of the present study suggest that the Islamic seminary clerics in this era had very difficult conditions and the pressure of the government on the seminary was so much that the dismantling of the Islamic seminary of Qom was even expected. In this era, by tolerating great hardships and self-sacrifice, the three marja's succeed in managing and keeping the seminary with measures such as the maintaining the existing schools and establishing new schools, the scientific training of students and fixing students' material problems, as well as preserving propagational structure of Islamic seminary clerics. In the propagational methods, the Islamic seminary clerics used the speeches, propagation in written media such as books and press, collective prayers such as Friday prayers, holding ceremonies of Ahl al-Bayt and rain prayers, political efforts to implement rulings and poetry.

### Keywords

The three marja's, Islamic Seminary of Qom, methods of religious propagation, Seyed Mohammad Taqi Khansari, Seyed Sadruddin Sadr, Seyed Mohammad Hojat Kooh Kamari.

---

\* PhD in History of Islam, Baqir al-Olum University.kmohamadhosein@gmail.com



دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال چهارم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

## ساختار و روش‌های تبلیغی حوزویان در عصر مراجع ثلاث (۱۳۲۳-۱۳۱۵ش)

محمدحسین کاظمی\*

### چکیده

پژوهش حاضر، با درک اهمیت حوزویان به رسالت خود در تبلیغ دین و اهتمام به آن و با هدف به دست آوردن ساختار و روش‌های تبلیغی آنان در عصر مراجع ثلاث، در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که «ساختار و روش‌های تبلیغ حوزویان در عصر مراجع ثلاث (سید محمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای: ۱۳۱۵-۱۳۲۳ش) چه بود؟» برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد و سپس، با توصیف و تحلیل داده‌ها به پاسخ رسیدیم.

یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که حوزویان در این عصر، شرایط بسیار دشواری داشتند و فشارهای حکومت به حوزه به قدری است که حتی توقع برچیده شدن حوزه علمیه قم، دور از ذهن نبوده است. مراجع ثلاث در این عصر، با تحمل سختی‌های زیاد و از خود گذشتگی، موفق به مدیریت حوزه می‌شوند که در نتیجه، با اقداماتی چون نگهداری مدارس موجود و تأسیس مدارس جدید، تربیت علمی طلاب و حل مشکلات مادی طلاب و نیز ساختار تبلیغی حوزویان حفظ می‌شود. در بخش روش‌های تبلیغی نیز حوزویان از منبر، تبلیغ در رسانه‌های مکتوب مانند کتاب و مطبوعات، عبادت‌های جمعی مانند نماز جمعه، برگزاری مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و نماز باران، تلاش سیاسی برای اجرای احکام و شعر بهره بردند.

**کلیدواژگان:** مراجع ثلاث، حوزه علمیه قم، روش‌های تبلیغ دینی، سید محمدتقی خوانساری، سید

صدرالدین صدر، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای.<sup>۱</sup>

\* دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام: kmohamadhosein@gmail.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله تالیف شده است.



## مقدمه

به تصریح قرآن، سنت، اجماع و سیره مسلمانان، اسلام دینی جهانی و خاتم ادیان است و به یک قوم و زمان محدود اختصاص ندارد (برای نمونه، ر.ک: انعام: ۹۰ و ۱۹؛ انبیاء: ۱۰۷؛ فرقان: ۱؛ احزاب: ۴۰) و مخاطبان آن، تمامی انسان‌ها هستند تا هدایت یابند (شوری: ۵۲؛ بقره: ۲) و با بهره‌گیری از «کتاب» و «میزان»، قسط و عدل بر پا کنند (حدید: ۲۵). بنابراین، تبلیغ، از آموزه‌های قطعی دین اسلام است و محتوای این تبلیغ را اموری چون دین و رسالت الهی و خیر و معروف (آل عمران: ۱۰۴؛ توبه: ۷۱؛ حج: ۴۰-۴۱) تشکیل می‌دهد (الویری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۴۴۸).

بر همین اساس، مراجع تقلید و روحانیون حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، تبلیغ دین را یکی از وظایف اصلی خود شمرده و برای آگاه‌سازی و هدایت مردم، در بسط و گسترش مکتب اهل بیت علیهم‌السلام کوشیده‌اند؛ تا جایی که می‌توان گفت پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در حال حاضر، مرهون تلاش‌های آنان هستند. روحانیون و دینداران کنونی، اگر در اندیشه ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند، لازم است تا نسبت به مسیر طی شده توسط گذشتگان، آگاهی پیدا کنند؛ زیرا این نوع آگاهی می‌تواند در برنامه‌ریزی برای تبلیغ دین کمک‌های شایانی کند و بخشی از ناهمواری‌های مسیر پیش روی تبلیغ دین را از میان بردارد.

برای کسب آگاهی، لازم است تا ادوار مختلف به صورت دقیق و روشمند مورد مطالعه قرار گیرد. به همین منظور، در این نوشتار، دوران مراجع ثلاث (۱۳۱۵-۱۳۲۳ ش) برگزیده شد تا روش و ساختار تبلیغ حوزویان در این دوره را مورد مطالعه قرار دهیم و در واقع، می‌کوشیم به این سؤال پاسخ دهیم که: «ساختار و روش‌های تبلیغ حوزویان در عصر مراجع ثلاث چه بود؟» برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد و سپس، با توصیف و تحلیل داده‌ها، به پاسخ رسیدیم.

## پیشینه

در باره موضوع بحث، به چند منبع منتشر شده اشاره می‌کنیم:  
- مصطفی قلی‌زاده علیار (۱۳۸۹ ش)، مراجع ثلاث، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

این اثر با روش توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، سیری در زندگی و فعالیت‌ها و آثار مراجع ثلاث دارد و تلاش می‌کند تا تصویری از دوران زعامت ایشان بر حوزه علمیه قم ارائه کند که از این نظر، برای تحقیق حاضر مفید است؛ اما بر روش و ساختار تبلیغی حوزویان در این دوره، تمرکز ندارد و تنها موارد اندکی را بیان می‌کند.

- شکرالله اسدی مبرهن (۱۳۹۱ش)، زندگی سیاسی و اجتماعی آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

این کتاب با روش توصیفی - تحلیلی، در پی نشان دادن زندگی سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خوانساری است و از بدو تولد تا دوران تحصیل، مبارزه با اشغالگران انگلیس، روابط ایشان با سایرین، کنش‌های سیاسی - دینی مانند ملی شدن صنعت نفت، انتخابات مجلس هفدهم، مسئله فلسطین، نماز باران، امر به معروف را مورد مطالعه قرار داده است.

- سید علی رضا سید موسوی (۱۳۹۳ش)، «نقش حضرات آیات: حجت، خوانساری و صدر در اداره حوزه علمیه قم از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۳ش»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، استاد راهنما: علی‌رضا ایمانی مقدم، استاد مشاور: ناصرالدین انصاری قمی.

این پژوهش، نقش مدیریتی مراجع ثلاث در این دوره را مورد مطالعه قرار داده و در بخش ساختار، به پژوهش ما نزدیک است؛ اما نسبت به روش‌های تبلیغی، مبحثی را ارائه نمی‌کند.

- حسن زندیه و حسینعلی قربانی (۱۳۹۸ش)، «جریان‌شناسی تطبیقی مطبوعات دینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۲۸۶-۱۳۲۰ش)»، فصلنامه معرفت، سال بیست‌وهشتم، شماره ششم، ص ۶۷-۷۷.

این مقاله، در جمع آوری داده، متکی به روش کتابخانه‌ای است و داده‌های کمی و کیفی را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد و در مقام پاسخ به این سؤال است که «مطبوعات دینی و مذهبی این دوره، کدام مسائل زمانه خود را به نحو انتقادی مورد توجه قرار دادند؟» و به این نتیجه می‌رسد که مطبوعات دینی، به نقد دیدگاه‌های غربی پرداخته و مسائلی چون: نظام آموزشی و فرهنگ غرب، مسائل زنان، عقب‌ماندگی مسلمانان و راهکارهای رفع آن و لزوم اجرای قوانین اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند. این پژوهش، در بیان تلاش مطبوعاتی حوزویان برای تبلیغ دین به پژوهش

پیش رو نزدیک می‌شود؛ اما از دو حیث با ما تفاوت دارد؛ اول، دوران مورد مطالعه ما محدودتر از این پژوهش است و دوم آنکه ما علاوه بر مطبوعات، سایر روش‌های تبلیغی طلاب را نیز مورد توجه قرار داده‌ایم.

در مجموع، می‌توان گفت پژوهش‌های گذشته، اطلاعات مفیدی در این موضوع ارائه می‌کنند که مطالعه آنان برای پژوهش در این موضوع لازم است و به وسعت دید محقق کمک می‌کند و برخی تا حدودی به قسمت ساختار تبلیغی پژوهش حاضر هم نزدیک می‌شوند؛ اما به روش‌های تبلیغی حوزویان در این دوره نمی‌پردازند و با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از مباحث این مقاله، مربوط به روش‌های تبلیغی حوزویان است، می‌توان این بخش را نوآوری تحقیق حاضر به شمار آورد که علاوه بر اینکه افق جدیدی پیش روی پژوهشگران این حوزه است، می‌تواند بخشی از مسیر طی شده حوزویان در تبلیغ دین را برای مدیران و برنامه‌ریزان تبلیغ دین روشن کند.

### اوضاع و شرایط جامعه در عصر مراجع ثلاث

ایران در عصر زعامت مراجع ثلاث بر حوزه قم، به لحاظ دینی، در شرایط مطلوبی نبود. بخش عمده‌ای از این دوره، مصادف با سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) بود. در این دوره، رضاشاه به تقلید از غرب، دین را مانع پیشرفت می‌پنداشت و اجتماع سه عنصر: «ناسیونالیسم افراطی»، «مدرنیسم» و «قدرت‌گرایی استبدادی» در او، به رویارویی او با ارزش‌های مذهبی و روحانیت منجر شد (حسینیان، ۱۳۸۷، ص ۴۱۳)؛ تا اینکه کم‌کم تبلیغات علیه علما و رسوم دینی، از قبیل: روضه‌خوانی، سینه‌زنی و تعزیه را شروع کرد؛ حتی رفتن به زیارت حج هم برای مدتی ممنوع شد (نیازمند، ۱۳۸۳، ص ۴۰۵) و نطقه اوج آن، از سال ۱۳۱۴ش و به موازات اجرای قانون کشف حجاب بود که اوضاع اجتماعی کاملاً تغییر کرد. در همین سال، به حکام ولایات دستور داده شد تا از راه انداختن دسته‌های عزاداری در ماه محرم و صفر جلوگیری کنند و مردم را تشویق کنند تا در مجالس روضه، بر روی صندلی بنشینند. پس از واقعه گوه‌رشاد (۱۳۱۴ش) و تشدید خفقان، سختگیری در باره برپایی مجالس روضه افزایش یافت و مأموران شهربانی موظف شدند که از مجالس عزاداری جلوگیری نمایند؛ حتی کار به جایی رسید که در بعضی شهرها، وعاظ و برپاکنندگان مجالس روضه را با سرنیزه به زندان می‌فرستادند

(بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳-۱۴۴). این قبیل محدودیت‌ها، به‌ویژه ممنوعیت برگزاری مجالس عزا که صورت رسمی پیدا کرده بود، تا سال ۱۳۲۰ش ادامه داشت (گلی زواره، ۱۳۷۵، ص ۲۹). این اقدامات، دوران رضاشاه را تبدیل به دوران مبارزه با مذهب و از میان بردن سنت‌ها و نهادهای مدنی دینی مانند حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه کرد (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۲۸).

این شرایط، روحانیت را بسیار تضعیف کرد و در شرف نابودی قرار داد و رضاشاه به آرمان خویش که همان اسلام‌زدایی بود، نزدیک تر شد. با قانون تغییر لباس، روحانیت به شدت محدود شد؛ تا جایی که فشار دستگاه پلیسی و تبلیغات تحقیرکننده شاه، موجب شد عده زیادی از روحانیون، لباس خود را بیرون آوردند و هم‌رنگ جماعت شوند. حوزه‌های علمیه چنان ضعیف شدند که بسیاری از آنها، مخروبه شد و یا مدرسه مروی تهران، به دبیرستان دخترانه تبدیل گردید (حسینیان، ۱۳۸۷، ص ۴۲۹). در سایر شهرها نیز بسیاری از مدارس علمیه را به روی طلاب بسته، فضای آنها را در اختیار محصلان جدید قرار داده بودند. همچنین، بسیاری از این مدارس، توسط بازاری‌ها به صورت کاروانسرا و انبار کالا در آمده بود (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۴۰؛ برای نمونه: خاتم یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۸-۱۹ (در شهر یزد)؛ خسروشاهی، ۱۳۷۵، ص ۶۶-۶۸ (در شهر ساری)).

### شرایط پس از ارتحال آیت‌الله حائری (۱۲۳۸-۱۳۱۵ش)

اوضاع حوزه علمیه قم هم در این دوران، شرایطی مشابه سایر نقاط ایران داشت؛ هرچند به لطف تلاش‌ها و تدابیر آیت‌الله حائری، اندکی این فشارها کمتر بود؛ اما دولت وقت با جدیت، محدودیت روحانیون و اهل علم را در نظر داشت و در این مسیر، از هیچ تلاشی فروگذار نبود. این مسئله، به‌روشنی پس از درگذشت آیت‌الله حائری برای همگان روشن بود؛ به‌طوری‌که دولت اجازه برگزاری مراسم فاتحه برای ایشان در شهرهای ایران را نداد و حتی در قم نیز در مسجد بالاسر، بیش از دو ساعت اجازه فاتحه خوانی ندادند و مراسم را برهم زدند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۹۰). با توجه به این شرایط، حتی خود علما و روحانیون نیز بیم این را داشتند که پس رحلت آیت‌الله حائری، عرصه برای حکومت بیش از گذشته توسعه یافته و دست ایشان برای هر اقدامی علیه حوزه علمیه باز خواهد بود. محمد شریف رازی (۱۳۰۱-۱۳۷۹ش) در مورد شرایط آن دوران می‌نویسد:

پس از فوت مرحوم آیت‌الله حائری که همه یقین به انحلال حوزه و تفرقه و پراکنده شدن طلاب را داشتند و به گفته یکی از مراجع و حجج امروز که می‌گفتند ما انتظار روز بعد و دوم آیت‌الله را هم در قم نداشتیم و می‌گفتیم حتماً همین روز اول ماشین‌ها را در مدرسه و صحن می‌آورند و همه را تبعید خواهند نمود؛ زیرا به قدری سخت بر ما گرفتند که غیر از آن را منتظر نبودیم (همان).

شرایط به گونه‌ای بود که حتی خود مرحوم شیخ هم احتمال نمی‌داد که پس از رحلتش، حوزه قم باقی بماند. ایشان فرموده بود: «اگر شما سه روز بعد از من، حوزه را باقی بدارید، روح من از شما ممنون خواهد شد» (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۷).

### سرپرستی حوزه علمیه قم توسط مراجع ثلاث و حفظ ساختار تبلیغی

آیت‌الله حائری برای حفظ تلاش‌های چندین ساله و اطمینان از آینده حوزه علمیه قم که با زحمات فراوان آن را تأسیس کرده بود، سه تن از بزرگان فقها، یعنی آیات عظام: سید محمدتقی خوانساری (۱۲۶۷-۱۳۳۱ش)، سید محمد حجت کوه‌کمری (۱۲۷۱-۱۳۳۱ش) و سید صدرالدین صدر (۱۲۶۰-۱۳۳۲ش) را نزد خود فراخواند و امور حوزه علمیه قم را به آنان سپرد (شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۱۱۱-۱۱۲).

ایشان نیز عزم خود را برای ادامه مسیر مرحوم آیت‌الله حائری جزم کردند و با یکدیگر تصمیم گرفتند که با تشریک مساعی، حوزه علمیه را همچنان اداره نمایند و زحمات طاقت‌فرسای آیت‌الله حائری را حفظ کنند (شریف‌رازی، ۱۳۷۳، ص ۹۰).

اداره حوزه علمیه در دوران مراجع ثلاث، شامل دو مسئله مهم بود. نخست، حفظ حوزه شامل: تعمیر مدارس موجود، تأسیس مدارس جدید و تأمین نیازهای آن. دوم، توجه به تحصیل و تربیت طلاب به عنوان مبلغان دینی. حل این دو مسئله در آن شرایط، می‌توانست بقای حوزه و حفظ ساختار تبلیغی حوزویان را به ارمغان بیاورد؛ زیرا حوزه علمیه قم در این دوران، به تربیت واعظ و منبری شهرت پیدا کرده بود (الوانساز، ۱۳۹۴، ص ۴۰۲).

مراجع ثلاث برای رسیدگی به امور حوزه، جلساتی را با محوریت آیت‌الله صدرالدین صدر برگزار می‌کردند (شیری، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۵۵۷) تا به مرور توانستند با تقسیم کار، به تدبیر امور پردازند و در این میان، اختلاف مهمی نیز رخ نداد (اسدی، ۱۳۹۱، ص ۶۶)؛ چراکه این بزرگان در

برابر یکدیگر حس برتری جویی نداشتند (برای نمونه، ر.ک: شبیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۲۹) و حاصل تدابیر مراجع ثلاث در حل مسائل حوزه را می توان این گونه برشمرد:

### ۱. تعمیر و نگهداری مدارس موجود و تأسیس مدرسه جدید

در این زمان، اغلب مدارس علمیه قم وضعیت مطلوبی نداشت. به همین منظور، آیت الله صدر پس از مرجعیت، حجره های پایینی مرطوب مدرسه فیضیه را تعمیر کرد و زیر آن را برای کم کردن رطوبت، خالی نمود و مانند سرداب ساخت تا طلاب ساکن مدرسه، از خطر رطوبت و روماتیسم و درد پا مصون بمانند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۳). ایشان علاوه بر مدرسه فیضیه، مدارسی مانند: مدرسه خان، مدرسه حاجی سید صادق و مدرسه ملاصادق را نیز تعمیر می کند (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۳ و ۱۰۳) و در سال ۱۳۲۰ ش نیز عهده دار بنای طبقه دوم مدرسه دارالشفاء می شود (همان، ج ۲، ص ۱۵۳۷).

بزرگ ترین کار عمرانی در حوزه علمیه قم در آن دوره را آیت الله حجت با بنای مدرسه علمیه ای که بعدها به نام «مدرسه حجتیه» معروف شد، به انجام رساند. ساخت این مدرسه، با کلنگ زنی آیت الله حجت در ۱۳۲۰ ش آغاز شد و با کمک خیرین به اتمام رسید و در اختیار طلاب علوم دینی قرار گرفت. این مدرسه که در نزدیکی حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار دارد، در دهه های اخیر در شمار مدارس علمیه فعال و معروف ایران به حساب آمده است (قلی زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۸-۸۰؛ الوانسان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷-۱۴۷).

### ۲. تربیت علمی طلاب

یکی دیگر از دغدغه های مراجع ثلاث، تربیت علمی طلاب بود؛ زیرا هرچه یک طلبه به لحاظ علمی تربیت یافته تر بود، زمینه موفقیت او در تبلیغ میسر می شد. به همین منظور، مراجع ثلاث به مدیریت و نظارت بر دروس پرداختند و دروس خود را نیز ادامه دادند. آیت الله صدر در این دوره، هفته ای ۱۰ ساعت برای طلاب و فضلا تدریس داشت که از حوزه درس ایشان صدها نفر عالم و دانشمند زبردست بیرون آمدند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۳). آیت الله حجت نیز به صورت مداوم به تدریس خارج فقه و اصول ادامه داد (الوانسان، ۱۳۹۴، ص ۶۱).

هم زمان به درخواست شیخ محمد صدوقی (۱۲۸۷-۱۳۶۱ ش) و شیخ مجتبی عراقی

(۱۳۷۹-۱۲۹۳ ش) و تعدادی دیگر، به آیت‌الله خوانساری پیشنهاد می‌شود که ایشان ادامه درس خارج مرحوم شیخ عبدالکریم حائری را بگویند و او این پیشنهاد را می‌پذیرد (ایدرم، ۱۳۷۳، ص ۵۰-۵۱؛ انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰). ایشان در نظر طلاب، فقیهی زبردست و بحاث بود. مجلس درس او که در مدرسه فیضیه زیر کتابخانه تشکیل می‌شد، جلسه پُرشور و گرمی بود و مباحثات تند و دراز در آن مجالس در می‌گرفت (انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۲۱۷).

اما تلاش آقایان ثلاث برای تربیت علمی طلاب، منحصر در تدریس ایشان و دیگر اساتید نبود و آیات ثلاث، تدابیر دیگری نیز اندیشیده بودند؛ مانند اینکه آیت‌الله صدر، امتحاناتی برای طلاب قرار داد بود و خود نیز بر آن نظارت داشت (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۰۵).

همچنین، یکی از شیوه‌های علمی و تربیتی آیت‌الله حجت، برگزاری مسابقات حدیث اهل بیت علیهم‌السلام در بین طلاب و فضلا بود. در آن سال‌ها، بسیاری از کتب روایی و جوامع حدیثی هنوز به سبک جدید با فهرست‌بندی و فهرست موضوعات چاپ و منتشر نشده بود و به همان شکل و شیوه چاپ سنگی و گاه به صورت خطی در اختیار اهل علم قرار داشت و گاهی پیدا کردن یک حدیث، مدت‌ها وقت می‌برد. بنابراین، آیت‌الله حجت برای انس و الفت دادن طلاب با متون روایات و واداشتن آنان به تحقیق و پژوهش در اسناد و مدارک و متن احادیث، حدیثی را به مسابقه می‌گذاشت که هرکس این حدیث را پیدا کند، فلان مقدار جایزه می‌گیرد. طلاب علاقه‌مند و اهل تحقیق، به جست‌وجو در متون و کتب روایات می‌پرداختند و پیدا می‌کردند و جایزه هم می‌گرفتند. مرحوم آیت‌الله حجت، بدین گونه با ایجاد انگیزه سالم و سازنده، طلاب را به تحقیق و تلاش علمی وا می‌داشت (قلی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۹-۶۰). حاصل مجاهدت علمی مراجع ثلاث، پرورش طلابی بود که تبدیل به علما و مبلغان بزرگ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام شدند (برای اطلاع از اسامی شاگردان، ر.ک: شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۶۹-۹۷؛ انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۳۳۵-۴۲۲؛ الوان‌ساز خوبی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵-۱۳۵).

### ۳. حلّ مشکلات مادی طلاب

حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، نه تحت سرپرستی حکومت‌ها بوده‌اند و نه از درآمد خاصی بهره برده‌اند. به همین دلیل، اداره آن و تربیت طلاب همواره با مشکلات مالی همراه بوده است. مراجع تقلید برای کمک به حلّ مشکلات طلاب، مبالغی را از منبع وجوهات شرعی به

صورت ماهانه یا مناسبتی به طلاب پرداخت می‌کنند. در این دوره نیز مراجع ثلاث، مبالغی را تحت عنوان «شهریه» به طلاب پرداخت می‌کردند (شیری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۷۱). آیت‌الله حجت علاوه بر شهریه نیز مقداری نان برای طلاب در نظر گرفته بود که به صورت ماهانه به ایشان اختصاص می‌داد (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۹۰). آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت، همچنین مبالغی را اضافه بر شهریه، برای تشویق به طلاب کوشا پرداخت می‌کردند (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۰۵؛ الواناساز، ۱۳۹۴، ص ۱۸۹-۱۹۱).

با وجود تمام این مواردی که از سوی مراجع ثلاث برای حل مشکلات مالی طلاب انجام می‌شد، اما کفاف حداقل‌های زندگی آن روز را نمی‌داد و تهیه مبالغ آن هم برای اداره حوزه علمیه قم نیز بر مراجع دشوار بود (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۷). در نتیجه پس از مدتی، اداره حوزه از جهت مالی مشکل می‌شود و آیت‌الله صدر برای اداره حوزه چند ماه قرض می‌کنند؛ ولی پس از آن، دیگر قرض هم ممکن نیست و طلاب با مشکل مواجه می‌شوند که با توسل ایشان به حضرت معصومه علیها السلام و مساعدت یکی از مؤمنان شیراز، مشکل به صورت موقت حل می‌شود (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۸۶-۸۸)؛ اما ادامه این وضعیت، دشوار بود و ممکن بود تا موجودیت حوزه قم را که با تلاش‌های فراوان به اینجا رسیده بود، به خطر اندازد. برای دفع این خطر، آیت‌الله صدر تصمیم می‌گیرد تا از مرجع کل جهان تشیع، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۲۵-۱۲۴۴ ش) که ساکن نجف بود، کمک بگیرد؛ زیرا ایشان پس از مدتی، اجازه هزینه وجوهات در قم را با وجود تأیید اولیه، پس گرفته بود. به همین منظور، آیت‌الله صدر برای جلب کمک ایشان، راهی نجف می‌شود؛ اما در مذاکرات آیت‌الله صدر با آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، به علت فقدان منابع کافی حوزه نجف، کمک به حوزه قم را باعث شکست حوزه نجف می‌داند و به همین جهت، این تلاش آیت‌الله صدر، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۶-۵۳۷).

آیت‌الله صدر پس از بازگشت از نجف، این بار تدبیر دیگری اندیشید و آن دعوت از آیت‌الله بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰ ش) به قم بود تا ایشان ریاست و اداره حوزه علمیه قم را به عهده بگیرد و مشکلات را حل کند. به همین علت، با برگزاری جلسه‌ای آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حجت را با خود همراه کرد (شیری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۶۶؛ انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸) و در نتیجه



تلاش‌های ایشان، سرانجام آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۲۳ ش به قم آمد.

دعوت از آیت‌الله بروجردی و امکان حضور ایشان در قم برای زعامت حوزه علمیه، در عمل به معنای پایان دوران مدیریت و ریاست مراجع ثلاث بر حوزه علمیه قم بود؛ اما ایشان بقا و رشد حوزه علمیه قم و ساختار تبلیغی حوزویان را بر ریاست خود ترجیح دادند تا با این ایشار، زمینه شکوفایی حوزه علمیه فراهم شود. این ایشار، از نخستین روزهای حضور آیت‌الله بروجردی آغاز شد و تا پایان عمر مراجع ثلاث ادامه داشت.

آیت‌الله صدر پس از ورود آیت‌الله بروجردی به قم، جای نماز خود در صحن بزرگ حضرت معصومه علیها السلام را به آن مرحوم واگذار کرد و با این ایشار خویش، تا حدّ زیادی از نظر عامه مردم، فراموش و تقریباً خانه‌نشین شد (دوانی، الف: ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۰۵). وقتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی از دنیا می‌رود، آیت‌الله خوانساری با وجود اینکه رساله فقهی داشت و دارای مقلدان بسیاری بود، صبح همان روز به منزل آیت‌الله بروجردی تشریف می‌برد و ضمن عرض تسلیت می‌فرماید: «آقا بقای عمر شما باشد.» و به این ترتیب، مرجعیت علی الاطلاق آیت‌الله بروجردی را قبول می‌نماید و حتی در مواردی که فضلالی حوزه علمیه قم از ایشان سؤال می‌کنند که از چه کسی تقلید کنیم، می‌فرماید: «من آیت‌الله بروجردی را اعلم می‌دانم» (انصاریان، ۱۳۹۵، ص ۹۸). آیت‌الله حجت هم در این دوران، آن‌چنان به حضور آیت‌الله بروجردی در قم ملتزم بود که آیت‌الله بروجردی در مورد ایشان فرمود: «در تمام مدتی که با هم بودیم، ندیدم ایشان کاری کند که کار بر من مشکل شود» (شیری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۳۳).

به هر تقدیر، مراجع ثلاث و برخی دیگر از مجتهدان، از جمله مرحوم آیت‌الله فیض قمی (۱۳۴۰-۱۲۵۳ ش)، بعد از مرحوم آیت‌الله حائری و در سخت‌ترین شرایط و بحرانی‌ترین سال‌های غریبی و انزوای حوزه، توانستند در حدّ وسع و توان خویش نیازهای مادی و ضروری حوزویان را برآورده سازند و چراغ تعلیم و تعلم را در آن سال‌های خفقان و سیاه روشن نگهدارند (قلی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳) که این مهم، نقشی کلیدی در حفظ ساختار تبلیغ حوزویان داشت.

### روش‌های تبلیغی

حوزویان در عصر مراجع ثلاث، از روش‌های متعددی برای تبلیغ دین استفاده می‌کردند که تنوع و گستردگی تبلیغات آن روش‌ها، به اوضاع و شرایط کشور وابسته بود؛ به این صورت که از

ابتدای عصر این مراجع تا میانه سال ۱۳۲۰ش، تبلیغات به صورت بسیار محدود بود و عمده تلاش حوزویان، به حفظ ساختار تبلیغی و باقی ماندن حوزه‌های علمیه معطوف بود؛ اما پس از شهریور ۱۳۲۰ش با سقوط رضاخان و ورود نیروهای متفقین به ایران، فضای سیاسی و فرهنگی برای مردم اندکی باز شد و رعب و وحشت از خشونت پهلوی، رخت بر بست و به تبع آن، بسیاری از ممنوعیت‌های پیشین، از جمله ممنوعیت برگزاری مراسم سوگواری نیز رنگ باخت (حسام مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹) و روحانیون فعالیت خود را از سر گرفتند و مدرسه‌های دینی کار خود را شروع کردند (کرمی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

### ۱. منبر

منبر وعظ و خطابه، یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین روش‌های تبلیغی حوزویان است که از دیرباز تا کنون مورد استفاده روحانیون قرار داشته است. در دوران مراجع ثلاث نیز منبر، یکی از روش‌های تبلیغی حوزویان بود که مراجع قم به آن توجه خاصی داشتند و از آن برای تبلیغ دین بهره می‌گرفتند.

آیت‌الله صدر، در مناسبت‌های مختلف منبر می‌رفت. عبدالهادی حائری در سال ۱۳۳۱ش در وصف خطابه ایشان می‌نویسد:

از قدرت کلام این آیت‌الله بزرگ چه بگویم. همین قدر به جرئت می‌توانم عرض کنم که در ردیف بزرگ‌ترین ناطقین و سخنوران ایران به شمار می‌رود و تا چند سال اخیر که وضع مزاجی ایشان اقتضا داشت، در اعیادی از قبیل فطر و مجالس سوگواری که متعلق به خودشان بود، خود بر عرشه منبر می‌رفتند و با لحن غرا و رسا و بیانات فصیح و شگفت‌آور خود، هزاران شنونده را مجذوب و محظوظ می‌ساخت (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۵۰).

آیت‌الله خوانساری نیز اهل منبر بود و در نماز باران ۱۳۲۳ش به منبر رفت (شیری، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۵۶۶). در نگاه آیت‌الله خوانساری، اهل منبر جایگاه ویژه‌ای در ساخت فرهنگ دینی داشتند و می‌توانستند نقش بسزایی در تعلیم عبادی مردم ایفا کنند. ایشان در جلسه‌ای که با تعدادی از سخنوران دینی ترتیب داده بود، آنها را چنین مورد خطاب قرار داد:

خدا یک نعمت بزرگی به شما داده است؛ آن نعمت، طلاق لسان و فصاحت کلام است و این را خدا به شما مرحمت کرده است که می‌توانید این منبرهای باشکوه را تحویل مردم دهید.

سزاوار است، خطبه‌ای را مخصوص نماز کنید؛ چون نماز در انظار مردم، خیلی کم‌ارزش و بی‌خاصیت شده است و مردم با حقارت به آن نگاه می‌کنند. با این قدرتی که خدا به شما داده است، می‌توانید این نماز را بزرگ کنید و از وضعیتی که دارد نجاتش دهید (ایدوم، ۱۳۷۳، ص ۶۳-۶۴).

آیت‌الله حاج شیخ محمد کبیر (۱۲۵۰-۱۳۲۹ ش)، از دیگر علمای صاحب‌نام قم بود که منبری شیرین داشت. وی در منزل خود در اعیاد و سوگواری‌ها منبر می‌رفت و مردم را از موعظه حسنه خویش بهره‌مند می‌ساخت. علمای بزرگی همچون: آیت‌الله صدرالدین صدر، آیت‌الله حائری و آیت‌الله حرم پناهی (۱۲۷۹-۱۳۵۴ ش)، پای منبرش حاضر می‌شدند (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۲۲).

حاج میرزا محمدتقی اشراقی (۱۳۷۸-۱۳۲۸ ش)، از وعاظ مطرح این دوره بود که بسیاری از سخنرانی‌های خود را در قالب مباحث تفسیر قرآن ارائه می‌کرد و منبرهای او تا سال‌ها نقل محافل مذهبی بود (امیرخانی، ۱۴۰۰، ص ۲۷۱-۲۷۲). اشراقی سخنور بود و مطلبی که می‌خواست طرح کند، با تمام ریزه‌کاری‌ها چنان که باید، تشریح می‌کرد و در واقع، در حرف نمی‌ماند. اواخر منبر هم تا ذکر مصیبت تکیه به صوت سخن می‌گفت و سبک خاصی داشت که قابل تقلید نبود (دوانی، ب: ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۷۸). گاهی نیز به انتقاد از دستگاه سیاسی و سیاست‌مداران وطن‌فروش می‌پرداخت (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۰۸). وی علاوه بر قم، بیشتر از طرف حوزه و مدرسه فیضیه و میان اهل علم، در بعضی از شهرستان‌ها مانند همدان و تهران هم دعوت می‌شد و به عنوان یک واعظ و عالم منبر می‌رفت (دوانی، ب: ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۷۸) که در تهران، بیشتر در مسجد امام و سید عزیزالله در بازار و مدرسه صدر سخنرانی داشت و در نجف نیز مسجد هندی، میزبان منبرهای او بود (مهری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷).

حاج شیخ مرتضی انصاری قمی (۱۲۸۱-۱۳۵۰ ش) هم از دیگر مبلغان مطرح این دوره بود که مسافرت‌های تبلیغی به شهرستان‌های: کرمان، رفسنجان، یزد، کاشان، تهران، همدان، گیلان، خوزستان و خراسان انجام می‌داد و مبارزاتش علیه شیخی‌ها و صوفی‌ها و فرق ضاله دیگر، اثر نیکویی به جای گذاشت و بسیاری از مردم را به راه دین کشید و از انحراف نجات داد (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۰).

## ۲. تبلیغ در آثار مکتوب

علمای مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از عصر حضور تا کنون، پیوسته به تألیف کتاب‌ها و رسائلی در تبلیغ و دفاع از مکتب تشیع می‌پرداختند که دوران مراجع ثلاث نیز از این مسئله جدا نیست. تألیف‌های حوزویان در این عصر، علاوه بر کتاب و رسائل مذهبی، مقالاتی را که در مطبوعات منتشر می‌شد نیز در بر می‌گرفت و مطبوعات عرصه جدیدی برای حوزویان بود تا محتوای دینی مد نظر خود را با سرعت و گستردگی بیشتری در اختیار مخاطبان قرار دهند. به لحاظ روشی نیز آثار حوزویان در این دوران، اغلب دو گونه بود؛ نخست، آثاری که با رویکرد اثباتی و تبلیغی نگاشته می‌شد و دیگر، آثاری که در ردّ مخالفان و منتقدان و یا پاسخ به اشکالات آنان، به رشته تحریر در می‌آمد.

### \* تألیف کتاب

کتاب‌های تبلیغی متعددی از حوزویان در این دوران به چاپ رسید که برخی از آثار آیت‌الله صدر نیز در این زمره قرار می‌گیرند؛ مانند کتاب المهدی با موضوع امام زمان علیه‌السلام که در آن با استفاده از منابع اهل سنت، به اثبات وجود و غیبت و ظهور حضرت پرداخته است (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۴۹). رساله‌ای در عدم تحریف کتاب، رساله در ردّ شبهات وهابیت، رساله‌ای در حقوق که بر مبنای رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام به نگارش درآمده و مشتمل بر ۶۲ حق، از دیگر آثار ایشان است (همان، ص ۱۵۷؛ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۲؛ شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵).

دو کتاب «روحانیت و اسلام» و «فقه فارسی با مدارک، فروع دین و نصوص احکام» نوشته محمدباقر کمره‌ای (۱۲۸۴-۱۳۷۴ش)، از آثار شاخص این دوران با رویکرد اثباتی است. کتاب روحانیت و اسلام را باید یکی از نخستین آثاری دانست که در باره نظام سیاسی اسلام در دوره جدید و پس از آغاز حرکت احیای دین در دوره پس از رضاخان نوشته شده است. اثر یادشده، شرحی از فقه سیاسی و اقتصادی اسلام است که مؤلف ضمن آن تلاش می‌کند تا پایه‌های حکومت اسلامی را در این بخش روشن سازد. این کتاب، در فروردین‌ماه ۱۳۲۳ش به همت انجمن تبلیغات اسلامی در دو جلد به چاپ رسید (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱۹). کتاب فقه فارسی با مدارک، فروع دین و نصوص احکام، یکی دیگر از کارهای کمره‌ای پس از بازگشت به ایران

بود؛ آن هم در شرایط حساس کشور که زیر فشار گروه‌های کمونیستی و لائیک قرار داشت است (همان).

در میان آثاری که با رویکرد ردّ مخالفان یا پاسخ به سؤال‌های منتقدان نگاشته شد، کتاب کسر کسروی یا شکست کسروی، نسبت اسلام با دموکراسی، اثر آیت‌الله سید نورالدین شیرازی (۱۳۳۵-۱۲۷۴ ش) که در پاسخ به اندیشه‌های الحادی احمد کسروی (۱۲۶۹-۱۳۲۴ ش) که در غالب پرسش‌هایی مطرح شده بود، نگاشته شده است. این اثر، نخستین بار به سال ۱۳۲۲ ش به چاپ رسید (جعفریان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۵-۳۷).

دیگر کتابی که با رویکرد پاسخ به انتقادات و دفاع از اسلام به نگارش درآمد، کتاب کشف الأسرار امام خمینی (۱۲۷۹-۱۳۶۸ ش) در سال سال ۱۳۲۳ ش است. این کتاب که می‌توان از آن به عنوان آخرین اثر مهم این دوران یاد کرد، در قالب پاسخ به اثری بوده است که علی‌اکبر حکمی‌زاده (۱۲۷۶-۱۳۶۶ ش) در هفته‌نامه پرچم در ۱۳۲۲ ش تحت عنوان «اسرار هزارساله» منتشر کرد و در آن برخی عقاید شیعه را نقد نموده، در باره آنها پرسش کرده بود (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲، سراسر کتاب). این کتاب، طرح اولیه اندیشه حکومت اسلامی در تفکر امام است که آن را در شکل اولیه، تبیین نمود (حاج منوچهری، ۱۳۹۴، ج ۲۲، ص ۶۹۳-۶۹۴). البته در همین دوران، جوابیه‌هایی متعددی برای «اسرار هزار ساله» نوشته شده بود؛ از جمله کتاب کشف الاستار آیت‌الله خالصی‌زاده (۱۲۷۰-۱۳۴۲ ش) که ساکن کاشان بود؛ اما به صلاح‌دید بزرگان حوزه علمیه قم بنا شد که یک جواب به عنوان پاسخ حوزه علمیه قم مطرح شود که همان کتاب کشف الأسرار برگزیده شد و طی مذاکره‌ای هم آیت‌الله خالصی‌زاده پذیرفت تا از جوابیه خود صرف نظر کند (بدلا، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹-۲۰۱).

قدرت گرفتن وهابیت در سرزمین حجاز و شبهات آنان بر عقاید شیعیان نیز رفته‌رفته مورد توجه حوزویان قرار گرفت و علاوه بر آیت‌الله صدر، می‌توان از ردّیه شیخ محمدعلی حائری قمی (۱۲۵۱-۱۳۱۸ ش) بر وهابیت نام برد (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۷۷).

#### \* مطبوعات

در دوران حکومت پهلوی اول، حدود ۲۴ نشریه دینی منتشر می‌شده که چهار نشریه: دیانت (۱۳۰۵ ش)، بلاغ (۱۳۰۷ ش)، دعوت اسلامی (۱۳۰۷ ش) و الدین والحيوة (۱۳۰۹ ش)، در

این دوران تأسیس شد (گودرزی، ۱۳۹۴، ص ۹۸-۱۰۰). این مطبوعات، بیشتر به مباحثی مانند: نقد و نفی مظاهر تمدن غرب، حجاب، مسائل زنان، عقب‌ماندگی مسلمانان و ارائه راهکار، اجرای قوانین و احکام اسلام می‌پراختند (ر.ک: زندیه و قربانی، ۱۳۹۸، ص ۶۷-۷۷).

به عنوان نمونه، نشریه الاسلام در شیراز، توسط یکی از علمای شیراز به نام محسن فقیه شیرازی (آدمیت، ۱۳۴۰، ج ۴، ص ۱۴۸-۱۵۰) به چاپ می‌رسید و تا سال ۱۳۱۹ ش ادامه داشت. این نشریه، مورد توجه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت و اجازه صرف وجوهات شرعی برای حمایت از آن را داد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۴).

مطبوعات دینی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش، ابتدا در تهران و توسط شماری از روحانیون و متدینین غیرروحانی انتشار یافت (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۹۹). در این دوره، مطبوعات دینی مانند احزاب، یا در پاسخ به کمونیسم که به شکل حزب توده مبانی دینی را مورد تهاجم قرار داده بودند، متولد شدند یا برای تبلیغ و ترویج ارزش‌های دینی شکل گرفتند یا برای نفوذ در حاکمیت و یا به دست آوردن حاکمیت راه‌اندازی شدند (حسینیان، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱). در آن زمان، همکاری حوزه علمیه قم با آن مطبوعات، چندان گسترده نبود و تنها به صورت جسته و گریخته، مقالاتی از طلاب قم و بیشتر به عنوان دانشجوی علوم دینی در آن مطبوعات به چاپ می‌رسید (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

این نوع نشریه‌ها در مجموع، فضای مناسبی برای بیان تعالیم اسلام توسط حوزویان بود که به عنوان نمونه، می‌توان از نشریه دانش‌آموز نام برد که به عنوان نشریه‌ای علمی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و دینی نشر می‌شد. در شماره آبان و آذر ۱۳۲۰ ش و پس از آن، مقالاتی در مورد تفسیر قرآن از آیت‌الله طالقانی (۱۲۸۹-۱۳۵۸ ش) و مقالاتی در مورد شرح نهج البلاغه و حرمت ربا از میرزا خلیل کمره‌ای (۱۲۷۶-۱۳۶۳ ش) به چاپ رسید (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۹۷-۱۹۸).

### ۳. تأسیس یا همکاری با سازمان‌های سیاسی - مذهبی

تأسیس سازمان‌های سیاسی - مذهبی توسط متدینان در عصر پهلوی، زمینه‌ساز تبلیغ اسلام به صورت نظام‌مند بود. روند تأسیس این سازمان‌ها در عصر پهلوی دوم، رشد فزاینده‌ای به خود گرفت و حوزویان این فرصت را مغتنم شمرده و یا خود، اقدام به راه‌اندازی این نوع سازمان‌ها

می‌کردند و یا با سازمان‌هایی که دینداران غیرروحانی تأسیس کرده بودند، همکاری می‌کردند.

### \* حزب برادران

این حزب، توسط آیت‌الله سید نورالدین شیرازی تأسیس شد که هدف اساسی آن، ایجاد یک خط دفاعی دینی در برابر توده‌ای‌ها و ملت‌یون بود. طرح اولیه حزب برادران (حزب نور)، در سال ۱۳۱۳ش ریخته شد و به صورت محرمانه در همان دوره رضاخان، کار توسعه آن دنبال شد. آیت‌الله شیرازی بعدها در سال ۱۳۲۵ش گفت:

دوازده سال قبل که هیچ‌کس قدرت تشکیل مجمع و حزب نداشت، برادرانی را هم‌عهد ساختم، تخمی زیر گل کردم... رفقای ازجان‌گذشته من نهایت باضبط و استقامت بودند و از نداشتن ظهور و بروز در این مدت، متأثر بودند... همین که آقای فرخ استاندار فارس مرزده استعفای پهلوی را رسانید... اولین دفعه، جماعت کثیری در شاهچراغ و مسجد معرکه خانه حضور به هم رسانیدند.

اعضای این حزب با سوگند «والله من در حفظ استقلال ایران در ظل لویای مذهب جعفری با شما همراهم»، وارد حزب شده و به فعالیت می‌پرداختند (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲). این حزب، دو رسالت عمده برای خود در نظر گرفته بود؛ نخست، مبارزه سخت با حزب توده؛ زیرا فعالیت‌های فکری و حزبی آنان را عامل بی‌دینی در جامعه می‌دانست (ر.ک: آتشی، ۱۳۸۲، ص ۹۵). دومین فعالیت مهم این حزب نیز جمع‌آوری کمک‌های درمانی و معیشتی برای افراد تهیدست بود تا باری از دوش آنان در آن دوران سخت بردارد (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲). این فعالیت‌ها به‌مرور دامنه نفوذ حزب به رهبری آیت‌الله شیرازی را گسترده کرد. این حزب همچنین، مرامنامه‌ای با دوازده اصل تنظیم کرد که علاوه بر حفظ وحدت ملی ایران و توسعه مذهب جعفری، سایر امور داخلی و حتی روابط خارجی کشور را نیز مورد توجه قرار داده بود. در نتیجه، می‌توان گفت این حزب تلاشی برای تبدیل اسلام سنتی به اسلام سیاسی بود. آیت‌الله شیرازی همچنین، روی اصل دوم متمم قانون اساسی تأکید فراوان داشت و در نوشته‌ای از وی که در سال ۱۳۲۳ش چاپ شد، تصریح کرد که وحدت کامل بین دولت و ملت ایران به عمل شدن به اصل دوم متمم قانون اساسی است (همان، ص ۱۵۴).

## \* انجمن تبلیغات اسلامی

از جمله تشکل‌های اسلامی این دوره که در سطح وسیعی از کشور فعالیت داشت، انجمن تبلیغات اسلامی بود که در فروردین سال ۱۳۲۱ ش توسط دکتر عطاءالله شهاب‌پور کرمانشاهی تأسیس گردید. فعالیت‌های مذهبی انجمن، باعث شد تا مجتهدان و روشنفکران مسلمان بسیاری با نامه‌های خود از انجمن حمایت کنند (همان، ص ۶۹-۷۰).

شعبه‌های انجمن تبلیغات اسلامی در شهرستان‌ها، از مردم و روحانیون متدین تشکیل شده بود که به تبلیغ و مباحث اسلامی می‌پرداختند. این شعبه‌ها، تعداد زیادی از جلسات مذهبی را اداره می‌نمودند و شخصیت‌هایی را نیز برای سخنرانی دعوت می‌کردند (حسینیان، ۱۳۸۱، ص ۴۶۳).

## \* جمعیت پیروان قرآن

حاج شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری (۱۲۷۵-۱۳۶۴ ش)، از روحانیونی بود که از ابتدا ذهنی تشکیلاتی داشت. وی در نخستین قدم در سال ۱۳۲۲ ش «جمعیت پیروان قرآن» را تأسیس کرد (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۹۵) که یکی از اصول آن، وادار نمودن جامعه به پیروی از علما و فقهای اثنی عشری بود (کوهستانی، ۱۳۸۵، ص ۵۱). مهم‌ترین اهداف این جمعیت، تبلیغ اسلام، پاسخ به مخالفان اسلام، توجه به تعلیم و تربیت کودکان و جوانان، کوشش در اتحاد مسلمانان، توجه به طلاب علوم دینی و کمک به فقرا بود (ر.ک: آیین اسلام، س ۱، ش ۱۷، ۱۶/۴/۱۳۲۳، ص ۶).

## \* جامعه تعلیمات اسلامی

این تشکیلات، از اوایل سال ۱۳۲۲ ش با همت شیخ عباسعلی اسلامی راه‌اندازی شد و برای چند دهه به فعالیت فرهنگی و آموزشی خود ادامه داد و خیلی زود فعالیت‌های خویش را گسترش داد؛ به طوری که روزنامه پرچم اسلام در شماره نهم خرداد ۱۳۲۵ ش خود از ۲۳ آموزشگاه آن با اسم و نشانی یاد کرده است (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۹۵-۹۶). هدف این جامعه، علاوه بر تبلیغ اسلام بر مبنای تشیع، تقلید از اعلم امامیه بود (ر.ک: کوهستانی، ۱۳۸۵، ص ۵۱). جامعه تعلیمات اسلامی، از علمای طراز اول کشور برای بهبود فعالیت‌های خود استمداد نمود که در این میان، آیت‌الله خوانساری این جامعه را با کمک‌های مادی و معنوی خویش یاری کرد (شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۲۰۵).



جامعه تعلیمات اسلامی از سوی هیئت‌های علمیه روحانی در شهرهای مختلف، مورد حمایت قرار می‌گرفت. در این باره هیئت علمیه اصفهان، ضمن اعلامیه‌ای از مردم خواست تا اطفال و جوانان خود را برای تحصیل به این مدارس ببرند. روحانیون گلپایگان نیز با برگزاری جلسه‌ای تلاش کردند با نشان دادن نواقص فرهنگ، از لزوم تأسیس مدرسه تعلیمات اسلامی حمایت کنند (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۹۸).

#### \* جمعیت مبارزه با بی‌دینی

حاج مهدی سراج انصاری (۱۳۴۰-۱۲۷۵ ش)، در دوران پهلوی دوم دست به تشکیل برخی سازمان‌های سیاسی - مذهبی زد. یکی از نخستین آنها، «جمعیت مبارزه با بی‌دینی» بود که در سال ۱۳۲۳ ش تشکیل شد و شماری از علما و متدینین تهران، حاج سراج را یاری می‌کردند. مهم‌ترین رسالت این تشکل، مبارزه با نوشته‌های کسروی و خنثا کردن فعالیت‌های او بود. وظایف این جمعیت، در هشت بند بیشتر به: دفاع و تبلیغ اسلام، ایجاد اتحاد میان مردم و مسلمانان، پاسخ به شبهات و مساعدت به نیازمندان معطوف بود (همان، ص ۸۰-۸۱).

#### \* جمعیت‌های متحده اسلامی

در همین زمان، یک جبهه فراگیر اسلامی تحت عنوان «جمعیت‌های متحده اسلامی» تشکیل شد که شامل «جمعیت پیروان قرآن»، «انجمن تبلیغات اسلامی»، «کانون اسلام» و «جمعیت روحانی منتظم» بود و مراسم و جشن‌های مذهبی را به صورت متمرکز برگزار می‌کردند (همان، ص ۱۱۱). ناگفته نماند که در این دوران، گروه‌های مذهبی دیگری نیز تشکیل شد که به فعالیت‌های تبلیغی می‌پرداختند (ر.ک: کوهستانی، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

#### ۴. توجه به عبادت‌های جمعی

در اسلام برخی عبادت‌ها برای مؤمنان تعیین شده است که یا از اساس به صورت جمعی است و یا اینکه خداوند متعال به حضور دسته‌جمعی در این عبادت‌ها سفارش ویژه‌ای داشته است. این عبادت‌ها در ذات خود، دارای دو اثر شایسته توجه هستند؛ نخست اینکه صرف برگزاری آنها، نوعی تظاهر و تبلیغ اسلام است و دوم آنکه این برگزاری، زمینه‌ساز تبلیغ و تداوم دعوت اسلام است. این نوع عبادت‌ها مانند نماز جمعه یا برگزاری مراسم برای اهل بیت علیهم‌السلام که در دوران

سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) کم‌رنگ شده بود، پس از خلع او از قدرت، مورد توجه حوزویان قرار گرفت.

#### \* نماز جمعه

یکی از اقدامات عبادی-سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خوانساری، اقامه نماز جمعه در مدرسه فیضیه قم از سال ۱۳۲۰ش بود. ایشان که نماز جمعه را احتیاط واجب می‌دانست (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶)، از همان سالی که کمی آزادی سیاسی و تخفیف فشار و استبداد در ایران به وجود آمد، به اقامه و احیای آن در شهر مذهبی قم و در مرکز حوزه علمیه پرداخت و گامی در عرصه اصلاح و روشنگری دینی، اجتماعی و سیاسی ایران برداشت. تأثیر اقامه نماز جمعه به امامت آیت‌الله خوانساری در کشور به قدری بود که به دنبال آن، در اغلب شهرستان‌ها نماز جمعه برپا گردید و این سنت عبادی متروک و مهجور مانده، احیا شد و نشاط معنوی را در دل مردم مسلمان زنده کرد. هزاران نفر از مردم متدین قم، طلاب، علما و فضلا در این آیین عبادی و سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کردند. به تدریج ازدحام مردم به حدی رسید که مدرسه فیضیه گنجایش نداشت. بنابراین، محل نماز جمعه را به مسجد جامع امام حسن عسکری علیه السلام انتقال دادند. آیت‌الله خوانساری تا سال ۱۳۲۳ش که آیت‌الله بروجردی به قم آمد، نماز جمعه را همچنان اقامه می‌کرد (قلی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۸-۳۹).

#### \* حمایت از مراسم‌های اهل بیت علیهم السلام

آیت‌الله صدر در ایام محرم در قم، یک دهه مجلس روضه برگزار می‌کرد؛ اما خودش منبر نمی‌رفت. ایشان در این مجالس، با آراستگی کامل دم درب منزل می‌ایستاد تا همه مهمان‌هایی که می‌خواستند برای روضه بیایند، می‌آمدند. وقتی منبر و صحبت شروع می‌شد، همان‌جا می‌نشست. وقتی روضه تمام می‌شد و افراد می‌خواستند بروند، باز جلوی در می‌ایستاد تا افراد را مشایعت کند (خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۱۳).

آیت‌الله خوانساری به برپایی مراسم برای اهل بیت علیهم السلام عنایت ویژه‌ای داشت و در شهادت‌ها و اعیاد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که پیش می‌آمد و به ایشان مراجعه شده و استدعا کمک می‌شد، مضایقه نداشت و به تعبیر محمد شریف رازی: «جاناً و مالاً و قدماً و لساناً، مبادرت به کمک می‌نمود» (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۸). علاوه بر آن، خود نیز بسیار مقید به شرکت در

مجالس روضه و عزاداری بود؛ حتی زمانی که برای استراحت یا بازدید بستگان به خوانسار سفر می‌کرد نیز مقید به شرکت در مجالس عزاداری بود (شمس‌الدین، ۱۳۹۷، ص ۲۲۰).

ایشان همچنین در سال ۱۳۲۸ ش در عزای حضرت زینب علیها السلام بعد نماز عشا با وجود کسالتی که داشت، با نوحه و شیون از مدرسه فیضیه با جمعیت طلاب و مؤمنان، به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف شد و به محضر حضرت عرض ادب کرد. فردای آن روز، وقتی خبر این کار در قم منتشر شد که آیت‌الله خوانساری با جمعیت طلاب و مؤمنان به حرم مشرف شده، مردم بازار و مغازه‌ها را تعطیل کردند و به تجلیل از مقام حضرت زینب علیها السلام پرداختند و این عزاداری با همت ایشان رسمیت یافت (شریف رازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۹).

#### \* نماز باران

در سال ۱۳۲۳ ش خشکسالی شدیدی در قم و اطراف آن رخ داد؛ به صورتی که تا مدتی هیچ‌وجه بارانی از آسمان نازل نشد و مردم به سختی و تنگنا افتادند. در چنین شرایطی بود که خطر قحطی مردم شهر را تهدید می‌کرد و در نتیجه، آیت‌الله خوانساری تصمیم گرفت با وجود نارضایتی برخی افراد، نماز باران بخواند و از خداوند طلب باران کند. به همین منظور، طبق مقررات دینی عده‌ای از مؤمنان برای این کار روزه گرفتند. به گزارش شریف رازی:

[ایشان] رداء مبارک را از راست به چپ و بالعکس انداخته پای برهنه مانند عموی بزرگوارش اعلی حضرت ثامن الائمه علی بن موسی بن الرضا (علیهما السلام) که در مرو خراسان برای استسقاء به بیابان رفت، استغفارگویان و تضرع‌کنان رهسپار سمت خارج خاکفرج گردید و به امید فتح و فرج رو به بیابان نهاد... با حضور جمع زیادی در حال تضرع و خشع به ذات مقدس ربوبی، نماز استسقاء را به جای آورده و با خطبه و دعاء پایان یافت. پس، روز دیگر را مرحوم آیت‌الله فقید - اعلی الله مقامه الشریف - با جمعی از خواص اهل علم با خضوع و خشوع بیشتر بیرون رفته و با چشمی گریان و دل بریان و ادعیه مأثور و غیر مأثور خوانده و در سجده تضرع زیادی نموده و تقاضای باران رحمت نموده و پس از سر برداشته، آثار رحمت حق تعالی را ظاهر دیدند (همان، ص ۱۴۷-۱۴۸).

آیت‌الله شبیری زنجانی که از حاضران در ماجرا بوده، می‌گوید: «[در اثر این نماز،] باران حدود یک ساعتی بارید. قبلش هیچ اثری از باران نبود و حتی احتمال عادی باران هم نمی‌رفت. آن را

همه به غیرعادی بودن حمل کردند.»

پس از آن، قمی‌ها برای شکرانه این باران، بازار را چراغانی کردند (شیری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۶۶-۵۶۷). این نماز، علاوه بر اینکه بر تقویت ایمان مردم مسلمان قم اثرگذار بود، باعث ارادت سربازان متفقین که در همان منطقه برگزاری نماز اردو زده بودند شد و از آیت‌الله خوانساری درخواست دعا برای پایان جنگ و بازگشتن به موطن خود کردند (بدلا، ۱۳۷۸، ص ۵۷).

### ۵. تلاش سیاسی برای اجرای احکام دین

یکی از روش‌هایی که علما و مراجع شیعه برای صیانت از اسلام و ترویج تعالیم آن در پیش می‌گرفتند، تلاش سیاسی و رایزنی با سیاستمداران برای اجرای احکام دین بود. پس از سال ۱۳۲۱ش، تلاش‌هایی برای رشد تعلیمات دینی در آموزش و پرورش شکل گرفت و نامه‌هایی در مورد آن برای نخست وزیر و وزیر فرهنگ ارسال شد. این نکته، مورد حمایت بسیاری از علمای فعال شهرستان‌ها بود که در رأس آنان، باید از آیت‌الله سید نورالدین شیرازی، از مراجع محلی شیراز نام برد که ضمن تلگرافی به وزیر فرهنگ، گوشزد کرد که چون «دولت‌های سابق، از معنویات نوباوگان غفلت کرده و ضررهای این غفلت پیداست، تقاضا می‌نمایم که در موقع تجدید نظر، رعایت کامل در پروگرام و برنامه آموزشگاه‌ها بفرمایید» (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۱۶۱).

آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی هم پس از بازگشت از تبعید، در تیرماه ۱۳۲۲ش (برای اطلاع از اوضاع تبعید ایشان، ر.ک: انصاری قمی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۸)، پیشنهادهای در راستای احیا و ترویج احکام دینی به دولت سهیلی ارائه کرد و سرانجام دولت وقت مجبور به پذیرش آنها شد. این پیشنهادات، عبارت بود از: ۱. آزادی حجاب بانوان؛ ۲. آزادی حوزه‌های علمیه و معافیت تحصیلی طلاب از خدمت نظام وظیفه؛ ۳. انحلال مدارس مختلط و جداسازی پسران و دختران؛ ۴. تعلیم دروس دینی در تمام مقاطع تحصیلی؛ ۵. نظارت یک مجتهد در شورای عالی فرهنگ؛ ۶. اصلاح ارزاق عمومی و جبران کمبود مواد غذایی. دولت، پس از دو ماه مسامحه و مجامله، سرانجام با حمایت عموم علما و ملت مسلمان، مجبور به پذیرش این پیشنهادات شد (انصاری قمی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۱).

۱. زیرا در این دوران داشتن حجاب برای بانوان توسط حکومت پهلوی ممنوع شده بود و زنان با حجاب مورد آزار حکومت قرار می‌گرفتند.

## ۶. شعر

یکی از ابزارهای ترویج و تبلیغ یک مکتب از دیرباز تا کنون، شعر است که شاعران هر دین و آیینی، برای تبلیغ دین خود و انتقاد از دیگران، به آن متوسل می‌شدند. شیعیان نیز در طول تاریخ، اشعار فراوانی در تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از خود به یادگار گذاشته‌اند. این مسئله نیز مورد توجه مراجع ثلاث قم قرار داشت. آیت‌الله صدر، از ذوق شعری بهره‌مند بود و اشعاری از ایشان در مدح اهل بیت علیهم‌السلام به دست رسیده است (ر.ک: خسروشاهی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۱-۲۶؛ همان، ج ۲، ص ۱۴۴۸-۱۴۵۳)؛ از جمله، شعری از ایشان که راجع به ویران کردن قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام توسط وهابیت، سروده شده است.

«لعمری ان الناحیة البقیع  
و سوف تکون فاتحة الرزایا  
فهل من مسلم لله یرعی  
حقوق نبیه الهادی الشفیع»<sup>۱</sup>

(مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۲۸).

این اشعار، در میان ادبا و شعرا و اعراب بین‌النهرین شهرتی عظیم یافت و صدها نفر از شعرای عرب آن را تخمیس و تضمین نموده و در جراید منتشر ساختند و بدین جهت، تا حدی احساسات مردم در خصوص تجاوزات و تعدیات نامشروع سعودی‌ها تحریک شد تا آنکه دولت عراق، آنها را جمع نمود و از خواندنش در مجالس و محافل و نشرش در جراید و مطبوعات، جلوگیری کرد (دوانی، الف: ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۰۵).

آیت‌الله خوانساری نیز روحی لطیف و طبعی روان داشت. ایشان حتی در دورانی که مشغله علمی و تدریس کمتر فرصت فراغت ایجاد می‌کرد، به شعرا تفقد داشت و آنان را مورد تشویق قرار می‌داد؛ تا با اشعار خود، مردم را به سوی اهل بیت علیهم‌السلام متمایل کند (مبهرن، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳).

۱. «به جان خودم فاجعه‌ای که در بقیع رخ داده، از دهشت آن موی سر بچه شیرخواره سفید می‌شود. به زودی این فاجعه مقدمه‌ای برای مصائب دیگر خواهد شد. اگر (مسلمانان) از این خواب‌گران پند نگیرند. آیا مسلمانی هست که به پاخیزد و از حقوق ضایع شده پیامبرش دفاع کند.» (دوانی، الف: ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۰۵)

### نتیجه

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های حوزویان، تبلیغ دین است که در هر دوره‌ای با توجه به شرایط به آن پرداخته‌اند که دوران مراجع ثلاث (۱۳۱۵-۱۳۲۳ ش) نیز از آن جمله است. این پژوهش، با هدف یافتن ساختار و روش‌های تبلیغی حوزویان در این عصر، با روش کتابخانه‌ای داده‌های موجود را جمع‌آوری نمود و سپس، به توصیف و تحلیل آنها پرداخت. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که حوزویان در این عصر، شرایط بسیار دشواری داشتند. فشارهای حکومت به حوزه، از یک سو احتمال برچیده شدن حوزه علمیه قم را محتمل می‌کند و از سوی دیگر، آثار جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط متفقین، توان مردم و حوزه را گرفته است و به همین دلیل، حوزویان در این دوره، از داشتن ساختار منسجم تبلیغی و شبکه ارسال مبلّغ، محروم هستند. مراجع ثلاث در این عصر، با تحمل سختی‌های زیاد و از خود گذشتگی، موفق به مدیریت حوزه در این دوره می‌شوند که در نتیجه، با اقداماتی چون: نگهداری مدارس موجود و تأسیس مدارس جدید، تربیت علمی طلاب و حلّ مشکلات مادی طلاب، ساختار تبلیغی حوزویان حفظ می‌شود.

در بخش تبلیغی نیز حوزویان از روش‌هایی چون: منبر، تبلیغ در رسانه‌های مکتوب مانند کتاب و مطبوعات، عبادت‌های جمعی مانند نماز جمعه، برگزاری مجالس اهل بیت علیهم‌السلام، نماز باران، تلاش سیاسی برای اجرای احکام و شعر، بهره بردند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آتشی، منوچهر، ۱۳۸۲ش، آتشی در مسیر زندگی، به کوشش: قاسم یاحسینی، بوشهر، انتشارات شروع.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۸ق، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، قم، اسماعیلیان.
۴. اسدی مبرهن، شکرالله، ۱۳۹۱ش، زندگی سیاسی و اجتماعی آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵. الوان‌ساز خوئی، محمد، ۱۳۹۴ش، حجت فقیهان؛ سیری در حالات علمی و اخلاقی آیت‌الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلى الله عليه وآله.
۶. الویری، محسن، ۱۳۸۱ش، مدخل «تبلیغ»، دانشنامه جهان اسلام، چاپ اول، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۷. امیرخانی، غلامرضا، ۱۴۰۰ش، آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب قمی (جدّ خاندان اشراقی)، مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم، به کوشش: رسول جعفریان، چاپ اول، قم، نشر مورخ.
۸. انصاریان خوانساری، محمد تقی، ۱۳۹۵ش، مرزبان ایمان و یقین؛ خاطرات و اسنادی منتشر شده درباره آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری، چاپ اول، قم، انتشارات انصاریان.
۹. انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۹ش، اختران قم، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما.
۱۰. ایدرم، حسن، ۱۳۷۳ش، سید محمد تقی خوانساری؛ بر چشمه‌ساران حضور، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. بدلا، سید حسین، ۱۳۷۸ش، هفتاد سال خاطره، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷۶ش، علما و رژیم رضاشاه نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ش، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۱۳. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۸۹ش، جرعه‌ای از دریا، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

۱۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۷ش، جرعه‌ای از دریا، ج ۲ و ۳، چاپ پنجم، قم، انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
۱۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۹ش، جرعه‌ای از دریا، ج ۴، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
۱۶. شریف رازی، محمد، ۱۳۷۳ق، آثار الحجّة یا تاریخ و دائرة المعارف حوزه علمیه قم، قم، کتاب‌فروشی برقی.
۱۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۲ش، گنجینه دانشمندان، ج ۲، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی.
۱۸. شمس‌الدین، سید مهدی؛ با همکاری جمعی از محققان، ۱۳۹۷ش، حدیث جهاد و اجتهاد، چاپ اول، تهران، نشر متق.
۱۹. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱ش، برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۶ش، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا انقلاب اسلامی (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، چاپ اول، تهران، نشر علم.
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴ش، رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی اول، تهران، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲ش، مطبوعات اسلامی: تاریخچه و اخلاق روزنامه‌نگاری، نخستین جشنواره مطبوعات اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه اطلاع‌رسانی سراج، مقاله «مطبوعات حوزوی»: ۹۹-۱۱۰.
۲۳. حاج منوچهری، فرامرز، ۱۳۹۴ش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «خمینی»، ج ۲۲، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۴. حسام‌مظاهری، محسن، ۱۳۹۰ش، رسانه شیعه جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران، چاپ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۵. حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۱ش، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷ش، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



۲۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲ش، مطبوعات اسلامی: تاریخچه و اخلاق روزنامه‌نگاری، نخستین جشنواره مطبوعات اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه اطلاع‌رسانی سراج، مقاله «مطبوعات دینی»: ۱۱۱-۱۱۹.
۲۸. حکمی‌زاده، علی‌اکبر، ۱۳۲۲ش، اسرار هزارساله، بی‌جا.
۲۹. خاتم یزدی، عباس، ۱۳۸۱ش، خاطرات آیت‌الله خاتم یزدی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۰. خسروشاهی، سید باقر، ۱۳۹۹ش، صدرنامه احوال و آثار آیت‌الله العظمی سید صدرالدین و فرزندش سید رضا صدر، چاپ اول، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
۳۱. خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۷۵ش، فدائیان اسلام؛ تاریخ، عملکرد، اندیشه، تهران، اطلاعات.
۳۲. دوانی، علی، ۱۳۷۹ش، مفاخر اسلام، ج ۱۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹ش، نقد عمر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ب، ۱۳۷۹ش.
۳۴. رکن‌زاده (آدمیت)، محمدحسین، ۱۳۴۰ش، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۴، تهران، خیام و اسلامیه.
۳۵. زندیه، حسن؛ قربانی، حسینعلی، شهریور ۱۳۹۸ش، «جریان‌شناسی تطبیقی مطبوعات ینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۲۸۶-۱۳۲۰ش)»، فصلنامه معرفت، سال بیست‌وهشتم، شماره ششم: ۶۷-۷۷.
۳۶. صدر هاشمی، محمد، ۱۳۶۳ش، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، انتشارات کمال.
۳۷. قلی‌زاده علیار، مصطفی، ۱۳۸۹ش، مراجع ثلاث، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۸. کرمی‌پور، حمید، ۱۳۸۲ش، خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۹. کوهستانی، مسعود، ۱۳۸۵ش، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم، کتاب دوم، چاپ اول، تهران، نشر نی.

۴۰. گلی زواره، ۱۳۷۵ش، ارزیابی سوگواری‌های نمایشی، چاپ اول، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۱. گودرزی، حسین، ۱۳۹۴ش، بررسی تحلیلی نشر مطبوعات دینی در ایران، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۲. مدرس تبریزی، محمدعلی، ۱۳۷۴ش، ریحانة الأدب، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خیام.
۴۳. مظفری، آیت، ۱۳۸۷ش، جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر، چاپ سوم، قم، زمزم هدایت.
۴۴. مهری، فرشید، ۱۳۸۴ش، مساجد بازار تهران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۵. نوربانی، نصرت‌الله، ۱۳۲۳ش، مجله آیین اسلام، سال اول، شماره یک.
۴۶. نیازمند، رضا، ۱۳۸۳ش، شیعه در ایران: شیعه چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟، تهران، حکایت قلم نوین.



# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

## Recognition of Islamic Seminary Propagation Approaches (National and international) in the era of Ayatollah Boroujerdi (1946-1961)

Morteza Gharasban\*

### Abstract

In the era of occultation, one of the influential elements in the organization of the affairs of the Shiites was the authority of the Shiites that great Shia scholars were in charge of the leadership of Shia in their era. One of the great scholars in the last century was the late Ayatollah Mohammad Hossein Boroujerdi, who played an irreplaceable role in this regard. This Marja' pursued his goals by using various tools to organize the affairs of the Shiites and expand the Shiite culture, and one of these important tools was the matter of propagation. This study is trying to explain the propagation actions of Grand Ayatollah Boroujerdi. The propagation approach of Grand Ayatollah Boroujerdi in the twenties and thirties can be examined in both national and international arenas. In the national arena, Ayatollah Boroujerdi, by reviving the Islamic Seminary of Qom and the institution of authority, sent propagators to all regions of Iran, established scholars in other cities, and created an agency to collect funds, organized the propagation affairs of the Islamic seminaries. In the international arena, while seriously pursuing the idea of the proximity of denominations, he took effective measures to send representatives and propagators to other countries and this support has played an effective role in the continuity and stability of the Shiite minority living in the countries of the world. This study examines the actions of Ayatollah Boroujerdi and analyzes them with documentary method and historical description.

### Keywords

Interpersonal skills, intimate relationships, adaptability, successful propagation.

---

\* students of Islamic seminary, Islamic seminary, propagation, Ayatollah Boroujerdi, National propagation, international propagation

## بازشناسی رویکردهای تبلیغات حوزوی (داخلی و بین‌المللی)

### در عصر آیت‌الله بروجردی (۱۳۲۵-۱۳۴۰ش)

مرتضی غرسبان\*

#### چکیده

در عصر غیبت، یکی از عناصر تأثیرگذار در ساماندهی امور شیعیان، مرجعیت تشیع بوده که بزرگانی از علمای شیعه، زعامت شیعیان را در عصر خود بر عهده گرفتند. یکی از علمای بزرگ در سده اخیر، مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی محمدحسین بروجردی بود که نقش بی‌بدیلی در این خصوص ایفا نمود. مرجعیت، با استفاده از ابزار مختلفی در جهت ساماندهی امور شیعیان و بسط و گسترش فرهنگ تشیع، اهداف خود را دنبال می‌کردند که یکی از این ابزار مهم، امر تبلیغ بود. این تحقیق، در تلاش است که به تبیین اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی بپردازد. رویکرد تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی در دهه بیست و سی، در دو عرصه داخلی و بین‌المللی، قابل بررسی است. آیت‌الله العظمی بروجردی در عرصه داخلی، با احیای حوزه علمیه قم و نهاد مرجعیت، به اعزام مبلغ به همه مناطق کشور، استقرار علما در سایر شهرها و ایجاد نهاد وکالت در جمع‌آوری وجوهات، به ساماندهی امور تبلیغی حوزه‌های علمیه پرداخت. معظم‌له در عرصه خارجی نیز ضمن پی‌گیری جدی ایده تقریب مذاهب، جهت اعزام نمایندگان و مبلغان به سایر کشورها، اقدامات مؤثری انجام داد و این پشتیبانی، در تداوم و پایداری اقلیت شیعی ساکن کشورهای جهان، نقش مؤثری داشته است. این تحقیق، با روش اسنادی و توصیف تاریخی، به بررسی اقدامات آیت‌الله العظمی بروجردی و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد.

**کلیدواژگان:** طلاب، حوزه علمیه، تبلیغ، آیت‌الله بروجردی، تبلیغ داخلی، تبلیغ بین‌المللی.<sup>۱</sup>

\* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی: Mgh1534@gmail.com  
۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری<sup>رحمته‌الله</sup> تالیف شده است.

## مقدمه

یکی از مؤلفه‌های تعامل و شبکه‌سازی شیعیان در روابط خود، عنصر مرجعیت می‌باشد. در سده‌های نخست، شیعیان در قلمرو خلافت اسلامی، اقلیت‌های پراکنده‌ای را تشکیل می‌دادند که همچون جزایر پراکنده، دور از هم و البته با حفظ تعلقات مذهبی، به حیات خود ادامه دادند. در این دوران، به علت فاصله طولانی مناطق شیعه‌نشین و عدم اختراع و گسترش فناوری‌های ارتباطی امروزی، غالباً در رأس هر امت شیعی، یک عالم دینی برجسته به رفع رجوع مسائل شیعیان پرداخته و به‌خصوص تعامل آنان با حکومت را سامان می‌داد؛ تا اینکه به تدریج طی سده‌های اخیر، برخی عوامل از جمله رسمیت تشیع در ایران و به‌ویژه در طی یکی دو سده اخیر، با گسترش فناوری ارتباطی، موانع پیشین برداشته شده و شرایطی پیش آمده که کم‌کم شیعیان به سوی تمرکزگرایی (مرجعیت واحد مذهبی) روی آوردند. آیت‌الله العظمی بروجردی، از اواسط دهه بیست تا اواخر دهه سی، به مدت یک دهه و نیم مرجعیت اعلم شیعیان را به عهده داشت و با نیل ایشان به این مقام، به تدریج مرکزیت مرجعیت، از نجف به قم منتقل شد.

مرجعیت با استفاده از سازوکارهای متعددی، در حمایت از شیعه اقدام می‌کرد؛ به عبارت دیگر، با ایجاد حلقه‌های واسطی نظیر: اعزام و استقرار نماینده، انتخاب یکی از علمای بومی به عنوان نماینده (مرجع مورد نظر) در امور شرعی و جمع‌آوری وجوه شرعی، تأسیس مراکز و نهادهای مذهبی و تبلیغی در تداوم بخشی این تعامل اهتمام می‌ورزید. بر این اساس، عنصر محوری در فعالیت‌های مرجعیت شیعه، امر تبلیغ می‌باشد که زعیم بزرگ شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، یکی از مراجع فعال در این امر است.

این تحقیق، در پاسخ به این سؤال اساسی مطرح می‌گردد که رویکردهای تبلیغی در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی در دو عرصه داخلی و خارجی چگونه بوده و چه تأثیراتی را در دنیای اسلام و جهان تشیع بر جای گذاشته است؟ با توجه به این پرسش، در این مقاله اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی در عرصه داخلی و بین‌المللی طی قریب دو دهه بیست و سی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بایسته است که در این نوشتار، ابتدا مختصری از زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی و جایگاه معظم‌له در جهان تشیع نقل گردد و سپس در ادامه، دیدگاه‌ها و روش‌های تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی، در دو عرصه داخلی و خارجی، مورد بازکاوی قرار گرفته و آثار آن نیز بیان گردد.

با عنایت به پژوهش‌های اسنادی چندی که در مرکز انقلاب اسلامی و مرکز اسناد ریاست جمهوری راجع به آیت‌الله العظمی بروجردی صورت گرفته، از لابه‌لای صدها برگ اسناد و یا خاطرات، گزارش‌های متعددی در مورد جایگاه و نفوذ قلمرو مرجع مذکور در جهان اسلام به دست آمد که بررسی آنها می‌تواند خلأ تبیین رویکرد تبلیغی مرجعیت تشیع در عصر آیت‌الله بروجردی را پر کند.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. مرجعیت

مرجعیت شیعه، یک نهاد هزارساله است. از جمله ویژگی‌های اصلی این نهاد، یکی، پذیرفتن اجتهاد است که شیعه در برابر اهل سنت باب اجتهاد را باز گذاشتند و دیگری، استقلال از حکومت‌هاست. حکومتی نبودن مرجعیت، سبب شده بود که در طول تاریخ هزارساله خود، به عنوان پناهگاه و تکیه‌گاه شیعیان عمل کند و گاهی نیز حرکت‌های مردمی را رهبری نماید؛ به‌خصوص از زمان صفویان، با رسمیت تشیع، نهاد مرجعیت نیز در کنار نهاد سلطنت بیش از پیش شکل گرفت و رویکرد استقلال‌طلبانه آن گسترش پیدا کرد. استقلال آن دو از هم، بعدها تعارضاتی را پیش آورد؛ به طوری که هرگاه علما اقتدار می‌یافتند، نهاد سلطنت تضعیف می‌شد؛ مثل دوره مشروطه، و برعکس، هرگاه سلطان مقتدری بر اریکه قدرت می‌نشست، مرجعیت و علما تضعیف می‌شدند؛ مثل دوره رضاشاه.

مرجعیت در دوران حیات خود، دو دوره قبل و بعد از تمرکز را تجربه کرده است؛ مرجعیت قبل از آنکه به صورت یک نهاد منسجم درآید، دوران طولانی را پشت سر گذاشته که در این دوره، با آغاز غیبت کبری امام مهدی علیه السلام در سال ۳۲۹ق و پذیرش مسؤلیت امور مذهبی شیعیان توسط مجتهدان عصر شروع شد. در این دوره، مرجعیت صورتی پراکنده و ساختاری محلی داشت. هرکس در هر حوزه جغرافیایی که می‌زیست، به مجتهد و فقیه همان جا رجوع می‌نمود و ضمن فراگیری احکام اسلامی، پرداخت‌های شرعی را نیز انجام می‌داد. تا اینکه پس از تسهیل ارتباطات و گسترش فناوری نوین ارتباطی، از قبیل: تلگراف، تلفن و به‌خصوص چاپخانه که امکان چاپ و نشر گسترده رساله‌های عملیه فراهم گردید، گام‌هایی جهت تمرکز اقتدار مرجعیت مجتهد واحد برداشته شد. از این رو، به سرعت جایگاه مرجعیت و مناسبات

مردمی آن دگرگون گردید و از چهارچوب منطقه‌ای و محلی، به کشوری و حتی به عنوان یک نهاد متمرکز جهانی (جهان‌شیع) درآمد.

در خصوص اولین فردی که با تمرکز مرجعیت در وی رهبری متمرکز روحانیت و مؤمنان شیعه حاصل شد، سه نظریه وجود دارد. مرحوم دکتر عبدالهادی حائری، معتقد است مرکزیت عام مرجعیت از زمان شیخ محمدحسن نجفی (فوت ۱۲۶۶ق) صاحب جواهر الکلام می‌باشد (حائری، ۱۳۶۴، ص ۸۲).

مرحوم دکتر حمید عنایت، خاطر نشان می‌سازد که از اواسط قرن ۱۹ میلادی شیخ مرتضی انصاری (فوت ۱۲۸۱ق)، یکی از برجسته‌ترین نوایغ فقهی شیعه، رهبری متمرکز را میان علما و روحانیون وقت که تا آن زمان به صورت دسته‌جمعی هدایت می‌شد، باز کرد. پس از آن، این فکر مقبولیت یافت که مجتهد اعلم، سزاوار آن است که مورد تقلید همه شیعیان قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که برتری شیخ انصاری، نه تنها در ایران، بلکه در عثمانی، جهان عرب، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی نیز مورد شناسایی قرار گرفت (عنایت، ۱۳۷۲، ص ۲۷۹) و بالأخره استاد مرتضی مطهری، مقطع تمرکز مرجعیت را یک گام متأخر دانسته و معتقد است، شخصیتی که برای نخستین بار در قرن اخیر ریاست و زعامت کل پیدا کرد و وسایل ارتباطی جدید کمک بزرگی برای توسعه دامنه ریاست و زعامت او شد، مجتهد بزرگ مرحوم حاج میرزا محمدحسین شیرازی (فوت ۱۳۱۲ق) بود. مهم‌ترین عرصه بروز این اقتدار، فتوای ایشان در مورد قرارداد معروف تنباکو (۱۳۰۸-۱۳۰۹ق) که به عقب‌نشینی ناصرالدین شاه و لغو قرارداد انجامید (مطهری، ۱۳۴۱، «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، ص ۱۸۱).

در مجموع، آرای دکتر حائری و استاد مطهری به ترتیب بر اساس رویکرد جامع فقهی صاحب جواهر الکلام و جایگاه سیاسی صاحب فتوای تحریم تنباکو بنا گردیده است. چنین به نظر می‌رسد که اجتماع مورخان، بر آغاز تمرکز مرجعیت شیخ مرتضی انصاری مبتنی می‌باشد (الگار، ۱۳۹۶، ص ۴۲).

## ۲. تبلیغ

تبلیغ در لغت، به معنای ایصال و رساندن است. تبلیغ با وصول و ایصال، معنای نزدیک دارد و در فارسی، هردو به معنای رساندن و رسیدن به کار می‌رود؛ اما در زبان عربی، ایصال را نمی‌شود

به جای ابلاغ و برعکس به کار برد؛ چون ایصال، رساندن در امر محسوس و مادی است؛ اما ابلاغ و تبلیغ، به معنای رساندن یک فکر یا یک پیام است؛ یعنی در مورد رساندن چیزی به فکر، روح، ضمیر و قلب کسی به کار می‌رود. بنابراین، قرآن کریم ابلاغ و تبلیغ را در مورد رسالت که عبارت از ارسال پیام‌هاست، به کار برده است (موگهی، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

قرآن کریم از زبان پیامبران نقل می‌کند: «يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ» (اعراف، آیه ۷۹)؛ ای قوم من! ابلاغ رسالت از خدای خود نمودم و شما را نصیحت کردم؛ لیکن شما به سبب جهل و غرور، ناصحان را دوست نمی‌دارید. «یا در باره پیامبران می‌فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده، آیه ۹۹)؛ بر پیغمبر، جز تبلیغ احکام الهی [وظیفه‌ای] نیست. «و همچنین فرموده: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب، آیه ۳۹)؛ آنان که تبلیغ رسالت خدا به خلق کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند.»

### ۳. حوزه علمیه نجف و قم

حوزه علمیه نجف، با سابقه‌ای هزارساله، طی سده‌های متمادی، یکی از مهم‌ترین مراکز پرورش و آموزش علمای شیعه و اعزام آنها به مناطق شیعه‌نشین کشورهای مسلمان بود؛ اما به تدریج با تضعیف جایگاه حوزه نجف در طول سده اخیر و افزایش موقعیت حوزه علمیه قم، به خصوص در پی رویکرد سیاسی نوین مرجعیت ایران و به قدرت رسیدن روحانیون در این کشور، این مأموریت و مسئولیت تاریخی، به عهده حوزه علمیه قم قرار گرفته است.

بعد از آیات عظام، آخوند خراسانی، محمدکاظم یزدی و مازندرانی، آیات عظام ضیاء عراقی، میرزا حسین نائینی و بالأخره سید ابوالحسن اصفهانی، آخرین نسل از علمای متنفذ حوزه علمیه نجف بودند. اگرچه در تداوم مکتب نجف، آیات عظام: حکیم، خوئی و شاهرودی و امروز نیز آیت‌الله العظمی سیستانی، ایفای نقش کرده و می‌کنند، ولی چنین به نظر می‌رسد که در پی بنیان‌گذاری حوزه علمیه قم از سوی شیخ عبدالکریم حائری، هم‌زمان با به قدرت رسیدن رضاخان، به خصوص با ظهور مرجعیت واحد آیت‌الله العظمی سید محمدحسین طباطبایی بروجردی در دهه‌های بیست و سی، حوزه علمیه قم جایگاه برتری یافت.



#### ۴. آیت‌الله بروجردی

مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، در سال ۱۲۹۲ق در بروجرد متولد شد و پس از آنکه هشت سال در بروجرد دروس مقدماتی را گذراند، در سال ۱۳۱۰ق، به اصفهان رفت و در حوزه علمیه اصفهان مشغول تحصیل شد. حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله، در حوزه علمیه اصفهان از محضر اساتید بنام و توانمندی مانند مرحوم کلباسی، و در حکمت و فلسفه از مرحوم کاشی و مرحوم جهانگیرخان قشقایی بهره برد. این مرجع بزرگ جهان تشیع، در ۲۸ سالگی، عازم حوزه علمیه نجف شد. با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله در سال ۱۳۲۰ق به حوزه علمیه نجف، ایشان در درس مرحوم آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی شرکت کرد و از آنها بهره برد. مرحوم آخوند خراسانی، به دو تن از شاگردان خویش، بیش از دیگران اهتمام داشت که یکی از آنها، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و دیگری مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بود. آخوند خراسانی رحمته‌الله، در بین شاگردان پیش‌بینی کرده بودند که مکتب تشیع در آینده، روی دستان آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی خواهد بود. آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی، در سال ۱۳۲۹ق به بروجرد برمی‌گردد. ایشان بعد از هشت سال تحصیل در نجف، عزم سفر به بروجرد نمود که البته در مراجعت به زادگاه خود، اجازه‌نامه اجتهادی آخوند خراسانی را به همراه داشت (منظورالأجداد، ۱۳۷۹، ص ۴۰۳-۴۰۴). در این اجازه‌نامه، آخوند برای آیت‌الله بروجردی القابی به کار برده بود که بر «اعلمیت» ایشان صحه می‌گذاشت (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۳۳). بعد از ۳۳ سال فعالیت در بروجرد، کسالتی به سراغ ایشان می‌آید و مجبور می‌شود برای مداوا به تهران برود در بیمارستانی بستری شود. در دورانی که ایشان در بیمارستان بستری بود، امام خمینی رحمته‌الله، عده‌ای از بزرگان قم را به بیمارستان محلّ مداوای آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله آورد و از ایشان خواست که به قم آمده و حوزه علمیه قم را رونق ببخشد. در سال ۱۳۶۴ق، آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله به قم آمد و ۱۵ سال مرجعیت مطلق جهان تشیع بود. آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله در نهایت، در ۱۰ شوال ۱۳۸۰ق مطابق با ۱۰ فروردین سال ۱۳۴۰ شمسی، رحلت کرد.

#### جایگاه آیت‌الله بروجردی در جهان تشیع

بعد از زعمای نخست شیعه در دوران بعد از صفویه، مرجعیت شیعه به ترتیب در آیات عظام:

آخوند ملا محمدکاظم خراسانی (فوت ۱۳۲۹ق)، سید محمدکاظم یزدی (۱۳۳۷ق)، میرزا محمدتقی حائری شیرازی (۱۳۳۹ق)، شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی (فوت ۱۳۳۰ق)، سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (۱۳۶۷ق) و بالأخره محمدحسین طباطبایی بروجردی (فوت ۱۳۸۰ق/۱۳۴۰ش) تمرکز یافت.

شهرت و آوازه آیت‌الله بروجردی، آن‌چنان گسترش یافت که برخی از بزرگان حوزه علمیه قم، به دیدار ایشان شتافتند و درنهایت، بعد از رحلت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۱۵ش، جلسه‌ای تشکیل داده و در صدد دعوت از ایشان برای مدیریت حوزه علمیه قم برآمدند که البته این درخواست، بنا به شرایط زمانی، مورد اجابت آیت‌الله قرار نگرفت (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۸۵). این دعوت، طی قریب یک دهه بعد (۱۳۲۳-۱۳۱۵ش)، بارها و بارها تکرار شده است؛ ولی هر بار به دلایلی تحقق نیافت. دکتر مهدی حائری یزدی، فرزند مؤسس حوزه قم، در خاطراتش سفر یکی از هیئت‌ها را که خود نیز به نمایندگی عده‌ای از علمای قم به بروجرد عزیمت نمود، نقل کرده است (لاجوردی، ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۲).

در خلال این تلاش‌ها، آیت‌الله بروجردی دچار بیماری سختی شد که درمان آن، در تهران میسر بود. علمای مذکور از این فرصت به دست آمده سود جسته و طی ملاقات‌هایی از ایشان در بیمارستان فیروز آبادی، درخواست خود را مطرح کردند (بُدلا، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴-۱۴۶). مراجع ثلاث، یعنی سید محمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای نیز به طور ضمنی از این درخواست استقبال کردند. بنا بر قولی از سید احمد خمینی، حاج آقا روح‌الله در آن شب‌ها، گاهی تا پنجاه نامه برای علمای شهرستان‌ها می‌نوشت تا آنان را به دعوت از آیت‌الله بروجردی برای اقامت در قم، ترغیب نماید (خمینی، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

درنهایت، این تکاپوها نتیجه داد و آیت‌الله بروجردی در ۲۱ دی ۱۳۲۳ مطابق با ۲۶ محرم ۱۳۶۴ طی استقبال باشکوهی وارد قم شد و اداره حوزه علمیه را به عهده گرفت. همه صاحب‌نظران حوزوی معترف‌اند که با آغاز ریاست ایشان، حوزه قوت و تحول نو یافت و فضای نسبتاً باز سیاسی بعد از دوره رضاشاه، زمینه بروز جنبش مذهبی برای احیای حوزه و سایر نهادهای دینی را فراهم کرده بود و از آن طرف، رشد مکاتب کمونیستی و ناسیونالیستی و برخی

نحله‌های تقابل با تشیع، نیاز به این تحول و در نتیجه، افزایش اقتدار مرجعیت واحد مذهبی را دامن می‌زد.

آیت‌الله بروجردی در دوران مرجعیت خود، با تدابیر ویژه‌ای توانست در حوزه داخلی کشور، در ارتباط با نهادهای مذهبی، موفقیت‌های چندی به دست آورد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت در دوران مرجعیت خویش، حدّ اعلای اقتدار و جایگاه معنوی مرجعیت را در ایران به دست آورد؛ چنان‌که به جرئت می‌توان ادعا کرد پیش و بعد از ایشان، به جز امام خمینی، هیچ مرجعی از چنین جایگاه و نفوذ مردمی برخوردار نگردید.

### اندیشه تبلیغی آیت‌الله بروجردی

در این بخش، به برخی از دیدگاه‌های تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی اشاره می‌شود:

#### ۱. رویکرد فرهنگی در نگاه به طلاب و حوزه‌های علمیه

یکی از دیدگاه‌های مهمی که در زندگی آیت‌الله بروجردی پُررنگ است، نوع نگاه وی به مسئله طلاب و حوزه‌های علمیه است. به نظر می‌رسد که رویکرد علمی و فرهنگی در گفتمان آیت‌الله بروجردی نسبت به رویکرد سیاسی، دارای محوریت باشد و شاید بتوان سیاست را جز در موارد لزوم، رویکردی عارضی و حاشیه‌ای در اندیشه وی دانست. آیت‌الله بروجردی بر ضرورت تحصیل علمی دقیق طلاب، همواره تأکید می‌کرد و معتقد بود محیط حوزه علمیه باید محیط علمی ناب باشد و طلاب و حوزویان باید از این فضا بهره بگیرند و حضور در عرصه سیاست را صرفاً به بزرگان حوزه واگذار کنند (لک علی‌آبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱). وی معتقد بود که طلاب جوان باید وقت خود را به تألیف و ترجمه کتاب‌های سودمند اختصاص دهند و در این مسیر، آنها را تشویق می‌کرد. همچنین، ایشان این قشر روحانی را به فراگیری زبان‌های دیگر به منظور تبلیغ در کشورهای غیراسلامی نیز ترغیب می‌نمود (وبگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۸۴۲۷۸۵۰۹).

#### ۲. نقش عالم دینی

اگر مبلغان به شهر و روستای دیگری برای امر تبلیغ می‌روند، باید مشی و شیوه رفتاری آنها به گونه‌ای نباشد که ذهنیت مردم آنجا از گذشتگان خود خراب شود و آسیب بینند. وظیفه مبلغ فقط این نیست که برای مردم نماز جماعت بخواند و منبر برود. نقش علمای شیعه با اهل سنت

متفاوت است. علمای شیعه برای مردم پدری می‌کنند؛ یعنی حتی ممکن است فرزندان اسراری را که با پدر و مادر خود در میان نمی‌گذارند، با عالم و امام جماعت محله خود در میان بگذارند. در دعوای خانوادگی که پیش می‌آمد، خانواده‌ها آن را برای عالم محله خود مطرح می‌کردند و از او کمک می‌خواستند. این امر، نشانه اوج اعتماد مردم به عالمان است. مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌فرمود: «هرکجا چنین عالمی وجود داشته و برای مردم پدری کرده باشد، مردم آنجا بیشتر به امور دینی اهمیت می‌دهند. هم وجوهات شرعی می‌پردازند، هم در مسجد و نماز جماعت‌ها حضور پیدا می‌کنند و در امور خیر پیش قدم می‌شوند؛ اگرچه آن عالم سال‌ها فوت کرده است» (وبگاه بلاغ، کد خبر: ۷۹۱۱).

### ۳. توسعه تعلیمات دینی

آیت‌الله بروجردی، لزوم تأکید بر تعلیمات اسلامی را به طلاب محدود نمی‌کرد و معتقد بود تعلیمات دینی باید از سنین پایه به کودکان و دانش‌آموزان آموخته شود و به همین دلیل، در اواخر سال ۱۳۲۵ ش، ایشان به آقای فلسفی پیام داد که شاه را ملاقات کن و بگو همان‌طور که در روزنامه‌ها نوشته‌اند، چون زمینه اجرای لایحه اجباری کردن تعلیمات ابتدایی فراهم شده است، تعالیم دینی را هم در کنار تعلیمات ابتدایی بگنجانند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، گاه‌شمار زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی).

### ۴. ضرورت وحدت اسلامی

آیت‌الله بروجردی، از جمله علما و مراجعی بود که مسائل جهان اسلام را به صورت جدی دنبال کرده و همواره دغدغه انسجام و وحدت اسلامی را داشت. از این زاویه، باید آیت‌الله بروجردی را جزء مصلحان جهان اسلام تلقی کرد. اندیشه محوری در گفتمان آیت‌الله بروجردی، این بود که در تلاش فکری و عملی خود به این نقطه رسید که تا مسلمانان متحد نباشند و جهان اسلام یکپارچه نشود، هیچ‌گونه اصلاحی در میان مسلمانان به وقوع نخواهد پیوست و مسلمانان روی رستگاری را در بین جوامع بشری نخواهند دید و اینجا بود که اندیشه بنیادین وحدت امت اسلام در گفتمان آیت‌الله بروجردی به عنوان یک اصل بنیادین متبلور شد (وبگاه پژوهشکده تاریخ معاصر، کد مطلب: ۸۰۴۳).

## ۵. اندیشه تقریب

نکته دیگری که در زندگی آیت‌الله بروجردی مورد توجه بوده، به مبحث تقریب مذاهب اسلامی باز می‌گردد. ایشان به عزاداری سنتی شیعی و برخی علقه‌های شیعیان بسیار وفادار بود و حتی می‌گوید روزگاری چشم ایشان بسیار کم‌سو شده بود و درد می‌کرد. آیت‌الله بروجردی در مراسم «خرّه‌مالی» (مراسمی در روز عاشورا که لرستانی‌ها تربت کربلا را با گلاب به صورت گِل در می‌آورند و تمام بدن خویش را به نشانه عزاداری، گل‌آلود می‌کنند)، مقداری از گِل متبرک به خاک کربلا را بر چشم خود می‌زند و از آن روز تا پایان عمر، به راحتی می‌توانست ببیند و مطالعه کند و هیچ‌گاه به عینک نیازمند نشد. از دیگر سو، از ایشان نقل می‌شود که در برابر اهانت به خلفا و سجده در کنار قبور ائمه علیهم‌السلام واکنش شدید نشان می‌داد و با علمای سنتی الأزهر روابط صمیمانه‌ای داشت.

آقای منتظری در خاطرات خود می‌گوید:

ایشان در برابر کتابی که فقه را به صورت شعر درآورده و در بخشی از آن به خلفا اهانت شده بود، خواستار اصلاح آن کتاب می‌شود و آن را کتاب «ضالّه» می‌نامد و یا در جایی دیگر، آقای بروجردی در برابر سجده یک روحانی در برابر قبر مطهر امام رضا علیه‌السلام معترض می‌شود و آن کار را شرک می‌نامد؛ حتی ایشان در برابر سخنرانی علامه امینی، صاحب‌الغدیر، علیه اهل تسنن در اصفهان واکنش نشان می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱).

آیت‌الله بروجردی در بحث تقریب، بر اساس یک مبنای نظری عمل می‌کرد که این مبنا باید مورد توجه قرار گیرد. ایشان عقیده داشت که شیعه باید در متن جامعه اسلامی باشد و مطرح هم باشد؛ نه اینکه به صورت یک گروه خاص فکری جدا از مجموعه مسلمانان عمل کند و استناد می‌کرد که ائمه ما با وجود همه ناراحتی‌ها و فشارها، از متن جامعه اسلامی و مرکزیت اسلامی که آن روز مدینه بود، بیرون نرفتند. امام مجتبی علیه‌السلام در مسجد شنیدن بدگویی از پدر بزرگوارشان را تحمل می‌کرد؛ ولی در مدینه باقی ماند؛ همین‌طور امام سجاد علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام. اینها خیلی راحت می‌توانستند به گوشه‌ای از سرزمین اسلامی که طرفدار آنان بودند، مانند یمن بروند و جدای از بقیه زندگی کنند و تعالیم خود را نشر دهند؛ اما چرا نرفتند؟ آنها در مرکزیت جامعه اسلامی ماندند. ما هم به تبعیت از آنان باید در متن جامعه اسلامی باشیم و مطرح بمانیم. برای

این منظور، باید روابط خود را با دیگر مذاهب تعریف کنیم (مدرسی، ۱۳۸۷). مرحوم آقای بروجردی در این مقام می‌فرمود:

«ائمه طاهرين عليهم السلام دارای سه شأن هستند:

۱. «شأن اول»، امامت و ولایت است که این بحث، بحثی است کلامی و ما باید در این مسیر حرکت کنیم؛ چون این بحث، اثبات هویت ما و بلکه هویت اسلام است.
۲. «شأن دوم»، اعتبار قول و حجیت نظر ائمه است که به موجب حدیث ثقلین: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا من بعدي» و امثال آن، ثابت است. این حدیث، در بین عامه به صورت متواتر نقل شده است و از نظر بزرگان حدیثی عامه، مورد قبول است. بنابراین، اگر اهل تسنن امامت ائمه را به هر دلیل نپذیرند، مسئله حجیت قول، مبنای گفت‌وگوی ما با آنهاست؛ یعنی در مسئله‌ای که مورد قبول آنها نیز هست. این بحث، بحث اصولی است.
۳. «شأن سوم»، اعتبار نقل سنت نبوی به وسیله آنهاست. سنت پیامبر از نظر اهل تسنن، حجت است و ائمه ما بر اساس بسیاری از روایات که نزد ماست، فرموده‌اند که هرچه ما می‌گوییم، از پیامبر است. اهل تسنن نیز خود سنت پیامبر را از طرق خود نقل می‌کنند. آقای بروجردی می‌فرمود: نقل ائمه از سنت نبوی، نقل ثقه است؛ زیرا در هیچ کتاب رجالی اهل تسنن، اهل بیت رمی به ضعف در نقل نشده‌اند. پس، خبر آنها برای این افراد، حجت است. از سوی دیگر، ایشان می‌فرمود: نقل اهل تسنن از سنت نبوی، در اثر منع از کتابت و تدوین حدیث و یا از بین بردن نوشته، به وسیله خلفای اول و دوم که خود ایشان در مقدمه جامع احادیث الشیعه ذکر فرموده، نقل از حفظ و سینه‌به‌سینه، آن هم توسط پنج نسل حدیثی است؛ زیرا این منع، تنها در زمان عمر بن عبدالعزیز در سال ۱۰۲ هجری برداشته شد و قبل از ۱۵۰ هجری، هیچ جامع حدیثی در اهل تسنن تدوین نشده است و مدت ۱۵۰ سال، مساوی با پنج نسل از نافتان (متوسط عمر هر ناقل، ۳۰ سال) است و نقل سینه‌به‌سینه به وسیله پنج نسل، احتمال خطا و فراموشی را افزایش می‌دهد. پس، احادیث اهل تسنن در احکام، بسیار محدود است؛ در حالی که در میان ائمه ما، کتاب علی عليه السلام در دست بوده است و بر اساس روایات ما، املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و کتابت علی بن ابی طالب عليه السلام است؛ یعنی نقل هستند و مکتوب. بنابراین، نقل ائمه از سنت نبوی،

از اطمینان و استحکام بیشتر در نظر آنان باید برخوردار باشد که این بحث، بحث رجالی است. اهل‌تسنن اگر شأن اول را نپذیرند، ناگزیر از پذیرفتن شأن دوم و سوم هستند و ما اگر نتوانیم در شأن اول با آنها تعامل داشته باشیم، در شأن دوم و سوم این تعامل ممکن است (مدرسی، ۱۳۸۷).

آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله در تعریف رابطه صحیح مذهب تشیع و شیعیان با پیروان سایر ادیان و مذاهب، معتقد به تقریب بود؛ یعنی ایشان تقریب را تعریف صحیح رابطه تشیع با دیگر ادیان و مذاهب می‌دانست؛ البته باید گفت که نگاه آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله به تقریب، نه نگاهی تاکتیکی که نگاهی بر اساس مبانی فکری و نظری ایشان بود و به آن اعتقاد داشت. ایشان در کنار اصرار بر تقریب در رابطه شیعه و سنی و یا دیگر ادیان، معتقد بود که امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام رکن شیعه و مذهب تشیع است و نباید از آن کوتاه آمد؛ به خصوص در مبحث حجیت قول امامان و اهل‌بیت علیهم‌السلام، بسیار اصرار و تأکید داشت و حتی در مقابله با علمای اهل‌سنت، به این اصل استناد می‌ورزید و حدیث ثقلین را دلیل محکمی برای آن می‌دانست. آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله معتقد بود که حدیث ثقلین، مورد توجه و البته تأیید اهل‌سنت است و به همین دلیل، باید برای اثبات حجیت قول امامان معصوم علیهم‌السلام در مقابل اهل‌سنت به آنها استناد کرد. بنابراین، ایشان در کنار تمام این اعتقادات، معتقد بود که اصل بحث تقریب، کلمه اهل‌بیت علیهم‌السلام است. (وبگاه تقریب، کد مطلب: ۲۷۴۰۹۴).

## ۶. گفت‌وگو با ادیان

مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی با اشاره به برنامه‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی جهت تبلیغ در خارج کشور، فرمود:

تبلیغ دین اسلام و معارف والای اهل‌بیت علیهم‌السلام توسط طلاب در خارج از کشور، از آمال و آرزوهای استاد ما آیت‌الله بروجردی بود که در زمان خود ایشان هم چشمگیر بود و امروز الحمدلله با پیشرفت خوبی همراه شده است. آن مرحوم بارها بر این نکته تأکید داشتند که باید با ادیان الهی دیگر ارتباط داشت و در ضمن این ارتباطها، هدایت‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام را با دلیل و متقن برای آنها بیان کرد (وبگاه خبرگزاری فارس، کد خبر: ۲۲۵۸).

### رویکرد تبلیغی آیت‌الله بروجردی در عرصه داخلی

زمانی که آیت‌الله العظمی بروجردی به قم وارد می‌شود، مرجعیت شیعه در نجف اشرف بر عهده آیت‌الله اصفهانی قرار دارد؛ اما پس از رحلت آیت‌الله اصفهانی و همچنین آیت‌الله قمی، عنوان مرجعیت مطلق شیعه، به آیت‌الله بروجردی تعلق می‌گیرد و وی تا سال ۱۳۴۰ که دارفانی را وداع می‌گوید، این عنوان را در اختیار داشت. رویکرد ایشان در عرصه تبلیغ داخلی، شامل بخش‌های مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### الف. ایجاد زمینه‌های تبلیغی

آیت‌الله العظمی بروجردی در ایجاد زمینه‌های تبلیغی، به اقدامات مختلفی دست زد؛ از جمله:

##### ۱. سازماندهی روحانیت و تحول در نظام حوزه

اگرچه نخستین گام‌های سازماندهی روحانیت در ایران معاصر، با تأسیس حوزه علمیه قم از سوی آیت‌الله حائری برداشته شد، ولی آیت‌الله بروجردی در دوران ریاست خود بر این حوزه، موفق شد آن را به عنوان مرکز ثقل حوزه‌های کشور ارتقا دهد. ایشان گاهی با اعزام علمای برجسته به حوزه‌های شهرستان‌ها، آنها را تحت حمایت خود قرار داد و گاه نیز به تأسیس مدارس دینی در شهرستان‌ها اهتمام ورزید. در همین راستا، همچنین با اعزام نمایندگانی، زمینه تسهیل در رسیدگی به امور مؤمنان و پاسخگویی به مسائل شرعی آنها را فراهم کرد. این تکاپوها در اقصی نقاط کشور، در ترغیب خانواده‌ها برای تحصیل فرزندان خود در حوزه‌ها و مدارس دینی مؤثر واقع شد و این امر، گسترش مدارس و افزایش تعداد روحانیون را به دنبال آورد. روحانیت به عنوان یک سازمان غیررسمی، در قلمرو جغرافیایی ایران قد علم کرد؛ به گونه‌ای که هر طلبه‌ای به سلک روحانیت در می‌آمد، در واقع، عضویت یک سازمان عظیم با مرکزیت قم و زعامت آیت‌الله بروجردی را می‌پذیرفت. ایشان با اعتقادی که به ضرورت تحول در حوزه داشت، حوزه علمیه قم را نظام‌مند کرد و از سوی دیگر نیز نظام تبلیغات دین و شیوه صحیح آن را تبیین نمود (وبگاه تقریب، کد مطلب: ۲۷۴۰۹۴).

آیت‌الله بروجردی برای شکوفایی استعدادها و نهفته‌های طلاب جوان و تثبیت امر مهم پژوهش در نسل‌های نوظهور، اهمیتی بسیار قائل بود. در حوزه تحت زعامت ایشان، صدها بلکه هزارها طلبه ساعی و سخت‌کوش، مدارج عالی علم و کمال را کسب کردند (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).



## ۲. زعامت حوزه نجف و رسیدگی به امور آن

ایشان برای حوزه علمیه نجف، ارزش و قداست خاصی قائل بود و به دنبال مجد و عظمت این میراث کهن و ارزشمند شیعه بود. بنابراین، برای تجدید حیات این حوزه مقدسه، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد؛ حتی شخصیتی مانند آیت‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی با کمال افتخار، از شهریه‌ای که آیت‌الله العظمی بروجردی به صورت نان به طلاب نجف پرداخت می‌کرد، می‌گرفت. وقتی برخی از افراد به این کار اعتراض کردند، فرمود: «بگذارید نان آقای بروجردی در سفره ما هم باشد» (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).

### ب. اقدامات تبلیغی

مهم‌ترین اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی، عبارت بودند از:

#### ۱. ایجاد شبکه تبلیغی

آیت‌الله بروجردی، کارهای زیربنایی برای تشکیل سازمان روحانیت انجام داد. یکی از موارد به کارگیری جدّیت از سوی ایشان، برای امر تبلیغ بود. ایشان تبلیغ را در حوزه به صورت اساسی شکل داد؛ چنان‌که طلبه‌ها را وادار می‌کرد در دهه اول محرم، دهه آخر صفر و ماه رمضان، به تبلیغ بروند و در اقصی نقاط ایران پراکنده شوند. این فرهنگ، به گونه‌ای جا افتاد که در این ایام سال، بودن طلبه در قم تعجب‌آور بود؛ حتی آن‌قدر این مسئله عمق یافت که افرادی در حدّ مرجعیت همچون آیت‌الله سید محمد داماد، تبلیغ و منبر رفتن را عیب نمی‌دید (مدرسی، ۱۳۸۷). ایشان تربیت فضلاء، اساتید و طلبه‌ها را به شدت انتظام بخشید و برای کارآموزی، آنان را برای تبلیغ به میان مردم می‌فرستاد. مرحوم آقای بروجردی، توانست یک شبکه گسترده تبلیغی بنا کند؛ به گونه‌ای که پس از رحلت ایشان، این شبکه گسترده عامل انتقال پیام قم به تمام مملکت ایران شد. تلویزیون، رادیو و سایر رسانه‌ها در دست روحانیت نبود؛ اما سؤال این است که از کجا مردم در قضایای انجمن‌های ایالتی و ولایتی و ۱۵ خرداد قم، حرکت کردند و جوشیدند؟ بدیهی است که وجود این شبکه تبلیغی بود که به این موضوع کمک می‌کرد (همان).

آیت‌الله بروجردی برای پایداری دین اسلام، مبلّغان را به میان مردم می‌فرستاد تا اولاً، تلاشی که در آن زمان برای به انزوا کشیدن روحانیت صورت می‌گرفت، خنثا شود. ثانیاً، روحانیون همچون گذشته در بین توده‌های مردم حضور داشته باشد و به نیازهای دینی و اعتقادی مردم جامعه خود، آشنا باشد (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).

## ۲. ایجاد پایگاه روحانیت و علما در شهرستان‌ها

آقای بروجردی اراده و همت خود را به حوزه قم محدود نکرد و به شهرستان‌ها اهتمام داشت. یکی از مشکلات امروز، خالی شدن شهرستان‌ها از شخصیت‌های روحانی است. آقای بروجردی، این مشکل را این‌گونه حل می‌کرد: به علمایی که در شهرستان‌ها هستند، به‌خصوص در مسائل مالی و وجوهات اختیار می‌داد. همچنین، شخصیت‌هایی که دیگر در حوزه قم تأثیری نداشتند و یا اگر داشتند، دیگران می‌توانستند خلأ نبودشان را پُر کنند، به شهرستان‌ها می‌فرستادند. پس، در زمان آقای بروجردی، علمای بزرگی که حتی در حد مرجعیت بودند، در شهرستان‌ها مقیم شدند. ایشان زمانی که افرادی برای دادن وجوهات به نزدشان می‌آمدند، پول را مستقیم نمی‌گرفتند و آنها را به علما و وکلای خود ارجاع می‌دادند. این کار، از موارد دیگری است که باعث می‌شد شخصیت‌ها در شهرستان‌ها ساخته شوند و پس از انقلاب، از برکات وجودشان استفاده بیکران شد.

برای نمونه، روزی یکی از تجار ملایر در زمانی که آقای بروجردی از سوی سید ابوالحسن اصفهانی احتیاط‌ها به ایشان ارجاع داده شد و در بروجرد بود، نزد ایشان می‌رود تا مبلغ ۷۰ هزار تومان وجوهات را تقدیم کند. آقای بروجردی به ایشان می‌گوید که شما این وجوهات را برای من آوردید. پس، آقایانی که در ملایر طلبه و حوزه دارند و مشغول هستند، چه کار کنند؟ گفته بود که آقا من مقلد شما هستم، شما پول را بگیرید، به آنها بدهید. آقای بروجردی گفته بود: نه؛ این درست نیست. من وجوهات شما را قبول کردم؛ اما بروید به ملایر و به آقایان فلانی و فلانی این مبلغ را بدهید. آنگاه آن بازاری گفته بود: پس، می‌برم و می‌گویم حضرت آیت‌الله مرحمت کرده‌اند. بعد آقای بروجردی می‌گوید: نه، اسم من نباشد. گفت: چرا آقا؟ افتخار می‌کنند که پول شما را بگیرند. آقای بروجردی فرموده بود: اگر پول را از طرف من به آنها بدهید، آنها نسبت به من ممنون می‌شوند. من می‌خواهم بدون اسم من، این پول را به آنها بدهید تا احساس کنند در شهری که در حال فعالیت هستند، مردم نسبت به آنها قدردان هستند و اینها را لنگ نمی‌گذارند (مدرسی، ۱۳۸۷).

آقای بروجردی، نه تنها در قم و شهرستان‌های بزرگ، بلکه نسبت به یک آخوند روستا هم این ملاحظات را داشت. فردی از روستا ۲۳ تومان وجوهات برای آقای بروجردی آورد. مرحوم آقای

بروجردی به او گفت: روحانی شما در روستا کیست؟ گفت: آشیخ حسن. ایشان با همین تعبیر گفته بود: عجب؛ آشیخ حسن خودمان؟ حالش چه‌طور است؟ درحالی‌که، اصلاً این روحانی را هم نمی‌شناخت؛ اما از فعالیت‌هایش هم پرسید. سپس، آقای بروجردی پول را گرفت و مبلغی هم روی آن گذاشت و گفت: این را به آشیخ حسن بدهید و از طرف من سلام هم برسانید و بگویید ما دل‌مان برایش تنگ می‌شود، اینجا می‌آید، یک سری هم به ما بزند. این کار، باعث می‌شد تا در نزد مردم روستا، جایگاه آشیخ حسن بالا رود. این سازماندهی‌ای بود که آقای بروجردی در سرتاسر کشور به راه انداخت که از مسائل مالی آغاز می‌شد (همان).

این مسئله، باعث شد تا روحانیت و مرجعیت در هر شهر و روستایی پایگاه داشته باشد. بنابراین، ندایی که از قم برمی‌خیزد، در سراسر ایران لیک‌گو پیدا می‌کند و مردم هم به آن می‌پیوندند. آقای بروجردی نمی‌توانست از این ابزار استفاده کند؛ چراکه خود مؤسس و بنیان‌گذارش بود و هنوز سازمان روحانیت به کمال نرسیده بود. پس از رحلت آقای بروجردی، این مسئله مورد بهره‌برداری قرار گرفت (همان).

### ۳. ایجاد سیستم وکالت و جمع‌آوری سهم امام

طی سالیان طولانی قبل از مرجعیت آیت‌الله بروجردی، مؤمنان مذهبی ایران، وجوه شرعی خود را برای مراجع نجف ارسال می‌کردند. در دوران تمرکز مرجعیت، آنان غالباً با تعیین نمایندگانی در برخی شهرستان‌ها و مناطق شیعه‌نشین - غالباً جهان اسلام - امر جمع‌آوری وجوه شرعی را تسهیل می‌کردند. البته بسیاری از مؤمنان، از آن جمله: بازرگانان و ملاکین نیز در سفرهای زیارتی عتبات، حضوراً وجوه شرعی خود را پرداخت می‌نمودند؛ اما آیت‌الله بروجردی به این امر توجه خاصی کرد و آن را از نظم و ترتیب برخوردار ساخت؛ به‌گونه‌ای که مراجع بعدی نیز همین روش را اتخاذ کردند.

رویه آیت‌الله بروجردی، این بود که اطلاعات مربوط به هریک از وکلای شهرستان‌ها را به شرح ذیل در دفتری یادداشت می‌کرد: نام وکیل، حدود وکالت، مضمون وکالت‌نامه، محل سکونت وکیل، نام فرد یا افرادی که این وکالت با معرفی و توثیق آنها داده شده است. در همین راستا، همچنین، در دفتر دیگر، نامه‌های رسیده یا ارسالی را با شماره‌نامه و جواب داده‌شده مشخص می‌کرد. این اقدامات، در محیطی انجام می‌گرفت که شعار رایج علما «نظم در

بی‌نظمی) بود و رمز بقای روحانیت را در حساب و کتاب نداشتن می‌دانستند (مطهری، ۱۳۴۱، «مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی»، ص ۲۴۹-۲۴۵).

#### ۴. نشر مجلات و کتب با محتوای دینی اسلامی

آیت‌الله العظمی بروجردی، برای ترویج افکار توحیدی مکتب تشیع، ارزش و اعتباری عظیم قائل بود. به همین منظور، از هر تلاشی که در این جهت مقدس قرار داشت، حمایت می‌کرد. نخستین نشریات علمی حوزوی، از جمله نشریه وزین مکتب اسلام که توسط جمعی از فضیلات خوش‌فکر و روشن‌اندیش منتشر می‌شد، از این قبیل بود (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کدمطلب: ۱۱۶۷).

#### ۵. ایجاد ابنیه بزرگ مذهبی و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ

یکی از اقدامات تبلیغی آیت‌الله بروجردی، ایجاد بناهای مذهبی و فرهنگی بود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. مسجد اعظم قم؛ ۲. مدرسه کرمانشاه؛ ۳. مسجد بزرگ ایرانشهر؛ ۴. مدرسه و مسجد درود؛ ۵. مسجد صحنه کرمانشاه؛ ۶. مسجد شاهرود؛ ۷. ساختمان مسجد نورآباد لرستان؛ ۸. مسجد سید بروجرد؛ ۹. قبرستان وادی السلام قم؛ ۱۰. مدرسه آیت‌الله بروجردی در قم؛ ۱۱. بیمارستان نکویی قم؛ ۱۲. کتابخانه شخصی آیت‌الله فقیه؛ ۱۳. کتابخانه مسجد اعظم؛ ۱۴. کتابخانه مدرسه کرمانشاه؛ ۱۵. کتابخانه مدرسه جدید الإحداث قم (همان).

#### رویکرد تبلیغی آیت‌الله بروجردی در عرصه خارجی

حضور و تداوم حیات شیعیان در کشورهای شبه‌قاره هند، حوزه خلیج فارس و سایر کشورهای جهان اسلام و حتی قاره‌های اروپا و آمریکا و آفریقا مستلزم پذیرش مرجعی به عنوان مرجع تقلید را ایجاب می‌نماید. این امر با عنایت به تحولات یکی دو سده اخیر جهانی و موج‌های عظیم مهاجرت انسانی از جمله مهاجرت شیعیان به قاره‌های اروپا و آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است. اهتمام مراجع شیعی ایران، در جهت رسیدگی به امور شیعیان اقصی نقاط جهان منجر به فراهم آمدن زمینه‌های حضور ایران و گسترش قلمرو جغرافیایی در میان مجامع شیعی خواهد شد. که این مسأله از دیدگاه آیت‌الله العظمی بروجردی مغفول نماند. رویکرد آیت‌الله

بروجردی در عرصه تبلیغ خارجی و بین‌الملل شامل بخشهای مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### الف. ایجاد زمینه‌های تبلیغی

آیت‌الله العظمی بروجردی در ایجاد زمینه‌های تبلیغی، به اقدامات مختلفی دست زد؛ از جمله:

#### ۱. تمرکز بر وجوه مشترک

آیت‌الله العظمی بروجردی، با تیزبینی بر روی مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام دست گذاشت؛ زیرا مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام، موضوعی است که اهل سنت هم آن را باور دارند. پس، از این زاویه وارد شد و تقریب مذاهب را هم از این طریق پیگیری کرد. سید محمدرضا احمدی بروجردی، نوه آیت‌الله العظمی بروجردی، با بیان اینکه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام مورد اتفاق فریقین است، تصریح کرد: ایشان در این کار موفق شد و نظر شیخ شلتوت را مبنی بر پذیرش شیعه به عنوان یک مذهب به دست آورد و این کار، با پشتوانه علمی صورت گرفت (وبگاه معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کد خبر: ۱۲۸۹۷۹).

#### ۲. تجهیز طلاب به علوم روز و فنون جدید

آیت‌الله بروجردی، آینده مذهب تشیع و حتی حوزه را در تعامل با مناسبات جهانی تعریف می‌کرد. ایشان به خوبی بر این نکته واقف بود که لازمه ارتباط و تماس با سایر نقاط جهان، مجهز شدن به ابزار، علوم و زبان آن ملل می‌باشد. برای این منظور، طلاب سطوح عالی را تشویق می‌کرد که در کنار دروس حوزوی، از علوم و دانش‌های روز نیز بهره ببرند. یکی از شاگردان ایشان نقل می‌کند که وی به همراه جمعی از طلاب قم، به تشویق آیت‌الله بروجردی، برای خواندن دروس غیرحوزوی در طول تعطیلات تابستان، طی چندین سال به تهران عزیمت نمودند و به فراگیری زبان انگلیسی پرداختند. علامه کرباسچیان، یکی از نوگرایان عرصه آموزش دینی که با تأسیس مدرسه علوی و آموزش برخی رشته‌های علمی، از پیشگامان این حوزه بود. وی ارتباطی تنگاتنگ با آیت‌الله بروجردی داشت و از آموزش طلاب حوزه در مدرسه‌اش استقبال می‌کرد (خواججه سروی، ۱۳۸۵، ص ۸۲-۸۳). هدف آیت‌الله از این اقدام، انتخاب و اعزام طلاب مستعد به خارج از کشور بود. همین نکاپوها و ترغیب‌ها، زمینه‌آشنایی تعدادی از علمای فاضل

را با علوم جدید فراهم ساخت که برخی از آنان، برای اعزام به خارج از کشور جهت تبلیغ انتخاب شدند.

ناگفته نماند که این رویکرد آیت‌الله بروجردی در حوزه علمیه قم، با موانع و مشکلاتی مواجه شد؛ چنان‌که بنا به نقلی، گفته می‌شد: طلبه‌ای که در دانشگاه درس می‌خواند، از زیّ طلبگی خارج است. طرفداران این طیف فکری، حتی پا را فراتر گذاشته می‌گفتند: «خواندن روزنامه‌ها» و «فراگرفتن زبان انگلیسی»، کاری مستهجن است (همان، ص ۸۳ و ۹۳)؛ اما چنان‌که ذکر شد، ایشان لحظه‌ای از این رویه خود کوتاه نیامد.

با وجود اینکه ایشان فقیهی بودند که در محیط سنتی و مذهبی بزرگ شده بود، ولی بسیار روشن‌فکر و واقع‌بین و آینده‌نگر بود. مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی در این خصوص می‌گوید:

«ما در همان دوره‌ای که درس فقه و اصول و درس خارج می‌خواندیم، به تشویق آیت‌الله بروجردی برای خواندن درس‌های جدید به تهران آمدم. من و برخی دوستان، تقریباً سه سال تابستان‌ها در تهران به معلومات جدید و زبان خارجی مجهز شدیم و این دوره را به دستور ایشان در مدرسه علوی گذارندیم. آن زمان، آیت‌الله بروجردی با مرحوم علامه کرباسچیان و اشخاصی که در مؤسسه مدرسه علوی بودند، ارتباط داشتند و آنها را تأیید می‌کردند. یکی از دلایل آیت‌الله بروجردی، مبنی بر تشویق ما برای یادگیری فنون جدید این بود که ما باید برای تبلیغ به خارج از کشور برویم. بنابراین، لازم بود با معلوماتی متناسب، از جمله زبان انگلیسی آشنا شویم. در آن زمان، در قم وضعیت به گونه‌ای بود که به هرکس انگلیسی می‌خواند و در صدد یاد گرفتن این زبان بود، می‌گفتند: این، طلبه نیست و از زیّ طلبگی خارج شده و می‌خواهد دانشگاهی بشود؛ اما ایشان به این حرف‌ها گوش نمی‌کرد و اصرار بر این داشت طلبه‌ها برای تبلیغ، باید به خارج بروند و شرط لازم این کار، یادگیری زبان خارجی است که این، نشانه روشن‌بینی ایشان نسبت به گسترش اسلام بود که اسلام نباید فقط در قم و در حوزه‌ها بماند. البته این سخن را حالا که آدم می‌شنود، به نظر چیز مهمی نیست؛ اما آن زمان که زبان انگلیسی خواندن در حوزه مستهجن بود، خیلی مهم بود. ایشان تشویق می‌کردند طلبه‌ها فیزیک، شیمی و درس‌های جدید بخوانند و آماده رفتن به محیط علمی بشوند و حتی در اجرای این نقشه، اقدامات علمی زیادی انجام داد» (وبگاه خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۹۰۱۱۰۰۰۷۴۰).

### ۳. نگاه تقریبی در فتاوا

تفکر آقای بروجردی، جامع و بسیار فراتر از زمان خودش بود. اکنون بهتر از آن زمان می‌توان تفکر ایشان را درک کرد. به همین دلیل است که برخی فتاوا از ایشان در آن دوران نقل می‌شود که مثلاً در پاسخ به آقای محقق در مورد حجاب کامل نداشتن برخی زنان در مسجد هامبورگ می‌گوید: اشکال ندارد. یا برخی می‌گویند ایشان در پاسخ به مرحوم شیخ محمدتقی قمی در مورد نجاست اهل کتاب می‌فرمود: اشکالی ندارد. ایشان به ریشه احکام فقهی می‌پرداخت. ایشان به گونه‌ای ریشه‌ای برخورد می‌کرد که راه‌هایی باز می‌شود؛ به عنوان مثال، ایشان در رساله عملیه نوشته که اهل کتاب نجس هستند؛ اما آقای محقق، نماینده آقای بروجردی در مسجد هامبورگ، از ایشان نقل می‌کرد که به بنده گفت: پاک هستند. البته در جامعه ما به دلیل ویژگی‌هایش نمی‌توان هر حرفی را زد. شاید مطرح نکردن برخی نظرات، به این دلیل است (مدرسی، ۱۳۸۷).

### ب. اقدامات تبلیغی

مهم‌ترین اقدامات تبلیغی آیت‌الله العظمی بروجردی، عبارت بودند از:

#### ۱. اعزام مبلغ به خارج کشور

آقای بروجردی در اعزام مبلغ به خارج از کشور، خیلی فعال بود. ایشان در مصر، مکه، مدینه و آفریقا نماینده داشت. نماینده ایشان در مدینه، مرحوم آقا سید زین‌العابدین بود و پس از او، مرحوم آقا شیخ عبدالحسین فقیهی رشتی به این کار پرداخت. آقای محقق را به هامبورگ فرستاد و برای حفظ موقعیت آنها سفارش می‌کرد؛ مثلاً آقای محقق به ایشان گفته بود: اگر من بخواهم کنار خیابان بایستم، برای یک روحانی شیعه، سبک است. ایشان هم بلافاصله فرموده بود: شما در آنجا ماشین بخرید و راننده هم بگیرید؛ با اینکه خود آقای بروجردی ماشین نداشت. بعد، آقای محقق گفته بود: ما در آنجا خودمان می‌توانیم رانندگی کنیم و عیبی نیست؛ بلکه اصولاً در آنجا راننده داشتن، غیرعادی است. وقتی آقای محقق به اینجا برگشت، من به دیدن او رفتم و فعالیت‌هایی را که در آنجا با نظر مرحوم آقای بروجردی انجام شده بود، تشریح کرد. در آنجا نشریاتی منتشر می‌کردند و با افرادی که تازه اسلام می‌آوردند، مذاکراتی می‌شد و مسجد نیز می‌ساختند. به مدت کوتاهی، پدر آقای محمدی گلپایگانی رفتند و پس از آنکه آقای بروجردی

فوت کرد، مرحوم آقای بهشتی با نظر آقای خوانساری و آقای شریعتمداری که آنجا را تأمین بودجه می‌کردند، به هامبورگ رفت. آقای بهشتی قبلاً که قم بود، صبح اول وقت در صحن برای عده معدودی «مکاسب» درس می‌داد و سپس، به مدرسه دین و دانش می‌رفت و آنجا را اداره می‌کرد و پس از دستور آقایان، از قم به آلمان هجرت نمود (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶).

بنابراین، آیت‌الله بروجردی علاوه بر تبلیغ در داخل کشور، به نشر معارف بلند و تابناک شیعه در خارج از کشور نیز اهمیتی فوق‌العاده می‌داد و نمایندگانی را به اقصی نقاط دنیا روانه می‌کرد؛ از جمله: آقای محقق در هامبورگ آلمان، آقای صدر بلاغی در انگلستان، آقای حاج شیخ مهدی حائری در آمریکا، آقای شریعت در پاکستان، آقای صدر در لبنان و آقای فقیهی در مدینه.

## ۲. دفاع از اندیشه تقریب

یکی از فعالیت‌های مهم آیت‌الله العظمی بروجردی، دفاع از اندیشه تقریب بود که در این خصوص، اقدامات مختلفی انجام داد:

\* ارتباط با شخصیت‌های علمی جهان: آیت‌الله بروجردی در زمینه نشر علوم دینی، اهتمام ویژه ای داشت. ایشان از مراجعی بود که تلاش بسیاری کرد تا مبلغانی را در حوزه علمیه پرورش دهد و پیام اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام را در دنیا عرضه کند و خود ایشان نیز در این زمینه پیشگام بود. در زمان آیت‌الله بروجردی، شخصیت‌هایی همانند هانری کربن وارد ایران شدند و به توصیه آیت‌الله بروجردی با علامه طباطبایی به گفت‌وگو پرداخت و حکایت‌هایی چند در این زمینه از آیت‌الله بروجردی و شخصیت‌های علمی جهان ثبت شده است (وبگاه خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۸۱۲۳۵۶).

\* بهره‌گیری از ابزار ارتباطی نوین: در یکی دو سده اخیر، با ورود ابزارهای ارتباطی نوین به کشور، این مجال نیز برای نهادهای مذهبی، از جمله مرجعیت فراهم گردید که برای گسترش ارتباط با مقلدان خود، از آن بهره‌برداری نماید. از این‌رو، مرجعیت واحد شیعی در قم، یعنی آیت‌الله بروجردی، توانست به سرعت جوامع شیعی اقصی نقاط جهان را در پیوند با قم قرار دهد. این رویکرد، زمینه‌آشنایی با مناسبات رقیب را فراهم کرد و از تعصبات مذهبی میان نخبگان شیعی کاست و به تعامل بر سایر مذاهب و ادیان منجر شد که از آن جمله، تقریب مذاهب اسلامی در مصر و قبول تشیع به عنوان یکی از ارکان مذهبی بود (روح‌بخش، مرجعیت تشیع و نقش آن در جهان اسلام).



✽ یکسان‌سازی مناسک حج: تقریب مذاهب، اندیشه دیگری بود که جایگاهی بی‌بدیل در گفتمان آیت‌الله بروجردی داشت. یکی از راهکارهایی که وی در این زمینه دنبال می‌کرد، این بود که علما و فقهای شیعه با روایات و مبانی فقهی اهل سنت آشنا شوند و از طرف دیگر، اهل سنت نیز به روایات و فقه شیعه رجوع کنند و از آنها مطلع شوند. علاوه بر این، آیت‌الله بروجردی در این مسیر مصادیق عملی را نیز مدنظر داشت و برای مثال، از ایده یکسان‌سازی حج دفاع می‌کرد و معتقد بود این یکسان‌سازی حج و مناسک آن در میان مسلمانان، می‌تواند نقطه وحدت بین فریقین باشد و سبب گردد مسلمانان در عمل مهم حج هماهنگ شوند و یکسان عمل کنند. آیت‌الله بروجردی به صورت عملیاتی، از نهاد دارالتقریب که آن زمان در مصر حضور داشت و از ایده تقریب دفاع می‌کرد، به صورت مادی و معنوی نیز حمایت می‌کرد.

✽ برگزاری همایش‌های تقریبی: به اذعان شهید مطهری، آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله جداً به ایجاد زمینه‌های تفاهم و وحدت میان تشیع و تسنن - که سال‌ها با کارگردانی جهالت در داخل و تحریکات خارجی، توجه مسلمانان را به امور یکدیگر ضعیف کرده بود، پرداخت (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۲۰۴). آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله، آن قدر به این مهم اصرار داشت که در کشور مصر، همایش تقریب مذاهب برگزار کرد و ۵۰ تن از عالمان سرشناس اهل تسنن را به آن فراخواند.

✽ تأسیس دارالتقریب: در زمانی که استعمار گران به چپاول ملل اسلامی چشم داشتند و اختلاف بین فرق مختلف اسلامی گسترش می‌یافت، وحدت میان مذاهب مختلف اسلامی آرزوی دیرین تمام مصلحان مسلمان بود. تلاش‌های مختلفی نیز برای رسیدن به این هدف بزرگ، صورت می‌گرفت. تأسیس «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه»، از مهم‌ترین و پایدارترین این اقدامات بود.

✽ ارتباط با علمای اهل سنت: آیت‌الله بروجردی به عنوان پناهگاه مسلمانان جهان، به خصوص شیعیان، به همراه بزرگانی چون: شهید محمدباقر صدر، شیخ محمود شلتوت، شیخ عبدالمجید سلیم و محمد عبده، از ایجاد تفرقه جلوگیری می‌کردند. ایشان معتقد بود که در قرآن، سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سیره اهل بیت علیهم‌السلام و مشی علمای سلف، می‌توان موارد بسیاری را یافت که در آنها به نقش تقریب مذاهب و جلوگیری از تفرقه، تأکید شده است. راه‌های دستیابی به وحدت از

دیدگاه ایشان، پیوند علمای اسلام، احیای شخصیت‌های اسلامی، وجود دشمن مشترک برای مسلمانان و احترام متقابل فرقه‌های اسلامی به یکدیگر بود. علاوه بر اینها، آیت‌الله بروجردی تقریب مذاهب اسلامی را فرصتی برای معرفی شیعه و ارائه معارف شیعی به جهان تسنن می‌دانست.

### ۳. اهتمام جدی به نشر آثار شیعی و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ در جهان

نکته دیگری که می‌توان از زندگانی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله به آن اشاره کرد، اهتمام جدی معظم‌له به نشر آثار شیعیان بود. در زمان ایشان بود که کتب شیعه رونق گرفت؛ چراکه کتاب‌های بسیاری چاپ شد و اصلاً باید گفت که نهضت چاپ، به برکت ایشان در حوزه علمیه قم اتفاق افتاد. البته باید یادآوری کرد آن مرجع فقید، در طول ۱۵ سالی که در قم به عنوان مرجعیت مطلقه حضور داشت، با وجودی که کتاب‌های بسیاری را چاپ نمود، اما کتاب‌های خود را هرگز چاپ نکرد. اهتمام ایشان بیش از همه، به کتاب‌های قدمای شیعه بود.

یکی از اقدامات تبلیغی آیت‌الله بروجردی، ایجاد بناهای مذهبی و فرهنگی بود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱. مدرسه نجف؛ ۲. مدرسه کربلا؛ ۳. مسجد بغداد؛ ۴. بیمارستان نجف؛ ۵. حسینیه و حمام سامرا؛ ۶. مدرسه بقعه کربلا؛ ۷. مسجد بزرگ و زیبای طرابلس لبنان؛ ۸. چهار مسجد بزرگ در آفریقا؛ ۹. مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ آلمان؛ ۱۰. کتابخانه مدرسه نجف (وبگاه تاریخ شفاهی ایران، کد مطلب: ۱۱۶۷).

### ۴. اعزام نمایندگان ثابت و دائمی به برخی کشورها

یکی از اقدامات عمده آیت‌الله بروجردی، اعزام نمایندگان ثابت و غالباً دائمی، به برخی کشورهای جهان جهت رسیدگی به امور شیعیان و پاسخگویی به مسائل شرعی آنان بود. این نوع اقدامات، در زمان مراجع سلف مورد توجه قرار نمی‌گرفت. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که نمایندگانی به مناطق شیعه‌نشین هندوستان، مسقط و زنگبار گسیل داشت، به طور موقت و به مناسبت‌های خاص بود؛ در حالی که برنامه‌های آیت‌الله بروجردی، بلندمدت و ساختارمند انجام می‌گرفت.

#### ✽ اعزام نمایندگان خود به آلمان

نمایندگان آیت‌الله بروجردی در هامبورگ، به ترتیب: آیت‌الله میرزا ابوالقاسم

محمدی گلپایگانی و شیخ محمد محقق لاهیجانی (مسلط به دوزبان انگلیسی و آلمانی) بودند که از طرف ایشان برای تبلیغ به آلمان اعزام شده بودند.

✽ اعزام دکتر مهدی حائری یزدی به آمریکا

دکتر مهدی حائری یزدی، فرزند مؤسس حوزه علمیه قم بود. دکتر حائری موفق شد با کمک مالی آیت‌الله و یاری جمعی از دانشجویان، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا را تشکیل داده و همچنین، با راه‌اندازی یک انتشارات و چاپ و پخش جزوه‌های دینی، آموزه‌هایی از احکام را در موضوعات: اخلاق و مذهب و گاه در قالب پاسخ به سؤالات دانشجویان، تبلیغ نماید (لاجوردی، ۱۳۸۲، ص ۲۸، ۳۹ و ۴۱).

✽ انتخاب آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی در مصر به عنوان نماینده خود و حمایت از دارالتقرب

آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی، از علمای متفکری بود که از سال ۱۳۱۷ش به منظور نزدیکی هرچه بیشتر مذاهب اسلام به قاهره (مرکز بزرگ علمی اهل سنت) مهاجرت نمود. طی سال‌ها اقامت در مصر، ضمن تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان الأزهر، تلاش‌های فراوانی برای معرفی تشیع به رؤسا و علمای آنجا نمود. بر اثر کوشش‌های وی و برخی علمای دیگر اهل تشیع و سنت، در نهایت، سال ۱۳۲۷ش «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس شد. آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی را نیز به عنوان نماینده خود در مصر و دارالتقرب تأیید کرد و به واسطه ایشان، مکاتبات چندی با شیوخ وقت الأزهر انجام داد؛ به گونه‌ای که به طور مرتب، جریانات و مذاکرات دارالتقرب را از طریق آیت‌الله قمی جویا می‌شد (معادیخواه، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳).

✽ قصد اعزام شیخ محمدتقی فلسفی، واعظ شهیر به آمریکا

بر اساس نامه‌ای از فلسفی به سفیر آمریکا در تهران که در آن درخواست ایجاد تسهیلاتی برای عزیمت ایشان به آمریکا به عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی ارسال شده، می‌گوید: «[آیت‌الله بروجردی] مرا برای این منظور در نظر گرفته، امر فرمودند: سفری به کشور آمریکا نمایم» (آرشو مرکز اسناد نخست وزیری، ش ۱۴۲۶۹). البته به دلایل نامعلومی، این سفر تحقق نیافت.

✽ برنامه اعزام ثقه‌الاسلام سید نورالدین طاهری به آفریقا

ثقه‌الاسلام سید نورالدین طاهری، به عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی، در معیت عده‌ای

زائران آفریقایی عتبات عالیات به زنگبار عزیمت داشت (آرشیو مرکز اسناد نخست‌وزیری، ش ۲۵۲۳۴).

✽ درخواست اعزام آقای سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی به اندونزی

سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی، ضمن اشاره به بازدید خود از دیدار مدارس علویان اندونزی و استقبال گرم سران «انجمن الربطة العلویة»، درخواست آنها برای اعزاز نماینده را چنین نقل می‌کند:

«همان‌طور که حضرت آیت‌الله بروجردی در این ده سال نمایندگانی به مدینه، پاکستان، هندوستان، آلمان غربی و فرانسه اعزام نمودند، آقای سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی را نیز به این حدود اعزام فرمایند» (آرشیو مرکز اسناد نخست‌وزیری، ش ۲۷۸۵۶).

✽ دعوت «اداره روحانی مسلمانان ماوراء قفقاز» از آیت‌الله بروجردی جهت سفر به آن منطقه

این درخواست که به منظور آشنایی آیت‌الله بروجردی و همراهان «با امور مذهبی مسلمانان در اتحاد شوروی و آثار تاریخی اسلامی» آن کشور مطرح شد، به علت «ضعف پیری و مشاغل کثیره» آیت‌الله بروجردی، امکان تحقق نیافت (آرشیو مرکز اسناد نخست‌وزیری، ش ۲۷۷۸۹).

### آثار تبلیغ دینی در عصر آیت‌الله بروجردی

از مهم‌ترین آثار اقدامات تبلیغی آیت‌الله بروجردی، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

#### ۱. احیا و اقتدار حوزه علمیه و متمرکز نمودن نهاد مرجعیت

اقدامات آیت‌الله بروجردی، نهاد مرجعیت تشیع را که تا قبل از آن در اثر اقدامات رضاخان پراکنده و ضعیف بود، در ایران متمرکز و پُر قدرت نمود (طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۶۶).

آیت‌الله بروجردی، در جلوگیری از انحلال حوزه و کمک به تداوم و اقتدار آن کوشید. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دو اصل اتحاد شیعیان در تقلید از یک مرجع دینی و گسترش نفوذ مقام مرجعیت ساکن ایران به خارج از مرزهای کشور را از جمله نمونه‌های بارز آثار زعامت ۱۵ ساله معظم‌له شمرده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵).

بررسی مجموعه اقدامات آیت‌الله بروجردی در دوران زعامت شیعیان و ریاست حوزه علمیه قم، نشان می‌دهد که ایشان با تدابیر خاص خود، در احیای آن حوزه اهتمام ورزید؛ به طوری که

در مدتی کوتاه حوزه علمیه قم را به عنوان مرکز ثقل حوزه‌های علمیه در کشور قرار داد و به تدریج با احداث و احیای برخی حوزه‌های علمیه در شهرستان‌ها و پرداخت شهریه به طلاب آنها، موفق شد همه آنان را در پیوند با حوزه قم سامان بخشد. تعیین نمایندگانی در شهرستان به منظور جمع‌آوری وجوه شرعی و پاسخ به سؤالات شرعی مؤمنان مذهبی، گام دیگری در راستای تعمیق آموزه‌های دینی در گستره جغرافیایی ایران و شیعیان اقصی نقاط کشور با مرکزیت حوزه قم بود. بالأخره با اعزام نمایندگانی به برخی کشورهای جهان، حوزه این تعامل را از داخل به خارج از کشور گسترش داد و سعی کرد مناطق شیعه‌نشین جهان را تحت قلمرو ایران شیعی مورد حمایت معنوی و تبلیغی قرار دهد. این اقدام او، به تعامل با اندیشه‌های رقیب و ایجاد فضایی از تسامح مذهبی انجامید.

## ۲. زمینه‌سازی نهضت امام خمینی علیه‌السلام

اقدامات زیربنایی و تلاش‌های اصولی آیت‌الله بروجردی در تقویت و تنظیم امور حوزه‌های علوم دینی در جهان تشیع و تربیت شاگردان بزرگ و تحکیم وحدت با سایر فرق، زمینه کاملاً مساعدی را در داخل و خارج از کشور برای نهضت امام خمینی در دوره بعد فراهم نمود (کججاف و علی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

## ۳. پذیرش شیعه به عنوان مذهب رسمی

تقریب ایشان، بر اساس و محور اهل‌بیت علیهم‌السلام است و این تفکر، از جانب بزرگان اهل تسنن در زمان ایشان مثل مرحوم شیخ محمود شلتوت، رئیس وقت جامع الأزهر مصر که بزرگ‌ترین مقام علمی تسنن در عصر خود بود، پذیرفته شد و آن فتوای معروف، صادر گردید. شیخ محمود شلتوت، در فتوای خود اعلام کرد: عمل کردن به مذهب امامی اثنی‌عشری در اصول و فروع، مجزی است. آقای بروجردی در بحث تقریب به چیزی دست یافت که ۱۳۰۰ سال شیعه به دنبال آن بود؛ رسمی شدن مذهب شیعه. در بحث تقریب، شیعه در الأزهر احترام خاصی یافت و چندین کتاب اساسی شیعه، از سوی آنان چاپ شد؛ حتی در آن زمان در قانون مدنی مصر، در بحث ارث به فقه شیعه مراجعه کردند و آن را بر فقه اهل تسنن ترجیح دادند. آقای بروجردی در این مسیر، با تدروی بی‌جا و ایجاد حساسیت برای اهل تسنن، به شدت مخالف بود. البته در آن

زمان هم برخی بودند که به دلیل این مواضع آقای بروجردی، به ایشان بد می‌گفتند. برخی گفته بودند که ایشان امام صادق علیه السلام را در حدّ ابوحنیفه می‌دانست؛ در حالی که آقای بروجردی، چنین سخنی را نگفته است. ایشان در درس خود فرموده بود: ای کاش! اهل تسنن برای امام صادق علیه السلام، مقامی در حدّ ابوحنیفه برای نقل سنت نبوی قائل بودند. ایشان به مقامات ائمه قائل بودند. ایشان فقط معتقد بودند که نباید فریاد بزنیم؛ وگرنه وقتی ما به بحث خلافت معتقدیم، کسی که خلافت را از بین برده، حکمش معلوم است؛ اما آیا باید تعصب را در میان آنان دامن زد؟ (مدرسی، ۱۳۸۷)

اصرار روی همین اعتقادات آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله بود که باعث شد شیخ شلتوت که بنیان‌گذار دانشگاه الأزهر مصر است، فتوایی تاریخی را صادر کند و بر مقبولیت عمل شیعیان صحه بگذارد. تمام اینها نشان از آن دارد که افق دید آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله، بسیار جلوتر از زمان خودش بود. شیخ شلتوت فتوا می‌دهد که عمل کردن به فقه جعفری مجاز است و آیت‌الله بروجردی در این باره می‌گفت که آرزوی ائمه اطهار پس از صدها سال محقق شد و من در قیامت، این کار خود را به مادرم حضرت زهرا علیها السلام عرضه خواهم کرد.

#### ۴. ارتقای جایگاه آیت‌الله بروجردی و مرجعیت شیعه نزد علمای اهل سنت

شیخ محمد سلیم، یکی از علمای الأزهر نامه آیت‌الله بروجردی را می‌بوسید و بر روی چشمان خود می‌گذاشت و در همایش «الإمامان شلتوت و بروجردی» بیش از شیعیان در باره ایشان سخنرانی کرد. این امر، نشان داد که جایگاه ایشان نزد اهل سنت، بسیار بالاست و برادران ما در دیگر مذاهب، شیفته ایشان هستند. آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله، هنوز هم در کشور مصر و دانشگاه الأزهر مصر، بسیار مقام‌والایی دارد؛ چراکه آنها مجذوب شخصیت وی شدند و حتی کتاب‌هایی را نیز در این زمینه نوشته‌اند. همچنین، در کنگره شیخ شلتوت که در دانشگاه الأزهر مصر برگزار شد، این قدر که آنها از آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله تعریف و تمجید نمودند، شیعیان تا کنون تعریف نکرده‌اند.

#### نتیجه

آیت‌الله بروجردی، از چهره‌های بارز تاریخ معاصر ایران است که نقش بارزی در احیای

حوزه‌های علمیه پس از رحلت آیت‌الله حائری داشت. شاید بتوان سیاست را امری عارضی در گفتمان آیت‌الله بروجردی دانست؛ اما این مسئله هیچ‌گاه به معنای ضدّ سیاسی بودن آیت‌الله نبود و وی همواره از ایده پیوستگی سیاست و دیانت دفاع می‌کرد؛ علاوه بر این، به دلیل مواضع فرهنگی، دغدغه وحدت میان مسلمانان و همچنین ضرورت پرداختن طلاب و حوزه‌های علمیه به مسائل علمی نیز زبان‌زد بود.

مناظرات و مباحثات و گفت‌وگوهایی که آیت‌الله بروجردی با شیخ محمود شلطوط داشت، در تاریخ ثبت شده است. نگاه ایشان، جهانی بود و از همین رو، تبلیغ و رساندن پیام اسلام به کلّ جهان را وظیفه و رسالت اصلی خویش می‌دانست. قطعاً کسانی که پیام‌های الهی را تبلیغ می‌کنند، از جایگاه بالایی برخوردارند. آیت‌الله بروجردی بر این مسئله تأکید داشت و نشر معارف دینی را یکی از وظایف اصلی خویش می‌دانست.

آیت‌الله بروجردی وقتی وارد قم شد، کلاً حوزه قم حدود هفتصد طلبه داشت که فقیرانه زندگی می‌کردند و با مشکلاتی چند روبه‌رو بودند. طیّ حدود شانزده سال، طلبه‌های قم را به هفت هزار نفر ارتقا بخشید و در بین اینان، دانشمندان، فقیهان، مفسران و نویسندگان بسیاری تربیت شدند. کم‌کم خیر کثیر وجودش به سوی حوزه‌های دیگر ایران هم جاری شد. سپس، حوزه‌های اهل سنت نیز اندک‌اندک از وجود این خیر کثیر الهی آگاهی پیدا کردند و مشتاقانه با ایشان رابطه برقرار نمودند. این رابطه، در نهایت منجر شد که مرجع بزرگ اهل سنت فتوا دهد و بگوید مردم مسلمان معنا ندارد که ملزم به چهار مذهب باشند و بعد می‌گوید: بر همه مسلمانان جایز است که در کلّ عبادات و معاملاتشان، از فقه آل‌محمد پیروی کنند. این یک شعاع از خیر کثیر وجود آیت‌الله بروجردی است که موجش از کشورهای اسلامی هم گذشت و کم‌کم وارد آمریکا و اروپا شد.

بدین سان، آیت‌الله بروجردی نشان داد که مذهب تشیع و نهاد مرجعیت، ابعاد گسترده‌ای از حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و غیره را پوشش می‌دهد که در صورت مدیریت مدبرانه می‌تواند این ابعاد را فعلیت بخشد و زمینه گسترش قلمرو فرهنگی ایران را در لوای تبلیغ تشیع فراهم کند. مراجع شیعی ایرانی، در جایگاه نگاهبانان این مذهب، با سازوکارهایی از جمله: گسترش حوزه جغرافیایی مقلدان خود در مناطق شیعه‌نشین نقاط مختلف جهان، احداث مدارس دینی و

خدمات عام‌المنفعه و نیز اعزام هیئت‌های تبلیغی، می‌توانند حوزه قلمرو ایران شیعی را گسترش دهند.

در مجموع، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجری، چالش‌های تبلیغ را فهمیده بود. از این رو، مبلغان را به نقاط مختلف کشور اعزام می‌کرد و حتی دغدغه تبلیغات خارج از کشور را داشت که در این مورد، عمر شریف ایشان کفاف نداد و نتوانست این بخش را نیز از نظر خویش تقویت کند؛ اما در همان سال‌های آخر عمر خویش، مسجدی در هامبورگ آلمان ساخت که امروزه قطب تبلیغ شیعه و نماد تشیع در اروپاست و جزء آثار تاریخی هامبورگ است که سالانه حدود ۲۵۰ هزار نفر بازدیدکننده دارد. در آمریکا و انگلیس نیز محلی را برای شیعیان بنیان گذاشت که با رحلت ایشان، به انجام نرسید.

گسترش قلمرو تشیع، به منابع رسانه‌ای و تبلیغی دولتی محدود نیست؛ بلکه این نهاد مرجعیت است که از ظرفیت بالقوه برای این منظور برخوردار است و می‌تواند فارغ از مناسبات رسمی دولتی و بین‌المللی، با مدیریت و تدبیر درست، زمینه‌های گسترش تشیع را فراهم سازد و شیعیان را در پیوند با مرجعیت، مورد حمایت معنوی و فکری قرار دهد.

این رویکرد در جهان امروز با گسترش سازوکارهای ارتباطی جدید، از قبیل: اینترنت، ماهوار و نشریات، می‌تواند بیش از پیش امکان تبلیغ و نفوذ تشیع را به هر مکانی که پای این رسانه‌های مدرن رسیده، باز کند؛ به شرط اینکه استقلال و حریت این نهاد حفظ شود تا بتواند به عنوان یک راهبرد شیعی، در دهه پنجم انقلاب مورد استفاده قرار گیرد.



## منابع

### الف. کتاب و مقاله

۱. قرآن کریم.
۲. آرشیو مرکز اسناد نخست وزیری، شماره پرونده ۱۴۲۶۹.
۳. \_\_\_\_\_، شماره پرونده ۲۵۲۳۴.
۴. \_\_\_\_\_، شماره پرونده ۲۷۷۸۹.
۵. \_\_\_\_\_، شماره پرونده ۲۷۸۵۶.
۶. احمدی، مجتبی و دیگران، ۱۳۷۹، چشم و چراغ مرجعیت: مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷. احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۱، خاطرات آیت‌الله محمد علی گرامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. الگار، حامد، ۱۳۹۶، دین و دولت در ایران: نقش علمادر دوره قاجار، ترجمه: ابوالقاسم سرّی، تهران، توس.
۹. بُدلا، حسین، ۱۳۸۷، هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بُدلا، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر.
۱۱. خمینی، سید احمد، ۱۳۸۳، دلیل آفتاب: خاطرات یادگار امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خواجه سروری، غلامرضا، ۱۳۸۵، خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. روح‌بخش، رحیم، «مرجعیت تشیع و نقش آن در جهان اسلام»، به نقل از وبگاه: آیت‌الله علوی بروجردی، نشانی: [alaviboroujerdi.ir](http://alaviboroujerdi.ir)
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۴۱، خاطرات و زندگانی آیت‌الله العظمی بروجردی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۵. عنایت، حمید، ۱۳۷۲، اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.

۱۶. کجباف، علی اکبر؛ مهرعلی زاده، مهدی، ۱۳۸۷، «جایگاه و نقش آیت الله بروجردی در تحولات فرهنگی»، پژوهشنامه تاریخی انقلاب اسلامی، زمستان، شماره ۱۵.
۱۷. لاجوردی، حبیب، ۱۳۸۲، خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی: استاد فلسفه و فرزند بنیانگذار حوزه علمیه قم، تهران، کتاب نادر.
۱۸. لک علی آبادی، محمد، ۱۳۷۸، الگوی زعامت، قم، عصمت.
۱۹. مدرسی، فرید، ۱۳۸۷، «یادنامه آیت الله بروجردی»، شهروند، فروردین، شماره ۴۲.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۴۱، «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، از کتاب: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۴۱، «مزایا و خدمات مرحوم آیت الله بروجردی»، از کتاب: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۱، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات اسلامی.
۲۳. معادینخواه، عبدالمجید، ۱۳۸۴، جام شکسته: خاطرات حجت الاسلام معادینخواه، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. منظور الأجداد، محمدحسین، ۱۳۷۹، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست (اسناد و گزارش هایی از آیات عظام: نائینی، اصفهانی، قمی حائری و بروجردی: ۱۲۹۲-۱۳۳۹ش)، تهران، شیرازه.
۲۵. مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، «گاه شمار زندگی آیت الله العظمی بروجردی»، نشانی: psri.ir
۲۶. موگهی، عبدالرحیم، ۱۳۷۷، روش فیش برداری و دسته بندی مطالب.
۲۷. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، ۱۳۷۶، هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۱، چاپ اول، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.

## ب. وبگاه

۱. بلاغ، کد خبر ۷۹۱۱، تاریخ خبر: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲، نشانی: [balagh.ir/content/7911](http://balagh.ir/content/7911)
۲. پژوهشکده تاریخ معاصر، کد مطلب: ۸۰۴۳، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، نشانی: [iichs.ir/fa/news/8043](http://iichs.ir/fa/news/8043)
۳. تاریخ شفاهی ایران، نشانی: [oral-history.ir/?page=post&tid=1167](http://oral-history.ir/?page=post&tid=1167)
۴. تقریب، کد مطلب: ۲۷۴۰۹۴، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۴/۱۵، نشانی: [taghribnews.com/fa/note/274094](http://taghribnews.com/fa/note/274094)

۵. خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۸۱۲۳۵۶، تاریخ خبر: ۱۳۹۴/۰۵/۰۶، نشانی:

[tasnimnews.com/fa/news](http://tasnimnews.com/fa/news)

۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۸۴۲۷۸۵۰۹، تاریخ خبر: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰، نشانی:

[irna.ir/news/84278509](http://irna.ir/news/84278509)

۷. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۹۰۱۱۰۰۰۰۷۴۰، تاریخ خبر: ۱۳۹۹/۰۱/۱۱، نشانی:

[farsnews.ir/news/13990110000740](http://farsnews.ir/news/13990110000740)

۸. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۲۲۵۸، تاریخ خبر: ۹۵/۰۳/۲۲، نشانی:

[farsnews.ir/news/13950316001456](http://farsnews.ir/news/13950316001456)

۹. معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کد خبر: ۱۲۸۹۷۹، تاریخ خبر:

۱۳۹۳/۰۵/۲۰، نشانی:

[qia.farhang.gov.ir/fa/news/128979](http://qia.farhang.gov.ir/fa/news/128979)





# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

## Clerics and Religious Propagation after Ayatollah Boroujerdi in the Era of the Five Marjas

Majid Shaker Salmasi\*

### Abstract

Propagation of religion is one of the important issues for religious society and scholars used every opportunity to promote religion throughout the history of Islam's school of thought. One of the most important historical periods of Islamic seminary of Qom was the period after the authority of Ayatollah Boroujerdi, in which great ayatollahs including Imam Khomeini, Marashi Najafi, Golpayegani, Khansari and Shariatmadari were the religious authorities, and the Islamic seminaries were under the leadership of these Marjas. In this study, the role and position of clerics and how to propagate religion in the era of the mentioned five marjas have been discussed. This research, through the method of describing and analyzing historical data, deals with the facilities, challenges and propagation opportunities of this period, with the aim of turning challenges into opportunities and also strengthening successful methods, as a roadmap for propagators. The findings suggest that the diversity of propagation activities of Islamic seminaries in different areas, establishing a library, publishing books, responding to doubts, paying attention to Qur'anic activities and international propagation, are among the characteristics of this period, which has also had significant accomplishments.

### Key words:

The five Marjas, Islamic seminary in Pahlavi era, propagation of clerics, sending propagator.

---

\* PhD in Shia studies, researcher and author: shaker1361@gmail.com.

## حوزویان و تبلیغ دینی پس از آیت‌الله بروجردی در عصر مراجع خمسه

مجید شاکر سلماسی\*

### چکیده

تبلیغ دین، یکی از موضوع‌های مهم برای جامعه دینی بوده و علما در طول تاریخ مکتب اسلام، از هر فرصتی برای ترویج دین استفاده کردند. یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی حوزه علمیه قم، دوره بعد از مرجعیت آیت‌الله بروجردی بود که در این دوره، آیات عظام: امام خمینی، مرعشی نجفی، گلپایگانی، خوانساری و شریعتمداری، مرجعیت داشتند و حوزه‌های علمیه تحت زعامت مراجع پنج‌گانه فعالیت می‌نمود.

در این پژوهش، به نقش و جایگاه حوزویان و چگونگی تبلیغ دین در عصر مراجع پنج‌گانه یاد شده پرداخته شده است. این تحقیق، با روش توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی، به امکانات و چالش‌ها و فرصت‌های تبلیغی این دوره با هدف تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها و نیز تقویت روش‌های موفق، به عنوان نقشه راه مبلغان می‌پردازد.

یافته‌ها نشان می‌دهد تنوع فعالیت‌های تبلیغی حوزه‌های علمیه در عرصه‌های مختلف، تأسیس کتابخانه، نشر کتاب، پاسخگویی به شبهات، اهتمام به فعالیت‌های قرآنی و تبلیغ بین‌الملل، از ویژگی‌های این دوره است که دستاوردهای قابل توجهی نیز داشته است.

**کلیدواژگان:** مراجع خمسه، حوزه علمیه عصر پهلوی، تبلیغات حوزویان، اعزام مبلغ.<sup>۱</sup>

\* دکتری شیعه‌شناسی، محقق و نویسنده: shaker1361@gmail.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری<sup>رحمته‌الله</sup> تالیف شده است.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. حوزویان

حوزوی که جمع آن به شکل حوزویان می‌آید، به کسانی اطلاق می‌شود که در نظام آموزشی حوزه علمیه شرکت کرده و در یک دوره فقه استدلالی، فارغ‌التحصیل شده‌اند. این اشخاص، اجازه دارند لباس مخصوص روحانیت به تن کرده و صلاحیت امامت نماز جماعت و وعظ و خطابه و یا تدریس تخصصی معارف دینی را دارند که در اصطلاح به آنان، حوزوی می‌گویند.

### ۲. تبلیغ دینی

تبلیغ دینی، به کارها و رفتارها و سخنانی اطلاق می‌شود که در راستای دعوت عموم مردم به سوی دینداری و اخلاق‌مداری باشد. هدف تبلیغ دینی، ابلاغ دین به همه مردم جهان، به‌خصوص مسلمانان است؛ چنان‌که در آیات قرآن، به این وظیفه مهم اشاره شده است. این هدف مهم، بر عهده رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است و بعد از ایشان، این رسالت به عهده عالمان تربیت‌شده در حوزه‌های علمیه است.

### ۳. آیت‌الله بروجردی

سید حسین طباطبائی بروجردی (۱۲۵۴ ش - ۱۳۴۰ ش)، از مراجع تقلید شیعه که هفده سال زعیم حوزه علمیه قم و پانزده سال مرجع عام شیعیان جهان بود. پدر ایشان، سید علی طباطبائی، از علمای شهر و مادرش سیده آغابیکم، دختر سید محمدعلی طباطبائی بود. نسب ایشان، با ۳۲ واسطه به امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام می‌رسد (دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۲، ص ۶۹-۹۵).

آیت‌الله بروجردی، از شاگردان آخوند خراسانی بود که بعد از بازگشت از نجف، در بروجرد ساکن شد. ایشان در تاریخ نهم دی ۱۳۲۳ شمسی وارد قم شد و با استقبال عمومی مردم و نیز مجتهدان و فقیهان قم، از جمله آیت‌الله سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹-۱۳۷۳ق) و آیت‌الله سید محمد حجت (۱۳۱۰-۱۳۷۲ق) و سید محمدتقی خوانساری (۱۳۰۵-۱۳۷۱ق)، مرجع جهان تشیع و رییس حوزه علمیه قم، مواجه گردید. آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۲۵، در حالی به مرجعیت جهان تشیع رسیده بود که بعد از رحلت مؤسس حوزه علمیه قم، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) و میرزا محمدحسین نائینی (۱۲۷۶-

۱۳۵۵ق)، مرجعیت شیعه تا سال ۱۳۲۵ به عهده سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ق) قرار داشت. مرجعیت عامه آیت‌الله بروجردی، به مدت نزدیک به ۱۵ سال ادامه یافت. آیت‌الله بروجردی در دوره پانزده ساله مرجعیت و زعامت حوزه‌های علمیه، رونق فراوانی به وضعیت شیعیان بخشید.

آیت‌الله سید حسین بروجردی در ۱۳ شوال ۱۳۸۰ق برابر با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ش، از دنیا رفت (حائری، روزشمار شمسی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸).

#### ۴. مراجع خمسه

پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، نخستین سؤالی که در ذهن عامه مردم پدید آمد، مسئله مرجعیت بود و اینکه از این پس، چه کسی زعامت شیعیان را بر عهده خواهد داشت. در آغاز دهه چهل، آیات عظام: حکیم (۱۳۰۶-۱۳۹۰ق)، شاهرودی (۱۲۶۲-۱۳۵۳ش)، خوبی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ش) در نجف اشرف، و آیات عظام: گلپایگانی (۱۳۱۶-۱۴۱۴ق)، شریعتمداری (۱۲۸۴-۱۳۶۵ش)، مرعشی نجفی (۱۲۷۶-۱۳۶۹ش)، امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ش) و خوانساری (۱۳۰۹-۱۴۰۵ق) در قم مطرح بودند. مراجع پنج‌گانه شیعه در قم که زعامت حوزه علمیه به مرکزیت قم و مرجعیت شیعه را از ایران بر عهده داشتند، مورد اقبال حوزویان و شیعیان قرار گرفتند و به امور دینی شیعیان اشتغال یافتند.

شرح مختصری از وضعیت اجتماعی و جایگاه حوزوی مراجع پنج‌گانه، به شرح ذیل است:

#### (۱) آیت‌الله گلپایگانی

آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (۱۳۱۶-۱۴۱۴ق)، علوم دینی را در اراک آغاز نمود و بعد از مهاجرت به قم، از حضور حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق)، میرزای نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق)، سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ق)، شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی (۱۲۴۹-۱۳۲۱)، حاج شیخ ابوالقاسم کبیر (۱۲۸۰-۱۳۵۳ق)، آیت‌الله بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰)، آقا ضیاءالدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱ق) و شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱) فقاہت آموخت (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۵۶).



اگرچه آیت‌الله گلپایگانی در امور سیاسی محتاطانه عمل می‌کرد و چندان وارد مسائل سیاسی نمی‌شد، ولی بعد از شروع مبارزات سیاسی امام خمینی با رژیم پهلوی، در زمره حامیان امام خمینی در آمد و با پیام‌ها و اعلامیه‌ها، همراه امام خمینی به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداخت (همان).

آیت‌الله گلپایگانی در دوره مرجعیت خود، منشأ خدمات فراوانی بوده است که مهم‌ترین خدمات فرهنگی و اجتماعی ایشان، تأسیس: بیمارستان، دارالقرآن الکریم، مدارس علمیه، مجمع جهانی اسلامی در لندن و مؤسسه خیریه حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد (همان).

### (۲) آیت‌الله شریعتمداری

آیت‌الله سید محمدکاظم شریعتمداری، در شروع مبارزات امام خمینی، از حامیان وی به شمار می‌رفت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به نظام جمهوری اسلامی رأی موافق داد؛ ولی در ادامه، با اختیارات ولی فقیه مندرج در قانون اساسی مخالفت نمود. اگرچه آیت‌الله شریعتمداری در دوران پهلوی، سرکوب مردم در قیام ۱۵ خرداد را محکوم کرد و از فعالیت‌ها و مبارزات امام خمینی حمایت می‌نمود، ولی موافق سقوط نظام شاهنشاهی و سلطنتی نبود و با برگزاری انتخابات و عمل به قانون اساسی در چهارچوب سلطنت مشروطه تأکید داشت. وی در سال ۱۳۴۴ با تأسیس «دارالتبلیغ اسلامی» و مجله مکتب اسلام، بیشتر به امور دینی و تبلیغی شناخته می‌شد.

### (۳) آیت‌الله مرعشی نجفی

آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، از مراجع تقلید شیعه پس از آیت‌الله بروجردی است. ایشان از شاگردان شیخ عبدالکریم حائری و آقا ضیاء عراقی بود و نیز از درس سید علی قاضی، سید احمد کربلایی و میرزا جواد ملکی تبریزی بهره برد. دیدگاه‌های آیت‌الله مرعشی، موافق با امام خمینی بود و در مناسبت‌های مختلف، به اعتراض علیه حکومت شاهنشاهی پرداخته بود (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۱۸)؛ هرچند در برخی موارد نیز جانب احتیاط را رعایت می‌نمود و گاهی از طلاب انقلابی خواسته بود تا در اقدامات خود، بهانه‌ای برای کشتار به دست حاکمیت ندهند (همان).

در میان فعالیت‌های آیت‌الله مرعشی نجفی در قامت مرجع تقلید، حفظ میراث مکتوب

اسلامی، بسیار چشمگیر است. ایشان کتابخانه‌ای را در قم تأسیس کرد که امروزه از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه‌های خطی کهن اسلامی، نخستین کتابخانه ایران و سومین کتابخانه جهان اسلام به شمار می‌رود.

#### (۴) امام خمینی

پیشنهاد مرجعیت آیت‌الله بروجردی بعد از رحلت آیت‌الله حائری، از سوی شاگردان آیت‌الله حائری و از جمله امام خمینی مطرح شد. امام خمینی در حالی که خود از مدرسان و مجتهدان حوزه علمیه قم بود، در هجرت آیت‌الله بروجردی به قم و پذیرش مرجعیت و زعامت حوزه علمیه قم توسط ایشان، بسیار مؤثر بود (روح‌بخش اله آباد، ۱۳۸۸، ش ۴۳، ص ۱۲۰).

امام خمینی بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، با وجود استقبال حوزه علمیه و مردم، برای مرجعیت خود فعالیت‌ی نکرد و حتی در مقابل اقدامات دوستان خویش در این مسیر، سرسختانه مقاومت نمود. رژیم شاه کوشید پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، مرجعیت را از ایران خارج کند؛ ولی شخصیت علمی، نگاه زهدگرایانه و تلاش‌های امام برای افشاکاری خیانت‌ها و جنایت‌های شاه، موجب شد که مرجعیت امام در میان روحانیت و مردم گسترش یافته و تثبیت شود.

#### (۵) آیت‌الله خوانساری

آیت‌الله سید احمد خوانساری، از مراجع تقلید شیعه و از شاگردان: آخوند خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، میرزای نائینی و آقا ضیاء عراقی بود. مرجعیت ایشان، بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی آغاز شد.

شهرت آیت‌الله خوانساری به پارسایی و ساده‌زیستی، بیش از شهرت ایشان در مرجعیت وی بوده است. اگرچه آیت‌الله خوانساری در برخی مسائل از نقد و اعتراض نسبت به برخی عملکرد حکومت شاهنشاهی فروگذار نبود، ولی در ادامه، نوعی احتیاط و میانه‌روی در پیش گرفت و در مسائل سیاسی، بسیار محتاطانه وارد می‌شد. این احتیاط و میانه‌روی، موجب شده بود حکومت پهلوی نیز این امر را در نظر داشت. آیت‌الله خوانساری نیز از این موقعیت استفاده کرده و بارها واسطه آزادی زندانیان سیاسی قرار گرفته بود (متولی، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

### عرصه‌های تبلیغ دین در عصر مراجع خمسه

عرصه تبلیغ دین، منحصر در تبلیغ سنتی به صورت سخنرانی در منبر نیست؛ بلکه می‌توان به عرصه‌های متفاوت دیگری اشاره کرد؛ مانند: تربیت اساتید و مبلغان دینی، تأسیس مدارس علمیه و نهادهای علمی در علوم و معارف دینی، راه‌اندازی نهادهای تبلیغ و ترویج معارف شیعی، تأسیس نهادهای قرآنی و علوم قرآنی، راه‌اندازی مراکز در عرصه بین‌المللی، ساخت کتابخانه و حفظ میراث مکتوب شیعی و تأسیس انتشارات فعال در حوزه نشر کتاب‌های دینی.

#### ۱. تربیت مبلغان و اساتید علوم دینی

یکی از مهم‌ترین وظایف مرجعیت در راستای تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، تربیت مبلغان و اساتید در حوزه‌های علمیه است که هر یک از ایشان بتواند منشأ برکات در تبلیغ و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد. این مهم، در دوره مراجع خمسه نیز با جدیت از سوی مرجعیت دنبال شد و بزرگان حوزه علمیه قم در محضر ایشان تلمذ کرده و هر کدام به ستاره‌ای در آسمان فقاقت و ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام تبدیل شدند. بدیهی است که تعداد واقعی شاگردان و تربیت‌یافتگان مرجعیت، بسیار زیاد است و خود پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ ولی به‌اختصار برخی از شاگردان بارز مرجعیت در این دوره تاریخی اشاره خواهد شد.

\* از خدمات ارزنده آیت‌الله گلپایگانی در قامت مرجع تقلید می‌توان به تربیت شاگردانی اشاره کرد که خود از شخصیت‌های بزرگ علمی و سیاسی بودند و خدمات بزرگی به اسلام داشتند. برخی از این شاگردان، عبارت‌اند از: جعفر سبحانی، اکبر هاشمی رفسنجانی، حسن حسن‌زاده آملی، حسین علی منتظری، رضا استادی، سید اسدالله مدنی، سید محمد حسینی بهشتی، علی مشکینی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، محمد مفتاح، مرتضی مطهری و ناصر مکارم شیرازی (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

\* آیت‌الله شریعتمداری نیز علاوه بر درس‌های عمومی و تربیت شاگردان در حوزه علمیه، به تدریس خصوصی نیز می‌پرداخت و افرادی مانند: امام موسی صدر، مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی، جعفر سبحانی و سید موسی شبیری زنجانی، در درس خصوصی او شرکت می‌کردند (صحرائی، ۱۳۹۸، ج ۲۷، ص ۹۵).

\* امام خمینی نیز در دوران مرجعیت خود، در کنار مبارزات سیاسی علیه رژیم شاهنشاهی،

اساتید بزرگی تربیت نمود که برخی از آنها عبارت‌اند از: یوسف صانعی، ابراهیم امینی، اکبر هاشمی رفسنجانی، جعفر سبحانی، حسین نوری همدانی، سید عزالدین حسینی زنجانی، سید علی حسینی خامنه‌ای، سید محمد حسینی بهشتی، محمد فاضل لنکرانی، محمد مؤمن قمی، محمدتقی مصباح یزدی و مرتضی مطهری (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۹-۲۰).

✽ آیت‌الله مرعشی نجفی، تدریس را در سطح شروع کرد و کتاب‌های: معالم الأصول، شرح لمعه، قوانین الأصول، فرائد الأصول، متاجر و کفایة الأصول را تدریس نمود. ایشان علاوه بر فقه و اصول، در علوم نظیر: منطق، کلام، تفسیر، فلسفه، رجال، درایه و علم انساب، مهارت داشت و تدریس می‌کرد. درس فقه ایشان نیز بر اساس شرائع الاسلام محقق حلی بود. شاگردان ایشان، عبارت‌اند از: سید مصطفی خمینی، مرتضی مطهری، محمد مفتاح، دکتر بهشتی، سید محمود طالقانی، حسین نوری همدانی، امام موسی صدر، ابوطالب تجلیل تبریزی، سید مرتضی عسکری و محی‌الدین حائری شیرازی (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

✽ آیت‌الله خوانساری در دوران مرجعیت خود، شاگردانی تربیت کردند که هر یک از اساتید بنام در حوزه علمیه بودند؛ افرادی مانند: مرتضی مطهری، سید رضا صدر، محمدتقی ستوده، محمدباقر سلطانی، مرتضی حائری یزدی و علی پناه اشتهاوردی (نجوم امت، نشریه نور علم، ۱۳۶۳).

## ۲. تأسیس مدارس علمیه و نهادهای علمی

حوزه‌های علمیه، جایگاه و اهمیت بسیاری در مکتب اسلام و تشیع داشته است. اولین کسی که اقدام به تأسیس مدرسه دینی نمود، رسول گرامی اسلام ﷺ بود که در مسجد اقدام به تربیت شاگردان و مبلغان دینی نمود و با اعزام ایشان به مناطق مختلف، به ترویج مکتب اسلام می‌پرداخت و این مدرسه علمیه، توسط امام صادق علیه السلام در مدینه گسترش یافت؛ به گونه‌ای که تعداد شاگردان و تربیت‌یافتگان این مدرسه، به هزاران نفر می‌رسید.

مراجع تقلید نیز در دوره‌های مختلف تاریخی با تأسیس مدارس دینی و حوزه‌های علمیه، راه امامان را ادامه می‌دادند و در دوره مراجع خمسه نیز مراجع در راستای رسالت مرجعیت، اقدام به راه‌اندازی مدارس علمیه و نهادهای علمی نمودند که به آن اشاره می‌شود.

آیت‌الله مرعشی نجفی، هرگز نتوانست به زیارت کعبه برود؛ زیرا به گفته خودش، استطاعت و تمکن مالی سفر حج را نیافت؛ چون درآمد خود را صرف خرید کتاب و تأسیس مدارس و

تربیت مبلغان می‌کرد. تأسیس مدرسه مهدیه و شهابیه، از جمله فعالیت‌های ایشان در دوران مرجعیت بود (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

آیت‌الله گلپایگانی نیز در دوران مرجعیت خود، اقدام به راه‌اندازی مدرسه علمیه بزرگی نمود که یکی از مدارس بزرگ حوزه علمیه قم به شمار می‌رود. مدرسه علمیه آیت‌الله گلپایگانی، در خیابان ارم و در نزدیکی حرم حضرت معصومه علیها السلام در قطعه زمینی به وسعت ۴۰۰۰ متر مربع در کنار مرقد علی بنابویه قمی و در مقابل قبرستان شیخان تأسیس شد که روزانه بیش از ۴۰۰ کلاس دروس حوزوی خارج فقه، اصول و تفسیر در آن برگزار می‌شود (همان).

### ۳. تأسیس نهادهای قرآنی و علوم قرآنی

یکی از شبهاتی که علیه شیعه مطرح می‌شود، موضوع عدم اهتمام شیعیان به قرآن کریم است. مراجع شیعه در طول تاریخ، برای ترویج معارف قرآن و اعتلای قرآن و نیز پاسخگویی مناسب به این شبهه، اهتمام ویژه‌ای به قرآن داشتند و در همین راستا نیز در اوایل دهه پنجاه شمسی، آیت‌الله گلپایگانی اقدام به تأسیس مرکز بزرگی به نام «دارالقرآن» نمود که آثار و برکات آن، قابل توجه است. فعالیت این مرکز قرآنی، با چاپ قرآن شروع شد و سپس با گسترش فعالیت‌های آن، خدمات ارزنده‌ای چون معارف قرآنی و علوم قرآن را ارائه نمود. یکی از قسمت‌های ارزشمند دارالقرآن، گروه «کشاف موضوعی» است. کار این گروه، ارائه موضوعات قرآنی است؛ بدین شکل که آیات قرآن را براساس هفت موضوع اساسی، تقسیم‌بندی کرده است (عسگر سپهوند، ۱۳۷۴، ص ۱۱۶).

این دارالقرآن، به جمع‌آوری کتاب‌های مختلف در زمینه علوم قرآن اهتمام داشته است؛ به طوری که در این کتابخانه، صدها جلد کتاب در موضوع تفسیر، نکات ادبی قرآن، شأن نزول و کتب مرجع وجود دارد و قرآن‌پژوهان و محققان علوم قرآنی می‌توانند از آن استفاده کنند؛ چنان‌که آیت‌الله گلپایگانی برای جلوگیری از خروج نسخه‌های خطی و نفیس قرآن، دستور داد با خریداری و حفظ آن، به ساحت قرآن کمک شود. از دیگر خدمات مفید دارالقرآن، ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف دنیاست؛ ضمن اینکه این مرکز، دو مجله یکی به لغت فارسی به نام پیام قرآن و دیگری به لغت عربی به نام رسالة القرآن منتشر می‌کند. این مجلات، به صورت فصلنامه منتشر می‌شوند (همان).

برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی نیز از دیگر فعالیت‌های این مرکز به شمار می‌رود. تاکنون چندین کنفرانس قرآنی با موضوع‌های ذیل برگزار شده است:

۱. اعجاز قرآن؛

۲. نقش قرآن در تمدن بشری؛

۳. قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام؛

۴. قرآن و جامعه؛

۵. قرآن و توحید در عبادت.

شایان ذکر است، در طی برگزاری این کنفرانس، صدها مقاله و نوشته علمی و تخصصی در باره علوم مختلف قرآن ارائه شده است که مقالات کنفرانس‌ها به صورت یکجا، و هر کنفرانس در یک جلد، منتشر شده است (همان).

#### ۴. تأسیس مراکز بین‌المللی

حوزه‌های علمی و مراجع معظم تقلید، از حضور در عرصه بین‌الملل غفلت نداشتند و با تمام امکان، با تأسیس مراکز فرهنگی و دینی و اعزام نمایندگان مورد اعتماد، تبلیغ در جامعه جهانی را پیگیری می‌کردند. در این دوره تاریخی، آیت‌الله گلپایگانی نیز با توجه به امکاناتی که در اختیار داشت، اقدام به تأسیس مرکز بزرگی در لندن نمود. این مرکز که با نام «مجمع جهانی اسلام» شناخته می‌شود، در سال ۱۳۵۲ش به دستور آیت‌الله گلپایگانی و با هدف نشر فرهنگ اسلام و آشنایی عموم با مذهب تشیع و رسیدگی به مشکلات دینی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان مقیم انگلستان در لندن، تأسیس شد. ترویج و تبلیغ آیین اسلام و مذهب تشیع، فعالیت‌های آموزشی و تربیتی و برپایی نماز جمعه در لندن، از مهم‌ترین فعالیت‌های این مجمع می‌باشد (جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۶۶۰ و ۶۶۱).

این مرکز، از قدیمی‌ترین مراکز رسمی اسلامی و شیعی در اروپا محسوب می‌گردد. فعالیت‌های مجمع را می‌توان به شرح ذیل دانست:

۱. ترویج و تبلیغ آیین مبین اسلام و مذهب تشیع؛

۲. فعالیت‌های آموزشی و تربیتی که شامل بخش‌ها و برنامه‌های مختلف است؛

۳. برگزاری نماز جمعه، ایراد خطبه نماز به سه زبان: فارسی، عربی، انگلیسی. در واقع این

مجمع، تنها محلّ برگزاری نماز جمعه شیعیان در انگلستان است (همان). در این دوره تاریخی، مرکز دارالتبلیغ اسلامی که زیر نظر آیت‌الله شریعتمداری فعالیت می‌کرد نیز فعالیت‌های تبلیغی در عرصه بین‌المللی را سامان می‌داد. در این مرکز، امکان تحصیل زنان و طلاب خارجی و آشنایی طلاب با دروس جدید، فراهم شده بود و تربیت مبلّغ دینی از کشورهای دیگر، از فعالیت‌های این مرکز به شمار می‌رفت (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷). دارالتبلیغ اسلامی، در بخش روابط خارجی با دنیای اسلام، تلاش می‌کرد تا با برخی نهادهای دینی جهان اسلام در تماس باشد. از جمله فعالیت‌های این مرکز در عرصه تبلیغ بین‌الملل، می‌توان به حضور دکتر فحام، شیخ و رئیس دانشگاه الأزهر در قم اشاره کرد و نیز در این مجلس چندین نفر سخنرانی کردند که از آن جمله، شیخ محمد جواد مغنیه بود. این مرکز با ایجاد چند مجله، طلاب را به نویسندگی تشویق کرد (همان).

##### ۵. تأسیس کتابخانه و حفظ میراث مکتوب شیعی

آیت‌الله مرعشی نجفی در دوره اقامت در نجف اشرف، با درک اهمیت حفظ آثار مکتوب اسلامی و ممانعت از خروج این آثار ارزشمند به کشورهای غیراسلامی، اقدام به تهیه و حفظ برخی کتاب‌های خطی نمود. بعد از مهاجرت ایشان از عراق به ایران در سال ۱۳۴۲ق، مجموعه‌های فراهم‌شده را نیز به ایران انتقال داد و در منزل شخصی خویش، به نگهداری از آنها پرداخت و به جمع‌آوری دیگر نسخه‌های نفیس همّت گمارد.

مرعشی نجفی پس از تأسیس مدرسه مرعشیه، نخست کتابخانه کوچکی در دو اتاق مدرسه مزبور دایر کرد. چهار سال بعد، زمینی به مساحت هزار مترمربع، روبه‌روی مدرسه مرعشیه خریداری گردید. در سال ۱۳۴۸، به دست آیت‌الله مرعشی کلنگ بنای کتابخانه‌ای بزرگ بر زمین زده شد و در سال ۱۳۵۳، کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی با بیش از شانزده هزار جلد کتاب خطی و چاپی، افتتاح شد (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

امام خمینی طی حکمی در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۴، دولت وقت را موظف نمود که کتابخانه را گسترش دهد. در پی این حکم، ساختمان قدیمی شرکت بیمه ایران، از سوی دولت به کتابخانه اهدا شد و تولید کتابخانه نیز تعدادی از خانه‌های پیرامون کتابخانه را خریداری کرد و در مجموع، غیر از ساختمان قدیمی کتابخانه، زمین آن بالغ بر ۲۴۰۰ متر گردید (همان).

این کتابخانه، دارای بخش‌های مختلف: امور موقوفات وابسته به کتابخانه، روابط عمومی و امور بین‌الملل، تشریفات و استقبال، دبیرخانه، واحد خواهران، مراسلات و مرکز خدمات همگانی می‌باشد.

مهم‌ترین بخش کتابخانه آیت‌الله مرعشی، عبارت است از مخازن کتاب‌های ارزشمند و کهن که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. گنجینه نسخه‌های عکسی (تصویری)؛
۲. گنجینه میکروفیلم و میکروفیش؛
۳. گنجینه اسناد مکتوب؛
۴. نمایشگاه دائمی نمونه‌هایی از نسخه‌های نفیس خطی کتابخانه؛
۵. گنجینه آثار علمی مکتوب و غیر مکتوب بنیان‌گذار کتابخانه؛
۶. گنجینه نسخه‌های چاپی بسیار کهن؛
۷. گنجینه‌های مرکزی کتاب‌های چاپی: فارسی، عربی، ترکی، اردو و غیر لاتین؛
۸. گنجینه روزنامه‌ها و مجلات ادواری؛
۹. گنجینه کتاب‌های چاپی و مجلات و روزنامه‌های لاتین؛
۱۰. آرشیو کتب ممنوعه؛
۱۱. گنجینه اطلس‌ها و نقشه‌های جغرافیایی (همان).

#### ۶. تأسیس نهادهای تبلیغی

تاکنون شرحی از فعالیت‌های تبلیغی مراجع پنج‌گانه بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی تا پیروزی انقلاب اسلامی ارائه شد. نتیجه‌گیری از این گزارش‌ها می‌تواند به نمایی کلی بینجامد که در اینجا به تأسیس نهادهای تبلیغی اشاره می‌شود:

۱. اولین مدرسه تحت نظم و برنامه حوزوی در قم، مدرسه علوی وابسته به آیت‌الله گلپایگانی می‌باشد که در سال ۱۳۴۰ توسط آیت‌الله گلپایگانی، برنامه خود را آغاز کرد. مدارس آیت‌الله گلپایگانی، پیش‌تاز مدارس نسل جدید حوزه محسوب می‌شوند و از آنجا که آغاز این برنامه با حمایت یک مرجع تقلید انجام گرفت، هم با مقاومت‌های کمتری مواجه شد و هم راه را برای اجرای برنامه‌های اصلاحی آموزشی و تشکیلاتی در سایر مدارس حوزه علمیه باز کرد.



مدرسه آیت‌الله گلپایگانی، به الگویی برای سایر مدارس و تجربه‌ای برای مبتکران آن تبدیل شد تا به شکل شایسته‌تر، آن را در مدرسه منتظریه (حقانی) به اجرا درآورند.

۲. مؤسسه نهج البلاغه در این دوره و در اوایل دهه پنجاه شمسی، توسط حجت‌الاسلام سید جمال‌دین‌پرور، از فقهای حوزه تأسیس شد (دین‌پرور، ۱۳۸۰ش، ص ۷۲). دین‌پرور، از شاگردان امام خمینی و از نوگرایان انقلابی به‌شمار می‌آمد و به دلیل مبارزات سیاسی، توسط حکومت پهلوی دستگیر شده بود (دین‌پرور، ۱۳۸۲، ص ۲).

۳. یکی از ابتکارات بی‌نظیر تاریخ حوزه‌های علمیه در این دوره را می‌توان راه‌اندازی مدرسه علمیه بانوان با نام «مکتب توحید» در شهر قم قلمداد کرد. در این زمان، گردانندگان این مجموعه که همان پنج زن اهل آبادان بودند، با یکی از تجار نیکوکار تهرانی به نام «حاج توسلی»، جهت حمایت مالی از توسعه مجموعه رایزنی کردند و او هم ضمن قبول این پیشنهاد، این مسئله را با شهید بهشتی و شهید قدوسی در میان نهاد. به این ترتیب، مکتب توحید با حمایت مالی توسلی، برنامه‌ریزی شهید بهشتی و مدیریت اجرایی شهید قدوسی، در سال ۱۳۵۳ آغاز به کار کرد (صفاتی، ۱۳۸۲، ص ۸).

علاوه بر دروس حوزوی، گردانندگان مکتب توحید، دوره‌های فشرده مفیدی همچون: نهج البلاغه، اخلاق و بررسی مکاتب غربی برگزار می‌کردند (همان). آیت‌الله حائری شیرازی اخلاق و نهج البلاغه، قدوسی نهج البلاغه، رازینی صرف ساده و عده‌ای از جمله فلاحیان، مبادی العربیه تدریس می‌نمودند (همان).

۴. مدرسه رسالت نیز یکی از دستاوردهای تربیت‌یافتگان این دوره از حوزه‌های علمیه قم می‌باشد. مدرسه رسالت را باید یکی از مدارس کوچک و نوگرای دهه ۵۰ شمسی دانست. این مدرسه، در سال ۱۳۵۲ش توسط آقای یوسفی دشتی راه‌اندازی شد. متولی مدرسه می‌کوشید تا برنامه‌های نوین اصلاحی را در این مدرسه به اجرا گذارد که از جمله می‌توان به تدریس متون درسی نوین و دروس غیررسمی حوزوی اشاره کرد (جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۳۴-۳۳۵). جعفریان که خود در این مدرسه درس خوانده است، در خاطراتش می‌گوید: «مدرسه رسالت بعد از مدرسه حقانی، جزو مدارس خوب قم بود که نسبتاً فعال بود و برنامه منظمی داشت» (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۸).

۵. در نخستین سال‌های دهه چهل شمسی، مؤسسه دارالتبلیغ اسلامی قم به عنوان یکی از شاخص‌ترین فعالیت‌ها در جهت نوسازی حوزه، راه‌اندازی شد. به نظر می‌رسد که دارالتبلیغ، صرفاً مؤسسه‌ای برای انجام اقدامات نوگرایان نبود؛ بلکه بنا داشت تا به الگویی سراسری در حوزه تبدیل شود (جمعی از نویسندگان دارالتبلیغ، ۱۳۴۸ ش، ص ۵۱۵). این مجموعه، دارای کتابخانه، چاپخانه، بخش انتشارات، بخش آموزش و مرکز پاسخ به سؤالات بود.

جمعی از مدرّسان عالی‌رتبه حوزه علمیه قم به همراهی آیت‌الله شریعتمداری، اقدام به تأسیس مرکزی نمودند که در راستای تبلیغ معارف اهل بیت علیهم‌السلام فعالیت نماید. در مراسم افتتاح آن، سید موسی صدر، سید صدر بلاغی و سید کاظم شریعتمداری سخنرانی نمودند (موسوی تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹-۱۵۴). تأسیس اولیه و مدیریت دارالتبلیغ اسلامی، بر عهده آقای سید کاظم شریعتمداری بود. هیئت مدیره دارالتبلیغ که در اساسنامه، مؤسسان دارالتبلیغ دانسته شده بودند، عمدتاً تجار تبریزی بازار تهران بودند که به کارهای مذهبی علاقه داشتند و مقلد آیت‌الله شریعتمداری بودند. همچنین آقایان: مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، مصطفی زمانی، داوود الهامی، سید هادی خسروشاهی، علی حجتی کرمانی، رضا گل‌سرخ کاشانی، حاج آقا مجتبی عراقی و علی دوانی، از افراد فعال در دارالتبلیغ بودند و اساتید این مرکز، اساتید شاخص حوزه علمیه قم به شمار می‌رفتند؛ مانند: ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، سید موسی شبیری زنجان، مرتضی مطهری، سید صدرالدین بلاغی و عطاءالله عاملی (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۳۳۹).

دوره آموزشی اول دارالتبلیغ، با ۱۲۵ نفر و دوره دوم، با ۱۴۵ نفر از طلاب آغاز شد. برنامه درسی، مشتمل بر: اصول عقاید، بررسی مذاهب و ادیان دیگر، تفسیر و حفظ قرآن، فقه و اصول (در حدّ کلیات و به طور استدلالی)، علم حدیث و حفظ متون حدیثی، تاریخ اسلام، شناسایی کشورهای اسلامی، ادبیات فارسی و عربی، معلومات عمومی، درس اخلاق و فنّ خطابه به صورت علمی و عملی بود. دارالتبلیغ، برای نخستین بار مرکزی برای جذب و تربیت طلاب خارجی و آموزش و ساماندهی آنان تأسیس کرد (همان).

ایجاد مرکز آموزش برای زنان طلبه نیز برای نخستین بار در دارالتبلیغ صورت گرفت که پس از تأسیس مکتب توحید، در آنجا مرکزیت یافت. انتشار نشریاتی برای جوانان و حتی کودکان با عناوینی مانند پیام شادی، در شمار فعالیت‌های این مرکز بود (همان).

البته نباید از این مسئله غافل شد که ایجاد چنین مرکزی با آن گستره و به‌ویژه فعالیت آن در امور بین‌المللی، موافقت دستگاه امنیتی رژیم را طلب می‌کرد. این مسئله، سبب می‌شد تا مدیریت دارالتبلیغ، رابطه خود را به شکل محدود با رژیم حفظ کند و توصیه آنان را در مواردی بپذیرد. در شرایطی که در میان روحانیان قم، یک جنبش انقلابی جدی بر ضد پهلوی ایجاد شده بود، تأسیس چنین مرکزی نوعی منحرف کردن مسیر حرکت انقلابی تلقی می‌شد. از این رو، برخی طلاب و فضلاء حوزه علمیه که علیه رژیم شاهنشاهی مبارزه می‌کردند، در باره این مرکز ملاحظاتی داشتند و با دارالتبلیغ میانه خوبی نداشتند. اکبر هاشمی رفسنجانی معتقد است: «مخالف دارالتبلیغ نبودیم؛ ولی احساس ما نیروهای مبارز، این بود که آیت‌الله شریعتمداری دارالتبلیغ را وسیله مبارزه نکردن قرار داده است» (همان).

چنان‌که گفته می‌شود، امام خمینی نیز به صلاحیت این مؤسسه تردید داشته است. به گفته آیت‌الله حسینعلی منتظری که خود از شاگردان امام خمینی بود، مخالفت ایشان ارتباطی به تربیت مبلغ نداشت و بیشتر ناشی از این بود که ممکن است این مؤسسه، باعث غفلت از مبارزه با رژیم سلطنتی شود (همان).

مقام معظم رهبری نیز در سال ۱۳۴۳ از طرف آیت‌الله سید حسن قمی (۱۲۹۰-۱۳۸۶) به قم رفت تا از نزدیک دلایل طرفین را جویا شود. امام خمینی (۱۲۸۱ق) شش دلیل در مخالفت خود با دارالتبلیغ آورد که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای این دلایل در آن زمان، منطقی بود. او سپس، نزد آیت‌الله شریعتمداری (۱۲۸۴-۱۳۶۵ش) رفت و دلایل امام خمینی را بیان کرد؛ اما آیت‌الله شریعتمداری آنها را نپذیرفت (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸).

در ادامه تنش‌های موجود آیت‌الله محمدهادی میلانی (۱۲۷۴-۱۳۵۴) که در مبارزات سال‌های ۴۱ نقش مهمی داشته، بر مسئله دارالتبلیغ حساس شد و در این باره پرسش کرد و آیت‌الله شریعتمداری طی نامه‌ای پاسخ داد. آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی (۱۳۰۱-۱۳۶۰) نیز تلاش‌هایی را در جهت حل این اختلافات انجام داد. وی طی مذاکرات چندباره، طرحی ده ماده‌ای را در زمینه اصلاح حوزه علمیه و برنامه‌های جدید ارائه کرد؛ اما نتیجه نگرفت (همان).

شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸) با وجود همکاری‌های محتاطانه‌ای که با دارالتبلیغ داشت، بعدها در نامه‌ای به آیت‌الله شریعتمداری نوشت: «لازم بود دارالتبلیغ در آن موقع اقدام

نشود و قدری تأخیر بیفتد» (همان).

به دنبال خلع مرجعیت از آیت‌الله شریعتمداری توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۱ ش، امام خمینی طی نامه‌ای دارالتبلیغ را به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم واگذار کرد (موسوی تبریزی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۷):

با توجه به اینکه آقای شریعتمداری دیگر صلاحیت اداره دارالتبلیغ اسلامی قم و انتشارات و چاپخانه و کتابخانه و متعلقات آنها، اعم از ساختمان‌ها و خوابگاه و غیره را ندارند و نمی‌توانند در باره آنها سرپرستی کنند و از آنجا که همه آنها طبق اعترافات خودش، از وجوه شرعی و زکوات و عطایای مردم و از بیت‌المال مسلمین تهیه شده است، با کسب اجازه که از محضر مبارک ولی فقیه و مرجع بزرگوار و امام امت، آیت‌الله العظمی امام خمینی (مد ظله العالی) شد، ایشان اجازه فرمودند که دفتر تبلیغات اسلامی قم، تمامی موارد فوق الذکر را به نحو احسن اداره نمایند. امید است که با اعمال مدیریت صحیح و دقت کامل در حفظ بیت‌المال، کما هو حقّه بهره‌برداری به نحو اتم و اکمل در مصالح اسلام و مسلمین و ترویج شریعت مقدس اسلام و مکتب جعفری علیه السلام و تربیت طلاب علوم دینی و مروجین و مبلغین مذهبی انجام گیرد و همواره مورد توجه حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشد. از این تاریخ، می‌توانید با صورت جلسه کامل، همه موارد فوق و کلیه وسایل موجود را از دادستان محترم انقلاب اسلامی قم تحویل بگیرید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۱۹۱).

۶. تأسیس مؤسسه ولی عصر، یکی از اقدامات مهم طرفداران امام خمینی در جهت نوگرایی در حوزه علمیه به حساب می‌آید؛ هرچند در منابع مختلف تاریخی، اشارات اندکی به ابعاد مختلف این مؤسسه می‌توان یافت. کتابخانه ولی عصر، مرکزی فرهنگی و علمی با اهداف رویکردهای نوگرایانه به شمار می‌آید که برنامه‌های اجرانشده آن، شباهت زیادی با مؤسسات جدید حوزوی، از جمله دارالتبلیغ و مؤسسه در راه حق داشت. راه‌اندازی محلی برای مباحثه طلاب، امری جالب و ابتکاری بود. همچنین، وجود بخش پژوهشی در کتابخانه نیز امری کم‌سابقه در حوزه بود. به احتمال زیاد، در صورت ادامه کار کتابخانه، واحد انتشاراتی این مجموعه نیز فعال می‌شد و نتایج پژوهش‌های مؤسسه را منتشر می‌کرد و به احتمال قوی، کلاس‌های تدریس پیرامون مسائل بر زمین مانده در حوزه علوم اسلامی، با منظور کردن اقتضائات دنیای جدید، برقرار می‌شد. حضور شهید مطهری و آقایان ربانی و قدوسی و سایر

چهره‌های سرشناس حوزه، قطعاً می‌توانست به این مجموعه رونق دهد. از سوی دیگر، این مرکز می‌توانست جایگزین خوبی برای طلبه‌های نوگرایی باشد که دارالتبلیغ را نمی‌پسندیدند و به دلیل سکوت امام و نقل‌هایی که در باره موضع ایشان در حوزه پیچیده بود، علاقه‌ای به حضور در این مؤسسه نداشتند؛ اما ساواک در مقطعی، کتابخانه را تعطیل کرد که هنوز این مؤسسه، از آب و گل بیرون نیامده بود و بسیاری از علما و طلاب، به ماهیت آن پی نبرده بودند و به همین دلیل، ماهیت آن بعدها بر بسیاری مورخان پنهان باقی ماند.

۷. «کانون تحقیقات اسلامی»، یکی از ناشناخته‌ترین مؤسسات فرهنگی حوزوی در عصر نهضت مبارزه با پهلوی به شمار می‌رود. متأسفانه، اطلاعات اندکی از این نهاد فرهنگی وجود دارد که یکی از دلایل اصلی آن را می‌توان بسیار کوچک بودن این مجموعه و فاصله کوتاه تأسیس مؤسسه تا ادغام آن در سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷) برشمرد. بسیاری از برنامه‌های مؤسسه، پس از انقلاب پیگیری شد. به دلیل فقدان منابع مناسب و ادغام کانون تحقیقات اسلامی در سازمان تبلیغات، کتاب محمدباقر انصاری محلاتی با عنوان سفر به کشورهای مختلف جهان در ارتباط با انقلاب اسلامی، تنها منبع مورد استفاده این پژوهش در باره مؤسسه یادشده است. در واقع، هدف شهید بهشتی از راه‌اندازی این مؤسسه، ایجاد یک مجموعه کوچک و کیفی و حرفه‌ای حوزوی برای تبلیغ در خارج از کشور بود.

شناساندن اسلام به جهانیان، یکی از دغدغه‌های اصلی نوگرایان را شکل می‌داد. شهید بهشتی، در این خصوص، اقدامات متعددی انجام داد که حضور او در مرکز اسلامی هامبورگ، فرصت مناسبی در این زمینه فراهم آورد. شهید بهشتی در آلمان، به تعلیم و تربیت نیروهای مفید برای آینده اسلام پرداخت و جمع‌های کوچک ۳ تا چهار نفره از دانشجویان و طلاب جوان و خوش‌فکر را به کار گرفت؛ به عنوان مثال، حجت‌الاسلام محمدباقر انصاری محلاتی و مسیح مهاجری، برای تربیت مبلغ خارج از کشور برگزیده شدند؛ چراکه انصاری محلاتی، درس‌های حوزوی را تا خارج فقه و اصول گذرانده بودند و مقداری نیز زبان انگلیسی می‌دانست و چند کتاب انگلیسی و دو کتاب در موضوع مسائل اجتماعی مسلمانان، از عربی به فارسی برگردانده بود (انصاری محلاتی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

۸. در نخستین سال‌های دهه ۱۳۴۰ شمسی، از ادغام دو مجموعه با عنوان‌های «مؤسسه

خیریه تعلیماتی - تحقیقاتی دینی و علمی در راه حق» و «مؤسسه خیریه تعلیماتی - تحقیقاتی اصول دین» که به ترتیب در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶ شمسی آغاز به کار کرده بودند، «مؤسسه در راه حق» به وجود آمد (استادی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹۵).

## منابع

۱. احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۰ش، خاطرات فقیه اخلاقی: آیت‌الله احمدی میانجی، تدوین: ع. ابادری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. اراکی، محسن، ۱۳۸۴، «نظری کوتاه بر جنبش نواندیشی دینی در حوزه‌های علمی ایرانی در نیمه دوم قرن بیستم»، رواق اندیشه، شماره ۴۴.
۳. استادی، رضا، ۱۳۸۷ش، خاطرات حاج شیخ رضا استادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. اسکندری، حسین، بی‌تا، زندگی‌نامه، بازیابی از سایت شخصی حجت‌الاسلام والمسلمین حسین اسکندری، نشانی: [qomqalam.ir/introduction/scholars-of-qom/201](http://qomqalam.ir/introduction/scholars-of-qom/201)
۵. انصاری، حمید، ۱۳۷۸ش، حدیث بیداری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. باغستانی، اسماعیل، بی‌تا، دانشنامه جهان اسلام، «حوزه علمیه».
۷. بخشایشی، ع، ۱۳۶۰، «کتابخانه‌های عمومی حوزه علمیه قم»، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۳.
۸. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱، «ناشناخته‌های تاریخ ایران و اسلام»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۶.
۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶ش، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، تهران، نشر مورخ.
۱۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱ش، اطلس شیعه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)، تهران، انتشارات خانه کتاب.
۱۲. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، تلخیص کتاب گلشن ابرار.
۱۳. جمعی از نویسندگان دارالتبلیغ، ۱۳۴۸ش، سیمای اسلام: نشریه دارالتبلیغ اسلامی قم، تهران، دارالتبلیغ اسلامی قم با همکاری شرکت سهامی انتشار.
۱۴. حائری، ۱۳۸۶ش، روزشمار شمسی.
۱۵. حقانی، حسین، ۱۳۷۱، «پایگاه‌های جهاد و اجتهاد»، مجله حوزه، شماره ۵۲.

۱۶. \_\_\_\_\_، بی تا، «تاریخچه مدرسه منتظریه حقانی»، بازیابی از وبگاه مدرسه حقانی: [madreshaghani.ir](http://madreshaghani.ir)
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، بی تا، «بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم»، بازیابی از وبگاه آیت الله خامنه‌ای: [khamenei.ir/speech-content?id2587](http://khamenei.ir/speech-content?id2587)
۱۸. خمینی، روح الله، ۱۳۸۹، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۹. دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
۲۰. دین‌پرور، سید جمال‌الدین، ۱۳۸۰، «بنیاد نهج البلاغه از زبان حجت الاسلام والمسلمین سید جمال‌الدین دین‌پرور، مؤسس و رئیس بنیاد نهج البلاغه»، نشریه پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۱.
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، «فعالیت‌های بنیاد نهج البلاغه»، اخبار شیعیان، شماره ۱۵.
۲۲. روحانی، حسن، ۱۳۹۱، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۳. روح‌بخش اله آباد، رحیم، ۱۳۸۸، «میراث مرجعیتی آیت الله بروجردی و نهضت امام خمینی»، مجله حضور.
۲۴. زمانی، کریم، ۱۳۶۵، «آشنایی با نهادهای علمی و فرهنگی: بنیاد نهج البلاغه»، کیهان فرهنگی، شماره ۳۱.
۲۵. شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲ش، گنجینه دانشمندان، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۶. صحرایی، شهرام، ۱۳۹۸ش، «شریعت‌مداری»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۲۷. طاهری خرم‌آبادی، سید حسن، ۱۳۷۷ش، خاطرات آیت الله طاهری خرم‌آبادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۸. عسگر سپهوند، بهار ۱۳۷۴ش، «دار القرآن الکریم آیت الله العظمی گلپایگانی علیه السلام»، مجله پیام حوزه، شماره ۵.



۲۹. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۶۰، «مدارس حوزه علمیه قم یا مهد پرورش شخصیت‌های بزرگ»، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۴.
۳۰. گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۸۹ش، جامع فضل و فضیلت: مقالات و مقولاتی درباره کارنامه علمی و عملی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۱. متولی، عبدالله، ۱۳۸۳، آیت‌الله سید احمد خوانساری به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۲. موسوی تبریزی، سید حسین، ۱۳۸۴، خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی، جلد اول، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۱، خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۳۴. نشریه نور علم، بهمن ۱۳۶۳، «نجوم امت ۵: مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خوانساری»، دوره اول، شماره ۸.
۳۵. الهادی، م، ۱۳۵۴، «دار التبلیغ الاسلامی»، الهادی، ش ۱۰.





# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

## The Evolutionary History of Religious Propagation after the Islamic Revolution of Iran, Activism, Types, Formats and Supports

Abazar Jafari\*

### Abstract

Since the victory of the Islamic Revolution of Iran, religious propagation has been different systematically and has grown significantly. The growth and evolution of propagation has occurred in different dimensions and areas of quantity, activism, technology, format, support and field. Propagation institutions were developed and the opportunities and locations of propagation also changed. Propagational activism, which was limited before the revolution, was increasingly evolved. Islamic propagation turned into different types and became widespread in the country and internationally in various forms including, individual and group, general and specialized, face-to-face and virtual, written and so on. The active presence of educated women in propagation and the production and supply of effective content of propagation is one of the prominent signs of the growth and evolution of religious propagation after the revolution.

### Keywords

Advertising activism, women's propagation, international propagation, specialized propagation, group propagation, virtual propagation, propagation formats.

---

\* PhD in Islamic Studies, Qur'an and Islamic texts.

## سیر تکاملی تبلیغ دینی پس از انقلاب اسلامی کنشگری‌ها، گونه‌ها، قالب‌ها و پشتیبانی‌ها

اباذر جعفری\*

### چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تبلیغ دینی سامانی متفاوت و رشدی چشمگیر داشته است. رشد و سیر تکاملی تبلیغ در ابعاد و عرصه‌های مختلف کمی، کنشگری، فناوری، قالب و حوزه پشتیبانی رخ داده است. نهادهای تبلیغی، گسترش یافت و فرصت‌ها و موقعیت‌های مکانی تبلیغ نیز دچار تحول گردید. کنشگری تبلیغی محدود قبل از انقلاب، به صورت فزاینده‌ای متحول گردید. تبلیغات اسلامی، گونه‌های متفاوت پیدا کرد و در داخل کشور و سطح بین‌الملل و در شکل‌های متنوع فردی و گروهی، عمومی و تخصصی، حضوری و مجازی، مکتوب و غیره فراگیر شد. حضور فعال بانوان تحصیل کرده در عرصه تبلیغ و تولید و عرضه محتوای تبلیغی کارآمد، از جمله نمادهای برجسته رشد و تکامل تبلیغ دینی پس از انقلاب است.

**کلیدواژه‌گان:** کنشگری تبلیغی، تبلیغ بانوان، تبلیغ بین‌الملل، تبلیغ تخصصی، تبلیغ گروهی، تبلیغ

مجازی، قالب‌های تبلیغی.<sup>۱</sup>

\* دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون اسلامی.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت

آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.

### مفهوم‌شناسی

پس از انقلاب اسلامی، تبلیغ دینی از نظر کمی رشد چشمگیری نسبت به فعالیت‌های تبلیغی پیش از انقلاب داشته است. افزایش علاقه‌مندان به تحصیلات حوزوی و پذیرش طلاب در حوزه‌ها، افزایش درخواست‌های مردمی برای حضور روحانی از مناطق مختلف کشور، اعلام نیازهای فراوان برای تبلیغ روحانیون در جبهه‌های جنگ تحمیلی و پشت جبهه‌ها، افزایش سازمان‌ها و نهادهای متقاضی و بسترساز تبلیغ دینی در کشور تا حدی که هر اداره خود زمینه‌ساز فعالیت تبلیغی بود، در کنار احساس وظیفه و دغدغه‌مندی طلاب و روحانیان برای تبلیغ دینی، از عوامل افزایش کمی تبلیغ پس از انقلاب اسلامی است. مجموع این عوامل را می‌توان زنجیره و نظام تبلیغی خواند؛ امری که قبل از انقلاب اسلامی، نشانی از آن نبود و برنامه‌های تبلیغی، متکی به تشخیص و سلیقه فرد مبلغ بود و درنهایت، فقط بیوت مراجع تقلید بودند که نقشی در اعزام مبلغان ایفا می‌کردند.

در پرتو این عوامل، در همان سال اول انقلاب اسلامی و با تأسیس دفتر تبلیغات اسلامی، یکی از فراگیرترین و قدیمی‌ترین گونه‌های تبلیغ در حوزه علمیه قم، یعنی تبلیغ سنتی که منبر ابزار تبلیغی آن است، گسترش یافته، بیش از ۵ هزار مبلغ، تنها از قم به سراسر نقاط کشور اعزام شدند (گزارش «اعزام مبلغان از آغاز تا سال ۱۳۸۲»)، اسناد داخلی دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). این روند، تا سالانه قریب به ۵۰ هزار مبلغ نیز افزایش یافته است. این افزایش، تنها در اعزام مبلغ بوده و با احتساب گونه‌های دیگر فعالیت‌های تبلیغ دینی، آمار کنش‌های تبلیغی بسیار فراتر خواهد بود. علاوه بر آن، بسیاری از گونه‌های تبلیغی همانند: تبلیغ رسانه‌ای، مجازی یا حتی تبلیغ در برخی اماکن خاص نظیر اماکن نظامی، پیش از انقلاب اسلامی سابقه‌ای نداشته و از فعالیت‌های دوران جمهوری اسلامی است.

همچنین، با پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر مساجد و تکایا که اماکن سنتی تبلیغ دینی است، مدارس و دانشگاه‌ها نیز به عنوان محلی برای حضور تبلیغی روحانیان، پذیرای مبلغان رسمی و موسمی است و علاوه بر آن، حتی پارک‌ها، محیط‌های تفریحی و ورزشی نیز در قلمرو تبلیغی قرار گرفته و شاهد حضور اشکال مختلف تبلیغی، از جمله حضور مبلغان سنتی است. پیش از این، عمده فعالیت‌های تبلیغی در مناسبت‌های مذهبی، به‌خصوص ماه محرم و

رمضان بود؛ درحالی که امروزه مناسبت‌های متعدد مذهبی و ملی که تعداد آنها قریب به بیست مناسبت است، زمینه‌ای برای حضور تبلیغی مبلغان است و در کنار آن، در فرصت تعطیلی مدارس، حجم قابل توجهی برنامه تبلیغی تدارک دیده می‌شود. همچنین، طرح‌ها و عملیات‌های تبلیغی متعدد و مستمری در طول سال از سوی مبلغان و نهادهای فرهنگی تبلیغی اجرا می‌گردد و انحصار تبلیغ به زمان محدود، از بین رفته است.

در کنار این تنوع زمانی تبلیغ، بخشی از فعالیت مبلغان با استقرار بلندمدت روحانی در مناطق تبلیغی در قالب «طرح هجرت» و طرح «روحانی مستقر» انجام می‌گردد. این طرح که عمدتاً در مناطق دوردست و نیازمند به روحانی است، حداقل برای استقرار یک‌ساله روحانی در آن مناطق است که تا چند سال یا حتی به صورت دائمی نیز استمرار یافته است. برای تکمیل این طرح‌ها و کمک به فعالیت‌های تبلیغی مبلغان، ایجاد «خانه عالم» در کنار مساجد مناطق تبلیغی، به سازمان تبلیغات اسلامی سپرده شد و برای ساخت بیش از ۱۲ هزار خانه عالم برنامه‌ریزی شده است (ido.ir/a.aspx?a=1389021508).

این نوشتار، به بررسی سیر تاریخی و تکاملی تبلیغ پس از انقلاب اسلامی در حیطه‌های کنشگری تبلیغی، ابزار و قالب‌های تبلیغی، پشتیبانی و عرصه‌های کلان تبلیغ می‌پردازد.

## ۱. تطورات کنشگری تبلیغی

### ۱-۱. تبلیغ در سازمان یا استخدام تبلیغی

علاوه بر توسعه کمی، زمانی و مکانی تبلیغ، گونه‌های تبلیغی نیز توسعه و تنوع قابل توجهی یافته است. تبلیغ سازمانی و تبلیغ در محیط‌های اداری و نظامی، از گونه‌های نوظهور تبلیغ پس از انقلاب اسلامی است. امروزه روحانیون فراوانی در سازمان‌های عقیدتی سیاسی در حال خدمت در محیط‌های نظامی بوده و در تمامی رسته‌ها، از ستادهای فرماندهی تا یگان‌های آموزشی، عملیاتی و مرزی و صنایع دفاعی، به فعالیت تبلیغی و فرهنگی مشغول هستند. همچنین، جمع کثیر دیگری در سازمان‌های دولتی و اداری به عنوان عناصر فرهنگی به فعالیت تبلیغی اشتغال دارند. به این ترتیب، پس از انقلاب اسلامی کمتر بخشی از دولت و حاکمیت، خالی از روحانی و مبلغ دینی است؛ امری که پیش از انقلاب، سابقه نداشت.

## ۱-۲. تبلیغ بانوان

گسترش تحصیلات دینی خواهران در حوزه‌های علمی، از برکات انقلاب اسلامی است. تحصیل دینی بانوان، پیش از انقلاب به صورت محدود در برخی از شهرهای کشور با عنوان مکتب مانند: «مکتب توحید» و «مکتب علی (علیه السلام)» در قم و «مکتب نرجس (علیها السلام)» در مشهد مقدس و... شروع شد. پس از انقلاب اسلامی با حضور بانوان در عرصه‌های علمی و اجتماعی، اقبال بانوان متدین به تحصیلات حوزوی افزایش یافت و به دستور حضرت امام (علیه السلام) در سال ۱۳۶۳ «جامعه الزهراء (علیها السلام)» در قم تأسیس شد و به سوی تکامل و پیشرفت گام نهاد. در سال ۱۳۷۵، شورای عالی حوزه علمیه قم، «مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران» را به منظور ساماندهی، حمایت و پشتیبانی از مدارس علمیه خواهران کشور تأسیس کرد. این مرکز، قریب به ۵۰۰ مرکز آموزش حوزوی را در سراسر کشور مدیریت می‌کند (public.whc.ir/article/view/23838) و قریب به ۲۰۰ هزار طلبه دینی را تربیت کرده است (ilna.ir/fa/tiny/news-973344).

از دیگر تطورات تبلیغ دینی پس از انقلاب اسلامی، حضور خواهران طلبه و مبلغه در فعالیت‌های تبلیغی است. بعثه مقام معظم رهبری، از ظرفیت خواهران مبلغه در کاروان‌های حج به عنوان معینه‌های حج بهره می‌گیرد. همچنین، نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب نیز برخی بانوان مبلغه را برای تبلیغ در میان دانشگاهیان اعزام و پشتیبانی می‌کند (واعظی، ۱۳۹۰، «هست‌ها و بایدهای تبلیغ در دانشگاه»، معارف، ش ۹۰، ص ۹۷-۱۰۱). خواهران مبلغه، از سوی مراکز آموزشی خود و سایر نهادهای تبلیغی مانند دفتر تبلیغات اسلامی، در مجالس خانگی و سایر مجالس مناسبت‌های مختلف در اماکن تبلیغی شهر خویش و سایر شهرها برای فعالیت تبلیغی اعزام می‌شوند که تا سالانه ۶۰ هزار اعزام نیز گزارش شده است (mehrnews.com/news/4096423). خواهران مبلغه به طور مستمر در طرح‌های مختلف تبلیغی، به‌خصوص در مدارس دانش‌آموزی، از جمله «طرح امین» حضور دارند.

## ۳-۱. تبلیغ بین‌الملل و خارج از کشور

آیت‌الله بروجردی، تبلیغ بین‌الملل را در کشورهای اسلامی و غیراسلامی آغاز کرد. ارتباط با الأزهر مصر و نیز فرستادن نمایندگانی به کشورهای: لبنان، عربستان، پاکستان و کویت

(آذرشب، پیشینه تقریب، ص ۱۸۲)، اعزام علما از جمله شیخ مهدی حائری به آمریکا و تأسیس مرکز اسلامی امام علی علیه السلام در هامبورگ (ریحان یزدی، آینه دانشوران)، از فعالیت‌های جدی ایشان بود. شخصیت‌های دیگری از جمله آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی با تأسیس مرکز جهانی اسلامی لندن و صدر بلاغی با سفر به کشورهای دیگر، در راستای ترویج فرهنگ شیعی قدم برداشتند (معاونت بین‌الملل حوزه‌های علمیه، طلایه‌داران عرصه تبلیغ، ص ۱۴۸).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عطش جهانی به اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی فزونی گرفت و حضور مبلغان در کشورهای مختلف برای تبلیغ در میان مسلمانان و حتی آشناسازی غیرمسلمانان با اسلام و انقلاب اسلامی گسترش یافت. در همین راستا، علاقه‌مندان به آشنایی با معارف اسلامی، از سایر کشورها برای تحصیل در حوزه علمیه گسیل شدند و در شهریور ۱۳۵۸ شورای سرپرستی طلاب غیرایرانی در حوزه علمیه قم تأسیس گردید و سپس، در قالب «مرکز جهانی علوم اسلامی» توسعه یافت. همچنین، مدارس علمیه در برخی کشورهای دیگر ایجاد شد که در «سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور» مدیریت می‌گردید (جزوه «آشنایی با سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور»، ۱۳۸۵، ص ۴-۵) و در نهایت، با ادغام این دو سازمان، در سال ۱۳۸۷ «جامعه المصطفی العالمیه» یا دانشگاه بین‌المللی المصطفی شکل گرفت ([rc.majlis.ir/fa/law/show/135710](http://rc.majlis.ir/fa/law/show/135710)). این دانشگاه، در بیش از ۶۰ کشور جهان شعبه دارد و قریب به ۱۰۰ هزار دانشجو فارغ‌التحصیل از ۱۲۲ ملیت جهان داشته است. از اهداف این مجموعه، آشنا ساختن علاقه‌مندان معارف دینی و تبلیغ دینی در سراسر جهان است و در همین راستا، در مناسبت‌های مختلف فعال بوده و مبلغان را به بیش از ۸۰ کشور جهان اعزام می‌کند ([tasnimnews.com/fa/news/785109/08/04/1394](http://tasnimnews.com/fa/news/785109/08/04/1394)).

مرکز بین‌المللی تبلیغ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ([my-moballeggh.icro.ir](http://my-moballeggh.icro.ir))، دانش‌آموختگان جامعه المصطفی را در مناسبت‌های گوناگون محرم، صفر و ماه مبارک رمضان و حتی مناسبت‌هایی مانند: ارتحال امام علیه السلام، هفته وحدت، دهه فجر، به کشورهای مختلف اعزام می‌کند. علاوه بر آن، از بیش از یک‌هزار مبلغ توانمند ایرانی که در این سازمان پرونده تبلیغی دارند نیز برای تبلیغ در خارج از کشور بهره می‌گیرد. همچنین، در موارد محدودی خواهران مبلغه را نیز برای مناسبت‌های ماندگار روز زن به خارج از کشور اعزام می‌کند ([isna.ir/news/05679](http://isna.ir/news/05679)).



۹۰۰۵ و icro.ir). همچنین، معاونت امور بین‌الملل حوزه‌های علمیه نیز نسبت به پشتیبانی و اعزام محدود مبلغ به خارج از کشور اقدام می‌کند (howzehbonab.ir/?p=17726). طی دهه اخیر، مؤسسه بین‌المللی «المرتضی» نیز در حوزه تربیت مبلغ مقدماتی و پیشرفته به زبان‌های: انگلیسی، روسی، چینی، پرتغالی و اسپانیولی فعالیت می‌نماید (murtaza.ir).

#### ۴-۱. اجتماعات تبلیغی

دین اسلام تأکید بسیاری بر اجتماع مؤمنان دارد و مناسک اجتماعی همچون: نماز جماعت، نماز جمعه و نماز عیدین، حج و امثال آن را توصیه کرده است که اهتمام به اکثر آنها، پیش از انقلاب اسلامی چندان مقدور نبود. با پیروزی انقلاب اسلامی، این مناسک تقویت شد و نماز جمعه به عنوان یکی از مظاهر اجتماعی اسلام، به شکلی پُررونق و گسترده برگزار گردید. همچنین، در عرصه بین‌المللی نیز حج علاوه بر جنبه عبادی، جنبه سیاسی و تبلیغی پیدا کرد. سایر مراسم و اجتماع مؤمنان، مانند عزاداری در دهه محرم و صفر نیز با شکوه برگزار می‌گردد و روحانیان در این اجتماعات، تبلیغ دینی را انجام می‌دهند. طی دهه‌های اخیر، برخی اجتماعات دیگر نظیر: کاروان‌های راهیان نور، زیارت اربعین، پیاده‌روی‌ها و ضیافت‌های موالید نبی مکرم اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام یا جشن‌هایی مانند نیمه شعبان نیز فرصت تبلیغی مناسبی را فراهم کرده است که مبلغان دینی در راه‌اندازی آن، ارائه سخنرانی، پاسخ به سؤالات و برقراری ارتباط چهره‌به‌چهره با مخاطبان، نقش ایفا می‌کنند. این اجتماعات را می‌توان فناوری استفاده از ظرفیت‌های دینی برای تبلیغ و ترویج معنویت دانست (farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35917).

#### ۵-۱. تبلیغ گروهی

یکی از تفاوت‌های تبلیغی در دهه‌های اخیر نسبت به تبلیغ سنتی پیش از انقلاب، تبلیغ گروهی و حتی تیمی از سوی مبلغان است. قاعدتاً هم‌افزایی و استفاده از ظرفیت جمعی در تبلیغ، به‌سان بسیاری از فعالیت‌ها، بهره‌وری و تأثیر آن را مضاعف می‌کند. از سوی دیگر، به جهت ماهیت چندوجهی تبلیغ دینی و نیاز به اقدامات مختلفی مانند: بسترسازی تبلیغی، تولید محتوا، تدوین سناریو، پشتیبانی و جلب حمایت تبلیغی و نیز پرداخت تخصصی به مسائل مورد نیاز مخاطب

در اقشار و سنین مختلف، فعالیت گروهی و تیمی در تبلیغ اهمیت بیشتری دارد. از همین رو، شکل فردی تبلیغ به تبلیغ گروهی متمایل شده و امروزه مبلغان در قالب گروه‌های تبلیغی و حتی مؤسسات تبلیغی و با تقسیم کار، به فعالیت می‌پردازند. سازمان‌های تبلیغی از جمله دفتر تبلیغات اسلامی، به ساماندهی نزدیک به هزار گروه تبلیغی در عرصه داخلی پرداخته‌اند که در مناطق و تخصص‌های گوناگون به فعالیت تبلیغی مبادرت می‌ورزند.

### ۶-۱. تبلیغ اجتماعی

گره‌گشایی و حل مشکلات مردم از دیرباز، از کارکردهای دین و مبلغان بوده که نمود آن، در سنت وقف و تبلیغ دینی است که با خدمت اجتماعی گره خورده است. این مسئله، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به جهت نقش و جایگاه روحانیت در انقلاب اسلامی، اهمیت بیشتری یافت. مبلغان در کنار فعالیت‌های تبلیغی، به خدمات جمعی و حل مشکلات اجتماعی، عمرانی و سایر عرصه‌ها اهتمام نشان داده و با استفاده از ظرفیت نهادهای انقلابی و قدرت بسیج مردمی، در جهت کاهش مسائل مبتلابه مخاطبان در سطح فردی و اجتماعی گام برمی‌دارند.

خدمات گروه‌های تبلیغی جهادی در قالب: اردوی جهادی در مناطق محروم، ساخت خانه، مسجد، امکانات بهداشتی، کمک تحصیلی به دانش‌آموزان، برگزاری سفرهای زیارتی، کمک به بیماران بی‌بضاعت، تسهیل‌گری ازدواج و...، از مصادیق تبلیغ اجتماعی است ([jahadgaranhowzavi.com](http://jahadgaranhowzavi.com)). امداد اجتماعی و فرهنگی در بحران‌ها و حوادث غیرمترقبه نظیر زلزله و سیل، چندین بار در سال‌های پس از انقلاب عرصه خدمات اجتماعی گسترده طلاب بود. همچنین، شرایط سخت ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۰ که ارتباطات اجتماعی و بسترهای تبلیغی چهره‌به‌چهره را محدود کرده بود، فرصتی برای خدمات اجتماعی مبلغان شد و در کنار وظایف شرعی تغسیل و تکفین نسبت مرحومین این بحران و کمک به بیماران، مأموریت تعمیق باورهای دینی و ارتقای معنوی مردم را انجام می‌دادند ([mehrnews.com/news/5294946](http://mehrnews.com/news/5294946) و [jz.ac.ir/post/7230](http://jz.ac.ir/post/7230)) و علاوه بر این، در طرح مواسات اجتماعی و امداد به نیازمندان در دوران کرونا مشارکت جدی داشتند ([irna.ir/news/83750711](http://irna.ir/news/83750711)).

## ۷-۱. تبلیغ نوین

### ۱-۷-۱. تبلیغ رسانه‌ای

ظهور رسانه‌های شنیداری و دیداری در سده اخیر، تحولی در عرصه فرهنگی ایجاد کرد که پیش از انقلاب اسلامی، بهره تبلیغ دینی از آن ناچیز بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام صدا و سیما را دانشگاه عمومی خواند که باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۹۹). علاوه بر تغییر رویکرد رسانه‌ها از جمله صدا و سیما، روحانیت و مبلغان دینی از آن به عنوان یک ابزار تبلیغی استفاده کردند. برنامه «درسهای از قرآن» از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی با نزدیک به ۴۰ سال سابقه، و برنامه «بازی با کلمات» حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن راستگو برای کودکان با بیش از ۱۵ سال اجرا، از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین برنامه‌های تبلیغ دینی صدا و سیماست. برنامه‌های کارشناس محور و پرسش و پاسخی متعددی در رادیو و تلویزیون پخش می‌شود و مبلغان فراوانی در عرصه رسانه شهرت یافته‌اند. صدا و سیما و مراکز تبلیغی، دوره‌هایی نیز برای آموزش کارشناسان دینی جهت اجرای رسانه‌ای برگزار می‌کنند. همچنین، صدا و سیما جمهوری اسلامی با تأسیس دانشکده دین و رسانه در قم در سال ۱۳۷۶، زمینه تحصیل طلاب در رشته‌های مختلف رسانه‌ای را فراهم کرد ([qom.iribu.ac.ir/portal/viewpage/6096](http://qom.iribu.ac.ir/portal/viewpage/6096)) و تاکنون بیش از ۶۰۰ نفر از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند ([hawzahnews.com/news/1051818](http://hawzahnews.com/news/1051818)).

امروزه، کنشگری تبلیغی طلاب و مبلغان در رسانه، علاوه بر نقش مجری یا کارشناس مذهبی صدا و سیما، تنوع بیشتری یافته است و نگارش فیلمنامه، تولید، تهیه‌کنندگی، کارگردانی، پژوهش رسانه‌ای و نظارت و ارزیابی و مشاوره در تولیدات رادیویی، تلویزیونی و در قالب سینمای، سریال و فیلم‌های داستانی، مستند و کارشناس محور، از فعالیت‌های تبلیغ رسانه‌ای است. برخی مراکز تبلیغی، از جمله دفتر تبلیغات اسلامی، برای حمایت و پشتیبانی از طلاب رسانه‌ای، نسبت به ساماندهی قریب به ۵۰۰ مبلغ به عنوان مبلغ رسانه‌ای و گروه‌های تبلیغ رسانه‌ای اقدام کرده‌اند ([balagh.ir/content/10881](http://balagh.ir/content/10881)).

### ۲-۷-۱. تبلیغ مکتوب و هنری

معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن کریم است که به شکل مکتوب جاودانگی یافته است. از همین

رو، توجه به تبلیغ دینی به صورت مکتوب در تراث اسلامی مورد توجه بوده است و علمای دینی در دوره‌های مختلف، آثار نوشتاری متعددی برای تبلیغ دین در قالب: کتب حدیث، آداب اسلامی، داستان انبیا، مناظرات و سایر موضوعات نگاشته‌اند. تبلیغ به شکل مکتوب، منحصر به تألیف کتاب نبود و اشکال دیگر ترسیم هنری مانند: نقاشی، طراحی هنری و کاشی نیز در این طیف قابل طبقه‌بندی است که پیش از انقلاب نیز مورد توجه روحانیون نیز بوده است. پس از انقلاب اسلامی و با توسعه و رشد امکانات نشر و تولیدات هنری مکتوب، توجه به آموزش و استفاده از ابزار نوشتاری و هنری نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفت و مراکز مختلفی جهت آموزش‌های خط و خوشنویسی، داستان‌نویسی، ترویجی‌نویسی و طراحی هنری و گرافیک و امثال آن فعالیت کردند. امروزه طلاب بسیاری در عرصه تبلیغ مکتوب و هنری فعالیت دارند که دفتر تبلیغات اسلامی، بیش از ۵۰۰ مبلغ در این عرصه ساماندهی کرده است و با ایجاد انجمن‌های هنری خوشنویسی، شعر، ادبیات داستانی، هنرهای تجسمی و... نیز به هم‌افزایی و فعالیت طلاب در این عرصه‌ها کمک می‌کند. فعالیت سایر سازمان‌ها مانند سازمان تبلیغات اسلامی، در حوزه هنری سازمان و سایر بخش‌های نیز بسیار گسترده می‌باشد و عرصه تبلیغ مکتوب و هنری، یکی از عرصه‌های جدی تبلیغ دینی است. امروزه، خروجی‌های گرافیکی و متنی تبلیغ مکتوب و هنری در تبلیغات محیطی و شهری، و همچنین طراحی مبلمان شهری، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۳-۷-۱. تبلیغ در فضای مجازی

فضای مجازی با ورود اینترنت به ایران در دهه دوم انقلاب، فرصت جدیدی برای حضور تبلیغی روحانیون فراهم کرد. با دوران‌دیشی مقام معظم رهبری و تأسیس «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی» در سال ۱۳۶۸ مجموعه‌های حوزوی و طلاب از اولین کسانی بودند که با فناوری رایانه‌ای، برنامه‌نویسی، اینترنت و کاربردهای آن در حوزه علوم و تبلیغات دینی آشنا شدند (noorsoft.org/fa/aboutus/View/5809) و بهره‌گیری از این عرصه نوین را در تبلیغات دینی عملیاتی کردند. پیشگامی نهادهای حوزوی در ایجاد وبگاه‌های اسلامی نظیر: حوزه نت، بلاغ، تبیان و بعدها در سایت راسخون و تولید و انتشار محتوای دینی، به ویژه در مناسبت‌های مذهبی و ملی در فضای مجازی، راه‌اندازی شبکه اینترنت افق از سوی دفتر تبلیغات اسلامی برای

دسترسی ارزان و آسان طلاب به اینترنت در دهه هفتاد شمسی، استقبال مبلغان از هنر وبلاگ‌نویسی در فضای مجازی در دهه هشتاد که نمونه آن، با تأسیس دفتر توسعه و بلاگ دینی و حمایت دفتر تبلیغات اسلامی (irna.ir/news/9694449) و راه‌اندازی سرویس‌های وبلاگ‌نویسی مانند پارسی‌بلاگ در سال ۱۳۸۳ (parsiblog.com) رخ داد. پیشگامی در راه‌اندازی کانال و گروه‌های فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی و جذب مخاطبان «فالور» در این شبکه‌ها، از مصادیق فعالیت‌های تبلیغ دینی در فضای مجازی است. در کنار فعالیت‌های نهادهای انقلابی و حوزوی و مبلغان دینی در عرصه فضای مجازی، از ساماندهی و پشتیبانی فعالان این عرصه نیز غفلت نشده و دفتر تبلیغات اسلامی و پس از آن برخی دیگر از نهادها مانند جامعه الزهراء و معاونت تبلیغ حوزه، بخش تبلیغ مجازی ایجاد نمودند. اداره کل تبلیغ نوین و بعدها معاونت فضای مجازی، رسانه و هنر دفتر تبلیغات اسلامی، به عنوان بالاترین ساختار سازمانی نهادی حوزوی، هزاران مبلغ مجازی را ساماندهی و حمایت می‌نماید. فراگیری بیماری کرونا، فرصتی برای ورود گسترده‌تر مبلغان به فضای مجازی و کنشگری تبلیغی در آن فضا فراهم آورد و مراکز تبلیغی نیز برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای آن انجام دادند (بستان (نجفی) حسین، «ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و آسیب‌های نقش تبلیغی روحانیت در ایران معاصر»، اسفند ۱۴۰۱، دوفصلنامه دین و سیاست فرهنگی، ش ۱۹، ص ۱۲۹-۱۳۰). همچنین، حضور مبلغان در این فضا، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت و آثاری نیز در این زمینه منتشر شد (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: کاظمی قهفرخی، گونه‌شناسی طلاب کنشگر در شبکه اجتماعی اینستاگرام).

ایجاد کانال‌های رسانه‌ای و تولید پادکست و محتوای چندرسانه‌ای در سرویس‌های داخلی مانند آپارات و سرویس‌های بین‌المللی نظیر: یوتیوب، تولید تصاویر، عکس نوشته و متون مختلف، نمونه‌ای از تولیدات مبلغان دینی در فضای مجازی است که به زبان‌های گوناگون و برای سنین مختلف مخاطبان مجازی صورت می‌گیرد. توجه به بازی‌های رایانه‌ای، تولیدات انیمیشن و موشن‌گرافی، نرم‌افزارهای تلفن همراه و ارائه خدمات پاسخگویی به سؤالات دینی و مشاوره اسلامی از طریق سرویس‌ها و نرم‌افزارهای تلفن همراه به زبان‌های مختلف، از دیگر ظرفیت‌های تبلیغی دیجیتال است که مورد توجه مراکز تبلیغی از جمله «مؤسسه تبیان» سازمان تبلیغات اسلامی و مبلغان دینی قرار گرفته است و حتی مراکز جهت خلاقیت و نوآوری،

همچون «مرکز خلاقیت و نوآوری اشراق» دفتر تبلیغات اسلامی در قم، اصفهان و مشهد (noavari.dte.ir) و نیز «مرکز خلاقیت و نوآوری آلاء» (aalaa.ir)، به منظور شتابدهی و رشد آنها ایجاد شده است.

استفاده از ظرفیت فضای مجازی در آموزش مجازی معارف دینی نیز مورد توجه بوده است و سامانه‌های آموزش مجازی مختلفی در این زمینه شکل گرفته است. سامانه آموزش مجازی مرکز آموزش‌های کاربردی دفتر تبلیغات اسلامی، رادیو پژوهش (radio.isca.ac.ir) و نورالمجتبی (imanoor.com) و حتی خدمات مبلغان فردی نظیر «حوزه مهندس طلبه» (onlinehawzah.com)، از مصادیق تبلیغ آموزشی است که معارف دینی را به مبلغان دینی، فعالان فرهنگی و حتی عموم اقشار جامعه ارائه می‌دهد.

علاوه بر توجه به ظرفیت‌های فضای مجازی، از تهدیدات این فضا نیز غفلت نشده و مراکز حوزوی از جمله دفتر تبلیغات اسلامی، با تربیت مدرسانی در حوزه سواد رسانه و فضای مجازی، در مصونیت‌بخشی اقشار مختلف نسبت به چالش‌ها و تهدیدات فضای مجازی نیز فعال شدند. انجمن سواد رسانه و فضای مجازی مبلغان دینی و مبلغان تخصصی سواد رسانه، فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای، در این عرصه فعالیت می‌کنند.

#### ۸-۱. تبلیغ تخصصی

تبلیغ دینی در گذشته، مقدمه و شرط خاصی جز تحصیلات حوزوی و توانمندی فردی نداشت و هر دانش‌آموخته حوزوی که توان خطابه و ایراد سخن داشت، می‌توانست به فعالیت تبلیغی بپردازد. پس از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای تبلیغی از جمله دفتر تبلیغات اسلامی، ساماندهی تبلیغات دینی و ساماندهی مبلغان ضروری به نظر رسید و به همین جهت، تشکیل پرونده تبلیغی، احراز صلاحیت، رتبه‌بندی و توانمندسازی مبلغان دینی آغاز گردید و تا اواخر دهه هشتاد، این روال ادامه داشت که طی آن، مبلغان با وجود اختلاف ظرفیت‌های علمی و تخصصی خود، تحت عنوان مبلغ عمومی رتبه‌بندی می‌شدند. از اواخر دهه هشتاد با توجه به تحصیلات تخصصی طلاب و حوزویان و برای استفاده بهینه از تخصص آنها در نیازهای تبلیغی تخصصی، دفتر تبلیغات اسلامی اقدام به راه‌اندازی اداره تبلیغ تخصصی با هدف شناسایی، ساماندهی و حمایت از مبلغان در عرصه‌های تخصصی کرد که مورد استقبال مبلغان و نهادهای

متقاضی مبلغ قرار گرفت و با توسعه آن، اداره کل تبلیغ تخصصی در دفتر شکل گرفت و پس از آن، سایر نهادها نیز فعالیت‌هایی در این زمینه صورت دادند.

تبلیغ تخصصی بر اساس موضوع دانشی، ویژگی‌های مخاطب یا محیط تبلیغی و مسئله فرهنگی که نیازمند مداخله تبلیغی است، تقسیمات متعددی دارد. فعلاً بیش از چهل رشته تبلیغی تخصصی وجود دارد که البته به فراخور نیاز اجتماعی یا توانمندی مبلغان، قابل افزایش است. بیش از ۵ هزار مبلغ از سراسر کشور تاکنون متقاضی تشکیل پرونده تبلیغ تخصصی هستند که نزدیک به ۳۵۰۰ نفر از مبلغان خواهر و برادر در چهار رتبه تبلیغ تخصصی ساماندهی شده‌اند و علاوه بر آن، حدود ۱۳۰ گروهی تبلیغی تخصصی نیز شکل گرفته است (roshd.balagh.ir).

حوزه‌ها و محورهای عمده تبلیغ تخصصی، به شرح ذیل است:

#### ۱-۸-۱. حوزه معارف دینی

حوزه معارف دینی و مقابله با فرق انحرافی، شامل رشته: کلام و اعتقادات اسلامی، قرآن کریم، تفسیر و معارف قرآنی، معارف حدیثی، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، تاریخ و سیره معصومین، مهدویت، ترویج احکام و آداب اسلامی، مقابله با الحاد مدرن و مقابله با فرق انحرافی وهابیت، مدعیان مهدویت، عرفان‌های کاذب، بهائیت، باستان‌گرایی، مسیحیت تبشیری و سایر انحرافات فکری است. این بخش از تبلیغ تخصصی، از مأموریت‌ها و کارکردهای اصیل حوزه‌ها و علمای دینی است که در طول تاریخ، مروجان دین و سنگربان باورها و عقاید دینی مردم بودند و امروزه با توجه تنوع و تکثر حجمه‌های اعتقادی، توجه تخصصی به هریک از این عرصه‌ها، ضرورت یافته است.

#### ۲-۸-۱. حوزه اندیشه سیاسی

حوزه اندیشه سیاسی، انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و روایتگری سیره شهدا که در جهت ترویج و تقویت اندیشه سیاسی اسلام و انقلاب اسلامی است.

#### ۳-۸-۱. حوزه مشاوره و مهارت‌های زندگی

حوزه مشاوره و مهارت‌های زندگی، تحکیم خانواده، تربیت فرزند، پیشگیری از طلاق،

مهارت‌های فردی و رشد، تربیت جنسی و زیست عقیقانه، سبک زندگی که تلاش در ارتقای مهارت‌های زندگی و سبک زندگی مخاطبان دارد و در تقابل با سبک زندگی فردگرایانه و اومانیستی غربی که آسیب‌های متعددی را که فرد و خانواده‌ها ایجاد کرده و افزایش طلاق در سال‌های اخیر، فعالیت تخصصی در این محور اهمیت یافته و افزایش نسبی داشته است.

### ۳-۸-۱. حوزه مسائل اجتماعی

حوزه مسائل اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی شامل: امداد فرهنگی، مسئله جمعیت، مسئله حجاب و عفاف، پیشگیری از اعتیاد، سواد رسانه و فضای مجازی، مطالعات زنان و فمینیسم و سایر مسائل مبتلابه جامعه که نیازمند آشنایی تخصصی با این مسائل است. امداد فرهنگی، از حوزه‌های جدید کارکردهای اجتماعی و فرهنگی روحانیت است که مورد تأیید مقام معظم رهبری بوده و نسبت به تولید دانش آن، تأکید داشته‌اند. تبلیغ در زندان و تبلیغ برای پیشگیری از اعتیاد، از مصادیق امداد فرهنگی است.

اصلاح و تربیت مددجو با آموزه‌های اسلامی و دینی و آماده ساختن او برای زندگی اجتماعی مجدد، هدف و کارکرد اصلی زندان در نظام اسلامی است. مبلغان دینی برای کمک به این امر، در زندان‌ها فعالیت تبلیغی متنوعی مانند: آموزش قرآن کریم، تبیین معارف دینی، افزایش مهارت‌های فردی و مشاوره‌های اخلاقی و اسلامی ارائه می‌دهند و در صورت نیاز، نسبت به پیگیری نیازهای مددکاری، مشاوره حقوقی و قضایی زندانی نیز مساعدت می‌کنند و در موارد متعددی، به اخذ رضایت از شاکیان مالی یا قصاص و اصلاح دعوای منجر به زندان، اقدام می‌نمایند. همچنین، برنامه‌های فرهنگی نیز برای پرسنل زندان داشته و تلاش می‌کنند به خانواده زندانیان امداد فرهنگی انجام دهند. دفتر تبلیغات اسلامی علاوه بر برگزاری دوره‌های مهارتی تبلیغ در زندان، کتابی نیز برای این تخصص تبلیغی منتشر کرده است (میرزاخان و صادقی، ۱۴۰۲، تبلیغ در زندان، چاپ اول، قم، بوستان کتاب).

اعتیاد، آسیب اجتماعی خانمان‌سوزی است که فرد معتاد و خانواده او را مورد آسیب قرار می‌دهد و علاوه بر تضعیف بُعد معنوی، شخصیت انسانی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین جهت و با توجه به گسترش این آسیب، مبلغان دینی نسبت به پیشگیری از اعتیاد و کمک به بازگشت مخاطبان، احساس وظیفه کردند. دوره‌های دانشی و مهارتی متعددی برای تربیت



مبلّغ تخصصی در این عرصه با مشارکت نهادهای مربوطه، از جمله ستاد مبارزه با مواد مخدر برگزار شده و مبلّغان تخصصی تربیت شده، به فعالیت تبلیغی در کمپ‌های ترک اعتیاد و در محله‌های در معرض آسیب می‌پردازند. فعالیت تخصصی مبلّغان در این عرصه، از اواخر دهه هشتاد از سوی «گروه آکسیر» (برای اطلاع از فعالیت این گروه، ر.ک: [rasanews.ir/fa/news/595798](http://rasanews.ir/fa/news/595798)) در دفتر تبلیغات اسلامی آغاز شده و گروه‌های تخصصی پیشگیری از اعتیاد، علاوه بر تبلیغ در کمپ‌های ترک اعتیاد، همایش «پیشگیری و نجات» را برای مبلّغان حوزه علمیه قم برگزار کرده‌اند و کتاب پیام‌آوران نجات: رسالت مبلّغان دینی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد و نقد یکی از روش‌های درمان اعتیاد را تدوین نموده‌اند.<sup>۱</sup> در این کتاب، راه‌های پیشگیری و درمان معرفی شده و یکی از روش‌های معروف به «NA (ان‌ای)» نقد شده است (ر.ک: رنجبر عیسی‌آبادی، پیام‌آوران نجات: رسالت مبلّغان دینی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد و نقد یکی از روش‌های درمان اعتیاد، قم، نشر ذکری، ۱۳۹۲). این مبلّغان همچون، مؤسسه «آوای زندگی پاک» را به عنوان تنها کمپ دین‌محور تأسیس کرده و تلاش می‌کنند با حضور روحانیان، روش جدیدی برای درمان معتادان در پیش گرفته و حتی فعالیت‌های اقتصادی و ابتکارهایی در این مؤسسه توسط مددجویان به ثبت رسانده‌اند ([shahrekor.ir/fa/news/3794914](http://shahrekor.ir/fa/news/3794914)). گروه‌های تبلیغی «رهپویان کوش»، «همیاران زندگی»، «تابرا» و... در این تخصص فعالیت می‌کنند ([roshd.balagh.ir/GroupList](http://roshd.balagh.ir/GroupList)). علاوه بر شخص معتاد و افراد در معرض آسیب اعتیاد، خانواده‌های معتادان و افرادی که از اعتیاد نجات پیدا کرده‌اند نیز تحت پوشش فعالیت‌های امداد فرهنگی، مشاوره‌ای و فرهنگی گروه‌های تبلیغ تخصصی هستند.

#### ۴-۸-۱. حوزه مخاطبی و محیطی

حوزه مخاطبی و محیطی، شامل تبلیغ دانش‌آموزی و تربیت‌محور، مدرسه‌داری، تبلیغ فرهنگی و ورزشی، تبلیغ بالینی و مراکز بهداشتی درمانی و تبلیغ توریسم و گردشگری است. سنین کودکی و نوجوانی، دوره اصلی تربیت و شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان است و

۱. کتاب پدیده اعتیاد: زمینه‌ها، پیامدها و درمان و نیز کتاب نفس‌های سوخته؛ داستان‌های واقعی و عبرت‌آموز درباره اعتیاد، در معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر شده است.

بسیار مورد توجه مربیان و مبلغان دینی است. از همین رو، نهادهای فرهنگ تبلیغی با برگزاری دوره‌های تربیت مربی کودک و نوجوان و مبلغ دانش‌آموزی، مبلغان فراوانی در این تخصص آموزش داده‌اند؛ از جمله مرکز آموزش‌های کاربردی دفتر تبلیغات اسلامی با برگزاری بیش از ۴۴ دوره تربیت مربی کودک و نوجوان، ۸ هزار مبلغ در این عرصه آموزش داده‌اند (balagh.ir/content/18344). دفتر تبلیغات اسلامی، همچنین پیشگام به‌کارگیری مبلغان تخصصی کودک و نوجوان در قالب طرح اوقات فراغت دانش‌آموزان، به‌ویژه در ایام تابستان بود و ره‌توشه‌هایی نیز در این زمینه تهیه می‌کند. مؤسسه آینده‌سازان اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی و مرکز تخصصی تبلیغ حوزه علمیه، از دیگر برگزارکنندگان دوره‌های آموزشی مبلغ دانش‌آموزی هستند. حضور تبلیغی مبلغان در مدارس گسترده و پُرشمار بوده و طرح‌های مختلفی نیز در سطوح ملی و منطقه‌ای برای آن اجرا شده است. طرح شهید بهنام محمدی، طرح اتحادیه دانش‌آموزی، طرح معراج، طرح تعالی، طرح روشنا، طرح شمیم، طرح ریحانه آسمانی و چندین طرح دیگر، در سطح ملی برای تبلیغ دانش‌آموزی اجرا می‌شود که طی دو سال گذشته، طرح امین با گستردگی قریب به ۲۰ هزار مبلغ در سراسر کشور در حال اجراست (برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: [roshd.balagh.ir/data?Takhasos=23&Noe=5](http://roshd.balagh.ir/data?Takhasos=23&Noe=5)).

ورزش، ورزشکاران و محیط‌های ورزشی، در عصر حاضر جایگاه ویژه‌ای یافته است و برخی از مبلغان دینی در کنار توجه به سلامت جسمی خود و پرداختن به ورزش، نسبت به تبلیغ در عرصه ورزشی نیز اقدام کرده‌اند. فعالیت فرهنگی برای ورزشکاران رشته‌های مختلف در سطوح باشگاهی و ملی، مورد توجه این مبلغان است و به عنوان مدیر یا همکار فرهنگی این مجموعه‌ها و کمیته ملی المپیک و امثال آن فعالیت می‌کنند. در همین باره، مرکز آموزش‌های کاربردی دفتر تبلیغات اسلامی با همکاری وزارت ورزش و جوانان، دوره‌هایی برای تربیت مبلغ ورزشی برگزار نمود.

آمادگی و نیاز انسان به معنویت و ارتباط با خدا، در هنگام اضطراب از جمله بیماری، فزونی می‌یابد. بدین جهت، تبلیغ دینی مناسب با شرایط بیمار، از حوزه‌های تخصصی تبلیغی است. اولین دوره آموزشی تبلیغ بالینی از سوی مرکز آموزش‌های کاربردی، در سال ۱۳۹۸ برگزار گردید و بوستان کتاب نیز کتاب تبلیغ بالینی را منتشر کرد (مهدوی یگانه، مؤمنی و صادقی، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

در این تخصص تبلیغی، مخاطب اصلی، بیمار است که در کنار عیادت و دلجویی از او، با بیمار و خانواده‌اش در موضوع امتحان الهی و ثواب تحمل بیماری و اجر بیماری‌داری، تقویت امید و باور دینی و شبهات یا سؤالات احتمالی آنها گفت‌وگو می‌شود و در صورت نیاز بیمار، جهت پذیرش مراحل درمان مانند عمل جراحی، کمک روحی و روانی می‌شود. کادر درمان، پرسنل بیمارستانی و مراجعان عمومی مراکز بهداشتی و درمانی، از دیگر مخاطبان این تبلیغ تخصصی است (balagh.ir/content/12543). مبلغان بالینی در ایام کرونا در کنار سایر مبلغان جهادی، خدمات قابل توجهی به بیماران، خانواده‌های آنان و کادر درمان ارائه کردند.

تبلیغ در محیط‌های گردشگری، به‌خصوص در اماکن تاریخی و آثار باستانی و عمدتاً برای گردشگران خارجی نیز از حوزه‌های جدید و تخصصی تبلیغی است که مبلغان آشنا به زبان‌های خارجی و فرهنگ‌های متعلق به آن زبان، در کنار گردشگران ضمن توضیحات گردشگری به تبیین و آشنا ساختن ایشان با اسلام و معارف اسلامی می‌پردازند. زائران خارجی در حرم رضوی، آستان مقدسه حضرت معصومه علیها السلام، مسجد مقدس جمکران، مسجد امام خمینی اصفهان و سایر اماکن گردشگری، از دیگر ظرفیت‌های خوبی است که مبلغان این حوزه در آن به تبلیغ اشتغال دارند. البته این موضوع، ظرفیت توسعه فراوانی دارد.

علاوه بر این موارد، مبلغان با تخصص‌های مختلف، از جمله: تخصص کودک و نوجوان و تخصص مشاوره، در مکان‌های عمومی نظیر: بوستان‌ها، پارک‌ها، ایستگاه‌های مترو و امثال آن، به فعالیت تبلیغی می‌پردازند.

## ۲. تطور ابزار، فناوری‌ها و قالب‌های تبلیغی

تبلیغ دینی، در صدد تبیین معارف دینی و انتقال آن به مخاطبان و تقویت احساس دینی ایشان است. مهم‌ترین ابزار تبلیغ سنتی، منبر و روش تبلیغی آن، سخنرانی است که مهارت خطابه و روضه‌خوانی، پایه اصلی آن می‌باشد. با ظهور فناوری‌های جدیدی مانند بلندگو و بهره‌گیری از آن (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۳۳۶)، این روش، ارتقای نسبی کمی و کیفی یافت. با پیشرفت‌های علمی و ظهور امکانات جدید، مبلغان دینی نیز از آنها برای ارتقای کیفیت تبلیغ دینی و انتقال پیام‌های دینی استفاده کردند و استقبال مخاطبان از این ابزارها، در رونق و توسعه آنها نقش داشت.

استفاده از ابزارهای مختلف متناسب با مخاطب و اهداف مورد نظر، قالب خاصی از تبلیغ را شکل می‌دهد. تبلیغ، در قالب و روش کلاس‌داری با استفاده از: تخته، گچ و ماژیک و در برخی موارد با استفاده از پاورپوینت انجام می‌شود. همچنین تبلیغ روایت‌گری و پرده‌خوانی با استفاده از پاورپوینت، پرده و پوسته‌های تصویری انجام می‌شود. در روش‌های تبلیغی کودک و نوجوان، از ابزار: اسباب‌بازی، کاردستی و کار با کاغذ، قیچی، بادکنک و... استفاده می‌شود و همچنین، کتاب کودک و قصه‌گویی نیز در تبلیغ تربیتی کودک و خردسال کارایی دارد. در تبلیغ به روش اجرای صحنه‌ای یا اجرای نمایشی، از لباس عروسک یا عروسک‌گردانی بهره می‌گیرند.

علاوه بر این روش‌ها که در آن از ابزار تبلیغی متناسب استفاده می‌شود، تبلیغ در قالب همایش، نشست هم‌اندیشی و کارگاه نیز در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه برای مخاطبان فرهیخته، کارآیی دارد. نمایشگاه تصویری یا ترکیبی از عناصر چندرسانه‌ای، از دیگر قالب‌های تبلیغی است که برای انتقال مفاهیم در سطح گسترده با حضور کارشناس دینی یا بدون ایشان، امروزه کاربرد عمومی دارد و معمولاً در کنار این نمایشگاه‌ها، غرفه‌هایی نیز برای ارائه خدمات تبلیغی و مشاوره‌های اعتقادی، خانواده یا پرسش و پاسخ‌های دینی ارائه می‌شود و برنامه‌های ویژه‌ای نیز برای کودکان طراحی می‌شود. مسابقات فرهنگی، از جمله مسابقات کتابخوانی برای مقاطع سنی و در موضوعات گوناگون، از دیگر قالب‌های فعالیت فرهنگی با هدف تبلیغ دینی است.

در کنار این روش‌ها، قالب‌های جدید و خلاقانه‌ای نیز در عرصه تبلیغ دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برنامه‌های فرهنگی نظیر: اردو، رویداد فرهنگی و رویدادهای حل مسئله (برای نمونه، ر.ک: [webda.umsha.ac.ir/Zw1Q](http://webda.umsha.ac.ir/Zw1Q))، از دیگر قالب‌های تبلیغی است و امروزه از طراحی بازی‌های میدانی و بازی‌واره‌هایی مثل: کافه سؤال، خانه معما و امثال آن نیز برای اهداف تبلیغی استفاده می‌شود ([balagh.ir/content/17744](http://balagh.ir/content/17744)). این نوع برنامه‌ها، با وجود هزینه‌های بالای آن، از روش‌های تبلیغی غیرمستقیم به شمار آمده و با بهره‌گیری از تکنیک‌های یادگیری فعال، تأثیر بیشتری در مخاطبان برنامه دارد.

### ۳. تطورات پشتیبانی تبلیغ

#### ۱-۳. ساماندهی تبلیغ

پیش از انقلاب اسلامی از سوی دولت تلاش‌هایی برای مدیریت تبلیغ در قالب «مؤسسه وعظ و خطابه» (شکوری، «معرفی اجمالی مؤسسه وعظ و خطابه» مجله یاد، ش ۷۸، ص ۳۵-۳۶) یا «سازمان اوقاف» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانش‌جویان، farsi.khamenei.ir/speech-1374/08/10-content?id=2772) صورت گرفت که ناکام ماند. همچنین، راه‌اندازی «دارالتبلیغ اسلامی» نیز تلاشی در این زمینه بود (ابومحمد وکیلی قمی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۴۸-۴۹). با پیروزی انقلاب اسلامی، شاید مهم‌ترین پیشرفت در تبلیغ دینی، ساماندهی آن از سوی نهادهای حوزوی، انقلابی و مورد تأیید امام و مراجع باشد. دفتر تبلیغات اسلامی با تشکیل پرونده تبلیغی برای طلاب مبلغ، اولین گام در این زمینه را برداشت و بدین ترتیب، نقش مبلغ در کنار مدرس و محقق به عنوان یکی از شئون طلاب رسمیت یافت. این مسئله، در طول زمان در عرصه‌های مختلف مانند تبلیغ نوین و مجازی و تبلیغ تخصصی دنبال شد و برای گروه‌های تبلیغی مجوز صادر گردید. امروزه، نه تنها در مراکز حوزوی مانند مرکز خدمات حوزه، بلکه در اکثر نهادها، هویت مبلغ، گروه تبلیغی و اقسام آن، به خوبی تعریف و شناخته شده و جایگاه خود را دارد. مقام معظم رهبری، نگاهی مترقی نسبت به تبلیغ دارند و ضمن دستور حمایت از مبلغان، توصیه کرده‌اند که تبلیغ، هدف اصلی از تحصیل و تحقیق در حوزه‌هاست و باید در مرتبه اول اولویت قرار گیرد (farsi.khamenei.ir/speech-content?id=53333).

#### ۲-۳. آموزش‌های تبلیغی و شکل‌گیری دانش تبلیغ

از دیگر تطورات تبلیغ پس از انقلاب اسلامی، توجه جدی و ساختاریافته به آموزش‌های مورد نیاز تبلیغ دینی است. شکل‌گیری مراکزی چون: تربیت مربی کودک و نوجوان، مرکز آموزش‌های کاربردی، مرکز تخصصی تبلیغ، مدارس سفیران هدایت («آشنایی با حوزه‌های علمی سفیران هدایت»، مجله مبلغان، ش ۶۴، ص ۱۴۱) و حتی رشته‌های تخصصی مرتبط با تبلیغ، مانند تبلیغ و ارتباطات در دانشگاه و مراکز تخصصی حوزوی، مراکز آموزش‌های عقیدتی سیاسی و امثال آن در سایر نهادها، از پیشرفت‌های تبلیغ دینی است. بر اساس درختواره نظام آموزشی حوزه، رشته تبلیغ با

گرایش‌هایی چون: فرهنگ جهاد و شهادت، معارف انقلاب اسلامی، کودک و نوجوان، خانواده، تبلیغ در مراکز علمی و فرهنگی، مدیریت تبلیغی - فرهنگی، مدیریت مسجد، تبلیغ و ادیان، تبلیغ و فرق، امامت جمعه و جماعت، خطابه و سخنوری برگزار می‌شود و رشته تبلیغ رسانه‌ای نیز در گرایش‌های متنوعی از قبیل: تبلیغ رسانه‌های نوشتاری، رسانه‌های مجازی، رسانه‌های شنیداری - دیداری و ادبیات نمایشی است (معاونت آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، درختواره رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی حوزه‌های دانشی علوم اسلامی، ص ۴۶). همچنین، مرکز تربیت مبلغ معلم که در سال ۱۳۹۷ تأسیس شد، با پذیرش طلاب سطح سه برای گرایش‌های آموزگاری و دبیری الهیات، به آموزش ایشان جهت تأمین نیروهای مورد نیاز خواهر و برادر می‌پردازد (tmobalegh.cfu.ac.ir/fa/180127).

مجموع این تلاش‌های آموزشی در طول زمان، زمینه شکل‌گیری دانش تبلیغ دینی را فراهم کرد که البته نیازمند توسعه و ارتقا است. در کنار این آموزش‌ها، آموزش زبان‌های خارجی که در اوایل انقلاب از سوی واحد زبان دفتر تبلیغات اسلامی برای مبلغان شکل گرفته بود، توسعه یافت و علاوه بر «جامعه المصطفی»، مراکز دیگری نظیر «مؤسسه المرتضی»، مبلغانی را برای تبلیغ به زبان‌های خارجی تربیت می‌کنند.

### ۳-۳. تولید محتوای تبلیغی

مقدمه تبلیغ و ابلاغ پیام دینی، آماده‌سازی محتوا جهت ارائه به مخاطبان است. پیش از انقلاب، مبلغان برای تهیه محتوای تبلیغی از منابع اولیه معارف اسلامی و آثار بزرگان اقدام می‌کردند و برخی از خطبای مشهور مانند مرحوم فلسفی، سخنرانی‌های خود را به صورت مکتوب منتشر می‌کردند که از سوی سایر مبلغان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

با پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه تبلیغ دینی، تهیه محتوای تبلیغی جهت ارتقای کیفیت تبلیغ مورد توجه قرار گرفت و در اولین گام، دفتر تبلیغات اسلامی محتوایی را برای تبلیغ در حوزه کودک و نوجوان تهیه نمود و در اختیار طلاب قرار داد که بعدها در مناسبت‌های مختلف نیز تحت عنوان «ره‌توشه» منتشر گردید (ره‌توشه راهیان نور، مقدمه، ص ۸). این ره‌توشه‌ها، در سال‌های اخیر در قالب مجله تخصصی تبلیغ و خانواده (ر.ک: دو فصلنامه تبلیغ و خانواده، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱)، تبلیغ و تقریب (ر.ک: دو فصلنامه تبلیغ و تقریب، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۱)،

فصلنامه ره‌توشه (ر.ک: ره‌توشه؛ فصلنامه علمی تخصصی ویژه مبلغان، شماره اول، بهار ۱۳۹۹ش/رمضان ۱۴۴۱ق) و پژوهشنامه تبلیغ اسلامی (ر.ک: پژوهشنامه تبلیغ اسلامی، ش ۸، مهر ۱۴۰۲) منتشر می‌گردد. معاونت تبلیغ حوزه نیز از اواخر دهه هفتاد شمسی، مجله مبلغان و از سال ۱۴۰۰ مجله سفیر امین در حوزه تبلیغ دانش‌آموزی و اخیراً نیز فصلنامه علمی مطالعات تبلیغ دینی (fmtd.ismc.ir) را منتشر می‌کند. بعثه مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت نیز برای تقویت بنیه علمی روحانیان کاروان‌های حج، ره‌توشه حج را منتشر می‌نماید (ر.ک: ره‌توشه حج، چاپ اول، تهران، انتشارات مشعر، ۱۳۸۰). معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه نیز برخی متون را برای پشتیبانی مبلغان خود تهیه کردند (سوره‌های سخن، چاپ اول، قم، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۴). سایر نهادها، مؤسسات و حتی گروه‌های تبلیغی نیز با هدف تأمین محتوای تبلیغی در سطح مبلغان خود، اقدام به تهیه و انتشار محتوای تبلیغی در مناسبت‌های مختلف می‌کنند.

علاوه بر این، جهت ارتقای توانمندی علمی و مهارتی مبلغان، تک‌نگاری‌هایی در حوزه‌های تخصصی تبلیغ مانند: تبلیغ در زندان، پدیده اعتیاد، تبلیغ بالینی و غیره منتشر می‌شود. در کنار این آثار، محتوای سخنرانی بسیاری از خطیبان مشهور نیز به چاپ رسیده و در اختیار مبلغان است.

در کنار این محتواهای مکتوب، تولید ویژه‌نامه‌های مناسبی مجازی و رسانه‌ای نیز از سوی مراکز تبلیغی انجام می‌گردد. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ از اواخر دهه هفتاد شمسی، اقدام به تولید ویژه‌نامه‌های کاملی در مناسبت‌های گوناگون مذهبی و ملی می‌نماید که مورد استقبال مبلغان، فعالان فرهنگی و عموم مردم قرار می‌گیرد.

امروزه، با گسترش دسترسی عمومی به اطلاعات در گستره وب و فضای مجازی، هرچند تهیه محتوا تسهیل شده است. کانال‌ها و سامانه‌های تولید محتوای متعددی مانند: «روز برگ» (ruzbarg.morsalat.ir) «خزائن» (khazaen.ir) و «تقویم شیعه» (eitaa.com/taqvim\_shia)، در فضای مجازی اقدام به تولید و ارائه محتوای تبلیغی به صورت روزانه می‌کنند.

### ۴-۳. تطورات پژوهشی تبلیغ دینی

با توجه به جایگاه تبلیغ در اسلام و تأثیر آن در جامعه اسلامی، پژوهش‌های مرتبط با تبلیغ

ضروری است و این مسئله، پیش از انقلاب اسلامی به جهات مختلف چندان مقدور نبود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات چشمگیر علمی و دانشی کشور، توجه به حوزه پژوهشی تبلیغ نیز توجه شد. راه اندازی «مرکز تحقیقات علوم اسلامی» در دفتر تبلیغات اسلامی، و ارتقای آن به «پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی» با ۱۳ پژوهشکده و مرکز پژوهشی (isca.ac.ir)، «پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم» در سازمان تبلیغات اسلامی (rbo.ir)، «مجمع آموزشی و پژوهشی تبلیغ» در حوزه علمیه و دهها پژوهشکده و مؤسسه پژوهشی، به تبلیغ از نظر محتوایی و روشی کمک‌های فراوانی کرده است. در عین حال، فلسفه تبلیغ، نظریه‌های تبلیغی، روش‌ها، گونه‌ها، تکنیک‌های تبلیغی و هزاران مسئله در این حوزه، نیازمند پژوهش‌های جدی است.

### ۳-۵. جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و همایش‌های تبلیغی

معرفی و ارائه برترین‌های تبلیغی و تقدیر از مبلغان برجسته، امری است که طی دهه‌های اخیر به آن توجه شده است و یکی از عوامل رشد و پویایی تبلیغ، عرضه و ارزیابی آن است که در قالب جشنواره، نمایشگاه و نشست یا همایش قابل انجام است. جشنواره برترین‌های تبلیغ، جشنواره نوآوری‌های تبلیغی، جشنواره تبلیغ نوین، جشنواره اشراق در عرصه‌های مختلف فرهنگی هنری، جشنواره هنرهای آسمانی، جشنواره مبلغ برتر مناطق محروم و دهها جشنواره ملی و استانی و منطقه‌ای دیگر، در حوزه تبلیغ برگزار شده است که در کنار معرفی چهره‌های برجسته تبلیغی در موضوع خود و تقدیر از آنها، سهم بسزایی در تقویت انگیزه مبلغان و رشد تبلیغ داشته است.

همچنین، نمایشگاه‌هایی چون: شمیم ایمان، دستاوردهای تبلیغی گروه‌های تبلیغی، مراکز پاسخگویی دینی، دستاوردهای تبلیغی، طلایه‌داران نقد و هابیت و دهها نمایشگاه عمومی و تخصصی در عرصه تبلیغ نیز در چند دهه اخیر برگزار شده است که در انتقال تجارب و ایده‌های تبلیغی و هم‌افزایی فردی و گروهی مبلغان و سازمان‌های تبلیغی مفید بوده است.

نشست‌های ویژه مبلغان، از ابتکارات نهادهای تبلیغی پس از انقلاب است و هرساله همایش‌های متعددی از سوی نهادها برگزار می‌گردد. دفتر تبلیغات اسلامی، همه‌ساله حداقل در دو مناسبت تبلیغی ماه مبارک رمضان و محرم الحرام، همایش تبلیغی و توجهی برای مبلغان برگزار می‌کند و در برخی سال‌ها، این همایش‌های پیش از اعزام با مشارکت سایر نهادها بوده



است. همچنین، سایر نهادها و حتی ارگان‌های انقلابی و دولتی نیز همایش‌هایی را پیش از مناسبت‌های تبلیغی یا طرح‌های فرهنگی مورد نظر برای مبلغان خود برگزار می‌نمایند. علاوه بر همایش‌های پیش از اعزام، همایش‌های موضوعی و گردهمایی‌های علمی نیز در حوزه تبلیغ رواج دارد.

### ۶-۳. سامانه‌های تبلیغی

ساماندهی و رشد تبلیغ، بدون بهره‌گیری از فناوری‌ها و نظم سامانه‌ای، مقدور نیست. بر همین اساس، از سال‌های اولیه ورود فناوری‌های دیجیتال به کشور در دهه هفتاد، مکانیزه کردن فرآیندهای جذب و اعزام تبلیغی در قالب سامانه‌های نرم‌افزاری نیز آغاز شد. دفتر تبلیغات اسلامی، در این عرصه نیز پیشگام بود و با راه‌اندازی سامانه تبلیغی «نجم» و تکمیل آن به سامانه «سمتا» و ارتقای نسخه‌های آن، تبلیغ عمومی و تخصصی را به صورت اتوماسیون برخط انجام می‌دهد. همچنین، اولین پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه تبلیغ، به نام «بلاغ» نیز از سوی دفتر راه‌اندازی شده است (balagh.ir).

معاونت فرهنگی تبلیغی حوزه علمیه، با سامانه «سماوات» (hejrat.ismc.ir)، سازمان تبلیغات اسلامی با سامانه «شمع» (shabaketabligh.ir)، مرکز مدیریت خاوران با سامانه «نجم» (najm.whc.ir) و سازمان فرهنگ و ارتباطات با «سامانه بین‌المللی مبلغ» (my-moballeghe.icro.ir)، خدمات جذب، اعزام و پشتیبانی از مبلغ را به صورت برخط ارائه می‌دهند. افزون بر این، در کنار نهادهای رسمی تبلیغی، برخی مؤسسات نیز با راه‌اندازی سامانه‌های تبلیغی، در فرایند درخواست و اعزام مبلغ فعالیت می‌کنند که نمونه آن، سامانه «ثاقب» (msagheb.ir) با فعالیت در حوزه روضه‌های خانگی و تبلیغ مناسبتی است. در عین حال، ارائه خدمات تبلیغی دینی به مخاطبان در عرصه‌های عملیاتی مانند: پاسخگویی به سؤالات دینی، مشاوره، انتشار کتاب و محتوای دیجیتال نیز سامانه‌ها و نرم‌افزارهای متعددی دارند که پرداختن به آنها، خارج از موضوع این نوشته است.

### ۴. عرصه‌های کلان تبلیغ

علاوه بر فعالیت مبلغان در عرصه‌های تبلیغی حضوری و مجازی، برخی فعالیت‌های کلان به

صورت غیرمستقیم دارای تأثیر تبلیغی است و نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی و نهادهای آن، متناسب با این اهداف فعالیت می‌کنند. تألیف و انتشار کتب فرهنگی و دینی، یکی از روش‌های غیرمستقیم تأثیرگذاری فرهنگی و دینی است. حدود ۱۴ هزار ناشر در ایران فعال هستند که بیشتر از ناشران اتحادیه اروپاست (ibna.ir/news/268332) و حجم بسزایی از کتب انتشار یافته، مربوط به کتب دینی است (bookcity.org/bcnewsletter/964). کثرت مؤسسات نشر دینی و فرهنگی و حجم انتشار کتب دینی در ایران، از تطورات تبلیغ دینی پس از انقلاب است. رسانه‌های دیداری و شنیداری و رادیو-تلویزیون پس از انقلاب اسلامی، به عنوان ابزار تبلیغی در خدمت اهداف انقلاب قرار گرفت و یکی از کلان‌ابزارهای تبلیغ دینی است که در عرصه ملی و عرصه بین‌المللی تأثیرگذار است. همچنین، عرصه خبر و اطلاع‌رسانی با وجود حرفه‌ای بودن، نقش مؤثری در تقویت باورهای دینی و احساسات مذهبی مخاطبان دارد. از همین رو، چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه ملی یا حتی منطقه‌ای، مورد توجه نظام اسلامی است و حتی سازمان‌های فرهنگی و تبلیغی نیز از اطلاع‌رسانی و اخبار به عنوان یک ابزار تبلیغی استفاده می‌کنند.

حوزه فیلم و سریال در قالب رسانه‌های خانگی و مجازی و همچنین تولید بازی و انیمیشن، از ظرفیت‌های مؤثر در فرهنگ دینی است و تلاش‌هایی برای استفاده از آنها در تبلیغ دینی نیز صورت می‌گیرد که نیازمند اصلاح و تقویت است. مدیریت فضای مجازی نیز از ظرفیت‌های تبلیغی است که هرچند از سوی مبلغان استفاده می‌شود، ولی نیازمند توجه جدی و در سطح ملی است. راه حل استفاده بهینه از فرصت‌های آن و پیشگیری و کاهش آسیب‌های آن، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و فضای مجازی مبتنی بر ارزش‌های ملی دانسته شده است.

### نتیجه

از آنچه گفته شد، چنین بر می‌آید که تبلیغ در حوزه علمیه قم، با توجه به تحولات سیاسی و فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، پیشرفت‌های بی‌نظیری در شیوه، کارکرد، ساختار، پشتیبانی و نیز حوزه مخاطبان به خود دیده و از جهت اثرگذاری نیز متفاوت بوده است. تعداد مبلغان، به لحاظ کمی افزایش یافته و مبلغان خواهر و همچنین مبلغان و طلاب خارجی، به کنشگران تبلیغی افزوده شده‌اند. مبلغان در این دوره، علاوه بر تبلیغ عمومی و استفاده از منبر، به تبلیغ

تخصصی نیز روی آورده و از ابزارها و قالب‌های مختلف تبلیغی در ساحت‌های حضوری، مجازی و رسانه‌ای بهره می‌گیرند. علاوه بر آن، گسترش جغرافیای تبلیغ در داخل و خارج کشور، تنوع دامنه مخاطبان و توجه تخصصی به آنها نیز از تطورات تبلیغی است. تحولات و پیشرفت‌های اساسی در حوزه آموزش، پژوهش و تولید محتوایی تبلیغی رخ داده است. رسمیت‌بخشی و پشتیبانی ساختارمند تبلیغ به وجود آمده و نهادها و مؤسسات متعددی در این زمینه فعال هستند.

در عین حال، توجه به این نکته ضروری است که پس از انقلاب، تفوق نهادی دین باعث کم‌رنگ شدن نقش خانواده در تربیت دینی شده است. تربیت دینی باید عمدتاً در خانواده انجام شود و تبلیغ نیز باید همین موضوع را مورد تأکید قرار دهد.

## منابع

### الف. کتاب و مقاله

۱. ابراهیمی، محمدنبی، ۱۳۸۱، در پرتو ولایت: سازمان عقیدتی سیاسی از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری از آغاز تا امروز، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲. ابن فارس، ۱۳۹۹ق، مقایس اللغة، بیروت، دار الفکر.
۳. احمدی، محمدرضا، خاطرات آیت الله محمدعلی گرامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. آذرشب، محمدعلی، ۱۳۸۴ش، پیشینه تقریب، ترجمه: رضا حمیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۵. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۱ق، المکاسب، قم، دار الذخائر.
۷. بستان (نجفی)، حسین، اسفند ۱۴۰۱ق، «ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و آسیب‌های نقش تبلیغی روحانیت در ایران معاصر»، دوفصلنامه دین و سیاست فرهنگی، ش ۱۹.
۸. بهرامی، حمزه علی، بهار ۱۳۸۹، «ساختار سازمان دعوت فاطمیان مصر»، سخن تاریخ، ش ۸.
۹. پاسدار اسلام، دی و بهمن ۱۳۹۹، «گفتگو با مؤسس و مدیر مسئول پاسدار اسلام»، چهلمین سال انتشار مجله، ش ۴۶۵ و ۴۶۶.
۱۰. پژوهشنامه تبلیغ اسلامی، مهر ۱۴۰۲، ش ۸.
۱۱. پیام حوزه، بهار ۱۳۷۵، ش ۹.
۱۲. «پیشینه تبلیغ در اسلام»، ۱۳۷۰، کیهان اندیشه، ش ۳۶ و ۳۷.
۱۳. خمینی، سید احمد، ۱۳۷۱ش، مقدمه کتاب کوثر، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۱۴. خوجه گی، مهدی، ۱۴۰۱ق، تاریخ شفاهی شکل‌گیری و گسترش مجله سلام بچه‌ها، تهران، راه یار.
۱۵. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ش، مصباح الفقاهة، قم، سید الشهداء.
۱۶. دهخدا و دیگران، ۱۳۷۳ش، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه لغت‌نامه و دانشگاه تهران.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۵ش، لغت‌نامه، تهران، لغت‌نامه دهخدا.
۱۸. دوفصلنامه تبلیغ و خانواده، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ش ۱.
۱۹. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، مفردات، دمشق و بیروت، دار القلم.
۲۰. رزمگیر، سید محمد، ۱۳۸۹ش، نهادها و ارگان‌هایی که به حکم امام خمینی تأسیس شده‌اند، چاپ‌شده در رسول آفتاب، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
۲۱. رنجبر عیسی‌آبادی، احسان، ۱۳۹۲ش، پیام‌آوران نجات: رسالت مبلغان دینی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد و نقد یکی از روش‌های درمان اعتیاد، چاپ اول، قم، نشر ذکری.
۲۲. رهبر، محمدتقی، ۱۳۹۱ش، پژوهشی در تبلیغ، بوستان کتاب، قم.
۲۳. ره‌توشه حج، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، انتشارات مشعر.
۲۴. ره‌توشه راهیان نور؛ متون علمی و آموزشی مبلغان، ویژه محرم الحرام ۱۴۴۱ق/۱۳۹۸ش، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۵. ره‌توشه راهیان نور، تیرماه ۱۳۷۴، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. ره‌توشه؛ فصلنامه علمی تخصصی ویژه مبلغان، رمضان ۱۴۴۱ق/بهار ۱۳۹۹ش، شماره اول.
۲۷. روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ش، آشنایی اجمالی با دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۲۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۳ش، کارنامه چهارده ساله دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم.
۲۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۴ش، مجموعه عملکرد دفتر

- تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۰ و نه ماه اول ۱۳۶۴، قم.
۳۰. روزی طلب، محمدحسن، ۱۳۹۲ش، صخره سخت، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۱. سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش، مروری بر پانزده سال حضور سازمان تبلیغات اسلامی در عرصه فرهنگی - تبلیغی نظام مقدس جمهوری اسلامی، تهران.
۳۲. سلطانی، مجتبی، ۱۳۸۴ش، راهنمای پرسش: معرفی مراکز پاسخگویی به پرسش‌های دینی، قم، ایده گستر.
۳۳. شکوری، ابوالفضل، «معرفی اجمالی مؤسسه وعظ و خطابه»، مجله یاد، ش ۷۸.
۳۴. عبدالرحمن، سیف آزاد، ۱۳۶۸ش، تاریخ خلفای فاطمی، تهران، دنیای کتاب.
۳۵. علامیان، سعید، ۱۳۹۲ش، برای تاریخ می گویم، تهران، سوره مهر.
۳۶. شیرخانی، علی و زارع، عباس، ۱۳۸۴ش، تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران.
۳۷. عمید، حسن، ۱۳۶۲ش، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۳۸. فاطمی، رحیم، ۱۳۸۷، «کتاب‌شناسی تبلیغ و سخنوری»، مجله مبلغان، ش ۱۰۷.
۳۹. فصلنامه علمی تخصصی پاسخ، ۱۳۹۵ش، سال اول، شماره دوم.
۴۰. کاظمی قهفرخی، سید محمد، ۱۴۰۰ش، گونه‌شناسی طلاب کنشگر در شبکه اجتماعی اینستاگرام، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۱. کتاب زرد، بشیر ۷۹، راهنمای جامع مؤسسات فرهنگی اسلامی استان قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم.
۴۲. گلی زواره، غلامرضا، دی ۱۳۸۳ش، «از پاسدار انقلاب تا پاسدار اسلام»، مجله پاسدار اسلام، ش ۲۷۷.
۴۳. مجله پیام زن، آذر ۱۳۸۱، ش ۱۲۹.
۴۴. مجله بینات، «آشنایی با مرکز ترجمه قرآن کریم» سال ۱۳، ش ۴۹.
۴۵. مجله پژوهش و حوزه، بهار ۱۳۸۷، «مؤسسه بوستان کتاب»، ش ۳۳.
۴۶. مجله مبلغان، «آشنایی با حوزه‌های علمیه سفیران هدایت»، ش ۶۴.

۴۷. مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴ ش، آشنایی با مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، چاپ پنجم، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
۴۸. محمودی، محسن، ۱۳۹۹ ش، «دفتر تبلیغات»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۴۹. مرادحاصل خامنه، اعظم و لاهوتی اشکوری، حسن، ۱۳۸۹ ش، فرهنگ‌نامه رجال روحانی عصر امام خمینی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵۰. مرتضوی، سید ضیاء، ۱۴۰۰ ش، دانشنامه امام خمینی (دوره ده جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ ش، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۵۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ ش، فرهنگ‌نامه نهادهای انقلابی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵۳. مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴ ش، یاران امام به روایت اسناد ساواک: شهید حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین حقانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد تاریخی.
۵۴. مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان، ۱۳۷۴ ش، ره‌توشه راهیان نور، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۵. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، خرداد ۱۳۹۰، مجله افق حوزه، قم، ش ۳۱۲.
۵۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ ش، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۵۷. معاونت آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۰ ش، درختواره رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی حوزه‌های دانشی علوم اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۵۸. معاونت بین‌الملل حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۴ ش، طلایه‌داران عرصه تبلیغ بین‌الملل تشیع، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم.
۵۹. معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه، ۱۳۸۹ ش، سپاه در گذر انقلاب؛ مجموعه اطلاعیه، بیانیه و اخبار سپاه، چاپ اول، تهران، معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه.

۶۰. معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، قم.
۶۱. مهدوی یگانه، جواد و مؤمنی، علی اکبر و صادقی، مجید، ۱۳۹۵ش، تبلیغ بالینی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۶۲. موسوی تبریزی، سید حسین، خرداد ۱۳۸۷ش، گفتگو، ماهنامه یادآور، سال اول، شماره اول.
۶۳. موسوی هوایی، سید جواد، ۲۷ آبان ۱۳۸۵ش، «مصاحبه با معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی»، روزنامه اعتماد ملی.
۶۴. میرزاخان، حامد و صادقی، مجید، ۱۴۰۲ش، تبلیغ در زندان، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۶۵. النجفی الجواهری، الشیخ محمدحسن، ۱۳۶۲ش، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۶۶. واحد، سینا، ۱۳۶۶ش، قیام گوهرشاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۷. واعظی، اسفند ۱۳۹۰ش، «هست‌ها و بایدهای تبلیغ در دانشگاه»، مجله معارف، ش ۹۰.
۶۸. واکر آرنولد، توماس، ۱۳۵۸ش، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه: ابوالفضل عزتی، تهران.
۶۹. وکیلی قمی، ابومحمد، ۱۳۸۴ش، حوزه علمیه قم، تهران.

#### ب. تارنما

fmt.d.ismc.ir .۱۴	dana.ir .۷	aalaa.ir .۱
hamshahrionline.ir .۱۵	dte.ir .۸	amirebayan.ir .۲
hawzah.net .۱۶	eitaa.com .۹	balagh.ir .۳
hawzahnews.com .۱۷	el.balagh.ir .۱۰	bonyadehedayat.co .۴
hejrat.ismc.ir .۱۸	farhang.gov.ir .۱۱	m
historydocuments.ir .۱۹	farsi.khamenei.ir .۱۲	bookcity.org .۵
howzehbonab.ir .۲۰	farsnews.ir .۱۳	bou.ac.ir .۶



tehrantimes.com .۶۸	nehzat.ir .۴۳	hozehonari.ir .۲۱
telavat.ir .۶۹	noavari.dte.ir .۴۴	ibna.ir .۲۲
thinker.irc.ir .۷۰	noorsoft.org .۴۵	icro.ir .۲۳
tmobalegh.cfu.ac.ir .۷۱	onlinehawzah.com .۴۶	ido.ir .۲۴
webda.umsha .۷۲	parsiblog.com .۴۷	ilna.ir .۲۵
.ac.ir .۷۳	pasdareeslam.com .۴۸	imanoor.com .۲۶
	pasokh.org .۴۹	iqna.ir .۲۷
	public.whc.ir .۵۰	irna.ir .۲۸
	qom.iribu.ac.ir .۵۱	isca.ac.ir .۲۹
	radio.isca.ac.ir .۵۲	ismc.ir .۳۰
	rahtoosheh.dte.ir .۵۳	isna.ir .۳۱
	rasanews.ir .۵۴	jahadgaranhowzavi. .۳۲
	rbo.ir .۵۵	com
	rc.majlis.ir .۵۶	jz.ac.ir .۳۳
	roshd.balagh.ir .۵۷	khazaen.ir .۳۴
	ruzbarg.morsalat.ir .۵۸	magiran.com .۳۵
	sccr.ir .۵۹	mehrnews.com .۳۶
	schowzeh.ir .۶۰	msagheb.ir .۳۷
	shabaketabligh.ir .۶۱	murtaza.ir .۳۸
	shabestan.news .۶۲	my- .۳۹
	snn.ir .۶۳	moballeghe.icro.ir
	soore.ac.ir .۶۴	nahad.ir .۴۰
	taghrib.org .۶۵	najm.whc.ir .۴۱
	tasnimnews.com .۶۶	nashrebeynolmelal.i .۴۲
	tebyan.net .۶۷	r





# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

## 120 Years of Confrontation of Scholars and Propagators with Archaism

Mostafa Hassani\*

### Abstract

The confrontation of national identity with religious identity by extreme archaists is one of the basic challenges of today's society. The policies of the extreme archaists and the tricks used by them in different fields over the last hundreds years have led to the expansion of the view of antiquity among different intellectual and cultural levels in Iran. Since the founders of this trend and their successors started and continued their work in a gradual and step-by-step manner, referring to the methods and lifestyle of scholars and propagators of the past in dealing with them gives a practical model to deal with this movement, which is rapidly advancing. The findings of this research are the impenetrability of scholars; that was when many elites were deceived by the current of archaism. In addition, the priority of answering doubts and adopting cultural methods in the face of this movement, including authoring a book, has been explained. Therefore, it informs about the impenetrability of Sheikh Mortaza Ansari (1214-1281 AH), the Shia leader of the era, until the confrontation of Shahid Mortaza Motahari (1298-1358 AP) with this movement. This article, via a descriptive-analytical method, deals with the struggle of scholars, religious propagators, and Islamic seminary clerics with the phenomenon of archaism over the last hundred years and by explaining their lifestyle, with the aim of familiarizing and setting a model for the method of scholars, takes steps to confront the danger of extreme archaism.

### Keywords

archaists, confrontation, scholars, propagators, Sheikh Morteza Ansari, Shahid Morteza Motahari.

---

\* PhD in the history of Islamic culture and civilization: awleya5tan@yahoo.com.

## یکصد و بیست سال مقابله علما و مبلغان با باستان‌گرایی

مصطفی محسنی\*

### چکیده

تقابل‌سازی هویت ملی و هویت دینی توسط باستان‌گرایان افراطی، یکی از چالش‌های اساسی جامعه امروزی است. سیاست‌های باستان‌گرایان افراطی و ترفندهای به کار گرفته شده از سوی آنها در عرصه‌های مختلف در صد و اندی سال گذشته، موجب بسط نگاه به باستان در بین سطوح مختلف فکری و فرهنگی در ایران شده است. از آنجا که مؤسسان این جریان و ادامه‌دهنده راه آنها، به صورت تدریجی و مرحله‌به‌مرحله، کار خود را آغاز و ادامه دادند، مراجعه به سیره و روش علما و مبلغان گذشته در برخورد با آنها، الگویی کاربردی به دست می‌دهد تا در مقابله به این جریان که به سرعت در حال پیشروی است، راهگشا باشد.

یافته‌های این پژوهش، نفوذناپذیری علماست؛ آن هم در زمانی که بسیاری از نخبگان، فریب جریان باستان‌گرایی را خوردند. نیز اولویت پاسخ به شبهات و اتخاذ شیوه‌های فرهنگی در مواجهه به این جریان، از جمله تألیف کتاب، تبیین شده است. بنابراین، از عدم نفوذپذیری شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق)، زعیم شیعه عصر، تا مقابله شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ش) با این جریان خبر می‌دهد.

این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی به شیوه مبارزاتی علما، مبلغان دینی و حوزویان با پدیده باستان‌گرایی در صد و اندی سال گذشته پرداخته و با تبیین سیره آنها، با هدف آشنایی و الگو قرار دادن روش علما، در راستای مقابله با خطر باستان‌گرایی افراطی قدم بر می‌دارد.

**کلیدواژگان:** باستان‌گرایی، مبارزه، علما، مبلغان، شیخ مرتضی انصاری، شهید مرتضی مطهری.<sup>۱</sup>

\* دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی: awleya5tan@yahoo.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تألیف شده است.

## مقدمه

باستان‌گرایی امروزی، برخلاف نامش، سابقه دیرینه نداشته و عمرش به دو سده نمی‌رسد و با نگاه به ایران پیش از اسلام در قرون گذشته، متفاوت است. توضیح اینکه در برخی از برهه‌های تاریخی، کسانی از جمله بابک خرم‌دین و مازیار، به دنبال احیای ایران پیش از اسلام برآمدند؛ اما از طرف جامعه ایرانی، این قیام‌ها مورد حمایت ایرانیان قرار نگرفت و حتی ایرانیان در سرکوب آنها کمک کردند؛ زیرا مردم این مرزوبوم به دنبال احیای دوران سیاه ساسانی نبودند. با این حال، این قیام‌ها خصوصیتی مثبتی داشت که از لایه‌های زیرین جامعه ایرانی برخاسته بود و پدیده‌ای وارداتی نبود.

از زمان قاجار، با یک باستان‌گرایی افراطی مواجه هستیم که ریشه در غرب دارد و تفکر استعماری آن را پشتیبانی می‌کند و هدف آنها، قرار دادن ایران پیش از اسلام در مقابل ایران پس از اسلام و نیز تقابل‌سازی بین هویت دینی و هویت ملی است؛ تا از این طریق، اسلام را در ایران تضعیف کنند.

آنها به صورت تدریجی و مرحله‌به‌مرحله، بسط باستان‌گرایی را در دستور کار خود قرار دادند و افراد بسیاری را جذب کرده، از آن در جهت پایه‌ریزی یا تثبیت هدف خود سود جستند. برخورد علما و مبلغان، با مراحل مختلف، تناسب دارد؛ اما هیچ‌گاه جذب آنها نشده، بلکه در مقابل آنها ایستادند.

بنابراین، تحقیق پیش رو با هدف معرفی افراد تأثیرگذار این جریان، در صدد است تا با شناساندن اهداف و ترفندهای آنان، جامعه را با شگردهای ایشان آشنا گرداند.

## اهمیت و ضرورت

کشورهای غربی با قصد تسلط هرچه بیشتر بر جوامع اسلامی، از ابزارهای مختلفی استفاده کردند تا اتحاد آنان را خدشه‌دار کرده و از این جهت، به چپاول داری‌های آنان پردازند. فرقه‌گرایی و توجه به باستان در برخی از این کشورها، از جمله ابزار برای رسیدن به مقصودشان است. از آنجا که در ایران باستان‌گرایی کاربرد بیشتری داشت، مورد توجه مضاعف قرار گرفت؛ به گونه‌ای که باعث شد با تحریک وطن‌خواهی و حس ناسیونالیستی، افراد بیشتری را به خود

جذب کند. تصویر ایرانی باشکوه، قدرتمند و شاهانی با عظمت، مقتدر و عادل و معرفی اسلام به عنوان تخریب‌کننده ایران ادعایی آنها، خودبه‌خود مردم را در مقابل اسلام قرار داد و در برخی افراد که ضعف اعتقادی داشتند، تنفر از اسلام ایجاد کرد؛ اما علما، روحانیون و مبلغان با هشیاری و بیداری، از ابتدا در مقابل این تفکر ایستادند و در صد و اندی سال گذشته، همواره بزرگ‌ترین چالش برای رهبران این تفکر بوده‌اند.

به نظر می‌رسد، معرفی برخی از این علما و شیوه مبارزاتی آنها، علاوه بر آنکه الگویی برای روحانیون و طلاب امروزی در مقابل این پدیده و پدیده‌های مشابه می‌شود، مردم را با هشیاری برخی از علما، مبلغان و روحانیون آشنا می‌کند و ثمره این آشنایی، آن است باستانگرایی و موارد مشابه، همواره متخصصین حوزوی، طرف مشاوره مردم عادی جامعه قرار گیرد.

#### پیشینه

در بحث باستان‌گرایی، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نگاشته شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

#### الف. کتاب‌ها:

- باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران، نوشته رضا بیگدلو؛
- هویت ایرانی و زبان فارسی، اثر شاهرخ مسکوب؛
- ناسیونالیسم در ایران، به قلم ریچارد کاتم؛
- تحلیل رابطه ملی‌گرایی و باستان‌گرایی در ایران؛
- تاریخ ادبیات ایران، اثر ذبیح‌الله صفا.

#### ب. پایان‌نامه‌ها:

- «بررسی باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری دوره قاجار»، اثر بهروز نعمتی؛
- «باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران»، نوشته رضا بیگدلو؛
- «تقابل‌سازی فرهنگی جریان باستان‌گرا با اسلام در ایران معاصر»، به قلم نگارنده نوشتار

حاضر.

### ج. مقالات:

- «مخالفت‌های داخلی با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی؛ چرا و چگونه» به قلم حسن زندیه و علی قنوانی؛
- «فهمی اسپریگنزی از چگونگی برآمدن اندیشه‌ی باستان‌گرایی در زمان پسامشروطه»، نوشته علی کریمی، رضاگرشاسبی و محمدتقی قزلسفلی؛
- «باستان‌گرایی جدید و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، به قلم علی کریمی، رضاگرشاسبی و محمدتقی قزلسفلی؛
- «آذرکیوانیان و تأثیر آنان بر باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران»، اثر عبدالرسول خیراندیش و حسین احمدی؛
- «ابطال‌گرایی پیچیده؛ راهکاری برای برون‌رفت از بحران شناخت‌شناسی باستان‌شناسی»، اثر یعقوب محمدی‌فر و حسین حبیبی؛
- «ملی‌گرایی باستان‌گرا و بحران در هویت انسان ایرانی؛ بازخوانی پاسخ مطهری»، نگارش غلامعلی سلیمانی و علی آزرمی؛
- «نقش فرهنگی زرتشتیان در تقویت ملی‌گرایی و شکل‌گیری هویت ملی باستان‌گرا در عصر پهلوی اول» به قلم: محمدعلی علی‌زاده و علی محمد طرفداری.
- البته مقالات نوشته‌شده در باره باستان‌گرایی، بسیار است و آنچه بیان شد، مقالاتی است که با عنوان نوشتار پیش رو، کمی نزدیک است؛ اما با مراجعه به آثار فوق، هیچ‌کدام همچنان که از عناویشان پیداست، به مبارزت علما و مبلّغان پرداخته‌اند؛ بلکه در برخی از آنها، تنها اشاراتی به این موضوع شده است.

### مراحل گسترش باستان‌گرایی و برخورد حوزویان با آن

مؤسسان و ترویج‌دهندگان باستان‌گرایی معاصر در ایران، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، بسیار محتاط عمل کرده و مرحله‌به‌مرحله کار خویش را جلو بردند؛ زیرا تا زمینه را فراهم نمی‌کردند، نمی‌توانستند اقدامات تندی را انجام دهند که در مراحل آخر انجام گرفت؛ چراکه واکنش مسلمانان را برمی‌انگیخت و باید به صورت تدریجی به این کار اقدام می‌کردند. بنا بر تقسیم‌بندی این نوشتار، در سه مرحله اقدامات خود را عملی کردند که در ذیل، به آنها پرداخته می‌شود.

### مرحله اول: ورود، شکل‌گیری و جذب نخبگانی؛ نفوذناپذیری علما

یکی از راه‌های ورودی این جریان از غرب، پارسیان هندی بودند که تحت امر دولت بریتانیای هند و کمپانی هند شرقی قرار داشتند. مانکجی لمیجی هوشنگ هاتریا (م. ۱۲۶۹ ش)، نخستین کسی است که دولت بریتانیای هند با هدف بسط باستان‌گرایی به ایران فرستاد. او در سال ۱۲۷۱ ق/ ۱۲۳۴ ش، به عنوان نماینده انجمن پارسیان هند، به بهانه سرکشی از همدینان خود، به ایران آمد (شهمردان، ۱۳۳۰، یزدگردی، ص ۲۲-۶۲۳). او را در جداسازی افغانستان به ایران در زمان محمدشاه، سمت صندوق‌دار قشون بریتانیا را برعهده داشت (همان، ص ۶۱۹) و رسماً تبعه انگلیس شده بود (همان، ص ۶۳۲). بنابراین، پیش از ورود به ایران، خیانت به این مرزوبوم را در کارنامه خود ثبت کرده بود.

او پس از ورود به ایران، توانست بسیاری از صاحب‌منصبان و افراد صاحب نفوذ را فریب داده و جذب به خود کند و در راستای اهداف خویش قرار دهد. وی با ناصرالدین شاه ارتباط برقرار کرد و توانست فرمان لغو «جزیه» زرتشتیان را از شاه بگیرد (امینی، ۱۳۸۰، ص ۴-۵۷). جذب و ارتباط با فعالان باستان‌گرا، از جمله میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۱۹۱-۱۲۵۷ ش) و جلال‌الدین میرزای قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۱ ش)، ایجاد مدارس زرتشتیان در یزد و کرمان و تأسیس مدرسه شبانه‌روزی زرتشتیان در تهران و جذب فرزندان مسلمان و غیرمسلمان برای تحصیل در این مدرسه، نامه به دانشمندان شهرها برای نگارش تاریخ شهرشان با رویکرد باستان‌گرایی، از جمله اقدامات وی بود. او چنان با مهارت وارد شد که برخی ناخواسته در خدمت اهداف وی درآمدند. او کار خود را از ناصرالدین شاه آغاز کرد و پس از آن، به سراغ افراد دیگر رفت.

مانکجی، با شناسایی فرهیختگان هر شهر، آنان را ترغیب به نوشتن کتاب در مورد شهر خود با نگاه باستانی کرد. در زمان ناصرالدین شاه و به درخواست و تشویق مانکجی، مرآت البلدان در مورد تاریخ و جغرافیای تمام شهرها جمع‌آوری شد. مانکجی طی نامه‌ای، از فرصت‌الدوله شیرازی تقاضا می‌کند تا مطالبش در مورد ایران باستان برای وی بفرستد. مطالب جمع‌آوری شده توسط وی، تبدیل به کتاب آثار العجم شد (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲). وی همچنین، از حاکم کاشان چنین درخواستی کرد. در پی این درخواست، کتاب مرآت القاسان توسط عبدالرحیم‌بن محمد ابراهیم ضرابی، متخلص به «سهیل» نگاشته شد که امروزه به تاریخ کاشان



مشهور است. تدوین کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان اثر محمد مهدی اصفهانی، پدر بزرگ محمد علی فروغی نیز از این نوع است (ضرابی، ۱۳۷۸، ص ۳، ۴-۶). کتابی دیگر به درخواست مانکجی با عنوان فرازستان در زمان ناصرالدین شاه توسط میرزا اسماعیل خان زند توپسرکانی تألیف شد (منزوی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۰۴۳). در این کتاب، تاریخ پادشاهان باستان از دارا پور داراب تا پایان کار ساسانیان است. این کتاب نیز به خواهش مانکجی تألیف شده است (همان). انتخاب شایسته یا همان ترجمه جاویدان خرد، دیگر کتابی است که حاجی شمس الدین محمد حسین تألیف نموده و توسط مانکجی به نام ناصرالدین شاه در بمبئی به چاپ رسید (همان، ج ۶، ص ۳۲۸).

گاهی کتاب‌هایی که در مورد ایران باستان بود، توسط مانکجی مقدمه زده می‌شد؛ برای مثال، کتاب آیین هوشنگ تألیف بهرام رستم خسرو نصرآبادی در سال ۱۲۹۶ق-۱۲۵۸ش در تهران به چاپ رسید (همان، ج ۲، ص ۸۰۸). او نسخه‌های خطی را می‌خرید و از ایران خارج کرده و به هندوستان می‌برد (همان، ج ۱، ص ۶۴) و از تجمیع این کتاب‌ها، کتابخانه مؤسسه کاما را تأسیس کرد که دکتر سید مهدی غروی، اسامی این کتاب‌ها را در اثری به نام گنجینه مانکجی جمع‌آوری کرده و در انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به چاپ رسانده است (همان، ج ۴، ص ۴۳).

برخی از این افراد، انسان‌های وارسته‌ای بودند؛ اما نتوانستند به قصد مانکجی پی ببرند. یکی از این دانشمندان، فرصت‌الدوله شیرازی است. او با تألیف این دو کتاب، به اهداف مانکجی کمک کرد و ناخواسته در مسیری قرار گرفت که توسط تفکر باستان‌گرایی ریل‌گذاری شده بود. در عین حال، شیفته اهل بیت علیهم‌السلام بود و در دیوانش با عنوان دیوان فرصت یا دبستان الفرصة، اشعاری در مدح و ثنای اهل بیت علیهم‌السلام دارد. وی در شعری طولانی، پس از بیان نام شخصیت‌های باستان ایران، گریزی به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌زند و اشعار زیبایی در مدح آن حضرت می‌سراید (همان، ص ۱۰۱-۱۳۰).

مانکجی با همین رویکرد، به سراغ علما نیز رفت. اولین کسی که در پی فریبش برآمد، زعامت شیعه آن دوران، شیخ مرتضی انصاری بود. وی در عراق به محضر شیخ انصاری رسید و مسائلی را به صورت هدفمند از این عالم بزرگ شیعی استفتا کرد تا بتواند از این ظرفیت قوی

برای پیشبرد اهداف خود استفاده نماید. بهانه وی در این نامه نگاری، نجات همدینان خود از ستم حاکمان شهرهای مختلف بود؛ چراکه وی ادعا داشت، برخی از حاکمان شهرهای ایران در زمان قاجار، برخورد خوبی با زرتشتیان ندارند. کار وی نوعی سپر قرار دادن مرجعیت برای رسیدن به هدفش بود.

او خوب می دانست که سخنش نزد حاکمان، مسموع نیست. بنابراین، به دنبال آن بود تا خواسته خود را به قلم شیخ انصاری جاری کند. از پرسش های وی پیداست که تنها به فکر احیای دستورات اسلامی، در باره هم دینان خود نبود؛ بلکه در صدد برآمد با زیرکی، آنچه از دستورات اسلامی را که خود قبیح می پندارد نیز بر مرجع تقلید شیعه تحمیل نموده و ایشان را در کار انجام شده قرار دهد. شیخ تنها به دستورات اسلامی، آن هم به اندازه لزوم اشاره کرد و مانکجی را در هدفش ناکام گذاشت (هاشمیان، ۱۳۸۹، ص ۴۶۷).

مانکجی یک سال در عراق منزل کرد؛ اما هوشیاری شیخ مرتضی مانع رسیدن وی به مقصودش شد. کسی که توانسته بود از شاه تا دانشمندان ایرانی را در راستای اهداف خود قرار دهد، در جذب مرجعیت شیعه زمین گیر شد؛ اما وی که پشتکارش ستودنی است، در مسیر رسیدن به هدفش خسته نشد و به سراغ سایر روحانیون رفت.

مانکجی با قاضی یزد، محمدحسین رودسرابی سبزواری نیز مکاتبه ای دارد که این عالم نامه نگاری مزبور را در کتابش به نام فوائد الرضویه آورده و او را «قنصر دولت بهیه انگریز (انگلیس)» معرفی کرده است. مانکجی در مکاتباتش با شیخ انصاری، اسلام را شریعت مطهره و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را «حضرت ختمی مآب صلی الله علیه وآله وسلم» می نامد؛ اما در اینجا در قالب چند سؤال، شخص اول اسلام را مورد هجمه قرار داده و نسبت به جهانی بودن دین اسلام، شراب، تعدد زوجات نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشکالاتی وارد می کند و نیز اشکال می نماید که چرا حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده: مزدی برای رسالت خود نگرفته؛ اما خمس را برای اولاد خود در نظر گرفته است (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۴۷۹-۵۲۲). این، از جمله شبهاتی است که تاکنون به صورت جسته و گریخته در همفکران او، یعنی جریان باستان گرای افراطی، مطرح است. شاید بتوان او را مبدع این گونه شبهات نسبت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جامعه ایرانی نامید.

مکاتبات مانکجی با شیخ انصاری، تفاوت ماهوی با پرسش های او از قاضی یزد دارد. او

قصد دارد برای رسیدن به اهدافش، از هر شخصی به اندازه ظرفیتش استفاده کند. مانکجی با شیخ معامله مثبت دارد و به نکات و با تلاش مثبت سعی دارد پرسش‌هایی را مطرح کند که راه ناهموار حمایت از زرتشیان را هموار کند و با پاسخ‌های شیخ، احیاناً مخالفت‌های حاکمان بلاد را فرو نشاند؛ اما در مکاتباتش با قاضی یزد، معامله منفی را در پیش می‌گیرد و به طرح شبهه نسبت به شخص اول اسلام می‌پردازد.

اما نه شیخ انصاری در دام وی افتاد و نه قاضی یزد عرصه را به وی واگذار کرد. این برخورد شیخ و علما، مانکجی و همفکران وی، از جمله فتعلی آخوندزاده را چنان خشمگین کرد که او به مانکجی پیشنهاد کرد به جای مراجعه به شیخ انصاری، با جلال‌الدین میرزا ارتباط برقرار کند؛ زیرا به نظر وی، شیخ مشکل مانکجی را حل نمی‌کرد؛ اما جلال‌الدین میرزا به دنبال رها کردن ایران از ظلمت و جهالت به نورایت و معرفت بود (آدمیت، ۱۳۵۷، ص ۲۳، ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۲۹). آخوندزاده به مانکجی گفت: «یزدان پاک به شیخ مرتضی بصیرت کافی نداده تا بفهمد تو کیستی. نمی‌داند ایران چیست، چه بوده و چه شده و ذلت ایران از چه رهگذر است» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص ۲۲۱-۲۲۲).

شاید همین برخورد علما و توصیه همفکرانش باعث شد، وی دور روحانیت را خط کشیده و به سراغ امثال جلال‌الدین میرزا و... رفت. بنابراین، عمکرد و تقابل صحیح شیخ و دیگر روحانیون، برگ زرینی در مقابله با این جریان بود؛ جریانی که بزرگان غیرحوزی از شناختن به موقع آن غفلت کرده و نه تنها مقابله نکردند، بلکه این جریان مرموز را یاری نیز نمودند. از آنجا اقدامات مانکجی نامحسوس و در عرصه فرهنگ بود، انتظار تقابل تند و طرد وی از سوی علما نمی‌رفت؛ چراکه وی بسیار محتاطانه وارد میدان شد؛ اما با آن قدرت نفوذ، همین که نتوانست در علما و روحانیت نفوذ کند، جای تحسین و شگفتی است.

### مرحله دوم: آغاز تقابل‌سازی در طبقات ممتاز و چالش بیداری علما

#### یک. مقابله با سرهنویسی افراطی

سره‌نویسی یا فارسی بی‌غش‌نویسی در این دوره، به معنای زدودن کلمات غیرفارسی در نوشتار و گفتار بود. این نوع نگارش، به خودی خود، مشکلی نداشت و در برخی موارد نیز قابل تحسین است؛ اما فارسی‌سازی جریان باستان‌گرا، بر پایه عربی‌زدایی استوار بود و ریشه در آثار منسوب

به آذر کیوانیان از جمله دساتیر آسمانی داشت و از این آثار، به نوشته‌های زمان قاجار تسری یافت (توکلی طوقی، ۱۳۸۲، ص ۳۲-۳).

این امر در اواخر دوره قاجار، ابتدا به صورت انفرادی در نوشته‌های برخی رقم خورد و پس از مدتی کوتاه و در زمان پهلوی اول به صورت سازمان‌یافته و تشکیلاتی در قالب «فرهنگستان» بروز کرد. با توجه به خصومت این گروه با زبان عربی، منظور از بیگانه، بیشتر واژگان عربی بود؛ اما در آمیختگی کلمات عربی با فارسی، در اندازه‌ای بود که غربال آن امکان نداشت و حتی افرادی از داخل همین جریان، مخالفتی‌هایی با این امر، به‌خصوص از نوع افراط‌گری آن کردند. جلال‌الدین میرزا، از نخستین افرادی بود که در نامه خسروان، سرهنویسی را شیوه خود قرار داد (زرین‌کوب، ۱۳۶۳، ص ۴۲؛ قدیمی‌قیداری، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶). فارسی‌نویسی جلال‌الدین میرزا، مورد تحسین آخوندزاده قرار گرفت؛ اما جلال‌الدین وی را به دلیل معرب ساختن واژگان فرانسوی، مورد انتقاد قرار داد (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸). طالبوف، یکی دیگر از باستان‌گرایان افراطی نیز همسو با این دو و در حمایت از جلال‌الدین میرزا، بر آن بود که آرایش زبان از السنه دیگر، واجب عمومی است و پیشنهاد تشکیل هیئتی از دانشمندان برای وضع لغات جدید را داد (آدمیت، ۱۳۶۳، ص ۸۵).

این شیوه، در نسل دوم ادامه یافت و فرصت‌الدوله به سرهنویسی در نثر و نظم علاقه فراوان داشت و گاه اشعارش را نیز به فارسی مطلق می‌سرود (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۸، ۱۱۱-۱۱۲). پورداوود نیز ضمن مکاتبه با زرتشتیان هند، در صدد بود تا از لغات فارسی سره آگاه شود (کلهر، ۱۳۶۷، ص ۱۵۵-۱۵۶). او ناباورانه حافظ را ملامت می‌کرد که چرا واژگان عربی در اشعارش به کار برده و چرا سروده «زبان خموش ولیکن دهان پُر از عربی است» (قزوینی، بی‌تا، ص ۱۶). کسروی نیز که به سرهنویسی روی آورده بود (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸)، آتش زدن دیوان‌هایی همچون سعدی و حافظ و حتی مفاتیح‌الجنان را لازم دانسته و برخی از آنها را آتش زد. امام خمینی در این باره فرموده: «یک‌دفعه آدم می‌بیند که کسروی آمد و کتاب‌سوزی! مفاتیح‌الجنان هم جزء کتاب‌هایی بود که سوزاند، کتاب‌های عرفان را هم سوزاند. البته کسروی نویسنده زبردستی بود ولی این آخری، دیوانه شده بود... ایشان نمی‌دانست کتاب مفاتیح‌الجنان چی تویش است!» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۰).

رضاشاه پیش از رسیدن به پادشاهی، در قامت سردار سپه، دستور پالایش کلمات در ارتش را صادر کرد (صفائی، ۱۳۵۵، ص ۵۸) و کمیسیونی در وزارت جنگ ترتیب داد که معادل فارسی برای کلمات غیرفارسی بیابد (بهار، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۳). ارباب کیخسرو از جمله کسانی بود که در این زمان، با رضاشاه همکاری می‌کرد. وی که فضا را مناسب دید، به بهانه دفاع از زبان فارسی، در صدد احیای دین خود بر آمد و از بانیان جریان سرهنویسی شد و خود به این امر اذعان کرد (شاهرخ، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۴۷).

رضاشاه پس از رسیدن به سلطنت و پس از بازگشت از ترکیه، به پیروی از آتاتورک به پالایش زبان اقدام کرد. به گفته حکمت، رضاشاه پس از این سفر، مرتب تکرار می‌کرد که کلمات عربی را به فارسی برگردانید؛ همان‌طور که آتاتورک زبان ترکی را پالایش کرد (مکی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۱)؛ اما این کار، رو به افراط گذاشت؛ زیرا لغات عربی که قرن‌ها در لایه‌های زیرین اجتماعی تثبیت شده بود، حذف گردید و به جای آن، لغات نامأنوسی گذاشته شد؛ از جمله: به امضا «دستینه» (حکمت، ۱۳۵۵، ص ۲۳-۲۶)، به مستقیم «سیخگی»، به محرمانه «کس نفهمد»، اطلاق شد (فلاح‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸).

روحانیت بیدار و از جمله شهید مدرس، به مقابله با این انحراف برآمدند. شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«از آن شاهکارهای سیاسی مرحوم سید حسن مدرس نقل می‌کنند که در همان دوره، تقریباً چهل و پنج سال پیش، یک موجی پیدا شده بود که هر چند وقت یک بار هم پیدا می‌شود و آن وقت، این موج، شدیدتر از امروز بود که ما باید لغات بیگانه را - به قول اینها - از زبان فارسی بیرون بریزیم و اصلاً نباید هیچ لغت عربی در زبان ما وجود داشته باشد. این موج، در مجلس هم راه پیدا کرده بود و می‌خواستند آن را به صورت یک قانون در بیاورند. مرحوم مدرس، با این فکر مبارزه می‌کرد؛ گاهی یک شوخی، یک متلک، یک هو کردن، اثرش از چند برهان بیشتر است. گفته بود بسیار خوب، حالا ببینیم چی میشد! - به قول خودش؛ اصفهانی بود - چه از آب در می‌آید! رو کرده بود به رئیس مجلس و گفته بود: آقای رئیس مجلس! اسم من حسنِ، اسم جنابعالی هم حسینِ. حالا این اسم‌ها را می‌خواهند تبدیل کنند به فارسی. پس من می‌شوم «نیک»، حسین هم که تصغیر حسن است می‌شود «نیکچه». پس بعد از این، من نیکم [و]

شما نیکچه؛ مثل دیگ، دیگچه. یک چند تا از اینها را با همدیگر جور کرد؛ مجلس خندید، لایحه به همین [شوخی] از بین رفت» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۷، ص ۱۷۶).

#### دو. مقابله با تغییر خط

تغییر رسم الخط جدید و کنار نهادن رسم الخط رایج که به گفته باستان‌گرایان ریشه عربی داشت، در کنار سرهنویسی پیشنهاد شد. از آخوندزاده می‌توان به عنوان مبدع این تغییر یاد کرد. او الفبایی ترسیم نمود و کتابی با عنوان الفبای جدید تألیف کرد و قصد داشت تا این ایده را در ایران و عثمانی به سرانجام رساند. برای این هدف، به نزد فؤاد پاشا صدر اعظم عثمانی رفت و طرح خود را برای وی تبیین کرد. این ایده، مورد تحسین زعمای عثمانی قرار گرفت؛ اما به علت قابل اجرا نبودن، کنار گذاشته شد. سرجان ملکم به کمک آخوندزاده آمد و تغییراتی در الفبای وی ایجاد کرد تا از غریبی آن بکاهد. با این کار هم مورد اقبال واقع نشد. آخوندزاده حتی بین رسم الخط خود و رسم الخط لاتینی و سپس روسی، تقاربی ایجاد کرد؛ اما این بار هم موفقیت‌آمیز نبود. او در دیدار با مستشارالدوله، صدراعظم ناصرالدین شاه، تنها راه پیشرفت و نجات را تغییر الفبا عنوان کرد. اصرار وی، حتی نزدیکان او را برآشفته.

طالبوف، یکی دیگر از منورالفکران هم عصر آخوندزاده نیز اصلاح خط، زبان و تغییر الفبا را از شروط ترقی ایران می‌شمرد (فشاهی، ۱۳۵۴، ص ۳۹۲)؛ اما نه به آن روش و حالت که آخوندزاده پیشنهاد می‌کرد (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص ۲۲۳). او قائل به اصلاح است؛ تا تغییر. وی علت اصلی جهالت ملت اسلام را الفبا یا ابجد مندرس می‌داند و اصلاح خط را روح ترقی ملت؛ اما تغییر آن را به مصححت نمی‌داند؛ بلکه به گفته وی، باید کاری کرد که الفبای فارسی به آسانی الفبای دیگر کشورها شود. طرح اصلاحیه او، چنین بود که نقطه را از روی حروف برداریم و اعراب را داخل کلمه کنیم. به گمان وی، تغییر خط باعث می‌شد اختلاف شیعه و سنی که به ادعای وی زاینده رقابت‌های صفویه و عثمانی است، از میان برود و محبت طبیعی آسیایی و مشرقی جای آن را بگیرد. اینکه چه ربطی بین خط و برطرف شدن اختلاف هزارساله است، مشخص نیست. شاید منظورش این است که همه زیر چتر یک فرهنگ جمع خواهند شد. به نظر آدمیت، تغییر الفبا به هیچ وجه مانع عمده ترقی یا علت عقب‌ماندگی جامعه‌های مشرق از مدنیت جدید نیست (آدمیت، ۱۳۶۳، ص ۸۵).

پورداود نیز در مقدمه دیوانش - پوراندخت‌نامه - به تغییر الفبای فارسی اشاره دارد. وی تأکید می‌کند که الفبای زند (دین دبیره)، بهترین الفبایی است که می‌توان به جای الفبای عربی به کار برد.

شاید تألیف کتاب نحو و صرف خط آریا در چهار روز توسط فرصت الدوله نیز، قدمی برای احیای رسم الخط دیگر و به حاشیه راندن رسم الخط رایج فارسی بود که این اثر، مورد توجه دولت آلمان نیز قرار گرفت. این کتاب، به درخواست «رضا قلی خان سالار معظم» و پس از اطلاع وی، از ترجمه برخی از خطوط احجار قدیمه و ابنیه عتیقه در کتاب آثار العجم بود. وی از فرصت الدوله تقاضا می‌کند که کتابی کامل‌تر از آن و مخصوص این خطوط، نگاشته شود. فرصت، این خطوط را از دکتر «مان» آلمانی آموخته بود. او این کتاب را در چهار روز تألیف کرد و نزد سالار معظم فرستاد (فرصت الدوله شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۹).

به هر روی، تغییر رسم الخط که از سره‌نویسی خطرناک‌تر می‌نمایند، با مقاومت به‌حق جامعه اسلامی محقق نشد. آنچه مانع تحقق خواسته آخوندزاده شد، عواطف دینی بود. او برای متقاعد کردن علمای دینی تلاش کرد و توضیح داد که این نوع تجدد، هرگز مخالف با شرع نیست؛ اما سعی او بر اقناع علمای دینی، ناکام ماند. علما به‌خوبی دریافته‌اند که موافقت با این تغییر، یعنی خط بطلان کشیدن به تمام آموزه‌های دینی و تمدن طلایی اسلام. تغییر رسم الخط، چه خط ابداعی آخوندزاده و چه خط لاتینی، سبب می‌شد تا نسل‌های آینده از قرآن، کتاب‌های اسلامی و حتی آثار علمی دانشمندان اسلام همچون: ابوعلی سینا، ابوریحان، فارابی، زکریای رازی و خواجه نصیر، بیگانه شوند و برای فهم این آثار، به سراغ ترجمه‌های غربی بروند و آنچه غرب به نام این آثار به ایرانیان معرفی می‌کند، به عنوان آثار دانشمندان خود بپذیرند. بنابراین، علما به هیچ وجه موافق این تغییر نبودند.

آخوندزاده پس از مخالفت علما، دین را مانع تحقق ایده خود می‌دید. بنابراین، به مخالفت با آن برخاست. او از پیش نیز با افرادی حشر و نشر داشت که این اندیشه را به وی القا کرده بودند. بنابراین، راه بازگشت عزت و شوکت ازدست‌رفته ایرانیان را، عدم آموزه‌های دینی می‌دانست که حجاب بصیرت مردم شده و ایشان را از ترقی از امور دنیوی باز داشته است. وی نامه‌ای به مستشارالدوله نوشت و در آن قید کرد زین‌پس، کسی نگوید که دین، مانع علم و معرفت نیست.

از اینجا تقابل جدی وی با دین آغاز شد و به تألیف کتاب کمال الدوله مبادرت ورزید که کتابی به تمام معنا، ضدّ دینی است.

اگر تغییر رسم الخط محقق می‌شد، گسل بزرگی بین نسل معاصر و آینده با نسل‌های قبلی، مفاخر و آثار فاخر آنان ایجاد می‌کرد. نه تنها فرا گرفتن قرآن، نهج البلاغه، حدیث، ادعیه و زیارات برای آیندگان بسیار سخت می‌شد، بلکه آثار دانشمندان اسلامی از جمله: ابوعلی سینا، ابوریحان، رازی، خوارزمی، خواجه نصیر، غیاث‌الدین کاشانی، شیخ بهائی و صدها دانشمند دیگر، به حاشیه می‌رفت و یا به فراموشی سپرده می‌شد. بنابراین، مقابله علمای دینی با این طرح، خدمات بسیار شایانی به تمدن اسلامی ایرانی نیز کرد و نه تنها دین را از گزند این طرح مصون داشت، بلکه از حاشیه رفتن کامل آثار تمدنی نیز جلوگیری کرد.

به نظر، مقابله علما با این ترفند، علاوه بر خدمت به اسلام، بزرگ‌ترین خدمت به هویت ایران بود. اگر سرهنویسی محقق می‌شد، امروزه مردم نه تنها از خواندن کتب دانشمندان گذشته عاجز بودند، بلکه خواندن اشعار سعدی و حافظ نیز برای آنها آرزو بود؛ اما تغییر خط، خطرش از سرهنویسی نیز بیشتر بود؛ چراکه ایرانیان در خواندن شاهنامه نیز دچار مشکل می‌شدند.

#### سه. مقابله با تغییر تقویم قمری به شمسی

یکی از ترفندهای جریان باستان‌گرای افراطی، تغییر سال قمری به شمسی بود؛ زیرا در اذهان ایرانیان، شعائر و آموزه‌های دینی را به حاشیه می‌کشاند؛ چراکه مناسک اسلامی، بر این مبنا استوار است و مردم پیوسته برنامه روزانه خود را با آن هماهنگ می‌کنند. جمعیت باستان‌گرا به فکر تغییر آن افتاد، تا ضمن دور کردن مردم از مناسبت‌های اسلامی، معارف و معاریف باستانی را جایگزین آن کنند.

توضیح اینکه پس از ورود اسلام به ایران، همواره در سراسر مملکت اسلامی، تاریخ هجری قمری مبنای فعالیت‌های دینی و غیردینی قرار می‌گرفت؛ هرچند گاهی توسط برخی دولت‌ها، تاریخ جایگزین قرار داده شد (رستمی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۶۹)؛ از جمله معتضد عباسی، با مشورت مؤبد عصر خود، سال شمسی معتضدی را بنا نهاد (بیرونی، ۱۳۸۰، ص ۳۸). ملک‌شاه سلجوقی نیز با کمک «عمر خیام»، تاریخ جلالی را تدوین کرد (تسوی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۴۳)؛ اما هیچ‌گاه دوام طولانی مدت نداشت و دوباره هجری قمری به عرصه اجتماع بازگشت. تغییر تاریخ از قمری به



شمسی، به خودی خود مشکلی ندارد؛ بلکه در برخی موارد، شمسی بر قمری رجحان دارد. برنامه‌ریزی برای امور کشاورزی، تدوین برنامه ادارات دولتی و تمایل با دنیایی که قریب به اتفاق آنها، بر مبنای سال شمسی کارهای خود را رتق و فتق می‌کنند، نیاز به تقویم شمسی داشت؛ اما هدف تغییردهندگان در ورای این امور، احیای باستان بود؛ زیرا ابتدا سال قمری را به شمسی تغییر دادند و پس از آن، هجری شمسی را به خورشیدی پادشاهی!

تقویم قمری، تا اواخر حکومت قاجار و نیز سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی دایر بود؛ تا اینکه در اوایل پهلوی، به شمسی تبدیل شد. البته در اواخر قاجار، برای نخستین مرتبه عبارت «هجری شمسی»، توسط منجمی به نام «عبدالغفار خان نجم‌الدوله» در سال ۱۳۰۴ق- ۱۲۶۶ش به زبان آورده شد. وی تقویمی شمسی تدوین کرد که مبنای آن، هجرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه، بر اساس سال شمسی بود (صیاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹-۱۱۸و۱۱۱).

این تقویم را در دوره دوم مجلس شواری ملی مصوب کردند و در ادارات دولتی به کار گرفتند. ۲۱ صفر سال ۱۳۲۹ قمری، مطابق با ۱ اسفند ۱۲۸۹ شمسی شد (همان، ص ۲۹). اسامی حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت (تهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۹۴)؛ یعنی واژه‌های عربی، از اول بهار چینش شد. در زمان احمد شاه نیز سید جلال‌الدین طهرانی تقویمی شمسی ابداع کرد و به احمدشاه تقدیم نمود و آن را «تاریخ احمدی» نامید. اسامی ماه‌های این تقویم، از اول فصل بهار عبارت بودند از: چمن‌آرا، گل‌آور، جان‌پرور، گرماخیز، آتش‌بیز، جهان‌بخش، دژم‌خوی، باران‌ریز، اندوهگین، سرماده، برف‌آور و مشکین‌فام که مورد اقبال واقع نشد (قاسملو، ۱۳۸۸، ص ۸۳۴).

در زمان پهلوی و در مجلس پنجم، جلسه صدویست و سوم روز سه‌شنبه ۲۷ حوت ۱۳۰۳ شمسی مطابق با ۲۱ شعبان ۱۳۴۲ قمری، اسامی عرب کنار گذاشته شد و اسامی فارسی جایگزین شد. علاوه بر چرخشی بودن ماه‌های قمری نسبت به فصول سال، بهانه اصلی این تغییر، تعامل با دنیا و روابط بین‌الملل بود. بنابراین، در دیگر کشورهای اسلامی از جمله: ترکیه، سوریه، لبنان و فلسطین، تاریخ میلادی که مبدأ آن میلاد حضرت مسیح صلی الله علیه و آله است، به کار گرفته شد؛ اما در ایران به دلیل حساسیت موضوع و تقریباً یکپارچگی مذهبی، وجود زعامت دینی تقریباً واحد، پیچیدن چنین نسخه‌ای امکان‌پذیر نبود؛ مگر اینکه به صورت پلکانی این تغییر را

دنبال کنند. بنابراین، مرحله اول آن، تبدیل قمری به شمسی بود؛ اما بر همان محوریت هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه بود.

اصل این پیشنهاد، توسط ارباب کیخسرو و شاهرخ با همکاری سید حسن تقی‌زاده و سید محمد تدین انجام پذیرفت. بر مبنای این پیشنهاد، نام‌های عربی از حمل، ثور و جورا، به فرودین تا اسفند تغییر یافت. به گفته آنها، کاربرد الفاظ باستانی باعث احیای سنت ملی می‌شد. استفاده دیگر کشورهای اسلامی از اسامی غیرعربی برای نامگذاری ماه‌ها، راه را برای آنها هموار کرد؛ زیرا می‌گفتند ما که از عرب عرب‌تر نیستیم. آنها نسبت به تغییر نام ماه‌های عربی، حساسیت نشان نمی‌دهند.

در این جلسه، شهید مدرس و نیز یکی از نمایندگان به نام شریعتمدار دامغانی، مخالفت کردند (تهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۹۲-۱۰۷)؛ اما مخالفتشان به جایی نرسید. یکی از نمایندگان دیگر مجلس به نام سید ابوالحسن حائری‌زاده، همان تقویم احمدی تدوین شده توسط جلال‌الدین طهرانی را پیشنهاد کرد؛ اما مورد پذیرش قرار نگرفت (مذاکرات، ۱۳۰۳). حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) که در آن زمان رئیس مجلس بود، این قانون را به دولت وقت اعلام کرد تا در ادارات دولتی اجرا شود.

مخالفت علما، حتی پس از تصویب، ادامه پیدا کرد. این قانون، اگر با حسن نیت تصویب می‌شد، چندان حساسیت برانگیز نبود؛ اما دو عامل باعث مقابله علما شد؛ دلیل اول، ایجاد گسل مذهبی که به تدریج فراموشی مناسبت‌های مذهبی را در پی داشت و دلیل دوم، این بود که بنیان‌گذاران، این تغییر را مقدمه تغییر به سالنامه شاهنشاهی می‌دانستند؛ اما به دلیل ترس از واکنش جامعه، قصد داشتند که آن را مرحله به مرحله انجام دهند و این، مرحله اول بود.

بنابراین، حتی پس از تصویب نیز مقابله علما پایان نیافت و علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی، کتاب رساله نوین را در پاسخ به این تغییر نوشت. در این کتاب، با بحث‌های تفسیری، روایی، فقهی و تاریخی، به اثبات برتری تقویم قمری پرداخت. ایشان با بیان آیات صریح در لزوم پابندی به تاریخ قمری و نیز مطابقت عبادات اسلامی با ماه‌های قمری، این تغییر را همان تفکیک دین از سیاست نامید و آن را توطئه دشمنان اسلام در ایجاد تفرقه بین مسلمانان دانست؛ زیرا از نظر ایشان، این تغییر موجب نسخ اسلام و برقراری فرهنگ غرب بود و از طرف

غرب‌گرایان حمایت می‌شد. از طرف دیگر، نامگذاری شش ماه به نام فرشتگان دین زرتشت، تبلیغ این دین و بالتبع تبلیغ باستان‌گرایی بود؛ اما ایشان در پایان مخالفت خویش، این تغییر را مقدمه‌ای برای مسئله دیگر عنوان می‌کند که همان تغییر به تقویم شاهنشاهی است (ر.ک: فصول کتاب رساله نوین).

### مرحله سوم: گسترش عمومی و مقابله آشکار با مظاهر اسلامی

#### یک. مخالفت با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله

آیین جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، به نام ایران و به کام دولت جعلی اسرائیل بود. رژیم پهلوی که مشروعیت خود را در بسط هرچه بیشتر باستان‌گرایی می‌دید، در سال ۱۳۵۰ش به برپایی آن مبادرت ورزید و این سال را «سال کوروش کبیر» نام نهاد. در حدود یک سال به تبلیغ این جشن پرداختند و علاوه بر کتاب‌ها و مجلات، حتی در دفترچه یادداشت دانش‌آموزان نیز آن را تبلیغ نمودند (مدنی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۹). بنا بر گزارشی، دولت پهلوی ۱۸۰ میلیون دلار، صرف برپایی این جشن‌ها کرد (بزم اهریمن، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۸۸؛ هیکل، ۱۳۶۶، ص ۱۷۳؛ ۱۳۷۱، ص ۳۴۹. منبع اخیر، به رقم ۲۰۰ میلیون دلار اشاره کرده). اسراف‌کاری تا جایی بود که فرح گفت: «من اصلاً نمی‌خواهم نام من کمترین ارتباطی با این مراسم وحشتناک داشته باشد» (طلوعی، ۱۳۷۴، ص ۷۱۴). شاه در توجیه این رفتار، آن را متعلق به عموم مردم ایران عنوان کرد؛ نه دربار (پهلوی، ۱۳۵۰، ص ۱).

به گفته فریدون هویدا، برادر نخست‌وزیر، از نظر شاه این جشن نوعی میعاد با تاریخ برای مردم ایران بود و تولد دوباره کشور محسوب می‌شد (هویدا، ۱۳۵۶، ص ۱۸۵). هویدا پرده از هدف اصلی شاه از این مراسم برداشته و ادامه می‌دهد: «او (شاه) می‌خواست از طریق پل زدن بین خود و پادشاهان باستانی ایران، به سلطنت خود جنبه وارثت بدهد. از اوایل سال ۱۳۸۱ق/۱۳۴۰ش، این فکر بر سر شاه افتاد که برای تثبیت پیوندش با سلاطین قبل از اسلام، به برگزاری مراسم پُر زرق و برقی نیاز دارد و بعد هم که در تدارک برگزاری جشن‌های دوهزاروپانصد ساله بر آمد، احساس می‌کرد که با برگزاری این مراسم خواهد توانست تداوم شاهنشاهی در طول تاریخ ایران را به نظر سران دنیا برساند و به تمام پادشاهان، رؤسای جمهورها و حکام جهان که توالی نوع حکومت امروزشان هرگز به دوران باستان نمی‌رسید، ثابت کند که پس از دوهزاروپانصد سال، محمدرضا پهلوی وارث برحق کوروش، بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران

است» (همان، ص ۱۱۹-۱۲۱). شاه با این اقدام، خود را وارث تاج و تخت کیانی عنوان می‌کرد و به نوعی از اتهام اینکه توسط غربی‌ها به تاج و تخت رسیده، می‌رهانید و می‌گفت:

«رژیم ایران، یک رژیم طبیعی است که از دوهزاروپانصد سال پیش تا کنون برای ما باقی مانده است. این رژیمی نیست که از خارج بر ایران تحمیل شده باشد» (پهلوی، ۱۳۵۰، ص ۳۶).

از همان آغاز طرح این بحث، مراجع، علما، روحانیون و مبلغان به مخالفت پرداختند. امام خمینی به دلیل تبلیغات هنگفت، فقر و مصیبت مردم، ماهیت غرب‌گرایی بودن و رویه اسلام‌زدائی، با این جشن مخالفت نمود (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۶۲) و آن را جشن‌های نامشروع نامید. آیت‌الله العظمی گلپایگانی در قم و آیت‌الله قمی در مشهد، به صراحت مخالفت خود را اعلام کردند (بزم اهریمن، ۱۳۷۷، ج ۱، ضمانم ۳۶). آیت‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی، این جشن را عداوت با اسلام، ترویج عقیده باطله آتش‌پرستی و زرتشتی‌گری دانست (فوزی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵). به دنبال این مخالفت‌ها، روحانیون نجف، اراک، اصفهان، بروجرد، تهران، بجنورد، خمین، خراسان، زنجان، سبزوار، سمنان، شیراز، قزوین، قوچان، قم، کاشان، کرمان، گلپایگان، گیلان، مازندران، نایین، همایون شهر، همدان و یزد، ابراز نگرانی کردند (روحانی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵۵۰-۵۵۱) و پس از آن بود که دیگر اқشار، از جمله دانشجویان، پا به عرصه مخالفت گذاشتند.

#### دو. مقابله با تغییر هجری شمسی به شاهنشاهی

پیش از این، در مورد تغییر تقویم از قمری به شمسی در زمان پهلوی اول، سخن رفت. پهلوی دوم نشان داد که حساسیت علما و مبلغان در سراسر کشور، در مقابل تغییر قمری به شمسی، بی‌دلیل نبود؛ چراکه مرحله بعدی این تبدیل، یعنی تغییر شمسی از هجری به شاهنشاهی، در زمان وی رقم خورد. بنا بر نظر برخی، رضاشاه نیز به هجری شمسی قانع نبود و در صدد بود تا تغییر اصلی را انجام دهد و حتی یکشنبه را به جای جمعه تعطیل اعلام کند که وقوع جنگ جهانی دوم و تبعید وی، مانع انجام این کار شد (مکی، ۱۳۷۰، ج ۶، ص ۱۷۳-۱۷۴ و ۲۷۸). زرتشتیان که وی را منجی خود می‌دانستند، پیشنهاد تغییر هجری قمری به شاهنشاهی را دادند (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۴۰).

محمد رضا شاه، کار ناتمام پدر را به اتمام رساند. او در شهریور سال ۱۳۹۵ق/۱۳۵۴ش به هنگام افتتاح مجلس بیست و چهارم، درخواست کرد تا فرهنگ ایرانی را از عوامل بیگانه‌ای که به این فرهنگ راه یافته نجات دهند (مدنی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۰۹). در همین سال، دو مجلس ملی و سنا برخی تغییرات را در دستور کار خود قرار دادند. جمشید آموزگار، رئیس حزب رستاخیر، طرحی ارائه کرد که از جمله مفاد آن، تغییر هجری به شاهنشاهی بود (بهنود، ۱۳۶۹، ص ۶۶۵). شجاع‌الدین شفا، معاون فرهنگی مطبوعاتی دربار، موظف به پی‌گیری آن شد. وی به کمک هادی هدایتی و خسرو بهروز (معاون سازمان برنامه و بودجه) و امیر متقی (معاون درباره شاهنشاهی)، در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۵۴ شمسی، تبلیغ و بسترسازی این مسئله را به عهده گرفته و بنا گذاشتند تا تقویم شمسی را بی‌اعتبار کرده و بگویند این تقویم، نه ملی است، نه مذهبی؛ بلکه در زمان خلافت المعتضد بالله عباسی پایه‌گذاری شده است! مذهبی هم نیست؛ زیرا هیچ کشور اسلامی محاسبات خود را طبق آن انجام نمی‌دهد (حسینیان، ۱۳۸۷، ص ۴۵۳). هدایتی، جلوس کوروش کبیر به سلطنت را به عنوان مبدأ تاریخ پیشنهاد داد که مورد قبول واقع شد. هویدا این پیشنهاد را به شاه عرضه نمود و پس از مدتی، نظر محمد رضا را این گونه بیان کرد:

«طرح هدایتی، یعنی مبدأ قرار دادن سال جلوس کوروش، مورد تصویب ذات اقدس ملوکانه قرار گرفت» (رستمی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۷۴).

تیترا خبر روزنامه اطلاعات مورخ یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۵۴ شماره ۱۴۹۵۹ بدین شرح است:

«امروز با تصویب یک قطعنامه تاریخی در جلسه مشترک مجلسین، تقویم و مبدأ تاریخ ایران تغییر کرد. نوروز آینده، سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی خواهد بود» (تهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۱۳).

تاریخ تاج‌گذاری کوروش، مشخص نیست. بنابراین، به صورت فرضی و به گونه‌ای محاسبه شد که سال ۱۳۶۰ق/۱۳۲۰ش، یعنی تاج‌گذاری محمد رضا شاه پایان ۲۵۰۰ سال شود. ۱۱۸۰ سال به هجری شمسی افزودند و سال ۱۳۵۴ هجری را ۲۵۳۴ شاهنشاهی اعلام کردند (رستمی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۸۴). این تغییر، در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۵۴ش هم‌زمان با سالروز ولادت رضا شاه، در مجلسین (شورای ملی و سنا) تصویب گردید و به صورت قانون اعلام شد و تمام سازمان‌ها ملزم به اجرای آن شدند (بهنود، ۱۳۶۹، ص ۶۶۵؛ ۱۳۷۹، ص ۲۹۵-۲۹۴). البته به دلیل اینکه آخر سال بود و تقویم سال ۱۳۵۵ شمسی نوشته شده بود، به‌ناچار عملاً از سال

۱۳۹۷/ق ۱۳۵۶ ش آغاز شد (رستمی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۷۵).

بسترسازی برای رساندن مخالفت‌ها به حداقل و نیز توجیه افکار عمومی، باعث شد تا ابتدا در همان مجلس، از شخصی مرتبط با بیوت علما به نام «وحیدی» که خودش نیز پیش از این در کسوت روحانیت بوده و اطلاعات دینی داشت، استفاده کردند. او که از نمایندگان مجلس بود، پشت تریبون رفت و ابتدا سعی کرد با ادله اربعه و تمسک به روایات ضعیف و نیز جعلی، اطاعت از پهلوی را امری مورد تأیید دین اسلام معرفی کند. نیز مقدمات دینی را کنار هم نهاد تا به پادشاه هویت دینی عطا کند و در ضمن، تاریخ شاهنشاهی را با آموزه‌های دینی سازگار جلوه دهد (تهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۱۶-۱۲۷).

کارشناسان مختلف، از جمله انجمن تاریخ‌نگاران را نیز به میدان آوردند. ابتدا سال قمری را به عنوان سال مذهبی، و سال شاهنشاهی را به عنوان سال ملی معرفی کردند. توسط رسانه‌های گروهی به صورت تدریجی مردم را آماده کردند و این تغییر را تکامل یافته نیت رضاشاه در تغییر قمری به شمسی اعلام نمودند (رستمی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۷۹-۱۸۲).

درباریان این تغییر را باعث احیای هویت ایرانی و معرفی تاریخ کهن ایران به غربی‌ها می‌دانستند (مازند، ۱۳۷۷، ص ۵۶۱؛ پهلوی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴). به عقیده برخی، اعزام جوانان به عنوان آموزگار به نقاط دوردست، در راستای تبلیغ این امر بود (مازند، ۱۳۷۷، ص ۵۶۱؛ پهلوی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴). برخی ملی‌گرایان نیز که به نظرشان سال هجری، چه قمری و چه شمسی، از مظاهر عربی است، از حامیان این تغییر شدند (موسوی تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۹-۳۳۰).

اما این تاریخ آن قدر نامأنوس بود که حتی شاه تا مدتی از تاریخ میلادی به جای آن استفاده می‌کرد (مازند، ۱۳۷۷، ص ۵۵۹). عجیب اینکه طبق این مصوبه، از تاج‌گذاری کوروش تا سال ۱۳۲۰ ش، ۲۵۰۰ سال می‌گذشت و این مطلب، در سال ۱۳۵۴ ش اعلام شده بود و حال آنکه در سال ۱۳۵۰ ش جشن ۲۵۰۰ سالگی تاج‌گذاری کوروش را برگزار کردند و کسی نپرسید این سی سال اختلاف، برای چیست و کدام درست است؟ (بهنود، ۱۳۶۹، ص ۶۶۶؛ منصور، ۱۳۷۹، ص ۲۹۵).

اما نکته اساسی مرتبط با این نوشتار، اهداف فرهنگی بود که پشت این قضیه خود را پنهان کرده بود؛ زیرا تنها یک روحیه ملی‌گرایی و یا وطن‌دوستی عادی منجر به این کار نشد؛ بلکه

اهداف بسیار پیچیده‌تری پشت این جریان خود را مخفی نموده بود. شاه خود می‌گوید: «برای احیای فرهنگ ایرانی با همه اصالت و زیبایی‌اش، باید راه‌هایی پیدا می‌شد؛ مثلاً مبنای تاریخ کشور را به آغاز دوران هخامنشیان بازگردانیدیم» (پهلوی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴).

به گفته احسان نراقی، او می‌خواست تا با نسبت دادن و مرتبط کردن خود به کوروش، از جهان عرب ممتاز گردد و مسلمان بودن ملت ایران را کم‌رنگ جلوه دهد (ر.ک: وبگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «تاریخ شاهنشاهی»، نشانی: [psri.ir/?id=oshllx94](http://psri.ir/?id=oshllx94)). مکالمات نمایندگان در روز تصویب این مصوبه نیز گواه این مدعاست. هوشنگ نهاوندی، تعیین مبدأ جدید برای تاریخ ایران را اساسی‌ترین قدم برای رسمیت دادن بر قومیت کهنسال ایرانی دانست. به نظر وی، تقویم جدید، یک تقویم صددرصد ایرانی و ملی و بازگوکننده تحول اصیل تاریخ پُرافتخار ماست.

در همان جلسه، یکی دیگر از حاضران به نام «فرهنگ مهر» که ریاست دانشگاه پهلوی شیراز را بر عهده داشت، عنوان می‌کند: ایران به صورت یک واحد مستقل و ملیت و به صورت یک گروه مشکل، با کوروش و سلسله هخامنشی به وجود آمد. به نظر هویدا، ایران کشوری است که تاریخ مدون و منظم دارد و اساس شاهنشاهی آن، از جلوس کوروش بزرگ تا به امروز دوام یافته است؛ به گفته وی، این چنین وضعی، چندان منطقی نبود؛ برای اینکه هیچ‌کدام از حوادث تاریخی، از جمله حمله عرب، تداوم تاریخ و استمرار شاهنشاهی ایران را برهم نزده است. وی می‌گوید: ما درحالی‌که آیین مقدس اسلام را پذیرفته‌ایم و بدان افتخار می‌کنیم، تاریخ و تمدن خودمان را نیز داشته‌ایم و داریم؛ تقویم مذهبی ما که مانند همه کشورهای اسلامی، از ماه محرم آغاز و به ماه ذی‌الحجه ختم می‌شود، جای خود دارد و تقویم ملی ما که از فرودین‌ماه شروع و به اسفند ختم می‌شود، جای خود را. آن، تقویم هجری است و این، تقویم شاهنشاهی؛ یکی، نماینده مذهب ماست و دیگری، نماینده قومیت ما. به نظر برخی، منظور از تغییر تاریخ، جدا کردن مذهب از ملیت و قومیت، تفکیک مذهب از سیاست و امور اجتماعی، رسمی کردن شعائر ملی و آداب و سنن جاهلی و به انزوا در آوردن آیین حق و سنت محمدی است (تهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۳۲-۱۳۰).

در هر دو مرحله این تغییر، افرادی که به صورت جدی فعالیت داشتند، تأمل برانگیزند. در

مرحله اول، ارباب کی خسرو شاهرخ زرتشتی، و در مرحله دوم، شجاع‌الدین شفا و نیز هدایتی. کی خسرو و شفا، شناخته‌شده‌اند و هادی هدایتی نیز روحیه باستان‌گرایی داشت و کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کرد که می‌توان از: کوروش کبیر، سیاست مذهبی کوروش و ترجمه تاریخ هردوت نام برد (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۷۴۶).

اما در واقع این عمل، نوعی اسلام‌زدائی به شمار می‌آید (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۲۹۴؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۷۱؛ همان، ج ۱۲، ص ۲۴) و علاوه بر اهانت به اسلام (فلسفی، ۱۳۷۶، ص ۴۰۶؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۲۴؛ نوری همدانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۴۳)، مقدمه‌ای بود بر تغییرات دیگر، از جمله تعطیلی یکشنبه به جای جمعه (حکیمی، بی‌تا، ص ۱۱۶). بنابراین، علما و مبلغان در مقابل آن ایستادند و به سخنرانی و ارشاد مردم پرداختند که باعث دستگیری و یا ممنوع‌المنبر شدن آنها شد (دوانی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۷۵). مراجع قم نیز به روش‌های مختلف اعتراض خود به این قانون را به دولت رساندند. حضرات آیات گلپایگانی و شریعتمداری، به این مسئله اعتراض کردند؛ اما نخست‌وزیر وقت، یعنی هویدا، مصاحبه‌ای کرد و گفت: مردم می‌توانند از دو تاریخ قمری و شاهنشاهی استفاده کنند؛ البته تاریخ قمری در ادارات، هیچ جایگاهی نداشت. آیت‌الله گلپایگانی نامه‌های به رؤسای مجلس شورای ملی و سنا نوشت و نیز درس را تعطیل کرد و طی سخنرانی به این کار اعتراض شدید نمود (مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۷۳). امام خمینی نیز طی حکمی، استعمال آن را بر عموم حرام و پشتیبانان آن را، ستمکار و ظالم عنوان کرد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۷۰-۱۷۲). برخی نیز از لحاظ علمی به نقد این سالنامه پرداختند (نوری همدانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۴۳؛ حکیمی، بی‌تا، ص ۱۱۶). برخی از روشنفکران نیز اعتراض کرده و علت اعتراض خویش را نبود افتخار در تاریخ شاهنشاهی می‌دانستند (سولیوان، ۱۳۷۵، ص ۳۴۴؛ حسینیان، ۱۳۸۳، ص ۴۱۷-۴۱۸).

این تاریخ که از نظر علمی، شرعی و عرفی، قابل قبول نبود، یک سال و نیم بیشتر دوام نیاورد؛ زیرا به دلیل اعتراضات پی‌درپی، ملغای اعلام شد (شوکران، ۱۳۸۱، ص ۳۵۰).

بالآخره، مخالفت علما نتیجه داد و در این مرحله، مردم به میدان آمدند و شاه و حامیان این تغییر را ناکام گذاشتند. سفیر وقت انگلستان در ایران، به نام «پازسونز»، تغییر تقویم را تقبیح کرد و آن را یکی از نامعقول‌ترین اقدامات شاه نامید که موجبات خشم و بدگمانی عناصر مذهبی را به



خود فراهم ساخت (سولیوان، ۱۳۷۵، ص ۵۰). رایزن سیاسی آمریکا در ایران نیز این امر را باعث اتحاد روحانیون، تجار و ثروتمندان تهران و شهرستانی دانست که یک نیروی متشکل آزاد تشکیل خواهند داد و می‌توانند به مبارزه واقعی دست بزنند (شوکران، ۱۳۸۱، ص ۳۵۰). «نیکی آر. کدی»، کارشناس تاریخ معاصر ایران نیز گفت: «شاه تقریباً همه مردم را مجاب کرد که هدفش کندن ریشه اسلامی است» (آرکدی، ۱۳۷۵، ص ۴۱۲). «پرواند آبراهامیان»، شاه را احمق خطاب کرد و مخدوش کردن تقویم مذهبی را کاری بی‌محابا توصیف نمود که کمتر رژیمی آن را انجام می‌دهد (آبراهامیان، ۱۳۷۹، ص ۴۰۷). احسان نراقی نیز این کار شاه را ضربه‌ای به حکومتش عنوان نمود.

### سه. کتاب دو قرن سکوت و خدمات متقابل اسلام و ایران

کتاب دو قرن سکوت نوشته دکتر زرین کوب، یکی از آثاری است که در دهه‌های اخیر سروصدایی زیادی ایجاد کرده و امروزه بسیاری از کسانی که بحث فتوحات و مسائل مرتبط با آن را مطرح می‌کنند، به این اثر استناد می‌نمایند و حال آنکه ضمن تجلیل از شخص دکتر زرین کوب، این اثر دارای نقاط ضعف فراوانی است.

او با تألیف کتاب دو قرن سکوت، در این مسیر قدم برداشت و کمک شایانی به سیر باستان‌گرایی و عرب‌ستیزی کرد که امروزه این کتاب، دستاویز اسلام‌ستیزان شده است. به گفته خود زرین کوب، چاپ اول این کتاب را در خامی یا تعصب نگاشته است؛ زیرا در آن روزگاران، چنان روح وی از شور و حماسه لبریز بوده که هرچه را پاک و حق و مینوی بود، از آن ایران می‌دانسته و هرچه را از آن ایران - ایران باستانی - نبود، زشت و پست و نادرست می‌شمرده است (زرین کوب، ۱۳۴۴ ش، ص ۳). این عباراتی است که زرین کوب در مقدمه چاپ دوم کتابش، نه پس از انقلاب اسلامی، بلکه پیش از آن در سال ۱۳۷۶ ق/ ۱۳۳۶ ش نگاشته است. او دو اثر دیگر تألیف نموده تا جبران خسارات دو قرن سکوت را بنماید.

بنابراین، در چاپ دوم تصحیحاتی انجام داد؛ اما باز مشکلات عدیده‌ای در آن دیده می‌شود؛ چراکه همان نگاه چاپ اول، البته تلطیف‌شده‌تر ادامه یافته است.

متأسفانه دو قرن سکوت، با تکیه بر گزارش‌های ضعیف و جعلی و گاه تلبیس آنان نگاشته شده است. اگرچه زرین کوب مردی دانشمند در علم تاریخ است، اما در دو قرن سکوت نتوانسته

بر احساسات خود غلبه کند.

او پس از پشیمانی از نگارش کتاب فوق، دست به تألیفات دیگری زد که با روش کتاب پیشین همخوانی نداشت. این آثار، به نام‌های بامداد اسلام و کارنامه همان‌طورکه از نامشان پیداست، در تأیید و مثبت دانستن اثر اسلام در ایران است. این دو کتاب نیز نه پس از انقلاب اسلامی، بلکه در زمان طاغوت تألیف شد؛ اما امروزه بیشتر به دو قرن سکوت استناد می‌شود و معمولاً برای اساتید و دانشجویان درگیر با بحث فتوحات، کتاب دو قرن سکوت نامی آشناست و حال آنکه خود نویسنده آن، از نوشتن چنین کتابی پشیمان شد؛ اما خوانندگان با کتاب کارنامه اسلام وی که بعد از دو قرن سکوت نگاشته شده، بیگانه‌اند.

پیام اول زرین کوب که همان محتوای دو قرن سکوت بود، به صورت گسترده توسط بوق‌های تبلیغاتی ضد اسلامی به دوردست‌ترین نقاط کشور مخبره شد و می‌شود؛ اما پیام دوم وی، یعنی تجدید نظر در محتوای این کتاب و تألیف دو کتاب دیگر که همسو با کتاب قبلی نیستند، توسط همان خبرگزاری‌ها بایکوت شد و زرین کوب نتوانست پیام دومش را به همه کسانی که تحت تأثیر پیام اولش بودند، برساند. بنابراین، همچنان وی با همان پیام اول شناخته می‌شود و هر جا بحث فتوحات است، نظر وی در دو قرن سکوت مطرح است.

شهید مطهری در مقابل تحریفات دو قرن سکوت دست به قلم شد و کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران را نگاشت (حق پرست، ۱۳۵۶، ص ۳۸-۴۱). خدمات متقابل، علاوه بر پاسخ اجمالی به دو قرن سکوت، در مقابل تفکر تقابل‌سازی بین تمدن ایران باستان و تمدن اسلامی که در صد سال گذشته روی آن تبلیغ فراوان شده بود، تعامل و خدمات متقابل این دو تمدن را بازگو می‌کند.

در فصل اول این کتاب، مفهوم ملیت را مورد بررسی قرار داد. در فصل دوم، به خدمات اسلام به ایران پرداخت و ضمن رد اجباری بودن اسلام ایرانیان، ادعای زرین کوب بر تحمیلی بودن اسلام را رد کرد. در فصل سوم، به خدمات ایرانیان به اسلام اشاره نمود و بیان کرد که ایرانیان بیش از هر قوم دیگری، ابتکار و استعداد‌های خود را در اختیار اسلام قرار دادند. سپس در بخش آخر، به صورت مستقیم، کتاب دو قرن سکوت را مورد نقد قرار می‌دهد.

## نتیجه

امروزه یکی از چالش‌های بزرگ اجتماعی، بحث باستان‌گرایی افراطی است که بسیاری طبقات مختلف جامعه را با خود درگیر کرده است. شبهات فراوانی از سوی جریان مذکور با ابزارها و ترفندهای گوناگون، در حال نشر است. این جریان، یک‌شبه به وجود نیامده و صد و اندی سال است که اختلاف‌افکنی بین اقشار جامعه ایران، تقابل‌سازی بین هویت ملی و هویت دینی، به جدّ از طرف غربی‌ها در ایران اشاعه می‌شود. کسانی که تفکرات غربی‌ها را در ایران دنبال می‌کردند، در مراحل مختلف به این امر اقدام کردند تا ذائقه ایرانی‌ها را به دین تغییر دهند.

در طول این مراحل، علما، مبلغان دینی و حوزویان، به مقابله و پاسخ به شبهات این جریان پرداختند که مطالعه شیوه مقابله‌ها، از ذکاوت خاصّ آنها حکایت می‌کند. ذکاوت و درایت به‌هنگام فرهیختگان این قشر در قالب‌های متفاوت بنا بر شرایط مختلف، الگویی برای حوزویان معاصر است.

متأسفانه، این جریان بیش‌ازپیش به پیشروی‌های خود در عرصه‌های فرهنگی ادامه داده و می‌دهد؛ اما در مقیاس پیشروی آنها، واکنش‌ها قابل دفاع نیست؛ مگر اینکه سیره علمای پیشین، در پاسخ انواع شبهات جریان‌های مختلف، سرمشق ما قرار گیرد.

## منابع

۱. آباهامیان، رواند، ۱۳۷۹ش، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: کاظم فیروزمند، چاپ سوم، تهران، مرکز.
۲. آخوندزاده، فتحعلی، ۱۳۵۷ش، الفبای جدید و مکتوبات، به کوشش: حمید محمدزاده، تبریز، نشر احیا.
۳. آدمیت، فریدون، ۱۳۶۳ش، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، دماوند.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۷ش، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، چاپ دوم، تهران، پیام.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۷ش، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران.
۶. آرکدی، نیکی، ۱۳۷۵ش، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. امام خمینی، ۱۳۷۹ش، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۱ش، صحیفه نور، ج ۱۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. امینی، تورج، ۱۳۸۰ش، اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران، تهران.
۱۰. جاوید، ایران، ۱۳۵۰ش، «قسمت‌هایی از نوشته‌ها و بیانات اعلی حضرت همایونی شاهنشاه آریامهر درباره تاریخ شاهنشاهی»، تمدن و فرهنگ ایران، نشریه کتابخانه پهلوی.
۱۱. بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷۶ش، علما و رژیم رضاشاه؛ نظری بر عملکرد سیاسی فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ش، تهران، عروج.
۱۲. بهار، محمدتقی، ۱۳۷۱ش، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، امیرکبیر.
۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۳۶ش، دیوان اشعار، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
۱۴. بهبودی، هدایت‌الله، ۱۳۸۵ش، روزشمار تاریخ ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۵. بهنود، مسعود، ۱۳۶۹ش، از سید ضیا تا بختیار، دولت‌های ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، چاپ دوم.
۱۶. بیرونی، ابوریحان، ۱۳۸۰ش، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة، محقق: پرویز ادکایی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.

۱۷. پارسی نژاد، ایرج، ۱۳۸۰ش، روشنگران ایرانی و نقد ادبی، چاپ اول، سخن.
۱۸. \_\_\_\_\_، «میرزا آقاخان کرمانی و صادق چوب»، مجله ایران‌شناسی، سال دوازدهم.
۱۹. پهلوی، محمدرضا، ۱۳۷۱ش، پاسخ به تاریخ، ترجمه: حسین ابوترابیان، چاپ ششم، تهران.
۲۰. تنوی، قاضی احمد، ۱۳۸۲ش، آصف خان قزوینی؛ تاریخ الفی، مصحح: غلامرضا مجد طباطبایی، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. تهرانی حسینی، سید محمدحسین، ۱۴۲۶ق، رساله نوین، مشهد، علامه طباطبایی.
۲۲. توکلی طرقی، ۱۳۸۲ش، تجدد بومی و بازانديشی تاریخ، تهران، نشر تاریخ ایران.
۲۳. جعفریان، رسول، ۱۳۹۶ش، پرسش‌های دینی مانکجی زرتشتی از محمدحسن سبزواری رودسرایی قاضی یزد و پاسخ‌های وی، مقالات و رسالات تاریخی، شماره چهارم.
۲۴. حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۷ش، انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها، چگونگی و چرایی (چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳ش، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۱۳۵۶-۱۳۴۳)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. حق‌پرست، حسین، ۱۳۵۶ش، «خدمات متقابل اسلام و ایران (معرفی و نقد)»، مجله نگین، ۳۰ آبان‌ماه، شماره ۱۵۰.
۲۷. حکمت، علی‌اصغر، ۱۳۵۵ش، سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، وحید.
۲۸. حکیمی، محمدرضا، بی‌تا، تفسیر آفتاب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. دوانی، علی، ۱۳۷۷ش، نهضت روحانیون ایران، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۰. راستگو، محمد سبحان، ۱۳۸۷ش، «بیکار شاعرانه در معرکه کشف حجاب»، زمانه، شماره ۷۵ و ۷۶.
۳۱. رستمی، فرهاد، ۱۳۸۲ش، پهلوی‌ها (خاندان پهلوی به روایت اسناد)، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۲. روحانی، سید حمید، ۱۳۷۲ش، نهضت امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۳. زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۳ش، تاریخ ایران پس از اسلام، تهران، امیرکبیر.

۳۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۴۴ش، دو قرن سکوت، چاپ سوم، تهران، انتشارات احمد علمی.
۳۵. سلیمی، علی اکبر، ۱۳۱۴ش، دیوان عشقی و شرح حال او، تهران، فره‌مند و اقبال علمی.
۳۶. سولیوان، ویلیام؛ پارسونز، سر آنتونی، ۱۳۷۵ش، خاطرات دو سفیر اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب ایران، مترجم: محمود طلوعی، تهران، علم.
۳۷. شاهرخ، ارباب، ۱۳۸۲ش، کی خسرو؛ خاطرات، به کوشش: غلام حسین میرزا صالح - شاهرخ شاهرخ -، راشنا رایتر، تهران، مازیار.
۳۸. شهردان، ۱۳۳۰یزدگردی، «فرزانگان زرتشتی»، تهران، نشریه سازمان جوانان زرتشتی.
۳۹. شوکراس، ویلیام، ۱۳۸۱ش، آخرین سفر شاه، ترجمه: عبدالرضا مهدوی، انتشارات پیکان.
۴۰. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، چاپ اول، تهران، ابن‌سینا.
۴۱. صفائی، ابراهیم، ۱۳۵۵ش، بنیادهای ملی در شهرداری رضاشاه کبیر، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
۴۲. صیاد، محمدرضا، ۱۳۷۵ش، «پیدایش و سیر تحول تقویم هجری شمسی»، میراث جاویدان، ویژه تاریخ علم در اسلام و ایران، سال ۴، شماره ۳ و ۴.
۴۳. ضرابی، عبدالرحیم، ۱۳۷۸ش، تاریخ کاشان، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.
۴۴. طلوعی، محمود، ۱۳۷۴ش، شاه در دادگاه تاریخ، تهران، نشر علم.
۴۵. عاقلی، باقر، ۱۳۸۰ش، شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر، نشرگفتار با همکاری نشر علم.
۴۶. فرصت‌الدوله شیرازی، محمدنصیر، ۱۳۷۷ش، آثار العجم، تصحیح: منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر.
۴۷. فشاهی، محمدرضا، ۱۳۵۴ش، تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، تهران، گوتنبرگ.
۴۸. فلاح‌زاده، سید حسین، ۱۳۹۱ش، رضاخان و توسعه ایران، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۹. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۶ش، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵۰. فوزی، یحیی، ۱۳۷۹ش، «رهبران مذهبی و مدنی‌اسیون در ایران در دوره پهلوی دوم»،

- فصلنامه متین، سال دوم، شماره ۹.
۵۱. قاسملو، فرید، ۱۳۸۸ش، تقویم و تقویم‌نگاری در ایران، تهران، کتاب مرجع.
۵۲. قدیمی قیداری، عباس، ۱۳۹۳ش، تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۵۳. قزوینی، محمد، بی‌تا، بیست مقاله، چاپ بمبئی هندوستان.
۵۴. کلهر، مهدی؛ تقی‌زاده، سید حسن، ۱۳۶۷ش، «باستان‌گرایی در تاریخ معاصر»، فصلنامه یاد، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ایران، شماره دوازدهم، سال سوم، پاییز.
۵۵. مازندی، یوسف، ۱۳۷۷ش، ایران ابرقدرت قرن، به کوشش: هوشنگ مهدوی، چاپ سوم، تهران، البرز.
۵۶. محسنی، مصطفی، ۱۳۹۷ش، اسلام دین جنگ یا صلح، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۵۷. مدنی، سید جلال‌الدین، ۱۳۶۱ش، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۸. مذاکرات جلسه ۱۴۸ دوره پنجم مجلس شورای ملی، یازدهم فروردین ۱۳۰۳.
۵۹. مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۱ش، آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، چاپ دوم.
۶۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷ش، بزم اهریمن؛ جشن‌های دوهزار پانصدساله شاهنشاهی به روایت ساواک، تهران.
۶۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵ش، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ سی‌ودوم، تهران، صدرا.
۶۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰ش، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا.
۶۳. مکی، حسین، ۱۳۷۰ش، تاریخ بیست‌ساله ایران، تهران، انتشارات علمی.
۶۴. ملایری، محمدمهدی، ۱۳۷۹ش، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، چاپ اول، تهران، توس.
۶۵. منزوی، احمد، ۱۳۸۲ش، فهرست کتاب‌های فارسی، چاپ دوم، تهران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۶۶. منصوری، جواد، ۱۳۷۹ش، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، چاپ سوم، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

۶۷. موسوی تبریزی، حسین، ۱۳۸۴، خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی، دفتر اول، تهران، عروج.
۶۸. نجاتی، غلامرضا، ۱۳۷۱ش، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، از کودتا تا انقلاب، تهران، نشر رسا.
۶۹. نوری همدانی، حسین، ۱۳۸۳ش، اسلام مجسم علمای بزرگ اسلام، چاپ چهارم، انتشارات مهدی موعود علیه السلام.
۷۰. وبگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «تاریخ شاهنشاهی»، نشانی:  
<https://psri.ir/?id=oshllx94>
۷۱. هاشمیان، هادی، «استفتائات مانکجی پور لیمجی از آیه الله شیخ مرتضی انصاری»، پیام بهارستان، ۲د، س ۲، ش ۷، بهار ۱۳۸۹ش.
۷۲. هویدا، فریدون، سقوط شاه، ترجمه ح.ا. مهران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۵۶ش.
۷۳. هیکل، محمد حسنین، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۶۶ش.